

مقدمه

بحث اردو و اردوداری در مسائل تربیتی بسیار اهمیت دارد به طوری که بعضی از کارشناسان صدها ساعت کلاس درس را با یک ساعت یا یک روز اردو مقایسه کرده‌اند؛ یعنی تأثیر اردو در مسائل تربیتی خیلی بیش‌تر از تدریس، کلاس و کارگاه‌های آموزشی است. در این کتاب سه فصل مورد بحث قرار می‌گیرد.

فصل اول: کلیات اردو

فصل دوم: فعالیت‌های اجرایی روزانه اردو

فصل سوم: فعالیت‌های برنامه ریزی و فرهنگی

تفکیک این مطلب برای تفهیم است، یعنی مسائل مربوط به اردو را جدا کردیم تا ضمن تبیین موضوع شرایط و موارد یک اردوی موفق را یادآور شویم.

فصل اول

کلیات اردوداری

۱. تعریف اردو

اردو در لغت به معنای یک حرکت گروهی است. این کلمه در اصل ترکی مغولی است. و در اصطلاح به گروهی از سپاهیان می‌گویند که به مکانی با لوازم سفر آسان اعزام شده‌اند.

۲. تاریخچه اردو

تاریخچه اردو به زمان سلطان محمود غزنوی برمی‌گردد. در آن زمان، لشکر ایرانیان، ترکان و هندیان با هم زندگی می‌کردند و زبانشان ترکیبی از زبان این سه قوم بود که اصطلاحاً زبان اردو خوانده می‌شد. بعدها از این واژه در فرهنگ ایرانی، به معنای اطراق کردن و ساکن شدن در جایی به طور موقت

اردو

استفاده شد. در بعضی از فیلم‌های قدیمی می‌گویند این‌جا اردو می‌زنیم یا اطراق می‌کنیم. اگر گروهی را به منظور خاصی به جایی اعزام کردیم، حتی اگر مدت سکونتشان کوتاه باشد اردو به شمار می‌آید. می‌گوییم. این واژه در فرهنگ قدیم بیش‌تر استفاده می‌شده است. در تعریف اصطلاحی اردو از جمله «لوازم سفر آسان» استفاده می‌کنیم که اردو با کارهای آسان، لوازم و وسایل آسان همراه است. اگر همراه یا تجمّلات باشد، ادو نیست؛ چون هدف تربیتی اردو این است که انسان با سختی‌ها و مشکلات آشنا شود، البته سختی به این معنا نیست که بچه‌ها را به منطقه‌ای ببریم که پشه بدنشان را زخمی کند و تاول بزند و... بلکه هدف، جدا کردن دانش‌آموز از جایی به نام خانواده و ایجاد تجربه زندگی مستقل است. البته فکر کردن به صورت مستقل و اجتماعی عمل کردن؛ با توجه به این نکته که در برخی خانواده‌ها، پسر یا دختر بزرگ حاکم است و حرف، حرف اوست. در اردو یاد می‌گیرد، اجتماعی زندگی کند؛ یعنی دور از خانواده، دور از پدر و نوازش‌های مادر، تا بتوانیم به صورت گروهی با دیگران رابطه منطقی داشته باشیم. چند نکته در اصطلاح اردو هست که باید به آن‌ها توجه کنیم:

۱. اردو گروهی است؛ چون سفر جمعی با خانواده، سفر گروهی محسوب نمی‌شود؛

۲. در اردو افراد برای هدف مشخص اعزام شده‌اند،

۳. اسباب و لوازم این نوع سفر، آسان و بدون تجمّلات است.

عوامل هجرت و مسافرت

هجرت و مسافرت سه عامل دارد:

۱. پیدایش تمدن‌های بشری

در قدیم سفرهای فردی و خانوادگی خیلی کم بود، به همین دلیل بیش‌تر سفرها برای جنگ یا هجرت‌های خاص بود که تحت عنوان اردو و به صورت گروهی انجام می‌شد. به طور معمول، افراد در شهر یا روستا زندگی می‌کردند و از اطراف‌شان خبر نداشتند؛ بنابراین ارتباط و رفت و آمد کم‌تری داشتند. در حقیقت، اردو در تاریخچه زندگی انسان، باعث پیدایش تمدن‌های بشری شده است. شهرها به قدری محدود بود که گاهی اوقات سه یا چهار شهر امروزی به عنوان یک شهر دیروز شناخته می‌شد؛ به عنوان مثال، بخش عمده‌ای از ایران، افغانستان و پاکستان را خراسان می‌گفتند، اما امروز وقتی می‌گوییم خراسان یعنی یک استان که تبدیل به سه استان شد. توسعه جمعیت و کوچ انسان از یک منطقه به منطقه دیگر باعث گسترش شهرها و شکل‌گیری تمدن‌های بشری در مناطق گوناگون شده است.

۲. حفظ نسل انسان - طوفان، سیل، رعد و برق و سایر حوادث طبیعی باعث هجرت انسان از محل سکونت خود به منطقه دیگر می‌شد؛ این نوع مهاجرت باعث تداوم نسل انسان و جلوگیری از به خطر افتادن حیات بشری شد.

۳. حفظ دین - در تاریخ ادیان گوناگون مسافرت‌هایی به منظور حفظ دین انجام شده است. به عنوان مثال هجرت انسان‌های پاک برای حفظ دین همانند جعفر طیار و جمعی از مسلمانان.

اردو و سفر در قرآن

اگر مبحث اردو و مسافرت را در قرآن بررسی کنیم به واژه‌هایی می‌رسیم که ریشه آن‌ها مربوط به همین بحث است:

اردو

۱. **هجرت** - لفظی است که دقیقاً به معنای سفر و جابه جایی از منطقه‌ای به منطقه دیگر است.

۲. **نظر** - یعنی نگاه کردن که با دیدن فرق می‌کند، منظور قرآن تعمق بیش‌تر در نگاه است؛ وقتی به فضای باغ نگاه می‌کنیم ممکن است جزئیات باغ را نبینیم، ولی اگر با دقت و تأمل بنگریم برگ درختان و لانه مورچگان را نیز می‌بینیم. وقتی جلوی آینه می‌ایستیم، گاهی خود آینه را می‌بینیم و گاهی تصویر خود را در آن می‌بینیم. وقتی تصویر خود را می‌بینیم دیگر آینه را نمی‌بینیم، اگر به خود آینه نگاه کنیم، دیگر متوجه تصویر خود نیستیم. این معنای تعمق است.

۳. **واژه سفر و نفر و رج و زمان**. ارتباط این واژه‌ها با بحث اردو به نگاه کردن در تاریخ، طبیعت و هستی (جهانی که در آن زندگی می‌کنیم) برمی‌گردد.

۴. **سیر و سفر**:

همان‌طور که می‌دانیم در قرآن بارها بر سیر و سیاحت تأکید شده است. مسافرت کردن از منطقه‌ای به منطقه دیگر که باعث پختگی انسان می‌شود. بسیار سفر باید تا پخته شود خامی صوفی نشود صافی تا در نکشد جامی^۱ و وقتی کسی را از جایی به جای دیگر منتقل می‌کنیم یا خودش مسافرت می‌کند، خیلی چیزها می‌بیند. اگر دقت کرده باشید، در سفر از شهری به شهر دیگر، با وسیله نقلیه‌ای غیر از ماشین، مثلاً با هواپیما که زمان سفر خیلی کوتاه می‌شود، تغییر و تحولات را سریع و ناگهانی حس می‌کنیم. مثل احساس خفگی. در مناطق شرجی تغییر آب و هوا خیلی سریع حتی در روحیه اثر می‌گذارد؛ یعنی اگر مسیر بین راه را هم در نظر نگیریم (چرا که در سفر با ماشین یا دیگر

۱- سعدی، ش ۵۹۷.

وسایل نقلیه زمینی تغییرات را آرام آرام احساس می‌کنیم) وقتی وارد فضا و محل جدیدی می‌شویم، آب و هوا، مکان، محیط و حتی لهجه کم‌کم بر روحیه ما تأثیر می‌گذارد و ذهنیتی خاص و جدید نسبت به آن شهر در ذهن‌مان شکل می‌گیرد. در قرآن کریم سوره نساء آمده است:

إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا (۹۷)

چرا کسانی که از محل سکونتشان به جایی سفر کرده‌اند تا علم دین را بیاموزند به محل خود باز نمی‌گردند تا چیزهایی را که یاد گرفته‌اند، به دیگران آموزش دهند. سفر در این جا یعنی «رجع»؛ رجع معادل دوم همین مفهوم است. توجه به زمان هم می‌تواند به انسان کمک کند و انسان را به یک سری مفاهیم مهم تربیتی برساند. در این آیه آمده است: *إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ*^۲ «ما در زمین مستضعف بودیم»، در این جا منظور از مستضعف، مستضعف فکری است؛ یعنی ما جاهل بودیم و به ما اطلاعات نمی‌رسید. خدا به ملائکه و پیامبر می‌فرماید که به این‌ها بگو: *كَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا* «آیا زمین خدا پهناور و گسترده نبود که در آن مهاجرت کنید.» یعنی آیا شما امکان مهاجرت نداشتید و نمی‌توانستید از آن جایی که هستید به جای دیگر سفر کنید؟ در بحث احکام، عنوان جاهل قاصر و مقصر داریم، جاهل مقصر به کسی می‌گویند که توانایی کسب اطلاعات را داشته، اما به دنبال آن نرفته است؛ جهل این فرد قابل

۲- سوره مبارکه نساء، آیه ۹۷.

اردو

پذیرش نیست، چون امکان یادگیری داشته است، اما کسی که امکان یادگیری نداشته (جاهل قاصر) قابل بخشش است؛ بنابراین، می توان از آیه این نتیجه را هم گرفت که برای حفظ دین، برای حفظ نسل و برای پیدایش تمدن ها وظیفه داریم هجرت کنیم.

- سیر و سیاحت سفر در قرآن

خداوند متعال در مورد سفر، سیر و سیاحت در قرآن به موضوعات ذیل اشاره کرده است

۱. تفکر در اسرار خلقت و نشانه های آن

یکی از فواید سفر در قرآن، تفکر در اسرار خلقت و نشانه های آن ذکر شده است:

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ
إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ^۳

در واقع خداوند می خواهد ما را به این نکته راهنمایی کند که همین طور که ما خلقت را آغاز کردیم عالم آخرت را هم دوباره خلق می کنیم، پس بروید و روی زمین بگردید و شگفتی های آفرینش را ببینید تا با اسرار خلقت آشنا شوید.

۲. شنیدن حقیقت و درک آن

أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُون لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا
فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَلَا كُن تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ^۴

^۳ - عنكبوت آیه (۲۰)

^۴ - سوره آیه (۴۶)

یکی از فواید سفر این است که در سفر حقایق را می‌شنویم و می‌بینیم و با آن‌ها آشنا می‌شویم.

این‌جا منظور گوش معنوی و گوش حسی است. فرض کنید وقتی به تخت جمشید نگاه می‌کنیم به چند موضوع دیگر هم فکر می‌کنیم. نظیر: چه زحمتهایی کشیده شده است، چه ظلم و ستم‌هایی بر کارگران آن ساختمان وارد شده است؟، عمر انسان زود گذر است و دنیا فانی است. در واقع این‌ها را باید بشنویم. انسان این‌ها را باید با عقل و اندیشه درک کند.

۳. عبرت آموختن از عاقبت کار ستم‌گران

عبرت آموزی از عاقبت ستم‌کاران یکی دیگر از فواید سفر است.

أَوْ لَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ كَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُعْجِزَهُ مِنْ شَيْءٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَ لَا فِي الْأَرْضِ إِنَّهُ كَانَ عَلِيمًا قَدِيرًا / فاطر آیه (۴۴)

درسی که این آیه به ما می‌دهد، این است که انسان‌هایی ستم‌گر و قدرتمند بوده‌اند، اما امروز نه در زمین و نه در آسمان آثاری از آن‌ها وجود ندارد. پس شما هم دقت کنید که روزی نخواهید بود. وقتی از یک مرکز باستانی دیدن می‌کنیم، در و دیواری که امروز ساکت و خاموش هستند به ما می‌گویند، ممکن است روزی بیاید که شما هم حضور نداشته باشید پس به فکر آینده باشید.

۴. آشنایی با سرانجام تکذیب‌کنندگان و وعده‌های خدا

فایده دیگر سفر از دیدگاه قرآن‌کریم، سفر برای آشنایی با سرانجام تکذیب‌کنندگان و وعده‌های خدا است که مشابه آیه قبل است.

اردو

قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ
الْمُكْذِبِينَ / آل عمران آیه (۱۳۷)

در این آیه، خداوند بر سرانجام تکذیب‌کنندگان تاکید می‌کند و منظور از «سیرو» امر به تعمق و اندیشه و در نتیجه آگاهی از سرگذشت دیگران است. در اردو و سفر می‌خواهیم دانش‌آموزان را با گذشته، حال و آینده آشنا کنیم. این آشنایی به آن‌ها کمک می‌کند درباره آینده بهتر فکر کنند و در نتیجه بهتر زندگی کنند.

نمونه‌هایی از هجرت

هجرت‌هایی در تاریخ رخ داده است که در تمدن و زندگی بشر نقش داشته است.

۱- هجرت حضرت ابراهیم

که باعث تغییر قبله از بیت المقدس به کعبه شد.

۲- هجرت اصحاب کهف

نمونه دیگر از هجرت تاریخی، هجرت اصحاب کهف از شهر و ماندگاری در تاریخ با خواب به خاطر فرار از ظلم پادشاه ستم‌گر است. در واقع آنان سفر زمانی می‌کنند؛ یعنی از نظر مکانی، شاید فاصله آن‌ها تا شهر کم بود، اما هجرت‌شان زمانی است، یعنی ۳۰۹ سال به خواب می‌روند^۵ و در آن شهر زندگی نمی‌کنند و این خواب باعث می‌شود در تاریخ زنده بمانند.

^۵ - سوره کهف آیه ۲۵.

۳- رفتن حضرت موسی(ع) به مدین و دیدار با شعیب(ع)

سفر حضرت موسی به مدین و دیدارش با حضرت شعیب(ع) نیز سفری تاریخی است. آشنایی حضرت موسی(ع) با دختران شعیب و کمک به آنها^۶ باعث شد موسی(ع) با حضرت شعیب(ع)، آشنا شود و با یکی از دختران او ازدواج کند. این آشنایی و ازدواج ثمره مهاجرت بود.

۴- طبابت دوره گردی حضرت عیسی(ع) و دعوت به دین

نمونه دیگر از سفرهای تاریخی، طبابت حضرت عیسی(ع) در سفر است؛ او به شهرهای گوناگون می‌رفت و طبابت می‌کرد و از قدرتی که خدا در دست، زبان و نگاهش قرار داده بود، برای شفای بیماران استفاده می‌کرد. حضرت عیسی(ع) طبابت روحی هم می‌کرد و در واقع پیامبری مثل سایر پیامبران بود.

۵- هجرت و مسافرت امامان معصوم(ع)

هجرت حضرت علی(ع) از مدینه به کوفه، حرکت امام حسین(ع) از مدینه به کربلا، سفر اسارتی امام سجاد(ع) به همراه حضرت زینب(س) و رساندن پیام عاشورا، هجرت و سفر تاریخی امام کاظم(ع) و امام عسکری(ع)، هم‌چنین سفر تاریخی و سرنوشت ساز امام رضا(ع) که برای ما ایرانیان باعث افتخار و سرفرازی شد و همه سفرهای معنوی و تبلیغی که توسط امامان معصوم صورت گرفته است در هدایت و تربیت انسان‌ها نقش بسزایی داشته است که بررسی هر کدام نیازمند فرصتی جداگانه است.

تبعید و هجرت امام خمینی(ره)

^۶ - سوره قصص آیه ۲۵

اردو

هجرت امام خمینی(ره) طی ۱۵ سال از شهری به شهر دیگر و کشوری به کشور دیگر نیز سفری تاریخی است. هجرت امام(ره) باعث شد انقلاب به پیروزی برسد و مردم بیدار شوند و این بیداری کمک کرد که مردم به رشد فکری کامل برسند و با ظلم شاه مقابله کنند و نظام جدیدی را تشکیل بدهند. در واقع، هجرت ناخواسته نیز می‌تواند در تربیت انسان‌ها تأثیرگذار باشد. هنگام تبعید از حضرت امام پرسیدند با چه سربازانی با شاه مبارزه می‌کنید، فرمود: «سربازان من داخل گهواره شیر می‌خورند.» امام با هجرت و مسافرتش، سربازانش را هم تربیت کرد؛ کودکان شیرخواره‌ای که در آغوش مادرها بودند و پرورش یافتند و سربازان امام شدند، ۱۷ سال بعد وقتی جنگ تحمیلی بر کشورمان تحمیل شد، نوجوانان ۱۷ ساله در جبهه‌ها جنگیدند و پیروز شدند و انقلاب را به نوعی به پیروزی کامل تر رساندند.

امر به هجرت برای یادگیری و تبلیغ دین

آیاتی که در قرآن به موضوع هجرت اشاره کرده است، کم نیست. قرآن به عنوان برنامه کامل زندگی در قالب‌های گوناگون از جمله ماجراهای تاریخی، قصه و... به ارائه ظریف‌ترین و دقیق‌ترین نکات برای عبرت گرفتن و تربیت انسان می‌پردازد. پس اردو صرفاً یک مسافرت تفریحی یا نظامی نیست، اگر چه تفریحی یا نظامی باشد. از قدیم گفته‌اند: «اگر می‌خواهی کسی را بشناسی با او همسفر شو» چون در مسافرت افراد ژست عادی و خودآگاه خود را کنار می‌گذارند و این شرایط غیر عادی کمک می‌کند، انسان درونش را بیرون بریزد و درون دانش‌آموز چیزی است که مربی به آن نیاز دارد؛ یعنی اگر با یک نفر می‌خواهید واقعاً دوست باشید، در مسافرت با بسیاری از مسائل اخلاقی،

روحی و رفتاری او آشنا می‌شوید. بنابراین باید به اهمیت و نقش اردو در تربیت دقت کرد.

شباهت دنیا و اردو^۷

اردو و دنیا شبیه به هم هستند. شباهت‌های این دو عبارتند از:

۱. در دنیا، تولد و وفات داریم، در اردو هم این‌ها را داریم. تولد در اردو، افتتاحیه یا جشن آغاز و شروع اردو است. برای انسان‌های خوب جشن پایانی هم داریم؛ می‌گویند: «وقتی نوزادی به دنیا می‌آید، گریه می‌کند و همه خوشحالند» دانش‌آموزانی که وارد اردوگاه می‌شوند به نوعی نسبت به اردوگاه ابهام دارند؛ مربیان را نمی‌شناسند، محیط اردوگاه را نمی‌شناسند و نگرانند. می‌گویند کاری کنید که وقتی از دنیا می‌روید، دیگران گریان باشند و شما خندان. و این اتفاق معمولاً در اردو رخ می‌دهد. مربیانی که با بچه‌ها به خوبی ارتباط صمیمی و عاطفی برقرار نکنند، در پایان اردو بچه‌ها از بازگشت به خانه خوشحالند، ولی مربیانی که در برقراری ارتباط صمیمی با بچه‌ها موفق بوده‌اند، دانش‌آموزان در پایان اردو معمولاً ناراحت هستند.

۲. دیدگاه گوناگون

در اردو، آدم دیدگاه‌های گوناگون را می‌بیند؛ در دنیا هم دیدگاه‌های گوناگون را می‌بینیم. اگر بتوانیم اردو را از جهت برنامه، رفتار و مکان خوب طراحی کنیم، می‌توانیم تجربه هفتاد سال را به بچه‌هایی که تا به حال فقط در خانواده، مدرسه و شهر خودشان بوده‌اند، منتقل کنیم. گاهی اوقات بچه‌های شهرهای

^۷ - برداشت آزاد از مقاله «دنیا و اردو» اثر حجت الاسلام جواد محدثی.

اردو

گونگون، در محل مشترکی قرار می‌گیرند که خود باعث انتقال لهجه‌ها و فرهنگ‌های مختلف می‌شود.

۳. دل بستن و دل‌کندن

در دوران کودکی به اسباب بازی، در نوجوانی به دوچرخه و رایانه، در جوانی به دانشگاه و تحصیلات، کار و حقوق و کم‌کم زن و بچه و ماشین و پست و مقام دل می‌بندیم. وقتی می‌خواهیم از این دنیا برویم باید از همه این‌ها دل بکنیم. در اردو نیز در واقع وارد فضایی جدید می‌شویم، به آن دل می‌بندیم و سرانجام باید دل بکنیم. در اردو یاد می‌گیریم که به هر چیزی دل نبندیم؛ چه فرقی می‌کند که کجای کلبه بخوابیم، این جا یا آن جا، در هر حالت همه بعد از پایان اردو باید از این کلبه و اردوگاه برویم. در واقع، دل‌کندن در پایان اردو برای شرکت‌کنندگان، درس است.

۴. غفلت از هدف

ما برای تکامل وارد دنیا شدیم، برای عبادت؛ اما در دنیا دچار دل‌بستگی‌هایی می‌شویم که باعث می‌شوند از هدف اصلی دور شویم. در اردو بچه‌ها برای تربیت، تفریح و استفاده از فضا و طبیعت وارد اردوگاه می‌شوند، اما گاهی اوقات، به خاطر مسائل خیلی ساده هدف را فراموش می‌کنند.

۵. پایان ناگهانی

پایان ناگهانی معمولاً پایان عمر است؛ می‌گویند طوری زندگی کن که حس کنی هر لحظه ممکن است مرگت فرا رسد و امیدوار باش که صدها سال در این دنیا زندگی می‌کنی^۱. این نکته در اردو هم هست؛ انسان سرگرم تفریح،

^۱ - امام علی(ع): عشق فی الدنيا ...

خوشی، گردش و مسابقه می‌شود ناگهان می‌بیند که روز پایان اردو فرارسیده است.

۶. جاذبه‌های مزاحم

در اردو جاذبه‌هایی وجود دارد که مزاحم و مانع رسیدن به هدف مورد نظر است. در دنیا هم همین‌طور است. همان موانعی که موجب غفلت از هدف می‌شوند؛ بازیگوشی، شیطنت، بدجنسی، بداخلاقی، کینه‌توزی و...

۷. بال نه، وبال

اردو باید برای ما بال باشد نه وبال؛ یعنی فرصت اردو به ما کمک کند تا بال بزنیم و به کمال، معنویت، ترقی، رشد، پیشرفت و در واقع شکوفایی استعدادهایمان برسیم، نه این‌که اردو برای ما وبال باشد و ما را سنگین و از هدف دور کند.

۸. لذت یا حسرت؟

اردو برای لذت بردن است نه برای حسرت خوردن به دیگران. بنابراین، در اردو ساخته شدن، کسب تجربه، فرهنگ، تفریح، خودشناسی، مردم‌شناسی، بالا بردن اعتماد به نفس، فداکاری، کار گروهی و استقلال طلبی را یاد می‌گیریم. دنیا هم همین ویژگی‌ها را دارد که ما از آن غافل هستیم. اردو فرصتی است برای ساخته شدن و تربیت و در آن:

از فرهنگ و زبان و آداب دیگران آگاه می‌شویم. سیاحت، جهانگردی، ایران‌گردی و تفریح علمی می‌کنیم. خودشناسی و مردم‌شناسی، تقویت می‌شود.

اردو

از اهداف و ویژگی‌هایی که در دنیا و اردو هست نباید غافل بمانیم. پس بیائیم از دنیا، اردویی بسازیم برای رشد خصلت‌های پاک و فدا کردن خود در راه خدا. خوشا آنانکه از این مرحله، برای مرحله بعد، «ره توشه» برگیرند. انشاءالله خداوند به ما توفیق دهد که تربیت را خوب یاد بگیریم و نسل خوبی را تربیت کنیم و تحویل جامعه دهیم.

انگیزه های اردو

از اردو چه می خواهیم؟

۱. جستجوگری و کنکاش

جستجو و کنکاش اولین گزینه‌ای است که در اردو باید ایجاد شود. باید زمینه‌ای فراهم شود، تا بچه‌ها فرصت کنند در طبیعت، در فکر و در رفتارهایی که قبلاً انجام داده‌اند و برخوردهایی که قبلاً داشته‌اند، جستجو و کنکاش کنند. بچه‌ها دارای روحیه کنجکاو هستند، معمولاً از سنینی که زبان باز می‌کنند دنبال کشف دنیای اطرافشان هستند. دورانی در تربیت هست که به آن دوران چرایی می‌گویند؛ همان دورانی که بچه‌ها مدام درباره چرایی و چگونگی چیزهای اطرافشان سوال می‌کنند؛ مثلاً می‌پرسند: چرا بخاری این‌گونه است؟ چرا آب را در قابلمه ریختی؟ دوران چرایی مربوط به دوران دوساله است که کودک داخل خانه است. این جستجوگری تا آخر عمر با انسان همراه است، اما هر بار پرسش و گزینه‌هایش فرق می‌کند، موضوعی که می‌خواهد یاد بگیرد متفاوت است. به هر صورت انسان این ویژگی را همیشه و همه جا با خود دارد.

۲. دست یابی به یافته‌های نو

چیزهای جدیدی که بچه‌ها آن‌ها را یاد می‌گیرند. اگر اردویی داشتیم که بچه‌ها به چیز جدیدی نرسیدند، باید در شیوه برگزاری دقت و تجدید نظر کنیم.

۳. نشاط یافتن و لذت بردن

بچه‌ها باید از حضور در اردو لذت ببرند و همواره باید شاد و با نشاط باشند. شادی فقط دست زدن و هیاهو کشیدن نیست. گاهی اوقات از رفتار و برخورد

اردو

مربیان احساس لذت می‌کنند. یعنی لذت‌های معنوی را با لذت‌های مادی تجربه می‌کنند.

۴. تنوع طلبی و رهایی از یکنواختی

زندگی ماشینی امروزی خیلی یکنواخت شده است، هر چند برای بچه‌ها و دانش‌آموزان لحظه لحظه زندگی تنوع دارد، اما محیط، زمان، مکان و آدم‌هایی که اطرافشان هستند می‌تواند شرایط زندگی آن‌ها را یکنواخت کنند. با تغییر محیط و شرایط زندگی، زندگی بچه‌ها عوض می‌شود و تنوع پیدا می‌کند. خداوند در هستی، در زمان و در مکان تنوع قرار داده و این تنوع باعث می‌شود ما به نشاط برسیم؛ مثلاً شما در زمان دقت کنید، تنوعی که خداوند متعال در زمان قرار داده چه طور است؟ شبانه روز ۲۴ ساعت است که هیچ ساعتی از آن مثل ساعت دیگر نیست؛ ساعت ۵/۱۵ صبح با ۵/۳۰ صبح فرق می‌کند، ۵/۳۰ با ۶/۳۰ متفاوت است، همین ساعت در ابتدای روز با همان ساعت در پایان روز متفاوت است. شب را خداوند برای آرامش قرار داده است.^۹ در اردو باید فضای دیگری به وجود بیاوریم تا بچه‌ها از یکنواختی بیرون بیایند.

۵. تجربه اندوزی و پختگی

در اردو تجربه‌های جدیدی پیدا می‌شود. در سفرهای جدیدی که به اردو می‌آیند پختگی‌هایی در آن‌ها ایجاد می‌شود که این پختگی‌ها کمک می‌کند برای زندگی در اجتماع آماده‌تر شوند. اردو یک دنیا تجربه و میدان آموختن است که لحظه لحظه آن می‌تواند اثرگذار باشد.

^۹ - فَالْقُلُوبُ الْبَاصِحَاتُ وَ جَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا وَ الشَّمْسُ وَ الْقَمَرَ حَسْبَانَا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ . سورة انعام آیه (۹۶)

۶. حقیقت یابی و روشن بینی

شرکت کنندگان در اردو باید به یک عمق فکری برسند، یعنی فضا را طوری برای آن‌ها طراحی کنیم که با حقیقت آشنا شوند، اگر کار اشتباهی کردند دقیقاً نتیجه آن را ببینند، اگر کار خوبی کردند نتیجه آن را ببینند. باید از قبل بر روی تمام مفاهیم زندگی فکر کنیم و اردو را بر اساس آن طراحی کنیم.

۷. کشف استعداد و توانایی

معمولاً دوران نوجوانی، دورانی است که بچه‌ها به طور کامل استعدادهای خود را بشناسند، از دوران کودکی وارد دوران نوجوانی می‌شوند و حس و حال روحی آن‌ها فرق می‌کند. باید به آن‌ها کمک کرد تا بدانند چه کسی هستند، برای چه ساخته شده‌اند و جسم و روح آن‌ها با چه کارهایی سازگاری دارد تا با درک درستی از خود بتوانند به درستی برای آینده خود تصمیم بگیرند.

۸. آشنایی با ایران و جهان

کشورمان ایران پر از جاذبه‌های مختلف است. شاید بعضی از دانش‌آموزان به نقاط مختلف کشور نرفته باشند. طبیعت سرسبز شمال، دریا، حتی گرمای جنوب و کویر هم می‌تواند برای خیلی از بچه‌ها جذاب، سرگرم کننده و تازه باشد. به عنوان مثال می‌توان به عنوان بخشی از برنامه، بازدید از مزارع برنج را قرار داد یا دیدن درخت‌های کیوی در گیلان یا بخش‌هایی از مازندران برای بچه‌ها جالب و سرگرم کننده است به ویژه وقتی بدانند که یک روحانی درخت کیوی را از لبنان به ایران آورده است. بچه‌هایی هستند که هنوز دستشان به آب دریا نخورده است، وقتی به خلیج فارس یا بوشهر، کنار دریای جنوب می‌روند

اردو

می‌توانند دستشان را به آب بزنند، آن را لمس کنند. یا بچه‌هایی که به ارومیه نرفته‌اند و دریایچه نمک ارومیه را ندیده‌اند برایشان جذابیت دارد حتی در کویر یزد هم شب زیبا و پر ستاره کویر برای آن‌ها زیبا و عبرت آموز است.

نقش اردو در تربیت

اردو در تربیت چه نقشی دارد:

۱. برخورداری از قانون و نظام معین

در تعریف اردو گفتیم: اعزام گروهی با هدفی مشخص در مکانی مشخص. برنامه‌ریزی برای یک گروه مستلزم قوانین و مقررات خاصی است. این مقررات باعث می‌شود که بچه‌ها در یک محور حرکت کنند و ناخودآگاه قانون‌مند شوند. در بعضی از اردوها، لباس‌ها با لباس‌های معمولی فرق می‌کند؛ مثلاً می‌گویند فقط لباس ورزشی یا لباس فرم بپوشید. حمام رفتن، شنا کردن، بازی کردن و حتی غذا خوردن و خوابیدن در اردو، برای بچه‌ها قانون‌مند می‌شود. اردوگاه مثل خانه نیست که هر وقت کسی احساس گرسنگی کرد خودش را با چیزی سیر کند. بچه‌ها در اردو یاد می‌گیرند که هنگام غذا خوردن خوب غذا بخورند و زمان استراحت، استراحت کنند و هنگام بازی، بازی کنند و زمان برنامه جدی هم جدی باشند و با دیگران رابطه‌ای مناسب داشته باشند.

۲. ایجاد زمینه‌ای برای نمایش عملی اخلاق اسلامی

نمایش عملی اخلاق مثل صرفه جویی که یک ارزش اسلامی است. برای نهادینه کردن این ارزش، مثلاً قند مورد نیاز یک دانش‌آموز را به او می‌دهیم و او باید طوری آن را مصرف کند که کمبود قند نداشته باشد. با این کار او یاد

می‌گیرد که برنامه‌ریزی اقتصادی کند. بچه‌ها کم‌کم، در طول اردو صرفه‌جویی را به صورت عملی یاد می‌گیرند.

۳. ایجاد فضایی صمیمی در اردو

گاهی بچه‌ها با هم دوست و گاهی دشمن می‌شوند و دعوا هم می‌کنند، اما اگر مربی‌ها با تجربه باشند، می‌توانند از این دشمنی‌ها و دعواها استفاده کنند و صفا و صمیمیت را برقرار سازند. مربی در ایجاد ارتباط بین بچه‌ها نقش زیادی دارد.

۴. اجتماعی شدن و تمرین زندگی

اردو بچه‌ها را از خانواده جدا می‌کند. زندگی بدون پدر و مادر، زندگی با دوستان، داشتن حق رای مثل دیگران، مورد اعتماد بودن مثل دوستان و ... و این با زندگی در منزل خیلی متفاوت است. مثلاً در خانه غذای مطلوب و آماده سر سفره گذاشته می‌شود ولی در اردو بچه‌ها سعی می‌کنند غذای اردو را بخورند و این مشکل را تحمل کنند.

۵. شناخت خود و دیگران

در اردو فضایی فراهم می‌شود تا فرد، خودش را بهتر بشناسد و ببیند برای زندگی آینده آماده است یا نه؟ در چه زمینه‌هایی استعداد دارد؟ اگر در ورزش استعداد ندارد به سراغ هنر برود و ... به هر حال هر فردی در یک زمینه‌ای استعداد دارد. در اردو علاوه بر شناخت خود می‌تواند دیگران را هم بهتر بشناسد. گاهی اوقات حتی دوست نزدیکش را هم خوب نمی‌شناسد و در اردو شناخت بهتری از او پیدا می‌کند.

۶. تقویت حس درگیری و مبارزه با مشکلات

اردو

یکی دیگر از ویژگی‌های اردو این است که بچه‌ها یاد می‌گیرند با مشکلات ریز و درشت خود مبارزه کنند. فرض کنید بچه‌ای لکنت زبان دارد، زمانی که این فرد در جمع بچه‌ها صحبت می‌کند ممکن است مورد تمسخر دیگران قرار بگیرد. او در اردو که جمع کوچک، پاستوریزه و قابل‌کنترلی است یاد می‌گیرد که این مشکل را چگونه برای دیگران جا بیندازد، یا برای خودش حل کند و چگونه با مشکل مبارزه کند و خودش را برای زندگی آماده کند.

اهداف اردو

هر حرکت و فعالیت انسان به منظور دستیابی به اهدافی صورت می‌پذیرد.

اهداف اردو به سه دسته تقسیم می‌شود:

۱. اهداف کلی

۲. اهداف جزئی

۳. اهداف مرحله‌ای

این سه نوع هدف در ضمن موارد توضیح داده خواهد شد. هدف از برگزاری اردو چیست؟

۱. تربیت اعضا برای رعایت قانون

شرکت‌کنندگان در اردو باید برای رعایت قانون تربیت شوند. بخشی از آمار تخلفات و حوادث راهنمایی و رانندگی کشور ما ناشی از فرهنگ غلط رانندگی است. به عنوان مثال بستن کمربند یک قانون است و پیش‌تر به آن توجهی نمی‌شد، ولی امروزه این قانون رعایت می‌شود. آموزش در سنین کودکی بهتر جواب می‌دهد به همین دلیل راهنمایی و رانندگی و نیروی انتظامی به تولید انیمیشن روی آورد. به هر حال بچه‌ها قرار است والدین و رانندگان آینده باشند در ضمن هنگام مسافرت می‌توانند جلوی برخی از

تخلفات را بگیرند. در اردو هم همین طور است. نهادینه کردن خصوصیات اخلاقی خوب و از بین بردن رذایل اخلاقی در مدت اردو از مهم‌ترین اهداف آن است.

۲. تمرین اعتماد به نفس و استقلال فردی

در اردو با دور بودن از خانواده و تحمل مشکلات اعتماد به نفس و استقلال فردی شرکت کنندگان تقویت می‌شود و در جامعه‌ای کوچک‌تر، این مسائل را تمرین می‌کنند.

۳. ایجاد آمادگی برای مقاومت در برابر ناملایمات و مشکلات

آمادگی برای مبارزه با مشکلات و تمرین زندگی از دیگر اهداف اردو است.

۴. تخلیه فشارهای روانی و هیجان‌های روحی

بخشی از اهداف و انگیزه‌های اردو این است که بچه‌ها به یک روحیه آرام برسند. بچه‌ها دارای روحیات گوناگونی هستند. بعضی منزوی و گوشه‌گیرند، بعضی پرخاشگرند، بعضی پرتحرکند، همه این‌ها باید به تعادل برسند. این تعادل در بازی که به دست می‌آید. چون بازی با گروه همسالان است و معمولاً برای شرکت در این گونه بازی‌ها انگیزه وجود دارد. و بچه‌ها و حتی مربیان در این بازهای تخلیه می‌شوند. به یک نشاط روحی می‌رسند و شب را بهتر می‌خوابند.

۵. تقویت و نهادینه کردن ارزش‌های اسلامی و القای مفاهیم مذهبی

مفاهیمی مثل پیروی کردن از دیگران، صرفه جویی، کمک کردن به همسالان، استفاده درست از امکانات و لذت‌های حلال و... از دیگر اهداف اردو است. هم‌چنین مفاهیمی مثل عدالت را می‌توان در قالب بازی به بچه‌ها آموزش داد.

۶. ایجاد و تقویت روحیه هم زیستی اجتماعی

ایجاد و تقویت روحیه هم زیستی اجتماعی یکی دیگر از اهداف اردو است؛ به عبارت دیگر آموختن چگونگی با هم و در کنار هم بودن است. گاهی اوقات بین بچه‌ها درگیری می‌شود و حتی کار به قشون‌کشی هم می‌رسد، بچه‌های یک شهر با شهر دیگر به خاطر دعوی دو دوست هم‌شهری درگیر می‌شوند. البته مربی و مسئولان اردو باید خیلی دقت کنند که چنین صحنه‌ای پیش نیاید و اگر هم پیش آمد با دقت و ظرافت آن را حل کنند. گاهی بعضی از بچه‌ها رفتارهای ضد اخلاقی انجام می‌دهند، در این‌جا، نوع برخورد خیلی موثر است؛ مثلاً وقتی می‌گوییم کسی حق ندارد فلان کار را انجام دهد، اگر کسی انجام داد، نمی‌توانیم مثل یک مجرم با او برخورد کنیم؛ نوع برخوردی که در این‌جا می‌شود، خیلی متفاوت است که در مباحث آینده درباره شیوه برخورد با ناهنجاری بچه‌ها در اردوگاه توضیح خواهیم داد.

۷. ایجاد فرصت برای مسئولیت پذیری

در اردو همه شرکت‌کنندگان مسئولیت دارند و این مسئولیت باعث می‌شود که خود را محک بزنند و ببینند که آیا آماده پذیرفتن مسئولیت هستند یا خیر؛ اگر آمادگی پذیرش مسئولیت را ندارند، نپذیرند. یکی از مشکلات این است که بعضی مواقع انسان‌هایی بر سر کار می‌آیند که توان پذیرش مسئولیت را ندارند. پیامبر اکرم (ص) هیچ مسئولیت اجرایی به ابوذر واگذار نکرد. این یک نکته بسیار جالب روان‌شناسی و جامعه‌شناسی است. ابوذر شخصیت بزرگی بود، اما برای کار دیگری خلق شده بود. پیامبر این استعداد را خوب می‌شناسد و به ابوذر هم سفارش می‌کند که بعد از خودش هیچ هم مسئولیتی را نپذیرد. در طول تاریخ، کشورمان صدمات زیادی از پذیرش مسئولیت توسط افراد

ناکارآمد خورد. در اردو می‌خواهیم کاری کنیم که بچه‌ها خودشان را محک بزنند و مسئولیت‌های مختلفی را تجربه کنند. مثلاً فرض کنید در کلبه‌ای، یک نفر مسئول آوردن آب و یخ می‌شود، این کار شاید در ذهن ما بزرگ‌ترها مسئولیت ناچیز و کاذبی باشد، اما برای بچه‌ای که مسئولیت می‌پذیرد بسیار مهم است، حتی به اندازه مسئولیتی که بر دوش نماینده مجلس است. نباید کاری را پیش پا افتاده فرض کنیم و فقط یک نفر مسئول آن باشد؛ مثلاً جمع‌آوری زباله‌های اردوگاه را که کار راحتی است به عهده چند نفر می‌گذاریم، بدین ترتیب بچه‌ها یاد می‌گیرند با یکدیگر و نیز مامور خدمات همکاری کنند و در نظم و نظافت اردوگاه و محیطی که زندگی می‌کنند، دقت نمایند.

۸. برآوردن نیاز معاشرت با گروه همسالان

بهترین زمان آرامش و آسایش روحی وقتی است که فرد در گروه همسالان خود حضور دارد. یعنی هر آدمی با هم‌جنس و همسن خود راحت است؛ به عنوان مثال، اگر آقایی بین جمع زیادی از خانم‌ها باشد، ناراحت است و از نظر روحی دچار استرس می‌شود و یا دانش‌آموزی که در جمع افراد فرهیخته و دانشمند قرار بگیرد، دچار استرس و فشار روحی می‌شود. انسان وقتی راحت است که در گروه سنی خودش قرار بگیرد و اردو کمک می‌کند تا نیاز معاشرت با گروه همسالان را برآورده شود.

۹. پر کردن اوقات فراغت با برنامه‌های مفید

استفاده مفید از اوقات فراغت تابستان و اوقات غیرتحصیلی یکی از موارد دیگر است. اردویی که با رعایت شرایط و ضوابط باشد می‌تواند تأثیر صدها ساعت کلاس آموزشی را برای بچه‌ها داشته باشد.

دستاورد های اردو

دستاورد اردو ممکن است لحظه‌ای یا دراز مدت باشد. کار تربیت، کار بیست ساله است؛ یعنی تأثیر کار تربیتی که ما الآن انجام می‌دهیم؛ بیست سال بعد ظاهر می‌شود. اسلام هم این مطلب را تأیید می‌کند؛ به عنوان مثال، ما در مستحبات دینمان داریم که بعد از تولد نوزاد در گوش راست و چپش اذان و اقامه گفته شود. در یک تجربه عملی، یکی از مستشرقین، بعد از ۱۵ سال، متوجه تأثیر این رفتار مذهبی مسلمانان می‌شود. وی در کتابش می‌نویسد: «دو نوزاد از دو خانواده در دو شهر مختلف برای یک آزمایش تجربی استفاده کردم و برای یکی از آن دو آواز مخصوص مسلمانان (اذان) را پخش کردم. پس از گذشت ۱۰ سال از دوران کودکی وقتی صدای اذان را برای آنان پخش کردم و از آن دو پرسیدم، احساسات نسبت به این صدا چیست؟ نوجوانی که در دوران نوزادی اش این صدا را نشنیده بود و او را به عنوان گروه گواه انتخاب کرده بودم گفت: من هیچ احساسی نسبت به صدا ندارم. ولی دیگری گفت: این صدا را جایی شنیده‌ام ولی یادم نمی‌آید کجا.» کار تربیت این‌گونه است؛ هرکاری که انجام می‌دهیم، هر رفتاری که بچه می‌بیند، می‌تواند اثراتی داشته باشد، حتی اگر تأثیرش به زودی آشکار نشود. به عنوان مثال اگر دانش‌آموزی در دوران کودکی یاد گرفت که در کنار دروغ، واژه چاخان هم هست در زندگی زشتی و بدی دروغ برایش بی‌معنا می‌شود و چاخان، کاری طنز و شوخی می‌شود و برایش او تعریف دروغ را نخواهد داشت، حال آن‌که هر دو

یکی است و دروغ حتی به شوخی هم زشت شمرده شده است.^{۱۰} (ذکر حدیث دروغ)

دستاوردهای اردو شامل چهار بخش است :

۱. ارتباط با خود ۲. ارتباط با خلق ۳. ارتباط با خلقت ۴. ارتباط با خدا
- شناخت مربی هم چهار بخش دارد: ۱. شناخت نسبت به خویشتن
۲. شناخت نسبت به دیگران ۳. شناخت نسبت به خلقت و طبیعت
۴. شناخت نسبت به خدا

۱. شناخت نسبت به خویشتن

شناخت نسبت به خویشتن چند ویژگی دارد:

الف - شناخت نقاط ضعف - دانش آموز در اردو با نقاط ضعف خود آشنا می شود و خودش را بهتر می شناسد و به عنوان مثال متوجه می شود که در برخورد اجتماعی مشکل دارد و نمی تواند با دوستش رابطه اجتماعی داشته برقرار کند. ب - استعداد و توانایی - فرد در اردو می تواند توانایی های روحی و جسمی خود را تشخیص دهد، به عنوان مثال در بازی طناب کشی که یک بازی ورزشی و پرورشی است، به این نکته می رسند که با یکدیگر باشند و در کشیدن طناب به هم کمک کنند. هم چنین کمک می کند که شور و هیجان اردو ایجاد شود و زمان را با شادی سپری کنند. وقتی با هم همکاری می کنند، ناراحتی ناشی از شکست و یا خوشحالی از برنده شدن، کمک می کند، خود را بهتر بشناسند؛ اگر جایی شکست خوردند، نهایت این است که امتیاز و جایزه را از دست می دهند ولی می آموزند که در آینده با مسائل زندگی چگونه

اردو

برخورد کنند. ج - شناخت علل شکست و ناکامی - بچه‌ها بعد از فوتبال دور هم جمع می‌شوند و بازی را بررسی می‌کنند، یکی می‌گوید فلانی اگر این پاس را داده بود من گل می‌زدم و ... آن‌ها حتی رفتار یکدیگر را تحلیل می‌کنند. شاید آنان این حرف‌ها را آشکارا نزنند، اما در دنیای خودشان این کار را می‌کنند؛ یعنی ناخودآگاه تحلیل‌هایی که ما بزرگ‌ترها در رابطه با مسائل بزرگ‌تر و مهم‌تر انجام می‌دهیم، بچه‌ها هم در ارتباط با مسائل خود انجام می‌دهند. در این زمینه مربیان نیز باید به دانش‌آموزان کمک کنند، به این صورت که جایی را به این کار اختصاص دهیم و بچه‌ها را ترغیب کنیم که به خود و رفتارهای‌شان فکر کنند. د - شناخت عوامل پیروزی و موفقیت - آنان باید بدانند که چرا موفق شده‌اند و با این اعتماد به نفس می‌توانند در جاهای دیگر زندگی هم موفق باشند. بدین ترتیب ما به عنوان جامعه، نهاد خانواده یا نهاد آموزشی مملکت سعی کرده‌ایم به بچه‌ها عوامل پیروزی و موفقیت را معرفی کنیم.

۲. شناخت نسبت به دیگران

شناخت نسبت به خلق و کسانی که اطراف ما هستند شامل موارد ذیل می‌شود:

الف - دوستان و همسالان ب - ملت‌ها و فرهنگ‌ها ج - آداب و معاشرت.

الف - افراد نسبت به دوستان و همسالان در کارهای گروهی، شناخت و با گروه همسالان ارتباط برقرار می‌کنند؛ مثلاً فرض کنید قرار است بچه‌ها به صورت گروهی یک کاردستی بسازند؛ می‌توان گفت نتیجه کار به مراتب از کار فردی بهتر است. یا در بازی «فوتبال دستی» هرکسی خودش یک بازیگر است، اما وقتی می‌خواهد بازی کند باید با افرادِ دیگر گروه نیز هماهنگ باشد. با یک بازی می‌توانیم زمینه‌های خیلی خوب تربیتی پیش بیاوریم؛ البته نظارت مربی

لازم است، زمان بازی مهم است؛ مثلاً اگر قرار است بچه‌ها بعد از دیدن یک فیلم اکشن و پرحادثه فوتبال بازی کنند، حس درونی بچه‌ها روی بازی تأثیر می‌گذارد و خود را نشان می‌دهد. اگر بخواهیم بچه‌ها را به حرم امام رضا(ع) ببریم، چنانچه قبلش یک برنامه عاطفی داشته باشیم، زیارت می‌تواند خیلی تأثیرگذار باشد و فرق می‌کند با زمانی که دانش‌آموزان را به باغ وحش برده‌ایم. بچه در حرم امام رضا(ع) می‌نشینند و ادای میمون را در می‌آورد.

جهانگرد بد شانس

در یکی از اردوها یک گردشگر آلمانی از تخت جمشید عکس می‌گرفت. آن موقع بعضی از بازیکن‌های ایرانی در آلمان بازی می‌کردند، بچه‌ها قصد داشتند از این آلمانی درباره بازیکن‌ها خبر بگیرند، ولی نزدیک بود مرد آلمانی را از پرتگاه به پایین پرت کنند. زبان یکدیگر را هم درک نمی‌کردند و فقط می‌خواستند سؤال‌هایشان را از او بپرسند. پس اگر بچه‌ها در گروه همسالان خودشان قرار بگیرند و مربی نسبت به مسائلی که بچه‌ها باید در اردو یاد بگیرند دقت و نظارت کند، می‌تواند جلوی یک سری از مشکلات را بگیرد و به بچه‌ها کمک کند به شناخت بهتری برسند.

ب - ملت‌ها و فرهنگ‌ها - اردو می‌تواند دانش‌آموزان را با فرهنگ‌های مختلف آشنا کند.

هر محیط و منطقه‌ای فرهنگ خاص خود را دارد. در بازدید از این اماکن، فرهنگ خاص آن مکان را یادآور شویم.

مثلاً در بیمارستان سکوت و عیادت کوتاه از بیماران و احوالپرسی از کارکنان آن، در کارخانه رعایت مقررات و ایمنی، در شالیزار و باغ مواظبت از محصول

اردو

و... که هر کدام نیازمند تذکر دادن و آشنایی قبلی دانش‌آموزان با فرهنگ آن است.

مهم‌تر از آن این‌که در سفر به مناطق و شهرهای مختلف با فرهنگ‌های گوناگون آشنا می‌شوند. آشنایی با فرهنگ گیلکی، ترکمن، بلوچ، کرد، عرب و... از مزایای سفر به نقاط مختلف است. یکی از مسائل مهم این است که مربی شبانه روز باید با بچه‌ها باشد، زیرا مثلاً وقتی بچه‌ها برای خرید به بازار گیلان یا رامسر می‌روند، آن‌جا به جوجه می‌گویند چینی‌کا. برای بچه‌ها جالب است که گیلانی‌ها به جوجه می‌گویند چینی‌کا یا به پسر می‌گویند ریکا یا به دختر می‌گویند کیجا. مربی می‌تواند در شناخت این فرهنگ به بچه‌ها کمک کند. علاوه بر این‌که یک لفظ در زبانی می‌تواند پیامدهای منفی یا مثبت داشته باشد؛ این‌ها پیامدهایی است که در اردو اتفاق می‌افتد و بچه‌ها با آن فرهنگ آشنا می‌شوند.

ج - شناخت نسبت به آداب معاشرت - وقتی بچه‌ها وارد حرم امام رضا یا امام‌زاده‌ای در یک روستا می‌شوند، آداب زیارت کردن را یاد می‌گیرند. البته به این شرط که مربی آموزش‌های لازم را داده باشد. ورود به هر مکانی آداب خاص خود را دارد مثلاً هر ورزشی لباس و آداب خاص خودش را دارد. زیارت هم همین‌طور است. در شهرهای توریستی هم باید مواظب باشیم خرید سوغاتی و ارتباط با مردم زمان زیادی را به خود اختصاص ندهد و این نیازمند برنامه‌ریزی است.

۳. شناخت نسبت به خلقت و طبیعت

موضوع سوم در دستاوردهای اردو آشنایی با طبیعت است. که چند ویژگی دارد: الف - شادی و نشاط جسمی و روحی - به عنوان مثال بچه‌هایی که دریا

را ندیده‌اند وقتی کنار ماسه‌های دریا لم می‌دهند و پاهایشان را روی ماسه‌ها دراز می‌کنند یا ماسه‌های نرم را برمی‌دارند و مثل ساعت شنی روی پاهایشان می‌ریزند و بازی می‌کنند، برایشان فواید مختلفی مثل نشاط، تخلیه فشار روانی و ارتباط برقرار کردن با طبیعت دارد، از صدای امواج دریا انرژی می‌گیرند و خاطره‌هایی برایشان زنده می‌شود و می‌تواند از دیدن آن روحیه بگیرند. در احادیث داریم که نگاه کردن به آب و سبزه مستحب است و ثواب دارد؛^{۱۱} همان‌طور که نگاه کردن به چهره عالم و نگاه کردن به قرآن ثواب دارد.^{۱۲} همچنین نگاه کردن به دریا، سبزه و طبیعت در روحیه انسان تاثیر می‌گذارد. وقتی طبیعت چشم‌نوازی را می‌بینیم، همان‌طور که چشمان نوازش پیدا می‌کند، روحان هم تلطیف می‌شود. به همین خاطر اردوها و اردوگاه‌ها معمولاً در مکان‌های سرسبز و خوش آب و هوا و با ویژگی‌های خاص برگزار می‌شود؛ در چنین فضاهایی روحیه انسان، نشاط پیدا می‌کند. ولی ممکن است کویر این خصوصیت را نداشته باشد، البته شب‌های کویر خیلی زیباست یا جاهایی مثل دریاچه نمک، که هنگام شب مثل روز برفی سفید است، همچنین حشرات، موجودات و پرنده‌هایی که در این مناطق زندگی می‌کنند. زیبایی خاصی دارند. بنابراین آشنایی با طبیعت چشم‌نواز یکی از ویژگی‌ها و دست‌آوردهای اردو است.

ب - تنوع شرایط اقلیمی

- ۱۱

- ۱۲

اردو

شرایط اقلیمی یعنی شرایط جغرافیایی؛ شرایط اقلیمی طبرس با سرپل ذهاب در غرب ایران یا ارومیه در شمال غرب خیلی متفاوت است، همچنین شرایط سرخس در شمال خراسان با خرمشهر خیلی متفاوت است. شرایط اقلیمی در جایی که باد به برگ‌های نخل می‌خورد و موسیقی خاصی را ایجاد می‌کند، با سرخس که باد در میان خارها می‌پیچد و هوهو می‌کشد متفاوت است. هر کدام از این‌ها، حسی را به انسان منتقل می‌کند. پس شرایط اقلیمی می‌تواند یکی از دستاوردهای اردو در تلطیف روح انسان باشد.

ج - تجربه اندوزی برای آینده

بچه‌ها در اردو، در برخورد با محیط‌ها و سرزمین‌ها، شرایط و مسائلی را یاد می‌گیرند که برای آینده‌شان مفید است؛ مثلاً می‌آموزند که هر وقت خواستند به خرمشهر سفر کنند، لباس گرم برای خود برندارند، ولی اگر همان تابستان خواستند به اردبیل بروند حتماً باید لباس گرم بپوشند. یک بار که با کفش غیر ورزشی یا دمپایی کوه نوردی رفتند، برایشان تجربه می‌شود که کوهنوردی را با دمپایی یا کفش معمولی نمی‌شود رفت؛ حتماً باید از کفش مناسب کوهنوردی استفاده کرد. این‌ها، چیزهای ساده و جزئی است که بچه‌ها در اردو به آن می‌رسند. مسائل کلی‌تر به تناسب، تجربه‌های بزرگ‌تری را برای بچه‌ها ایجاد می‌کند.

۴. شناخت و نزدیک شدن به خدا

چهارمین گزینه از دستاوردهای اردو، شناخت خداوند و نزدیک شدن به او است. که چند ویژگی دارد: الف - شناخت خدا - ما در اردو باید زمینه‌ای را فراهم کنیم که دانش‌آموزان، به خدا نزدیک‌تر شوند و نسبت به ذات حق تعالی شناخت بهتری پیدا کنند و این مهم در برنامه‌ها، بازی‌ها و... صورت می‌پذیرد.

به این علت، شناخت خدا را در مرحله چهارم قرار دادیم که اگر انسان خودش را خوب بشناسد، مردم را خوب بشناسد و با خلقت و طبیعت ارتباط خوبی برقرار کند، می‌تواند با خدای خودش هم خوب ارتباط برقرار کند؛ یعنی لازمه شناخت خدا، شناخت خود، شناخت دیگران، شناخت طبیعت، جامعه و هستی است. اگر هستی و مردم را خوب بشناسیم و مهم‌تر از این‌ها خود را بشناسیم، خدا را هم می‌توانیم بشناسیم. بدون شناخت خود، دیگران، خلقت و طبیعت، معمولاً نمی‌توانیم به شناخت خدا برسیم و موفق شویم؛ به دلیل این‌که خدا در ذهن ما نمی‌گنجد؛ ذهن ما محدود است و در این ذهن بسته نمی‌توانیم وجود خدا را هضم کنیم، شاید به کفر و انکار برسیم. نعمت‌هایی که در دسترس بچه‌ها قرار می‌گیرد، در ایام اردو متفاوت است، گاهی یک تنه درخت است، گاهی یک گل و گاهی یک برگ درخت و گاهی چیزهای خیلی مهم‌تر که می‌تواند تعجب بچه‌ها را برانگیزاند. گاهی بچه‌ها ناخواسته، ساعت‌ها کنار درختی می‌نشینند و به چیزهایی که روی آن است فکر می‌کنند مثل خزه‌ای که روی تنه درختی سبز شده است.

شگفتی‌های طبیعت

نوعی پیچک وجود دارد که از مواد غذایی درخت‌هایی که به آن‌ها چسبیده‌اند، تغذیه می‌کند. این مطلب را در مورد سایر جانداران می‌بینیم؛ کنه هم همین کار را می‌کند؛ اما وجودش بسته به آن موجودی است که میزبانش است. یا مثلاً گلی که در طبیعت وحشی سبز می‌شود، می‌تواند برای بچه‌ها جالب باشد. تفکر در نعمت‌های مختلف، چه نعمت‌های طبیعی و چه نعمت‌هایی که در وجود خود است؛ خط‌های کف دست؛ خط‌هایی که روی انگشتان است، رشد ناخن و رشد مو، همگی زمینه‌هایی هست که بچه‌ها با تفکر در آن‌ها می‌توانند

اردو

به خدا برسند. علتش این است که تفکر در نعمت می‌تواند بچه‌ها را به خدا رهنمود کند؛ و با ذهن محدودشان می‌توانند از طریق نعمت‌ها به خدا برسند. شاید گفته شود مسائل ایدئولوژیک و مفاهیم انتزاعی برای ذهن دانش‌آموز سنگین است. در پاسخ باید گفت وقتی یک نوجوان با نعمت‌ها درگیر شود، از روی کنجکاو و دقت، حساس می‌شود و همین کمک می‌کند که ذهنش به خدا نزدیک‌تر شود. مفاهیمی که جنبه انتزاعی دارند، برای آنان ملموس و محسوس می‌شود و تاثیر دراز مدت و طولانی دارد.

ب - احساس لذت معنوی

یکی از اهدافی که در اردو باید به آن برسیم، این است که بچه‌ها لذت معنوی را درک کنند. لذت معنوی، ارتباطی است که با خدا برقرار می‌شود. به عنوان مثال وقتی بچه‌ها نمازی می‌خوانند، که برای‌شان شیرین است، در تمام عمرش شیرینی این لذت معنوی را فراموش نمی‌کند. همان‌طور که طعم خوش غذاها می‌تواند در ذهن انسان بماند، شیرینی یک لذت معنوی هم می‌تواند تا سال‌ها ماندگار باشد. متأسفانه در جامعه امروزی، بچه‌ها گاهی به خاطر خجالت کشیدن از دوستان یا اعضای خانواده (در بعضی از خانواده‌ها که نماز فراگیر نیست) نماز را ترک می‌کنند؛ اما در اردو این زمینه هست که بچه‌ها راحت بتوانند در قالب یک کار جمعی و گروهی نماز بخوانند و از نماز لذت ببرند.

ج - عزم و اراده برای بهتر شدن

نکته سوم از بحث شناخت و نزدیک شدن به خدا، بحث عزم و اراده برای بهتر شدن است. در اردو این زمینه برای دانش‌آموز فراهم می‌شود تا اراده و عزم خود را قوی کند و با عزم و اراده قوی خدا را بهتر بشناسد. در اردو بچه‌ها یاد می‌گیرند که چگونه تصمیم بگیرند و چگونه اراده‌شان را قوی کنند

و بهتر شوند. در واقع ما در اردو وظیفه داریم یک فضای کاملاً ایده‌آل، اما واقعی و کاملاً سالم را فراهم کنیم. گاهی اوقات در اردو صحنه‌هایی را ایجاد می‌کنیم تا ببینیم بچه‌ها چه تصمیمی می‌گیرند و چه رفتاری از خودشان نشان می‌دهند. آنان در موقعیت‌های عملی به تجربه‌های عملی می‌رسند. هیچ وقت در بحث‌های تئوری نمی‌توانیم از بچه‌ها انتظار داشته باشیم رفتار عملی را از خودشان نشان دهند، اما وقتی که در موقعیت عملی قرار گرفتند، تجربه‌های عملی هم از آن‌ها دیده می‌شود.

فرق مسافرت با اردو

اردو و مسافرت درسه مورد با هم فرق دارند.

۱. مدیریت ۲. هدف ۳. مقصد

اردو و مسافرت‌های خانوادگی که دسته جمعی هم هستند با هم تفاوت دارند. در مسافرت‌های خانوادگی مدیریت خیلی شرط نیست؛ البته هر کاری کمابیش مدیریت دارد، حتی وقتی خانواده‌ای با هم به مسافرت می‌روند، پدر، مادر یا بزرگ‌تری در آن جمع مدیریت را به عهده دارد. اما در تعریف اردو خواندید: «اعزام گروهی با هدفی خاص به مکانی خاص با امکانات و وسایل ساده» ولی در مسافرت‌های خانوادگی، هدف صرفاً تفریح یا بازدید است.

هدف در اردو با مسافرت متفاوت است. در اردو هدف خاص، مدیریت خاص، مقصد و مکان خاص داریم ولی در مسافرت‌های خانوادگی مقصد و مکان مشخص نیست. اگر این پارک نشد به پارک دیگر می‌رویم و ... اما در اردو، مقصد آنقدر مهم است که مسئولان اردو باید پیش از اردو مکان را ببینند، فضای آن‌جا را بشناسند و از امکانات آن‌جا مطلع باشند تا براساس آن برنامه‌ریزی کنند. گاهی اوقات، ویژگی‌های مکان اردو تعیین کننده است، مثلاً تصور کنید که یک اردوگاه دارای امکاناتی خطرناک باشد؛ موانع داشته باشد، به جنگل وصل باشد و یا پرتگاه‌های صعب العبور داشته باشد، این اردوگاه به درد دانش‌آموزان مقطع ابتدایی نمی‌خورد. در چنین مکان‌هایی باید مواظب دانش‌آموزان پرخاشگر و یا کسانی که تحرک و فعالیتشان از بقیه بیشتر است، باشیم. دانش‌آموزان معلول جسمی را هیچ‌وقت به اردوگاهی که در کوه و ارتفاعات بلند واقع شده، نمی‌برند. بنابراین مقصد می‌تواند در اردو مهم باشد،

چه از نظر مخاطبینی که در اردو شرکت می‌کنند و چه از نظر برنامه‌هایی که در اردو ایجاد و پیش‌بینی می‌کنیم.

فرق کلاس و اردو

الف- فیزیکی ب- معنوی

الف: فیزیکی

۱. مکان

تفاوت‌های فیزیکی کلاس و اردو ۴ مورد است. اولین فرق اردو و کلاس این است که کلاس از نظر فیزیکی، مکان ثابتی دارد، در حالی که در اردو، مکان ثابت نیست بلکه متنوع است، ممکن است اردویی کنار دشت، کنار دریا، کوه، جنگل و حتی کویر باشد. پس مکان اردو، حتماً یک مکان ثابت نیست. حتی اگر در یک اردوگاه باشید باز مکان در داخل اردوگاه متنوع است، مثل کلبه، خوابگاه و زمین چمن. بنابراین در خود اردو هم مکان ثابتی نداریم؛ برخلاف کلاس که بچه‌ها ۹ ماه تحصیلی را در یک کلاس به سر می‌برند.

۲. ابزار

در کلاس ابزار خاص بسیار محدود است، اما در اردو ابزار خاص نیست، بلکه عمومی است. ابزار کلاس تابلو، گچ یا ماژیک، میز، صندلی و کتاب است، این‌ها تقریباً ابزار معمولی کلاس هستند. در بعضی از کلاس‌ها کارهای آزمایشگاهی هم انجام می‌شود، بچه‌ها کاردستی هم درست می‌کنند، اما همه این‌ها محدود است، یعنی در همه کلاس‌ها این ابزار یافت نمی‌شود، اما در اردو ابزار خاصی را نمی‌توان معرفی کرد و نام برد؛ مثلاً نمی‌توانیم بگوییم ابزار خاص ما برگ درخت، تنه درخت، جنگل، ماسه، صدف و سنگ‌های لب دریا است. در اردو حتی یک مورچه با ما حرف می‌زند و همین می‌تواند موضوع

اردو

یک درس در اردو باشد. یک شب نشینی در جنگل، با حال و هوای تاریک جنگل برای بچه‌ها حرف‌ها و پیام‌های تازه و نو دارد.

۳. روش آموزش

در کلاس، روش تدریس معلوم و طبق یک روال خاص است، اما در اردو یک روش معمول نداریم. روش‌های آموزشی در اردو غیر منتظره است، یعنی هر آن ممکن است برنامه‌ای اجرا شود و در آن برنامه، مفهومی به دانش‌آموز القا شود و به صورت غیر مستقیم آموزش داده شود.

در کلاس گچ، تابلو و تعداد محدودی دانش‌آموز با یک برنامه محدود وجود دارد که عملاً دانش‌آموز را با یک ابزار خاص در ارتباط با موضوع روبرو می‌کند، ولی در برنامه اردویی هیچ وقت یک برنامه خاص و یک روش معمولی اجرا نمی‌شود؛ گاهی حادثه‌ای پیش می‌آوردیم تا ببینیم عکس‌العمل بچه‌ها نسبت به حادثه چیست. اگر بازی طناب‌کشی ده بار هم تکرار شود هیچ کدام مثل بازی قبل یا بعد نخواهد بود، حسی که بچه‌ها در آن بازی دارند متفاوت است. همه برنامه‌های اردو باید نو و تازه باشد. تنوعی که از نظر مکان و برنامه در اردو وجود دارد، کمک می‌کند، تا برنامه‌های اردو، جذاب و ماندگارتر شود.

۴. متن آموزشی و پرورشی

در کلاس متن آموزشی کتاب و جزوه با سر فصل‌های مشخص است که هم در اختیار دانش‌آموز و هم در اختیار معلم است، اما در برنامه اردویی، متن آموزشی به صورت مشخص و محدود وجود ندارد، بلکه نامحدود است. مثلاً برای تفهیم مفهوم عدالت می‌توان از قالب‌های گوناگون استفاده کرد. گاهی با بازی، نمایش یا یک حرکت اجرایی که قابل حدس نیست می‌توان مفاهیم را

منتقل کرد. مثلاً در برنامه قایق سواری که یک موقعیت عملی است، می‌توانیم ناخودآگاه بچه‌ها را با یک فضای عملی که در آن باید خودشان تصمیم بگیرند، درگیر کنیم. اما در برنامه‌های کلاسی این قابلیت، یعنی فرصت و زمان حدس زدن، عمل کردن و انعکاس رفتاری را نمی‌توانیم داشته باشیم؛ چون دانش‌آموزان بیش‌تر شنونده هستند. در اردو بچه‌ها همه با هم هستند و در نتیجه نمی‌توان مشخص کرد که چه متن آموزشی و توسط چه کسی آموزش داده می‌شود، گرچه مربی هست، ولی نوع آموزشی بودن بحث را مشخص نمی‌کند به دلیل این‌که مباحث غیرمستقیم گفته می‌شود.

ب- تفاوت‌های معنوی

تفاوت‌های معنوی کلاس و اردو هم چهار مورد است.

۱. شیوه آموزش ۲. انتقال اطلاعات ۳. معلم محوری، دانش‌آموز محوری ۴. روش مستقیم و غیرمستقیم

۱. شیوه آموزش

اولین تفاوت معنوی این است که در کلاس گرایش آموزشی وجود دارد و در اردو گرایش پرورشی.

در برنامه‌های آموزشی کلاس بیش‌تر موضوعات به صورت مستقیم و احتمالاً نیمه مستقیم به مخاطب انتقال داده می‌شود، ولی در اردو، به دنبال کار آموزشی نیستیم، بلکه به دنبال نهادینه کردن یک رفتار در مخاطب هستیم. به عنوان نمونه، می‌خواهیم موضوعی مثل صرفه جویی را در مخاطب نهادینه کنیم تا در رفتار عملی شود، بنابراین از «تقسیم بندی» استفاده می‌کنیم و قند را سهمیه‌بندی می‌کنیم. تقسیم بندی قند در رفتار و عمل دانش‌آموز و نوع برنامه عملی که ما انجام می‌دهیم باعث می‌شود که این مفهوم را بپذیرد و انجام دهد

اردو

و حداقل اگر نپذیرد به صورت عملی در ذهنش جا بگیرد و با موضوع ارتباط برقرار کند. در بحث آموزشی کلاس فقط موضوع مطرح می‌شود، اما دانش‌آموز در موقعیت عملی قرار نمی‌گیرد.

۲. انتقال اطلاعات

هدف و وظیفه اصلی در کلاس، انتقال اطلاعات است، اما در اردو هدف انتقال اطلاعات نیست بلکه تأثیرگذاری بیش‌تر است. اگر نگاهی به اطلاعات مذهبی دانش‌آموزان ایران کنیم، در می‌یابیم که طی سال‌های پس از انقلاب، اطلاعات مذهبی بچه‌ها افزایش یافته است، اما آن چیزی که انتظار داریم، تأثیرگذاری مذهبی است، که متأسفانه در این زمینه نمی‌توانیم نمره خوبی به عموم دانش‌آموزان بدهیم. پس در اردو صرفاً انتقال اطلاعات صورت نمی‌گیرد و اگر هست در خلال برنامه، کار و عمل است.

۳. معلم محوری، دانش‌آموز محوری

روش‌های سنتی آموزش، معلم محور است، اما اردو، دانش‌آموز محور است. در اردو موظف هستیم که به کانون رغبت دانش‌آموزان کمک کنیم. کانون رغبت یعنی مرکز توجه میل دانش‌آموز. چیزهایی که دوست دارد و بر اساس میل و رغبت او است. در کلاس از نظر ابزار، وسایل و زمان محدودیت داریم، اما در اردو این محدودیت کم‌تر است و اگر مربی، فرد زرننگ و نکته‌سنجی باشد، سعی می‌کند مطالب آموزشی را در قالب نیازهای کودک، نوجوان، جوان و به طور کلی مناسب گروه سنی مخاطب طراحی کند. این مطلب کمک می‌کند که ما به هدفمان که در واقع القای یک مفهوم است نزدیک بشویم.

۴. روش مستقیم یا غیر مستقیم

روش آموزشی کلاس معمولاً به صورت مستقیم‌گویی است، اما در برنامه‌های اردو هیچ وقت مربی این‌گونه درگیر بحث نشده و به صورت غیرمستقیم وارد موضوع می‌شود و این موضوع است که کم‌کم خودش را نشان می‌دهد و دو عنصر رغبت دانش‌آموز و جذابیت موضوع باعث می‌شود، دانش‌آموز درگیر بحث شود.

به عنوان مثال هدف از امتحان این است که اطلاعات و سطح تحصیلی بچه‌ها سنجیده شود، پس باید مراقب بود پرسش‌ها را خوب بفهمند تا خوب و بدون تقلب جواب دهند و بعد هم درست امتیازبندی کنیم و نمره بدهیم، اما در بحث اردویی اصلاً امتحان نداریم، اگر هم داشته باشیم آزمون عملی است و هر کسی متناسب با دریافتش از موضوع جواب خودش را می‌دهد، بنابراین جواب‌ها یکسان نیستند که بتوانند تقلب کنند. همه این‌ها به این دلیل است که نظام پرورشی اردو با نظام آموزشی کلاس متفاوت است، در کلاس مستقیم‌گویی بیش‌تر است.

انواع اردو

ما اردوهای مختلفی داریم که هر یک به موارد خاصی می‌پردازند.

۱. به اعتبار سن

تقسیم‌بندی اردو از نظر سن شرکت‌کنندگان که شامل اردوهای ابتدایی، راهنمایی، دبیرستان یا دانشجویی است که در این اردوها سن و تحصیلات با هم هستند. گاهی اوقات در اردوهایی مثل نهضت سوادآموزی یا کانون اصلاح و تربیت، تحصیلات مطرح نیست، اما سن مطرح است؛ مثلاً شرکت‌کنندگان، مددجویانی هستند که برخی دوره راهنمایی را گذرانده‌اند و برخی تحصیلات ابتدایی یا سال‌های اول متوسطه دارند.

۲. به اعتبار جنس

از نظر جنس شرکت کنندگان نیز اردوها متفاوتند. اردوهای دخترانه و پسرانه، هر یک دارای شرایط خاصی است که باید به آن‌ها دقت شود. ویژگی‌های اردوی پسرانه با اردوی دخترانه فرق می‌کند. ممکن است بعضی برنامه‌ها متناسب با گروه عمومی دانش‌آموزان پسر و دختر باشد، ولی در عموم برنامه‌های اردو باید سمت و سوی جنسیت لحاظ شود. اگر اردو دخترانه است، در آن مسابقه فوتبال به عنوان برنامه اصلی، قرار داده نمی‌شود، بلکه بیش‌تر برنامه‌هایی که جنبه ادبیات، شعر و شاعری و مسائل هنری دارند، در نظر گرفته می‌شوند.

۳. به اعتبار تحصیلات

سومین تقسیم‌بندی، بحث تحصیلات است که به صورت خلاصه در بحث سن مطرح شد. اردوهایی که توسط مدارس و اداره آموزش و پرورش برگزار می‌شود از این نوع تقسیم‌بندی پیروی می‌کند.

۴. به اعتبار موقعیت

نوع چهارم، به اعتبار موقعیت است، یعنی به اعتبار مکانی که شرکت کنندگان قرار است به در آن‌جا ساکن شوند. فرض کنید بچه‌های اردبیل را در وسط تابستان به بندر عباس ببریم. در این‌جا، موقعیت نادیده گرفته شده است. برای دانش‌آموز اردبیلی که در آب و هوای خنک زندگی می‌کند، ورود به گرمای بالای ۵۰ درجه یا بالاتر، مشکلات بسیاری می‌تواند ایجاد کند. در این‌جا بحث جنسیت نیز قابل توجه است. توان تحمل مشکلات و سازگاری با محیط بین دختران و پسران فرق می‌کند.

۵. به اعتبار مدت اردو

نوع پنجم، بر اساس مدت زمان اردو برنامه ریزی می شود. مثلاً اردوی یک روزه، دو روزه، سه روزه و اردوی یک هفته‌ای و گاهی چند هفته‌ای مثل حج که جزو اردوهای طولانی و برنامه آن‌ها متفاوت است.

۶. به اعتبار هدف هدف

گاهی هدف از برگزاری اردو این است که بچه‌های فلان مدرسه که حدود ۵ ماه از سال تحصیلی را درس خوانده‌اند، به یک سفر تفریحی بروند و استراحتی کنند، اگر آن‌ها را به اردوی آموزشی یک هفته‌ای با کلاسی‌های آموزشی پشت سر هم ببریم، نه تنها به هدفمان نرسیده‌ایم بلکه از آن دور هم شده‌ایم و به جای این‌که دانش آموز استراحت کند، خسته‌تر هم شده است.

اردو از نظر هدف، شامل چند نوع می شود که در مباحث بعد به صورت عینی تر بحث می شود. اردو از نظر هدف؛ تربیتی، نظامی، تفریحی، سیاحتی، ورزشی، علمی و گاهی ترکیبی از همه یا چند مورد با هم متفاوت است.

* اردوی تربیتی، نظامی، ورزشی

اردوهایی که هدف تربیتی دارند، اردوی تربیتی نامیده می شوند. گاهی هدف از برگزاری اردو، آموزش نظامی و آشنا ساختن شرکت کنندگان با مسائل آموزش نظامی، دفاع نظامی و دفاع شخصی است، بنابراین همه برنامه‌های اردو در خدمت این هدف است. در اردوی تفریحی و سیاحتی هیچ‌گاه مسابقات سنگین ورزشی برگزار نمی شود و یا تمام روزهای اردو در خدمت بازدید از کارخانه‌های صنعتی و مسائل علمی قرار نمی دهند، بلکه به امور تفریحی و سیاحتی می پردازند. البته این به معنای تعطیل شدن برنامه‌های عمومی و دینی اردو و یا تعطیل شدن مقررات نیست. گاهی هدف، تربیتی یا ورزشی نیست ولی در برنامه ریزی اردو تقویت جسمی لحاظ می گردد. گاهی در اردوهای تیم

اردو

ملی نونهالان، آمادگی برای شرکت در مسابقه جهانی، استانی یا مراحل مختلف است که اولویت با مسائل ورزشی است. در چنین اردوهایی، اگر مربی فردی زرنگ و خوب باشد، با ظرافت در کنار برنامه‌های ورزشی، برنامه‌های دینی و تربیتی را هم می‌گنجانند و بدین ترتیب، تربیت هیچ‌گاه تعطیل نمی‌شود.^{۱۳} در اردو چه بخواهیم و چه نخواهیم، تربیت هم وجود دارد. حتی بشین و پاشویی که مربی به دانش‌آموز می‌گوید، می‌تواند جنبه تربیتی و اگر رعایت نکند می‌تواند جنبه ضد تربیتی داشته باشد.

* اردوی زیارتی

یکی دیگر از انواع اردو، اردوی زیارتی است که در کشور ما، بیش‌تر به صورت زیارت مردگان معمول و رایج است، اما زیارت خودش دو نوع است، زیارت مردگان و زیارت زندگان.

مورد اول، شامل زیارت آرامگاه امام و امام زاده‌ها، شهدا و بزرگان علم و ادب است. اردوی زیارتی زندگان چیزی است که باید بیش‌تر به آن دقت شود. در هر جامعه، منطقه و شهری انسان‌های وارسته و بزرگ از نظر علمی و دینی هستند که دیدار با آنان و توصیه‌هایشان می‌تواند تاثیر بسیاری در آینده دانش‌آموزان داشته باشد. دیدار با این افراد در فضایی که به کار و فعالیت مشغولند، مثلاً دیدار از عالم در منزل خودش، صنعت‌گر در محل کارش یا دانشمند در مکانی که مطالعه و تدریس می‌کند، بسیار موثر و آموزنده است، زیرا خود آن فضا می‌تواند مسائل زیادی را به دانش‌آموزان انتقال دهد. بنابراین در اردوی زیارتی زندگان، هدفمان این است که مفاهیم مفید و سازنده را به

^{۱۳} - در تابستان مدرسه تعطیل می‌شود، ولی تربیت تعطیل نمی‌شود. شهید دکتر باهنر وزیر.

صورت عینی و عملی در زندگی و عملکرد آن انسان ببینیم. محل زندگی عالم دینی، سادگی فضا، نوع فرش و پوششی که در اتاق است، حرف‌های بسیاری برای گفتن دارد. محل زندگی یک شاعر، فضای هنری خانه و صدای پرنده‌ای که در آن خانه می‌خواند، می‌تواند تاثیر بگذارد؛ اگر از همین شاعر دعوت کنید تا در جای دیگری برای بچه‌های اردوی سخنرانی کند یا شعر بخواند، آن تأثیر دیگر وجود ندارد و یا بسیار کم می‌شود.

در این فصل انواع اردو از نظر هدف تشریح شد. علت تاکید زیاد بر روی هدف این است که مهم‌ترین مسئله در اردو، هدف است. در حقیقت، هدف است که نوع اردو، سن شرکت‌کنندگان و برنامه‌های اردو را مشخص می‌کند. اگر هدف از اردو، ایجاد آثار معنوی در بچه‌ها باشد، بازارهای شیک جزیره کیش، قشم و چابهار جای مناسبی نیست. بنابراین هدف است که مکان اردو، سن، نوع برنامه و شرکت‌کنندگان را مشخص می‌کند.

مدیریت در اردو

مدیریت در اردو به لحاظ اهمیت و جایگاهی که در اردو و اردوگاه دارد، از مهم‌ترین و در واقع بارزترین ارکان اردو است. منظور از مدیریت، برنامه‌ریزی‌ها و دوراندیشی‌ها است که باعث موفقیت یک اردو می‌شود.

* نام اردو

اولین واژه و اولین موضوع در رابطه با مدیریت در اردو، بحث تعیین نام اردو است، این‌که اردوی ما با چه نامی آغاز و با چه نامی تمام می‌شود. در نام اردو نباید از واژه‌های مقدس و مذهبی استفاده کرد. اگر در نام اردو از واژه مقدسی استفاده کنیم و در آن به بچه‌ها خوش، این نام با یک خاطره منفی در ذهن بچه‌ها همراه می‌شود و در نتیجه، تاثیر بدی بر آن‌ها دارد. پس نام اردو باید نامی باشد که خیلی دینی نباشد و دارای بار معنای مثبت، منفی یا خنثی نباشد، یا واژه‌هایی باشد که قابلیت تخریب نداشته باشد مثل «شمیم تربیت»؛ این واژه، مفهومی است که بار معنای مثبت یا منفی خاصی ندارد و چنانچه در اردویی با این نام، اتفاق ناگواری برای دانش‌آموز بیفتد، از کلمه شمیم بدش نمی‌آید و این کلمه از نظر دینی و رفتاری در ذهنش تأثیر نامطلوبی نمی‌گذارد.

* تعیین هدف

با توجه به اهدافی که در بخش قبلی بیان شد، باید به نوع اردو دقت کنیم. پیش از تعیین نوع اردو، باید هدف را مشخص کنیم؛ باید مشخص کنیم هدفمان از اردو چیست؟ آیا می‌خواهیم به تفریح برویم یا به مسائل علمی پردازیم؟ هدف، ورزش است یا دفاع نظامی؟ هدف در واقع تعیین‌کننده نوع اردو و برنامه‌هایی است که در اردو خواهیم داشت.

* انتخاب مکان و مسیر اردو

موضوع سوم در مدیریت اردو، انتخاب مکان و مسیر اردو است؛ از چه منطقه‌ای می‌خواهیم برویم؟ مقصد اردو کجاست؟ با توجه به مسیر اردو، باید برنامه‌ریزی قبلی داشته باشیم و مسیر را مشخص کنیم مثلاً فرض کنید از تهران می‌خواهید به شمال بروید، دو یا سه راه وجود دارد که هر یک دارای ویژگی‌های خاصی است؛ یک مسیر جاده هراز است، یکی جاده چالوس و دیگری از طریق قزوین و رشت است. مسیر را باید با توجه به مکانی که اردوگاه در آن قرار گرفته، و نیز خاصیت و ویژگی هر کدام از این جاده‌ها انتخاب کرد. مثلاً اگر در ایام زمستان از جاده فیروزکوه بخواهیم حرکت کنیم، دچار یک سری مشکلات جاده‌ای خواهیم شد. گاهی در مسیر حرکت، مناظر، مسائل و ویژگی‌هایی وجود دارد که با توجه به هدف اردو، می‌تواند تاثیرگذاری منفی یا مثبت داشته باشد؛ یعنی می‌تواند در جهت هدف اردو یا در خلاف جهت آن باشد. بنابراین حتی مسیر اردو هم، مهم است.

* برنامه ریزی در اردو

برنامه‌ریزی شامل برنامه‌ریزی قبل از اردو، بعد از اردو و هنگام برگزاری اردو است. قبل از اردو باید در رابطه با مسائل بسیاری مانند: نوع غذا، نوع برنامه‌ها، مربی‌ها و مکان‌های مورد نظر برای بازدید برنامه‌ریزی کرد. از طرف دیگر، مربی و مدیر موفق کسی است که در هنگام اردو هم بتواند برنامه‌ریزی کند. اگر به این نتیجه رسید که برنامه تنظیم شده پیش از اردو، برای گروه سنی یا جنسی شرکت کننده، جواب نمی‌دهد، باید آن قدر قدرت عکس‌العمل و انفعال داشته باشد تا بتواند سریع، بهترین تصمیم ممکن را بگیرد. پس برنامه‌ریزی هنگام اردو هم جزو برنامه‌های مهم است. برنامه‌ریزی بعد از اردو

اردو

در اردوهای بعدی به ما کمک می‌کند تا مشکلات کم‌تری داشته باشیم و کارآیی مثبت را بالا ببریم.

*** انتخاب همکاران و همراهان**

موضوع پنجم در بحث مدیریت اردو، انتخاب و گزینش همکاران و همراهان است. کسانی که در اردو با ما همراه هستند، تاثیر بسزایی، اعم از مثبت یا منفی دارند؛ حتی راننده تأثیر قابل توجهی در اردو دارد، اما ما معمولاً راننده را جزو همکاران اردو حساب نمی‌کنیم. فرض کنید هدف شما این است که بچه‌ها را به دین و معنویت نزدیک کنید، اما وقتی ساعت ۲ نیمه شب راننده اتوبوس برای این که خوابش نگیرد، ترانه‌بخش ممکن است تأثیر بعضی از برنامه‌ها خنثی شود. در چنین مواردی، یک راننده مجرب و موفق حواسش به این موضوع هست، یا در اردوهای دخترانه زیاد اتفاق افتاده که توجهی به راننده یا کمک راننده نمی‌شود، البته این مسئله به این معنا نیست که راننده‌ها، انسان‌های وارسته‌ای نیستند، اتفاقاً انسان‌های خیلی وارسته‌ای بین راننده‌ها وجود دارند، اما گاهی اوقات بی‌مدیریتی در اردو باعث می‌شود شرایطی پیش بیاید که افراد به رفتارهایی دست بزنند که مورد نظر نباشد و به هدف اردو لطمه بزند.

در بعضی از اردوهای زیارتی دیده شده که مربی‌ها، دانش‌آموزان را از ماشین پیاده می‌کنند و فقط تا حرم آن‌ها را همراهی می‌کنند و ساعت و مکانی تعیین می‌شود تا همه بعد از زیارت در آن‌جا جمع شوند؛ بدین ترتیب مربی از دانش‌آموزان جدا می‌شود. گاهی اوقات دیده شده همین دانش‌آموزی که به نیت حرم و زیارت آمده، بعد از گذشت دو یا سه ساعت از بازار برمی‌گردد بدون این‌که زیارت کرده باشد. چنین مواردی به این دلیل اتفاق می‌افتد که یا دانش‌آموز از برنامه اطلاع ندارد یا همکاری که به عنوان مربی انتخاب کرده‌ایم،

احساس مسئولیت نکرده است. هنگام زیارت مربی باید همراه بچه‌ها و در کنار آن‌ها باشد، چون وقتی دانش‌آموز وارد حرم می‌شود در نهایت یا دو رکعت نماز می‌خواند یا زیارتی می‌کند و ضریح را می‌بوسد و دیگر هیچ؛ چون ما معرفت خاصی از آن شخص به او نداده‌ایم بنابراین نمی‌داند که چه کار کند و به چه چیزهایی باید دقت کند. گاهی اوقات مربی می‌تواند دعاهایی را که بچه‌ها می‌توانند بخوانند، به آن‌ها یادآوری کند. البته نوع گفتن ما مهم است و در شرایط گوناگون فرق می‌کند. بعضی از بچه‌های خوش ذوق کتاب‌های داخل قفسه حرم را مرتب می‌کنند، و به این صورت خودشان را مشغول می‌کنند. این کار برای یک دانش‌آموز ابتدایی یا اول و دوم راهنمایی جالب است، هم خدمت و هم بازی کرده است. وقتی یک دانش‌آموز ابتدایی مهرها را جمع می‌کند، این کار به نوعی برایش تفریح است، چون او دوست دارد بازی کند. با توجه به این نکات ما می‌توانیم از کانون رغبت بچه‌ها استفاده کنیم و پیشنهاد کنیم که اگر وقت اضافه آوردند سعی کنند به حرم خدمت کنند، یک خدمت مادی و فیزیکی؛ مثلاً قرآن‌ها را مرتب کنند و جلوی جا کفشی، پلاستیک به مردم بدهند تا در وقت اضافه هم خودش را مشغول کند و هم کار ثوابی انجام داده باشد. پس گزینش همکاران و همراهان در اردو می‌تواند خیلی سرنوشت ساز باشد.

گاهی اوقات حرکت خیلی ساده یک مربی باعث می‌شود که بچه‌ها خیلی به خدا نزدیک شوند.

*** تقسیم کار و نظارت**

مدیریت اردو باید بر تقسیم کار و حسن انجام امور توسط افراد مسئول، نظارت داشته باشد تا کارها به صورت مرتب انجام شود. در اردو همه کارها را

اردو

یک نفر نمی‌تواند انجام دهد بلکه کارها باید تقسیم و بر انجام آن نظارت شود تا هر کسی کارش را درست انجام دهد. تقسیم کار کمک می‌کند که مدیر و دست اندرکاران اردو خسته نشوند و دیگران نیز در امور مربوط به اردو همکاری کنند. یکی از مشکلاتی که در بعضی از اردوها وجود دارد این است که ممکن است اردوگاه برای مربیان برنامه نداشته باشد، بنابراین مربیان آن اردو تکلیفشان معلوم نیست و این‌جا است که به مشکل بر می‌خورند و دنبال کار خودشان می‌روند، و گاهی برنامه‌های خاصی که برای خودشان طراحی کرده‌اند، برای اردوگاه دردرساز می‌شوند. در این صورت کار به جایی می‌رسد که گروهی باید این‌ها را اداره کنند. اما اگر از مربیان همراه اردوگاه استفاده کنیم هم از فضا و امکانات استفاده کرده‌ایم و هم آن‌ها احساس بی‌تکلیفی نمی‌کنند و در نتیجه نه تنها برای اردو و اردوگاه، دردرساز نمی‌شوند بلکه احساس مفید بودن هم می‌کنند.

* آمادگی برای تغییرات ناگهانی

موضوع بعدی در مدیریت اردو، آمادگی برای تغییرات ناگهانی است. در اردو هر اتفاقی ممکن است رخ دهد؛ پس مدیریت موفق در اردو حکم می‌کند که برای تغییرات ناگهانی آمادگی داشته باشیم. منظور از تغییرات ناگهانی، فقط رخ دادن یک حادثه غیر مترقبه مثل سیل نیست، بلکه تغییراتی است که ما فکرش را نکرده‌ایم. مثلاً برنامه نمایش فیلم برای ساعت خاصی در نظر گرفته شده، اما بچه‌ها قبل از آن ساعت برنامه دیگری مثل قایق سواری، فوتبال یا کوهنوردی داشته‌اند و در نتیجه خسته‌اند؛ بنابراین از این فرصت نمی‌توانیم برای نمایش فیلم استفاده کنیم مگر این‌که فیلم آن‌قدر جذاب باشد که بتواند بچه‌ها را نگه

دارد، در غیر این صورت هنگام نمایش فیلم همه می‌خوانند و در نتیجه از آن زمان استفاده مفید نمی‌شود.

ارزشیابی

ارزشیابی چند نوع است؛ لحظه‌ای، مستقیم و پایانی. ارزشیابی لحظه‌ای، مشاهده‌ای است، یعنی در طول برگزاری اردو و هم‌زمان با اجرای برنامه‌ها، صورت می‌گیرد. این ارزشیابی برای ارزیابی برنامه‌های اردو به کار می‌رود تا مشخص شود که آیا برنامه‌ها جذابیت دارد یا ندارد. نوع دوم ارزشیابی، به صورت مستقیم است. ارزشیابی مستقیم براساس سؤال و جواب‌هایی است که از دانش‌آموزان به صورت مکتوب و گاهی اوقات شفاهی می‌پرسیم. خوب است که ما هر روز برای هر برنامه ارزشیابی داشته باشیم.

اگر نمی‌توانیم به صورت مستقیم (مکتوب یا شفاهی) ارزشیابی کنیم باید از ارزشیابی لحظه‌ای و مشاهده‌ای استفاده کنیم. ارزشیابی لحظه‌ای به ما کمک می‌کند از طریق مشاهده رفتار و واکنش بچه‌ها هنگام اجرای برنامه، در مورد برنامه‌های روزانه تجدید نظر کنیم؛ اگر به این نتیجه رسیدیم که فلان برنامه یا فلان موضوعی که در برنامه بوده نتوانسته نظر بچه‌ها را جلب کند باید برنامه بهتری را جای‌گزین آن کنیم. در این حالت باید برای تغییرات ناگهانی آماده باشیم، چون اگر برنامه‌ای برای جای‌گزینی نداشته باشیم، مجبوریم کار ناخواسته‌ای انجام دهیم و این کار از نظر تربیتی قابل قبول نیست.

نوع سوم ارزشیابی، ارزشیابی پایانی است. ارزشیابی پایانی به این صورت است که در پایان اردو برگه نظرخواهی با پرسش و پاسخ‌های جدول‌بندی شده به بچه‌ها داده می‌شود و از آن‌ها خواسته می‌شود نظراتشان را در رابطه با موضوعات و برنامه‌های مختلف اردو بنویسند تا از آن در برنامه‌ریزی برای

اردو

اردوهای آینده استفاده شود. معمولاً در این جدول‌ها از دانش‌آموزان درخواست می‌شود درباره چیزهایی مثل امکانات رفاهی، خوابگاهی، تغذیه و پذیرایی، مدت زمان اردو و روز حرکت، کیفیت برنامه‌های مربوط به مسیر حرکت، از مبدأ تا مقصد، نظر دهند. گاهی اوقات، بچه‌ها حدود هفت، هشت و ... ساعت را درون وسایل نقلیه می‌گذرانند. برنامه‌های داخل ماشین برنامه‌های مهمی است که در فصل بعد به آن پرداخته می‌شود.

جدول دیگر در این فرم مربوط به برنامه‌های فرهنگی است. این جدول را به این دلیل جدا کردیم که مراسم مذهبی اگر مناسب نباشد ممکن است تأثیرات منفی داشته باشد، اما اگر تغذیه بد بود تأثیر ضد دینی ندارد و در نهایت بچه‌ها از غذای اردو ناراحت هستند. سؤالات بعد درباره تغذیه و پذیرایی است؛ این‌که آیا بچه‌ها از غذای بین روز، صبحانه، ناهار و شام راضی هستند یا نه؟ این سؤالات به صورت چهار گزینه‌ای عالی، خوب، متوسط و ضعیف است. در این فرم‌ها از برنامه‌های ورزشی که شامل برنامه‌های صبحگاهی و مسابقه‌های ورزشی است، سؤال می‌شود.

مسئله دیگری که در فرم‌های ارزشیابی مطرح می‌شود، هم‌اندیشی و هم‌فکری در رابطه با برنامه‌هایی است که معمولاً در اردوهای علمی و تربیتی لحاظ می‌شود؛ مثلاً درباره بازدیدها یا برنامه‌های پایانی مثل جشن اختتامیه و اهدای جوایز پایانی سؤال می‌شود. بدین ترتیب شیوه‌ی مدیریت در اردو و برنامه‌ریزی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

برخورد مسئولان و مربیان با دانش‌آموزان هم از دیگر سؤالات است.

البته این پرسش‌ها قابل تغییر است و به تناسب هر اردو فرق می‌کند. به عنوان مثال ممکن است برنامه هم‌اندیشی و هم‌فکری نداشته باشیم و از گزینه‌های

دیگر استفاده کنیم. حتی چند سطر انتقاد و پیشنهاد از طرف دانش‌آموزان برای ما قابل استفاده است و برای یک برنامه‌ریزی بهتر کمک می‌کند.

فصل دوم

فعالیت‌های اجرایی

فعالیت‌های اجرایی شامل موضوعات ذیل است:

۱. برنامه‌ریزی ۲. گروه‌بندی ۳. چارت تشکیلاتی دانش‌آموزان ۴. شرح وظایف
۵. اعضای جوخه ۶. چارت مسئولین اردو ۷. شرح وظایف مسئولین اردو ۸. چارت اردوگاه، مربیان و روحانی اردو ۹. مشاور در اردوگاه یا اردو ۱۰. مقررات اردوگاه ۱۱. پرچم افتخار ۱۲. صبحگاه ۱۳. خاموشی و بیدارباش ۱۴. امانت‌داری ۱۵. اردوداران نوجوان ۱۶. صدا و سیمای اردو ۱۷. بانک امتیازات ۱۸. اقدامات امنیتی.

۱. برنامه‌ریزی

امام علی(ع) فرمود: «التَّوْبَةُ قَبْلَ الْعَمَلِ يُؤْمِنُكَ مِنَ النَّدَمِ»^{۱۴} «چاره‌جویی (و دوراندیشی) پیش از انجام کار، تو را از پشیمانی می‌رهاند»

اگر در اردو دوراندیشی و برنامه‌ریزی داشته باشیم، پشیمانی کم‌تری خواهیم داشت و «ای کاش‌ها» به حداقل می‌رسد. برنامه‌ریزی اجرایی در اردو، چند بخش دارد:

الف) پیش از اردو

پیش از اردو باید از نظر اجرایی برنامه‌ریزی کنیم که شامل چهار مرحله می‌شود.

۱. ثبت نام

اولین مرحله در برنامه‌ریزی اجرایی پیش از اردو، ثبت نام است. مرحله ثبت نام، یک مرحله نسبتاً طولانی است. مرحله ثبت نام همان انتخاب و گزینش شرکت‌کنندگان اردو است. ثبت نام می‌تواند سرنوشت ساز باشد. گاهی حضور

^{۱۴} - من لایحضره الفقیه جلد ۳ ص ۱۳۰.

یک یا چند نفر در اردو می‌تواند تأثیرات نامناسبی داشته باشد و به کل اهداف و برنامه‌های اردو لطمه بزند.

۲. رضایت نامه و برگه سلامت

مرحله دوم، دریافت رضایت‌نامه و برگه سلامت است. همه دانش‌آموزان شرکت‌کننده در اردو باید رضایت‌نامه داشته باشند. اگر شرکت‌کنندگان از کارمندان و همکاران یک اداره هستند، باید با اداره ذیربط هماهنگ شود. دقت کنید رضایت‌نامه دانش‌آموزان به امضای پدر یا مادر رسیده باشد؛ گاهی پدر و مادرها به دلایلی راضی نیستند و بچه‌ها خودشان به جای پدر یا مادر امضا می‌کنند.

شرکت‌کنندگان در اردو باید برگه سلامت داشته باشند. برگه سلامت، برگه‌ای است که ما را از سلامت دانش‌آموز مطمئن می‌کند. این برگه در تصمیم‌گیری به موقع درباره دانش‌آموزی که از نظر جسمی مشکل، یا نارسایی خاصی دارد، کمک می‌کند؛ مثلاً اگر فردی مشکل تنفسی دارد، در کوهنوردی شرکت داده نمی‌شود. وجود آمبولانس و کمک‌های اولیه در هر اردویی لازم و ضروری است. اگر نمی‌توانیم از آمبولانس اختصاصی استفاده کنیم، باید وسایل امدادی و کمک‌های اولیه همراه داشته باشیم. حتی توجه به جنسیت افراد شرکت‌کننده نیز مهم است چون بعضی از نیازها متفاوت است.

۳. جلسه توجیهی

مرحله سوم در برنامه‌ریزی پیش از اردو، برگزاری جلسه توجیهی است. جلسه توجیهی، جلسه‌ای است که پیش از اردو با حضور شرکت‌کنندگان در اردو برگزار می‌شود؛ گاهی اولیای دانش‌آموزان هم حضور دارند. در این جلسه، برنامه اردو، شرایط و مقررات آن توضیح داده می‌شود. مثلاً همراه آوردن یا

اردو

نیابردن تلفن همراه، دوربین عکاسی، وسایل و لوازم سرگرمی؛ حتی لباس‌هایی که بچه‌ها می‌پوشند، مثل تی‌شرت‌های پسرانه یا لباس‌های تنگ و جلف دخترانه (به این بهانه که اردو جزو برنامه‌های رسمی مدرسه و آموزش و پرورش نیست) می‌تواند مشکل‌ساز باشد. دقت به بعضی از وسایل مثل لباس، گیر دادن نیست، بلکه حسن توجه و نهایت دقت در برنامه‌ریزی است. اگر می‌خواهیم یک اردوی خوب داشته باشیم، باید از قبل به تمام این مسائل فکر کنیم و به بهترین روش آن را اجرا کنیم. در اردو قرار نیست بچه‌ها ملزم به پوشیدن لباس خاص مثل روپوش مدرسه باشند، اما این راحت پوشیدن باید طوری باشد که به هدف اردو لطمه نزند.

۴. سازمان‌دهی

مرحله چهارم، سازمان‌دهی اردو و تشکیلات آن است. یکی از برنامه‌های جلسه توجیهی این است که دانش‌آموزان یا خانواده‌هایشان نسبت به مقررات اردو توجیه شوند. سازمان‌دهی در قالب گروه‌های ۵ تا ۱۰ نفره صورت می‌گیرد که در بحث گروه‌بندی توضیح داده شده است. اگر در جلسه توجیهی نتوانیم سازمان‌دهی را انجام دهیم، اولین برنامه در ماشین سازمان‌دهی و گروه‌بندی دانش‌آموزان است.

ب) برنامه‌ریزی در اردوگاه

در اردوگاه نیز نیاز به برنامه‌ریزی اجرایی است. این برنامه‌ریزی شامل مراحل است که به ترتیب به آن‌ها پرداخته می‌شود.

۱. پذیرایی و استراحت

پس از رسیدن به اردوگاه برای رفع خستگی سفر و آشنایی با محیط اطراف اردوگاه، باید به شرکت‌کنندگان فرصت کافی داد. دیدن کلبه‌ها و نقاط مختلف

اردوگاه و آشنایی با امکانات آن نظیر استخر، زمین چمن، مرکز خرید و ... از برنامه‌های این بخش است.

۲. اسکان و تحویل

پس از استراحت و پذیرایی اولیه بچه‌ها به یک مکان ثابت می‌روند. در صورتی که هنوز سازمان‌دهی نشده باشند، گروه‌بندی و سازمان‌دهی می‌شوند و در کلبه‌ها، آلاچیق‌ها و مکان‌هایی که برای استراحت در نظر گرفته شده، اسکان می‌یابند و وسایل لازم هر کلبه تحویل داده می‌شود. اگر اردو، صحرائی است، خوابگاه بچه‌ها، چادر (خیمه) است که وسایلی مثل فانوس نفتی، پتو، لوازم غذاخوری و فلاسک در اختیارشان قرار داده می‌شود و در پایان اردو همه وسایل از آن‌ها تحویل گرفته می‌شود.

۳. توجیه مقررات و اعلام برنامه

در این مرحله خلاصه برنامه‌های اردو به صورت کلی برای بچه‌ها تشریح می‌شود. همچنین مقررات اردوگاه به طور دقیق به آن‌ها گوشزد می‌شود مثل قوانین ورود و خروج. البته برنامه‌های اردو همه روزه از صبح تا غروب در مراسم صبحگاه اعلام می‌شود. در برنامه‌های یک روزه معمولاً ساعت‌ها اعلام نمی‌شود، به دلیل این که گاهی لازم می‌شود، برنامه‌ها جابه‌جا شود.

۴. توزیع کارت و لباس

کارت عضویت، کارت‌تی است که یا روی سینه بچه‌ها نصب و یا به گردن‌شان آویخته می‌شود و مسئولیت‌شان را در جوخه یا تشکیلات دانش‌آموزی مشخص می‌کند. گاهی هم در اردوهای مربوط به نهادها و سازمان‌ها خاص، به افراد شرکت‌کننده در اردو لباس‌های یکسان داده می‌شود. لباس‌های یکسان می‌تواند در برنامه‌های اردو مؤثر باشد، اما مهم نیست. در اردوهای کشوری و

اردو

سراسری پوشیدن لباس یک رنگ و یکسان جلوه خاصی دارد و مریبان راحت تر می توانند دانش آموزان هر شهر یا منطقه را شناسایی کنند.

۲. گروه‌بندی

در این بخش به گروه‌بندی و سازمان‌دهی در اردو پرداخته می‌شود که از مهم‌ترین مسائل اردو است که باید پیش از اسکان و بسیاری از برنامه‌های رسمی اردو و اردوگاه انجام شود. گروه‌بندی به صورت دلخواه و آزاد اجرا می‌شود که چهار فایده دارد:

۱. یکی از فواید گروه‌بندی، تقسیم کار و مسئولیت در اردو است. هر چه تعداد افراد بالاتر رود، بر میزان کارها و مسئولیت‌ها افزوده می‌شود، بنابراین در چنین شرایطی حتماً کارها باید تقسیم شود. تقسیم‌بندی کمک می‌کند که کارها راحت‌تر و بهتر انجام شود و کسی در اردوگاه احساس بلا تکلیفی و سربار بودن نمی‌کند و کارها سریع‌تر به نتیجه می‌رسد.

۲. فرافکنی و شناخت بیش‌تر مربی نسبت به متربیان (دانش‌آموزان و فراگیران) دومین فایده گروه‌بندی است. فرافکنی به معنای بیرون ریختن درون از طریق رفتارهای غیرارادی است. همان چیزی که در سفرها و در اجرای مسئولیت‌ها صورت می‌گیرد. به عنوان مثال دانش‌آموز قانون‌گریز نسبت به قانون و مقررات نگاه متفاوتی پیدا می‌کند. درون این دانش‌آموز قانون‌گریزی است. نوع گروه‌بندی انتخابی کمک می‌کند تا درون دانش‌آموز را بهتر بشناسیم و از طریق شناخت برای درمانش اقدام کنیم. روان‌شناسان معتقدند ۵۰٪ حل یک مشکل روانی، شناخت علت است. اگر علت را بشناسیم، خیلی راحت می‌توانیم درمان کنیم و حتی اگر نتوانیم درمان نوع برخوردارمان با این دانش‌آموز خاص فرق می‌کند. دانش‌آموز پرخاشگر، منزوی، نامنظم، قانون‌گریز یا ترسو نسبت به مسائل خیلی عادی واکنش متفاوتی نشان می‌دهد، مثلاً از شب می‌ترسد یا در برخی از برنامه‌های اردو حاضر نمی‌شود. باید علت این رفتار را کشف کرد

اردو

و در برخورد با این دانش آموز دقت بیش تری کرد، به عنوان مثال دانش آموزی که ردیف عقب کلاس نشسته ممکن است دچار ضعف بینایی باشد و تابلو را خوب نبیند، اگر به این موضوع دقت نکنیم، این فرد ممکن است دچار افت تحصیلی شود یا ممکن است به دلیل ندیدن کلمات روی تخته توسط معلم تنبیه شود؛ اما اگر مشکلش را بدانیم، حتی اگر فکری به حالش نکنیم، حداقل برخوردمان با او متفاوت می شود. مربی در اردو با توجه به همراهی شبانه روزی با بچه ها و مشاهده رفتارها و واکنش های آنها می تواند به مسائل بسیاری پی ببرد و بر اساس آنها تصمیم بگیرد.

۳. حس تعاون، همکاری، استقلال و احساس شخصیت

سومین فایده گروه بندی، برانگیختن حس تعاون، همکاری، استقلال و احساس شخصیت است. وقتی بچه ها با هم گروهی را تشکیل می دهند و مسئولیت ها میانشان تقسیم می شود، حس تعاون و همکاری در وجودشان بیش تر می شود. دانش آموزی که در گروه مسئولیت نظافت کلبه را به عهده می گیرد، در برابر مسئولیتش احساس وظیفه می کند؛ حتی کسی که مسئولیت نظافت را ندارد، در رابطه با این مسئولیت احساس وظیفه می کند و ممکن است دیگران هم در رابطه با کار و مسئولیت او همین فکر را بکنند. پس هرکس در رابطه با کارهای دیگران هم احساس وظیفه و تکلیف می کند. بدین ترتیب، با گروه بندی، به بچه ها استقلال و شخصیت داده ایم و به آنها القا کرده ایم که هیچ کدام در اردو اضافی نیستند. یکی از کارهایی که گروه های منحل و گمراه چریک های فدایی و سازمان منافقین خلق در رابطه با جوانان انجام می دادند، این بود که مسئولیت های کاذب به آنها می دادند. هنوز هم تشکیلات بسیار پیچیده و پیشرفته ای وجود دارند که با دادن مسئولیت های ساده و کاذب،

جوان‌ها را به خودشان جذب می‌کنند. در چنین برنامه‌هایی ما نباید فکر کنیم اگر به دانش‌آموزی بگوییم تو مسئول تقسیم قند هستی، این کار برایش خیلی ساده است. این نوع کارها برای بچه‌ها به ویژه در مقطع ابتدایی جالب است. (دقت کرده‌اید در ایام محرم سر تقسیم قند در هیئت‌ها دعوا می‌کنند؟) برای مقاطع راهنمایی یا دبیرستان هم یک سری مسئولیت‌ها و کارهایی وجود دارد که متناسب با نیاز روحی آن‌ها است. بنابراین ما باید متناسب با نیاز هر سنی، مسئولیت‌ها را تقسیم کنیم و به همان اندازه که در توانشان است از آن‌ها انتظار داشته باشیم.

۴. کنترل و درمان

چهارمین فایده گروه‌بندی، کنترل و درمان افراد قانون‌گریز یا بیش‌فعال است. افرادی که قانون‌گریز و بیش‌فعالند، فعالیتشان نسبت به دیگران بیش‌تر است و در اصطلاح روانشناسی «های پراکتیو (high peractiv)» هستند. در این افراد با دادن مسئولیت کمک می‌کنیم تا هویت خود را پیدا کنند و سعی کنند به خاطر دیگران هم که شده از قانون فرار نکنند. اگر دانش‌آموزی را که از قانون فرار می‌کند، مسئول اجرای قانون کنیم خودش قبل از هر کس قانونمند می‌شود، یعنی دقیقاً خلاف هویتی که دارد رفتار می‌کند. در بازی درمانی یا نمایش درمانی، نقش‌هایی به افراد می‌دهند که با رفتارهای روحی خود فرد تضاد دارد؛ مثلاً به کسی که پرخاشگر است، نقش یک انسان منزوی، آرام و متین را می‌دهند؛ بدین ترتیب فرد سعی می‌کند تمام رفتارهای شخصیتی را که از او خواسته شده تمرین کند و در نتیجه آرام می‌شود یعنی دقیقاً مخالف آن چیزی که هست.

اردو

نکته قابل توجه در گروه‌بندی این است که سعی کنیم گروه‌بندی انتخابی باشد؛ به عبارت دیگر، دانش‌آموزان را مجبور نکنیم در یک گروه خاص قرار گیرند، بلکه کار را به عهده خودشان بگذاریم به دلیل این‌که بچه‌ها کاری را که به عهده خودشان است، راحت‌تر و بهتر انجام می‌دهند؛ اگر از روی اجبار از آن‌ها کاری بخواهیم، ممکن است دچار مشکلاتی شویم. وقتی می‌گوییم شما باید حتماً در این گروه باشید بهانه‌ها شروع می‌شود، مثلاً یکی می‌گوید «پسرخاله یا دخترخاله‌ام در آن گروه است، من هم می‌خواهم به همان گروه بروم» و ... بدین ترتیب بهانه‌ها شروع می‌شود، اما وقتی اجازه می‌دهیم بچه‌ها خودشان انتخاب کنند این بهانه‌ها مطرح نمی‌شود.

نکته دیگر فرافکنی است. فرافکنی باعث می‌شود که اعضای هر گروهی با توجه به درون و نیازمندی‌های روحی کنار هم جمع شوند. اگر بچه‌ها در انتخاب کاملاً آزاد باشند، سعی می‌کنند هم‌کیش و هم‌سان خودشان را پیدا کنند؛ مثلاً بچه‌های شلوغ یک جا جمع می‌شوند، بچه‌های خوب در یک گروه قرار می‌گیرند، بچه‌های متوسط یا ضعیف در یک گروه و حتی بچه‌های خلاف هم در یک گروه قرار می‌گیرند. خوبی این کار این است که ما با هر گروه می‌دانیم چگونه برخورد کنیم و راحت‌تر عمل می‌کنیم. بدین ترتیب ما انتظاراتمان را از بچه‌های مثبت و منفی می‌دانیم و متوجه تفاوت رفتار هر گروهی هستیم. منظورمان هم از خلاف قتل و غارت، کتک و ... نیست؛ در اردو ممکن است خیلی کارها، تمرّد از قانون و خلاف محسوب شود، پس این‌ها انسان‌های بد یا مجرم نیستند. این الفاظ تنها عنوان‌هایی برای گروه‌بندی در ذهن ما است، هیچ وقت صلاح نیست در جمع دانش‌آموزان و حتی مربیان از این الفاظ استفاده کنیم. نام گروه‌ها هم می‌تواند تا حدی ذهنیت افراد

شرکت‌کننده را آشکار کند. مثلاً «منتظران حضرت مهدی (عج)»، «درخت همیشه سبز» یا «مردان کویر»، همه این اسم‌ها می‌توانند مقداری بار روحی و ذهنی افراد را به ما منتقل کنند، هر چند این نام‌ها دلیل این نیست که دقیقاً تمام رفتارهایشان با همان نام سنخیت دارد، اما تا حدی شبیه است. شاید فقط یک نفر در نام‌گذاری دخیل باشد، مثلاً ارشد جوخه تصمیم گرفته نام گروهش را «عقاب تیز پرواز» بگذارد، اما همین که سایرین نظر او را پذیرفته‌اند، می‌تواند تا حدی نوع تفکر گروه را برای ما روشن کند.

برای گروه‌بندی، برگه‌ای به بچه‌ها داده می‌شود که در آن مسئولیت‌های مختلفی یادداشت شده است. شرح این مسئولیت‌ها را می‌توانیم به صورت مکتوب یا شفاهی برایشان توضیح دهیم. در برگه‌ای که در این جا پیشنهاد می‌شود، ۱۰ مسئولیت در نظر گرفته شده است. اگر یک اردوی ۲۰۰ نفره داشته باشیم، بیست جوخه (تیم کوچک) خواهیم داشت که هر یک متشکل از ده نفر، با مسئولیت‌های مجزا است. یکی از مسئولیت‌ها در جوخه، ارشد است که حکم رئیس و سرگروه را دارد. مسئول دوم در جوخه، یاور است که نقش معاون جوخه را بر عهده دارد. مسئول سوم بهیار است که بر حسن اجرای امور بهداشتی و نظافتی نظارت می‌کند. مسئول چهارم مدیر اجرایی است که مجری دستورات معاونت اجرایی اردو یا اردوگاه است و معاونت اجرایی، کارهای روزمره اردوگاه را بر عهده دارد که مدیران اجرایی این کارها را در جوخه‌شان پیگیری می‌کنند. مسئول پنجم خادم است. خادم یعنی کسی که خدمت می‌کند. خادم از چند مفهوم گرفته شده است. حدیثی از پیامبر داریم که می‌فرماید:

اردو

«سیدالقوم خادمهم»^۵، «رئیس هر گروهی خادم آنها است»؛ ما می‌توانیم این مفهوم را برای بچه‌ها جا بیندازیم که در واقع خادم بودن به معنای سید و آقا و بزرگوار بودن است. نکته دوم این است که خادم در فرهنگ دفاع مقدس به کسانی گفته می‌شد که در جبهه به اموری چون شستن ظروف، تمیز کردن چادرها و به طور کلی خدمت به رزمندگان می‌پرداختند؛ اوایل به این افراد شهردار می‌گفتند، اما بعدها خادم‌الحسین نامیده شدند؛ یعنی کسانی که به سربازان امام حسین (ع) خدمت می‌کنند. در اردوها نیز می‌توانیم از لفظ «خادم‌المهدی» استفاده کنیم یعنی کسانی که به سربازان امام زمان (عج) خدمت می‌کنند. لفظ خادم در مورد کسانی بکار برده می‌شود که به گروه، جوخه و تیمشان خدمت می‌کنند. مسئول ششم منشی جوخه است که مسئول ثبت و ضبط مطالب است. مسئول هفتم برگزارکننده مسابقات فرهنگی است. در صورتی که اردو کاملاً ورزشی باشد، مسابقات ورزشی پیگیری خواهد شد. مسئول هشتم مدیر داخلی آموزش است که پیگیر دستورات معاونت آموزش یا امور آموزشی اردو است. مسئول نهم کتابدار است. این مسئولیت، به دلیل اهمیت فرهنگ مطالعه و کتاب‌خوانی در جوخه و تیم طراحی شده است. مسئول دهم مسئول ورزش است که مسئول پیگیری امور ورزشی و نرمش صبحگاهی است.

پس از توجیه دانش‌آموزان به آنها فرصت داده می‌شود که گروهشان را انتخاب کنند و به گروه‌های پنج، هفت، هشت یا ده نفره تقسیم شوند. دانش‌آموزان اسامی خود را در برگه جوخه می‌نویسند و به گروه‌های مختلف

تقسیم می‌شوند. حداکثر ۱۰ نفر کافی است چون وقتی تعداد بالا رود، کنترل هم سخت‌تر می‌شود. افراد بر اساس شناختی که از شرح وظایف و مسئولیت‌ها دارند، مسئولیت‌هایشان را انتخاب می‌کنند.

معمولاً در چارت دانش‌آموزی یک مسئول اردو داریم که در واقع مربی است. بعد از آن سه گروه داریم که هر گروه یک سرگروه و ۳ رسد دارد. هر رسدی شامل سه جوخه است؛ به عبارت دیگر، سلسله مراتب از جزئی‌ترین تا بزرگ‌ترین تشکیلات دانش‌آموزی، به ترتیب زیر است:

نمودار جوخه آورده شود؟؟؟

نکته دیگر این است که در یک اردوگاه ممکن است بیش از یک اردو حضور داشته باشد؛ مثلاً اردوی شهید باهنر، اردوی شهید رجایی و اردوی شهید بهشتی که هر یک در گوشه‌ای از اردوگاه مستقر هستند. ما می‌توانیم سه تا پنج اردوی دویست نفره را با تشکیلات و برنامه‌ریزی مناسب، در یک اردوگاه سازمان‌دهی کنیم.

چرا از واژه «جوخه» استفاده می‌کنیم

جوخه یک واژه نظامی قدیمی است و به همین دلیل معنای نظم خاص دارد که یکی از آن‌ها مقررات خاص نظامی است؛ در نتیجه با به کار بردن این واژه به طور ناخودآگاه مفهوم نظم، اطاعت‌پذیری، همکاری، دقت و تلاش به افراد منتقل می‌شود. به عنوان مثال وقتی می‌گوییم «هیئت علی‌اکبر(ع)» این لفظ دارای بار فرهنگی خاص هیئت است که تعداد، برنامه و هدف خاصی از آن فهمیده نمی‌شود، اما وقتی می‌گوییم «جوخه»، هدفمان تعدادی مشخص با هدفی مشخص با رفتارهای خاص است. در هر حال می‌توانیم به جای این

اردو

لفظ، الفاظ مشابه را بکار بریم، به شرط این که آن بار معنایی را داشته باشد تا در پذیرش مقررات و قانون مؤثر باشد.

در تشکیلات نظامی هر گردانی سه گروهان است، هر گروهانی سه دسته و هر دسته‌ای به سه تیم کوچک‌تر پنج نفره یا بیش‌تر تقسیم می‌شود. بنابراین، جوخه اولین و جزئی‌ترین تشکیلات است.

جوخه متشکل از دو تیم کوچک‌تر است که ارشد مسئول چهار نفر و یاور هم مسئول چهار نفر است. وظیفه ارشد، نظارت بر کارهای بهیار، مدیر اجرایی، خادم و منشی است. یاور نیز مسئول نظارت بر مسابقات، آموزش، کتابدار و ورزش است. وظیفه ارشد سازمان‌دهی و پیش‌بینی هدایت و راهنمایی، نظارت و کنترل اعضا و ارتباط با مسئول «رسد» و شرکت در جلسات هماهنگی و نظارت بر چهار مسئول جوخه است. همه این وظایف حساب شده است. ارشد باید به سازمان‌دهی و پیش‌بینی تیم خود و وظایفی که برایش در نظر گرفته شده پردازد و نسبت به مسائل هر برنامه، پیش‌بینی‌های لازم را به عمل آورد. هدایت و راهنمایی موضوع مهمی است که اگر ارشد، دوراندیش باشد و بتواند جوخه‌اش را خوب اداره کند، در امر هدایت و راهنمایی جوخه‌اش بسیار موفق خواهد بود. نظارت و کنترل اعضا نیز بر عهده ارشد است. همچنین ارشد باید با مسئول رسد و دیگر مسئولان مافوق مرتبط باشد تا دستورات و برنامه‌ها را از آن‌ها بگیرد. معمولاً یکی از روزهای آغاز اردو به هماهنگی، نظارت و آگاهی از مسئولیت‌ها اختصاص داده می‌شود؛ یعنی تمام دانش‌آموزان (که معمولاً ۱۶۰ یا حتی ۳۰۰ نفر هستند) به ده گروه تقسیم می‌شوند و هر کدام از اعضا و مسئولان جوخه با مافوق خودشان در اردوگاه جلسه دارند؛ مثلاً ارشد با مسئول اردوگاه، بهیار با پزشک، مدیر اجرایی هر

جوخه با معاونت اجرایی اردوگاه، خادم با مسئول تدارکات و منشی با مسئولینی که در این زمینه مسئولیت دارند.

در صورت عدم حضور ارشد، یاور تمامی وظایف او را به عهده دارد و در زمان حضور ارشد او را یاری می‌دهد و معاون او است. از وظایف یاور، شرکت در جلسات هماهنگی و نظارت بر چهار فعالیت جوخه یعنی مسابقات، آموزش، کتابداری و ورزش است.

از جمله وظایف بهیار می‌توان به این موارد اشاره کرد: تحویل امکانات بهداشتی و نظافتی، نظارت بر امور بهداشتی و نظافت محیط، امداد رسانی در سوانح و حوادث، ارتباط مداوم با بهداری و شرکت در جلسات هماهنگی که با حضور مسئول بهداری برگزار می‌شود. وسایل نظافت نیز به دو بخش تقسیم می‌شود بخشی در اختیار عموم بچه‌ها قرار می‌گیرد و بخشی به مسئول کلبه سپرده می‌شود تا در مواقع نیاز به بچه‌ها بدهد. مثلاً پودر لباس‌شویی برای شستن لباس، یا شامپو برای حمام کردن، یا وسایلی مثل جارو برای نظافت داخل کلبه در اختیار بهیار قرار می‌گیرد.

تشویق و ترغیب اعضای جوخه برای تکان دادن پتوها در فضای باز، نظافت لباس و ... نیز از وظایف بهیار است. همچنین اگر حادثه‌ای اتفاق افتاد، بهیار اولین کسی است که مثل امدادگران هلال احمر باید به کمک شخص آسیب دیده بشتابد. بهیار باید ارتباط مداوم با بهداری داشته باشد تا اگر کسی بیمار شد (مثل سردرد و ...) از بهداری برایش دارو بگیرد.

دومین مسئول زیر نظر ارشد، مدیر اجرایی است. از وظایف مدیر اجرایی، ایجاد نظم و کنترل، ایجاد مقررات اردو، همکاری در ورود و خروج، اجرای برنامه‌های عمومی و شرکت در جلسات هماهنگی است. مسئول انتظامات هر

اردو

جوخه، مدیر اجرایی است که موظف است مقررات را دقیقاً بشناسد و خودش آن‌ها را رعایت کند و مواظب باشد تا اعضای جوخه هم آن‌ها را رعایت کنند. همچنین نظارت بر مرخصی، ورود و خروج بچه‌ها نیز به عهده مدیر اجرایی است.

وظیفه خادم، تهیه، تحویل، حفظ امکانات تدارکاتی، توزیع غذا و پذیرایی است. در اردوگاه‌هایی که توزیع غذا به صورت سلف سرویس نیست و غذا را در ظرف‌های مشخص میان کلبه‌ها توزیع می‌کنند، تحویل غذا به عهده خادم است. در بعضی از اردوگاه‌ها همه بچه‌ها برای پذیرایی به صف می‌ایستند تا سهمیه پذیرایی روزانه (مثلاً یک یا میوه) را تحویل بگیرند؛ اگر دویست، صد یا پنجاه نفر هم در صف باشند و پذیرایی هر نفر هم ۳۰ ثانیه طول بکشد زمان زیادی صرف پذیرایی می‌شود و نفر آخر حدود ۲۵ دقیقه باید معطل شود. اگر زمان پذیرایی، زمانی باشد که بچه‌ها گرسنه‌اند، انتظار خیلی سخت است. بنابراین بهترین کار این است که پذیرایی هر جوخه را درون یک ظرف، پلاستیک یا محفظه قرار دهیم و خادم از مسئول تدارکات اردوگاه تحویل بگیرد و تقسیم کند. در این صورت کار خیلی راحت‌تر و سریع‌تر انجام می‌شود و وقت بچه‌ها هم تلف نمی‌شود. این کار به نوعی شخصیت دادن به بچه‌ها نیز هست؛ یعنی به جای این‌که همه مدت زیادی در صف بایستند تا یک سیب یا ساندیس بگیرند، از قبل ده تا نی، ده تا ساندیس و ده تا کلوچه بسته بندی و آماده شده و تحویل خادم جوخه می‌شود.

چهارمین مسئول زیر نظر ارشد، منشی است. وظیفه وی ثبت دقیق فعالیت‌ها و تنظیم دقیق گزارش‌های روزانه در همه گرایش‌ها است. به عبارت دیگر، کار

منشی این است که گزارش روزانه همه برنامه‌هایی را که اجرا می‌شود ثبت کند و نقطه نظرات و پیشنهادات بچه‌ها را به مسئولین ذیربط منتقل کند.

اولین مسئولی که زیر نظر یاور کار می‌کند، مسئول مسابقات است. وی مسئول پیگیری و نظارت فرهنگی، نظارت تبلیغات، تزئینات، پیش‌بینی‌های مراسم صبحگاه، شامگاه، جُنک، اذان، نماز، فعالیت‌های هنری و شرکت در جلسات هماهنگی است. به عنوان نمونه در مراسم صبحگاه چه کسی قرآن بخواند، چه کسی نیایش بخواند، گروه پرچم چه کسانی باشند و در مراسم شامگاه یا جُنک چه کسانی برنامه داشته باشند، اذان را چه کسی بگوید و در نماز چه کسانی خادم نماز باشند.

دومین مسئولی که زیر نظر یاور کار می‌کند، مسئول آموزش است. چون در اردو، کار آموزشی صرف نداریم، بخشی از فعالیت آموزش، کمک کردن به مسئول مسابقات و شرکت در جلسات آموزش است.

وظیفه کتابدار تحویل گرفتن کتاب و مسابقات از کتابخانه اردوگاه و توزیع آن‌ها بین اعضای گروه و برگردان کتاب‌ها به کتابخانه است. به دلیل کمبود فرصت برای رفتن به کتابخانه و محدودیت فضا و سالن‌های مطالعاتی در اردوگاه، کتابدار هر روز می‌تواند تعدادی کتاب متناسب با نیاز، علایق و سن اعضای جوخه از کتابخانه تحویل بگیرد و پس از مهلت تعیین شده آن‌ها را برگرداند. وی مسئول محافظت از کتاب‌ها هم هست.

آخرین مسئولی که زیر نظر یاور کار می‌کند، مسئول ورزش است. وظیفه وی تحویل گرفتن اقلام ورزشی، نظارت بر اجرا و کمک در برگزاری فعالیت‌های ورزشی، ترغیب اعضا برای شرکت در برنامه‌های ورزشی و شرکت در جلسات هماهنگی است. اقلام ورزشی شامل وسایلی چون توپ فوتبال،

اردو

وسایل تنیس و طناب است. گاهی در یک مسابقه فوتبال از مسئول ورزش به عنوان کمک داور استفاده می‌شود و گاهی هنگام نرمش، مسئول انجام حرکات نرمشی برای اعضای گروه است. از وظایف مسئول ورزش، نوشتن جدول گروه‌های ورزشی است.

۳. چارت تشکیلاتی مربیان و مسئولین اردو

همان‌طور که برای دانش‌آموزان چارت تشکیلاتی داریم، مربیان و مسئولان اردو هم دارای چارت تشکیلاتی هستند. اردو و اردوگاه گاهی یکی است و گاهی از هم جدا است.

گاهی گروهی از شهرهای مختلف در یک اردوگاه کشوری در یکی از شهرها جمع می‌شوند و آن‌جا فقط اردوگاه است، اما گاهی اردوگاه یک مکان طبیعی مانند باغ، جنگل و ... است که در آن‌جا اتراق و چادر یا خیمه بر پا می‌کنند و گاهی اوقات در اردوهای یک روزه زیر درخت ساکن می‌شوند و آن‌جا تبدیل به اردوگاه می‌شود. این بحث مربوط به اردو است.

مسئول اردو که مسئولیت برگزاری و هدایت اردو را بر عهده دارد چند معاون دارد؛ معاون اجرایی، معاون فرهنگی، معاون تربیت بدنی، معاون تدارکاتی و معاون ارزشیابی. این نمودار برای یک اردوی کامل و با ظرفیت جمعیتی بالا در نظر گرفته شده است. (چارت) البته می‌توان معاون اجرایی و فرهنگی یا معاون اجرایی و تربیت بدنی یا اجرایی و تدارکاتی را هم در یک نفر جمع کرد. در خیلی از اردوها معاون ارزشیابی وجود ندارد و کار ارزشیابی از وظایف معاونت فرهنگی است، پس در نظر گرفتن ۵ معاون برای مسئول اردو برای این است که هم کار تربیت بهتر انجام شود و هم تعداد بیشتری در اردو شرکت کنند.

شرح وظایف مسئول اردو

تنظیم طرح و پیش‌بینی زمان، مکان، امکانات، نظارت، متون آموزشی و هزینه.

۱. تنظیم طرح اردو و پیش‌بینی‌های لازم در خصوص مدت زمان برگزاری
۲. مشخص کردن مکان اردو. لازم است پیش از برگزاری از مکان اردو

اردو

بازدید کند و از وضعیت و امکانات اردوگاه مطلع شود. ۳. امکانات شامل تجهیزات، وسایل و نیازمندی‌های اردو است که در پیش‌بینی توسط مسئول اردو آورده می‌شود. ۴. جزوات و متون آموزشی، برنامه‌ها، طرح برنامه و درس‌هایی که قرار است در اردو به صورت غیرمستقیم و پرورشی القا شود. پیش‌تر گفته شد که در اردو، برنامه‌های آموزشی، کاملاً غیرمستقیم است. بنابراین متون و جزوات مورد نظر، در اختیار دانش‌آموزان قرار نمی‌گیرد و در صورت لزوم بخش‌هایی از آن در اختیار دانش‌آموزان گذاشته می‌شود. این جزوات می‌تواند در حد سرفصل مطالب، برنامه‌ها و بازی‌های اردو باشد. ۵. مسئول اردو موظف است هزینه‌های اردو را برآورد و محل تأمین اعتبار آن‌ها را مشخص کند. ۶- انتخاب مربی و معاونین مسئول اردو نیز یکی دیگر از وظایف مسئول اردو است. مسئول اردو همراهان و معاونانش را با توجه به تعداد، جنس و سن دانش‌آموزان گزینش می‌کند. ۷. شرح و تقسیم وظایف مربیان و معاونینی که در اردو حضور دارند. ۸. برگزاری جلسه هماهنگی با مربی و معاونان و تعیین وظایف معاونان و مربیان همراه و برنامه‌هایی که باید اجرا شود. ۹. برگزاری جلسه توجیهی با دانش‌آموزان؛ و توضیح نکات مهم برای آن‌ها. ۱۰. هماهنگی با والدین - معمولاً در اردوهای مدارس از نظر ارتباط و هماهنگی با والدین، صرفاً به رضایت‌نامه اکتفا می‌شود، اما اگر هدف، برگزاری یک اردوی کامل است، لازم است والدین درباره ویژگی‌ها، استعدادها و رفتارهای خاص فرزندانشان، توضیحاتی به مربیان بدهند. آگاهی از این اطلاعات به برگزاری بهتر و سودمندتر اردو کمک قابل توجهی می‌کند. ۱۱. نظرخواهی و تهیه گزارش جامع - تهیه گزارش جامعی از اردو و ارائه آن به

خانواده‌ها کمک می‌کند تا خانواده‌ها از برنامه‌های اردو مطلع شوند و عکس العمل آن برای مسئولان اردو روشن شود.

وظایف معاون اجرایی

۱. ثبت نام و تشکیل پرونده اولین کاری است که معاون اجرایی باید انجام دهد و در پرونده باید اطلاعات مورد نیاز را درباره دانش‌آموزان تکمیل کند. ۲. اخذ رضایت‌نامه که بسیار مهم است و دومین وظیفه معاون اجرایی است. اگر در اردو اتفاقی بیفتد یا مشکلی برای کسی پیش بیاید تنها رضایت‌نامه است که از جهت قانونی می‌تواند جوابگو باشد، رضایت شفاهی والدین می‌توانند در دسرساز شود و از نظر حقوقی، مربی و مسئول اردو ضامن هستند و باید جواب‌گو باشند. ۳. هماهنگی و همکاری با معاونان، مسئول اردو و نیز بخش‌هایی که به نوعی با اردو مرتبط هستند. ۴. تنظیم چارت دانش‌آموزی بر اساس تعداد شرکت‌کنندگان و تعیین وظایف آن‌ها و تنظیم تعداد جوخه‌ها و رسلها و مسئولیت هر کدام. ۵. پیش‌بینی و پی‌گیری امور— پس از ثبت نام مهم‌ترین کار تهیه وسیله نقلیه است؛ نوع وسیله، تأمین هزینه و انتخاب رانندگان آن از مواردی است که باید در تهیه وسیله مورد توجه قرار گیرد. مربیان باید در ماشین بر رفتار افراد نظارت داشته باشند. مربی نباید به جای انجام وظیفه در ماشین، بر صندلی آخر بنشیند و تخمه بشکند و بچه‌ها را با راننده به امان خدا رها کند؛ زیرا ممکن است بچه‌ها با راننده دست به یکی شوند و نوار بگذارند یا حتی او را تشویق به سرعت غیرمجاز کنند. ۶. معاون اجرایی، موظف است اعتبار مالی مورد نیاز اردو را تأمین و هزینه کند. ۷. نظارت بر غذا و پذیرایی— غذا و پذیرایی جزء مسائل مهم اردو است؛ چون سلامت اردو از نظر جسمی به کیفیت تغذیه مربوط می‌شود. تغذیه ناسالم و

اردو

حتی نامطبوع می‌تواند تأثیرات بدی بر اردو و برنامه‌های آن داشته باشد. گاهی بچه‌ها غذاهایی دوست دارند که در اردو پخت نمی‌شود یا غذاهایی پخته می‌شود که دوست ندارند. برای مثال در بعضی از استان‌ها و شهرهای کشور، نان بربری را اصلاً نمی‌شناسند در حالی که در بعضی از استان‌ها به آن خیلی علاقه دارند، اگر در اردوگاه، هر روز نان بربری داده شود، بچه‌هایی که تا به حال نخورده‌اند دچار مشکل می‌شوند، چون صبحانه نمی‌خورند، پس در اردو باید به نوع غذایی که پخت می‌شود دقت کرد تا همه به آن رغبت داشته باشند؛ بعضی غذاها، غذاهای محلی است و این غذاهای محلی در واقع برای همه قابل استفاده نیست.

۱. وظایف مدیر اجرایی نظارت بر ورود و خروج دانش‌آموزان و کنترل آن‌ها هنگام تردد در خیابان‌ها و محافل عمومی با هماهنگی انتظامات جوخه‌ها
 ۲. نظارت بر تدارکات - از خرید وسایل، تهیه مواد آشپزخانه و ... به عنوان تدارکات نام برده می‌شود. خرید جوایز هم به عهده تدارکات و مدیر اجرایی است، اما انتخاب آن‌ها با معاون فرهنگی است. نظارت بر بهداشت و درمان در اردو، تهیه بعضی از اقلام کمک‌های اولیه و انتخاب همکاران بهداشت و بهیار و همین‌طور نظارت بر فروشگاه و بانک. فروشگاه همان بوفه‌هایی است که مواد غذایی بین روز را برای بچه‌ها تامین می‌کند و گاهی اوقات صنایع دستی و سوختی می‌فروشد تا بچه‌ها به بازار نروند و مشکلات کم‌تر شود.
- منظور از بانک، بانک امتیازات است. بانک امتیازات مکانی است که امتیازات هر روز بچه‌ها در آن جا ثبت و ضبط می‌شود و در پایان اردو برای امتیازات تصمیم گرفته می‌شود و برنده‌های هر جوخه و یا هر گروهی مشخص می‌شوند

۳. تهیه گزارش از برنامه‌ها و کارهایی که انجام می‌شود هم به عهده مدیر اجرایی است.

وظایف معاون فرهنگی

۱. شناسایی و بکارگیری نیروها و امکانات. ۲. پیش‌بینی موضوعات ذیل: پیش‌بینی برنامه، پیش‌بینی امکانات، پیش‌بینی مسابقات، پیش‌بینی جزوات و متن‌های آموزشی و جوایز. مسئول یا معاون فرهنگی اردو باید از قبل برای برنامه‌هایی که قرار است اجرا شود و امکاناتی مورد نیاز این برنامه‌ها، مسابقاتی که قرار است در اردو برگزار شود، جزوات و مسابقات مکتوب و طرح برنامه‌هایی که نیازمند نوشتن است آمادگی لازم را داشته باشد و با مسئولین ذیربط هماهنگی کند و در نهایت برای تهیه جوایز و ... اقدام کند. ۳. هماهنگی و همکاری با معاونت‌های دیگر. ۴. نظارت بر امور هنری، امور عکس و فیلم در اردوگاه و کارگاه‌های آموزشی یا کارگاه‌هایی که در اردوگاه و اردو برگزار می‌شود، بانک امتیازات و مراسم هم از وظایف معاون فرهنگی است. ۵. تهیه گزارش از مسئولیت‌ها و شرح وظایف معاون فرهنگی.

وظایف معاون تربیت بدنی

تربیت بدنی به امور ورزش اردو و اردوگاه می‌پردازد که عبارتند از: ۱. هماهنگی جهت تهیه امکانات ورزشی، مسابقات و جوایز هم به عهده معاون تربیت بدنی است. برنامه‌های نمایشی ورزشی که در صبحگاه یا مراسم افتتاحیه و اختتامیه هم برگزار می‌شود مربوط به همین معاونت است. بچه‌ها دوست دارند جوایز ورزشی متناسب با رشته ورزشی خودشان باشد. ۲. تشکیل تیم‌های ورزشی و نظارت بر مراسم و ارائه گزارش هم از وظایف تربیت بدنی است.

اردو

۳. نظارت بر برنامه شنا هم یکی دیگر از وظایف این معاونت است. برنامه استخر با این که یک بازی مفرح و شاد است، اما نیاز به دقت و نظارت دارد. نظارت بر مسائل بهداشتی و اخلاقی و نیز انتخاب زمان مناسب برای شنا نیز از وظایف این معاونت است. زمان شنا نباید موقع غذا خوردن یا استراحت بچه‌ها باشد.

وظایف معاون تدارکات

هماهنگی و تامین مکان بین راه، تهیه تغذیه مناسب، تدارک محلی مناسب برای خواندن نماز و نیز نظارت بر امور تدارکات و ارائه گزارش از وظایف این معاونت است.

وظایف معاون ارزشیابی

سلامت طرح‌ها و برنامه‌های تمام معاونت‌ها به عهده معاون ارزشیابی است. تهیه گزارش از تمامی برنامه و نظارت بر آن‌ها از وظایف این معاونت است. نظرسنجی از دانش‌آموزان، مربیان و حتی والدین از وظایف این معاونت است. این نظر سنجی کمک می‌کند تا در برنامه‌ریزی بعدی موفق باشیم.

چارت اردوگاه

وظایف زیرمجموعه‌های معاونت فرهنگی ۱. روابط عمومی - وظیفه روابط عمومی ارتباط با محافل و مراکز بیرون از اردوگاه و هماهنگ کردن بعضی از برنامه‌های خارج از اردوگاه است. ۲. واحد مسابقات - برنامه‌ها و مسابقات فرهنگی را انجام می‌دهد. ۳. واحد هنری - کارهای نمایش، جنگ‌ها و برنامه‌های اختتامیه و افتتاحیه را انجام می‌دهد. ۴. واحد مشاوره - وظیفه‌اش مشاوره است که بعدها به تفصیل خواهیم گفت. ۵. واحد آموزش - مسئولیت

تدوین برنامه‌های آموزشی را به صورت غیرمستقیم عهده دارد ۶. واحد کتابخانه- تهیه کتاب و در اختیار گذاشتن آن برای استفاده دانش‌آموزان از وظایف این واحد است. ۷. بانک جوایز- بانک امتیازات از واحدهای زیر مجموعه معاونت فرهنگی است. هر کدام از این واحدها دارای چند عضو هستند که وظایفشان به صورت تفصیلی در بخش‌های بعدی خواهد آمد.

وظایف زیر مجموعه‌های معاونت اجرایی ۱. مدیر داخلی- مدیر داخلی زیر نظر معاون فرهنگی است و امور مربوط به این معاونت را انجام می‌دهد. ۲. واحد بازدیدها- بازدید یک کار فرهنگی است، اما به دلیل این‌که با بیرون از اردوگاه ارتباط دارد و به نوعی کار اجرایی است، زیر مجموعه معاونت اجرایی قرار گیرد. ۳. واحد آشپزخانه- نظارت دقیق بر پخت‌وپز و تهیه غذا بر عهده معاون اجرایی است. ۴. واحد فضای سبز- درخت‌کاری، کاشت سبزی و گل‌کاری داخل اردوگاه با این واحد است. ۵. واحد نگهداری- کنترل و نظارت بر ورود و خروج دانش‌آموزان به عهده این واحد است. ۶. واحد بهداری- انجام خدمات پزشکی از وظایف این واحد است که زیرمجموعه معاونت اجرایی است. ۷. واحد خدمات و تاسیسات- هرگونه تغییر و تاسیس واحد خدماتی شامل بهداشت و نظافت، در مجموعه خدمات و تاسیسات انجام خواهد شد که زیر نظر معاونت اجرایی است.

وظایف زیر مجموعه‌های معاونت تربیت بدنی ۱. نرمش صبحگاهی- شاید ما واحدی به نام نرمش صبحگاهی نداشته باشیم، اما بحث نرمش صبحگاهی از برنامه‌هایی است که زیر نظر معاونت تربیت بدنی انجام می‌شود ۲. واحد رزمی- در بعضی از اردوگاه‌ها و بعضی از برنامه‌های ورزشی مسابقات رزمی جدا از مسابقات ورزشی دیده می‌شود که یا به دلیل اهمیت موضوع یا تنوع

اردو

رشته‌های رزمی است. ۳. مسابقات ورزشی - همان مسابقات معمول ورزشی است. به دلیل استخر جزء برنامه‌های ورزشی است، اما به دلیل حساسیت‌های خاصی که در بحث استخر از جهت نظافت و بهداشت و مسائل اخلاقی وجود دارد، آن را جدا کردیم.

وظایف زیر مجموعه‌های معاونت پشتیبانی - معاونت پشتیبانی به نوعی تلفیقی از تدارکات و اجرایی است، امور مالی، کارپردازی، انبار و ترابری زیر مجموعه معاونت پشتیبانی است. تامین مسائل مالی به عهده مسئول امور مالی است. وظیفه کارپردازی خرید مایحتاج برای اردوگاه است، انباردار وظیفه نگهداری مواد غذایی، جوایز و مابقی اقلام و وسایل فرهنگی را به عهده دارد. ترابری هم وظیفه‌اش جابجایی دانش‌آموزان است.

نمودار اردوی یک روزه

بیشتر اردوهایی که مساجد و مدارس و بعضی از مراکز برگزار می‌کنند اردوهای یک روزه است و در اردوهای یک روزه امکان و فرصت چارت اردو و اردوگاه وجود ندارد. تعداد مربی و دانش‌آموزان نیز مختلف است. در این‌گونه از اردوها چه باید کرد؟ چند مربی باید همراه دانش‌آموزان باشند و چه مسئولیت‌هایی را باید بر عهده بگیرند؟ برای پاسخ به این سؤال چند نمودار پیشنهاد می‌گردد.

۱. مسئول اردو - یکی از مربیان مسئول اردو خواهد شد و بخشی از وظایف مسئول اردو را در چارت به عهده می‌گیرد. ۲. مدیر اجرایی - امور اجرایی اردو را به عهده دارد ۳. معاون فرهنگی - در یک اردوی ۵۰ تا ۱۰۰ نفره سه مربی می‌توانند با همکاری یکدیگر کارها را انجام دهند، برای اداره یک اردوی ۱۰۰ تا ۱۵۰ نفره، چهار نفر مورد نیاز است. مسئول، معاون، مدیر اجرایی و معاون فرهنگی. تعداد دانش‌آموزان در جوخه‌ها تغییر نمی‌کند یعنی ۵، ۷ یا حداکثر ۱۰ نفر است. توجه کنید در مقطع ابتدایی به دلیل کمبود سن و نیاز به مراقبت بیشتر لازم است تعداد مربیان بیشتر باشد. در هر صورت در اردوی بالای ۱۵۰ نفر هفت همکار مورد نیاز است. مسئول، معاون، مدیر اجرایی، معاون فرهنگی، معاون ورزشی، تدارکات و ارزشیابی. اگر بیش‌تر شد ایراد ندارد، اما کم‌تر نشود، چون در این صورت بخشی از وظایف روی زمین می‌ماند.

گزینش مربی

مربی نقش تعیین‌کننده‌ای در برنامه‌های اردو دارد به همین دلیل گزینش مربی باید با دقت صورت گیرد. مربیان اردو باید دارای این شرایط باشند: ۱. زبان همراهان را بشناسند، یعنی زبان مخاطب را بشناسند و او را درک کنند. مثلاً

اردو

فرض کنید یک مربی دوران ابتدایی همراه دانش‌آموزان دبیرستان باشد، یا به عکس دبیر یک دبیرستان همراه دانش‌آموزان ابتدایی باشد، ممکن است نتوانند با بچه‌ها و حتی با هم ارتباط برقرار کنند. دبیر دبیرستان لحن صحبت کردنش با معلم ابتدایی خیلی فرق می‌کند، پس باید دقت کنیم که مربی شناخت درستی از ویژگی‌های روحی و رفتاری مخاطب داشته باشد و بتواند با فراگیران و دانش‌آموزانی که در اردو شرکت می‌کنند ارتباط برقرار کند. ۲. همراهی با دانش‌آموزان در تمام لحظات یکی دیگر از شرایط گزینش مربی است. مربی باید در برنامه‌های ورزشی، جنگ، تفریحی، بازدید، جنگل‌نوردی، کوه‌پیمایی و استخر، همراه دانش‌آموزان باشد و در همه لحظات حتی زمان غذاخوردن در کنار بچه‌ها باشد ۴. مربی باید محرم اسرار دانش‌آموزان و خودساخته باشد. دانش‌آموزان در صورت برقراری ارتباط با مربی ممکن است بسیاری از اسرار خانوادگی یا درسی یا شخصی خود را با او در میان بگذارد. اگر مربی خودساخته نباشد، ممکن است این اطلاعات را حتی به برادر همان دانش‌آموز منتقل کند و به شخصیت او و حتی خانواده‌اش ضربه بزند. ۵. مربی باید آموزه‌های دینی را به درستی بداند و بتواند آن‌ها را به طور غیرمستقیم از دریچه رغبت و میل آنان آموزش دهد و به آن‌ها القا کند. بعضی از مربی‌ها اطلاعات دینی‌شان ضعیف است. به همین دلیل ممکن است حرکاتی انجام دهند که برای دانش‌آموز پیامدهای منفی داشته باشد. همان‌طور که قبلاً هم اشاره شد، در اردو رفتار و در کلاس گفتار را می‌بینیم. در اردو رفتار مربی در غذا گرفتن، استخر رفتن، امانت‌داری، نماز خواندن و ... تأثیر غیرمستقیم روی دانش‌آموزان دارد. پس مربی باید در رفتار و گفتارش دقت کند، چون زیر ذره‌بین دانش‌آموز است. اگر اهل نماز اول وقت نیست تظاهر به غیر اول وقت

هم نکنند. مربی‌ای موفق است که بتواند روی دانش‌آموز تأثیر بگذارد، اگر مربی در دل دانش‌آموز نفوذ کند و انگیزه درست تعلیم و تربیت داشته باشد می‌تواند تأثیر مستقیم بر رفتارهای دانش‌آموزان بگذارد و در میان دانش‌آموزان محبوب باشد. ما در بعضی برنامه‌های اردویی فرم‌های ارزشیابی داریم و از دانش‌آموزان می‌پرسیم که شرکت‌کنندگان در اردو با کدام یک از مربیان بیش‌تر ارتباط برقرار کردند یا برعکس کدام مربی در ارتباط با دانش‌آموزان موفق‌تر بوده است. یکی از مربیانی که در برنامه‌های اردو حضورش خیلی ضروری است، روحانی اردو است. چون هدف اردو تربیت است، حتی در اردوهای نظامی و ورزشی هم نیازمند روحانی هستیم. البته در اردوهای دختران ممکن است روحانی مرد حضور نداشته باشد و از خانم‌های طلبه یا مربیان دینی استفاده کنند. حضور روحانی اهداف رفتاری ذیل را خواهد داشت: ۱. معنویت بخشیدن به فضای اردوگاه و اردو به صورت غیرمستقیم ۲. تأثیرگذاری بیش‌تر برنامه‌های فرهنگی و مذهبی - اگر یک روحانی، مربی اردو هم باشد تأثیرش بیش‌تر است. چون مربی روحانی هم به مسائل مذهبی و هم به مسائل تربیتی آگاه است. ۳. برقراری ارتباط و انس با آگاهان دینی و زمینه‌سازی برای تربیت دینی - این هم نکته مهمی است، اگر روحانی اردویی با شرایط خاص حضور داشته باشد می‌تواند با بچه‌ها و دانش‌آموزان انس بیش‌تر بگیرد و زمینه را برای تربیت دینی آماده کند. در بسیاری از برنامه‌های اردویی، دانش‌آموزان گفته‌اند که ما تا به حال با یک روحانی به صورت خصوصی صحبت نکرده‌ایم یا هنوز دستشان به لباس و عبا‌ی روحانی نخورده است. این مسائل باعث می‌شود فاصله ایجاد شده بین روحانی و دانش‌آموز کم شود. دقیقاً همان شکلی که معصومین(ع) با اصحاب و یارانشان داشتند، یعنی این طوری نبود که فقط

اردو

سخنرانی و حرف‌های تئوری باشد. ۴. ایجاد فضای صمیمی برای بیان مشکلات روحی و اعتقادی- وقتی دانش‌آموز با روحانی ارتباط برقرار کند، مشکلات روحی و شبهات اعتقادی خود را مطرح می‌کند و این فضای صمیمی باعث حل مشکلات می‌شود. ۵. افزایش سطح معلومات دینی شرکت‌کنندگان در اردو- حضور روحانی در اردو باعث می‌شود که سطح معلومات دینی بچه‌ها افزوده شود. این آگاهی کمک می‌کند که دانش‌آموزان به دین، خدا و معنویت نزدیک شوند، در این صورت تربیت به صورت کامل صورت می‌گیرد. روحانی مورد نظر ما باید خودساخته باشد، خوب ارتباط برقرار کند، در ذهن مخاطبان محبوب و مطلوب باشد، و شرایط و مبنای دین را خوب رعایت کند. روحانی مورد نظر ما محرم اسرار دانش‌آموزان و دوست آن‌ها است. پاسخ‌گویی به سؤالات، حضور بین دانش‌آموزان در اتاق‌ها، کلبه‌ها و جمع‌های دوستانه تأثیر خیلی خوبی دارد. متنها باید به گونه‌ای باشد که حرمت روحانیت و شأن آن از بین نرود.

مشاور

جایگاه مشاور در اردوگاه مانند جایگاه روحانی است. برنامه‌های دینی نیازمند روحانی و برنامه‌های گروهی و روانی دانش‌آموزان نیازمند مشاور است. فرق مشاور اردوگاه با مشاور مدرسه یا کلینیک‌های مشاوره این است که مشاور اردوگاه برخلاف مشاور مدرسه یا کلینیک منتظر مراجعه کننده نیست، یعنی خودش به دنبال فرد نیازمند مشاوره می‌گردد تا به او مشاوره دهد.

چرا مشاوره در اردو لازم است؟

پاسخ: ۱. شناخت و زمینه‌سازی برای درمان مشکلات روحی و رفتاری دانش‌آموز- دوران نوجوانی و جوانی دوران مسائل و مشکلات روحی نوجوان و جوان است و باید فردی باشد که به این سؤالات و مشکلات جواب بدهد. حضور مشاور برای این است که بتواند یک ارتباط خوب با دانش‌آموزان برقرار کند و در خصوص مسائل و مشکلات روحی با آنها صحبت کند. صحبت کردن بچه‌ها با مشاور باعث تخلیه و آرامش روانی آنها می‌شود، چون وجود مشکل در ذهن دانش‌آموز ممکن است باعث به هم خوردن برنامه‌های اردو و در ایام تحصیل باعث عدم پیشرفت دانش‌آموز گردد. ۲. پیش‌گیری از بروز حوادث و بحران‌های روحی و رفتاری- وجود یک دانش‌آموز منزوی و افسرده ممکن است روی دیگران هم تأثیر بگذارد و بعضی از برنامه‌ها را مختل کند. عدم وجود مشاور ممکن است باعث بروز درگیری شود و مشکلی که می‌تواند با یک مشاوره ساده حل شود، تبدیل به بحران شود. ۳. دلنشین کردن اردو برای همه شرکت‌کنندگان- وجود دانش‌آموزان زورگو و خودخواه باعث رنجش دیگران می‌شود. نقش مشاور این است که اردو را برای همه دلنشین کند. وقتی اردو برای همه دلنشین شد، اعضای اردو و اردوگاه مشکلات

اردو

روحي و رواني كمترى دارند و رفتار دانش آموزان قابل پيش بينى و كنترل است. به عنوان مثال در يكي از اردوها بعد از افتتاحيه دانش آموزى را به مشاور معرفى كردند كه ناراحت بود و گريه مى كرد. مشاور خيلى با او صحبت كرد و متوجه شد كه اين دانش آموز به خاطر يك سؤال خاطراتى به يادش آمده كه باعث ناراحتى اش شده است. شناخت مشاور از رفتار دانش آموز باعث كمك به او مى شود. سؤالى كه باعث ناراحتى او شده بود اين بود كه كلمه «پنج سال» با امام زمان(ع) چه مناسبتى دارد؟ و بعد كه متوجه شد امام زمان(عج) در پنج سالگى پدرش را از دست داد و به امامت رسيد، ساعتها گريه كرد و هيچ كسى نتوانست او را ساكت كند چون پدرش در سن پنج سالگى فوت کرده بود.

نكته: لزومى ندارد كه دانش آموزان مشاور را به عنوان مشاور بشناسند بلكه يكي از مربيان مى تواند اين كار را به صورت غيرمستقيم انجام دهد. در مقطع ابتدائى ممكن است يكي از بازيگران تئاتر كه لباس مخصوصى هم دارد و مى تواند با دانش آموزان ارتباط برقرار كند اين نقش را به عهده بگيرد.

قوانين و مقررات اردو

اطلاعاتى كه هنگام ورود بچه ها به اردوگاه بايد بدهيم، ساعت ورود و خروج اردوگاه است. بچه ها بايد بدانند كه چه ساعتى مى توانند از اردوگاه خارج شوند و يا چه ساعتى بايد در اردوگاه باشند. ۲. مقررات استفاده از حمام، مخابرات و ... و همچنين ضوابط مراجعه به بهدارى و مركز، ساعت مراجعه به فروشگاه و ... بايد در اطلاعيه اى كه در محل مناسبى نصب مى شود به اطلاع دانش آموزان برسد. ممكن است دريك اردوگاه، چهاريا پنج اردو هم زمان برقرار شود. دانش آموزان بايد اطلاع داشته باشند كه محدوده اردويى آنها

چه قدر است یا ساعت استفاده از غذاخوری، زمین ورزشی، زمان استفاده از استخر چه قدر است تا از تداخل اردوها و به هم ریختن برنامه‌ها جلوگیری شود. حفاظت از درختان و فضای سبز هم باید به اطلاع دانش‌آموزان برسد.

پرچم افتخار

برای معرفی کلبه یا جوخه نمونه یا برتر است. پرچم افتخار به جوخه یا گروهی داده می‌شود که کار خاصی را انجام داده باشند یا در موضوع خاصی از دیگر جوخه‌ها برتر باشد. معمولاً پرچم افتخار به خاطر نظم و نظافت کلبه داده می‌شود. شکل پرچم افتخار از پرچم‌های دیگر متمایز است و معمولاً سه گوش یا نیم دایره است و با پرچم‌های معمول کشورها متفاوت است. این پرچم در مراسم صبحگاه توسط مربی که مسئول برگزاری برنامه صبحگاه است به ارشد یا سر جوخه داده می‌شود. هدف از اهدای پرچم افتخار: ۱. تشویق دانش‌آموزان به نظم و نظافت به جای استفاده از دستور است. ۲. حفظ و نگهداری وسایل شخصی و لوازم تحویلی - برای بچه‌ها گرفتن پرچم افتخار در مراسم صبحگاه خیلی مهم است و این مسئله در مقطع ابتدایی و راهنمایی بیش‌تر است. اگر ما با اجرای مناسب و نظارت دقیق‌تر این برنامه را اجرا کنیم برای مقطع دبیرستان هم جالب و قابل توجه است. ۳. پای‌بندی به مقررات و قوانین اردو و زندگی یکی دیگر از اهداف ما در اهدای پرچم افتخار است. ۴. تلاش برای کسب موفقیت یکی دیگر از اهداف اهدای پرچم افتخار است. با این کار دانش‌آموزان تشویق می‌شوند تا برای کسب موفقیت تلاش و با تنبلی و سهل‌انگاری مبارزه کنند. رنگ و پرچم افتخار با توجه به سلیقه‌های مختلف می‌تواند متفاوت باشد. پس از تحویل پرچم می‌توانند آن را در محل اسکان جوخه نصب کنند تا بقیه هم آن را ببینند.

اردو

چند نکته درباره پرچم افتخار ۱. تقسیم کار برای تمرین مسئولیت پذیری ۲. تمرین زندگی اجتماعی ۳. احساس مسئولیت کردن بی تفاوت‌ها حتی با اعطای مسئولیت کاذب.

پرچم افتخار برای چه کارهایی اها می‌شود؟ ۱. حضور فعال در برنامه‌ها- گروه، جوخه و تیمی که در برنامه‌ها حضور به موقع داشته باشند پرچم افتخار را دریافت می‌کنند. ۲. رعایت اخلاق اسلامی ۳. بهداشت و نظافت ۴. دوستی و صمیمیت ۵. رعایت نظم و قانون. می‌توانیم جوخه‌ای را انتخاب کنیم که چند ویژگی را با هم داشته باشد. مهم‌ترین نکته در اهدای پرچم افتخار معرفی الگو و نمونه است. معرفی الگو و نمونه بقیه دانش‌آموزان را هم تشویق می‌کند که منظم و مؤدب باشند. اهدای پرچم افتخار در مراسم صبحگاه طی تشریفات خاصی انجام می‌شود و این تشریفات خاص به رسمی کردن برنامه و مهم جلوه دادن این موضوع در ذهن دانش‌آموزان کمک می‌کند. پس از قرائت قرآن، نیایش و مراسم صبحگاه، مربی یا مسئول برگزاری مراسم صبحگاه از فردی که مسئول این کار است (مسئول ارزشیابی یا فرهنگی و ...) می‌خواهد که پرچم افتخار را معرفی و جوخه نمونه را اعلام کند. از ارشد آن جوخه درخواست می‌شود که «قدم رو به دو رو» یا به حالت‌های مختلف خودش را به جایگاه برساند و با مراسم خاصی پرچم افتخار اهدا می‌شود و حاضرین او را تشویق می‌کنند. می‌توان نمادی از تشویق، نمادی از ترغیب و نمادی از حس برتری جویی روی افتخار پرچم طراحی کرد. در این برنامه که مدیران و مسئولین اردو با انتخابات دانش‌آموزان انتخاب می‌شوند و پس از آن با نظارت و کمک مربیان، کار خود را آغاز می‌کنند. ممکن است این تجربه فقط یک یا دو روز در اردوی یک هفته‌ای باشد.

صبحگاه

مراسم صبحگاه یکی از برنامه‌هایی است که حتماً در اردوهای سراسری و رسمی اجرا می‌شود. در اردوهای یک روزه کم‌تر و در اردوهای چند روزه بیش‌تر اجرا می‌شود و لازم هم هست. مراسم صبحگاه کمک می‌کند که دانش‌آموزان روزشان را با رسمی‌ترین برنامه آغاز کنند اگر مراسم صبحگاه نداشته باشیم و مراسم رسمی‌مان را با صبحانه یا با برگزاری برنامه‌ها و کارگاه‌های آموزشی شروع کنیم یک حالت خمودگی در دانش‌آموزان ایجاد می‌شود که تا پایان روز ادامه خواهد داشت، اما مراسم صبحگاه کمک می‌کند تا علاوه بر متبرک شدن مراسم با قرآن و نیایش، برنامه با نرمش صبحگاهی آغاز شود و برنامه‌ها رسمی و جدی جلوه کند.

عناوین برنامه‌های صبحگاهی

۱. تلاوت قرآن

به احترام قرآن فرمان خبردار داده می‌شود و دانش‌آموزان بدون حرکت به قرآن گوش می‌دهند. بهتر است آیات و سوره‌های کوتاه انتخاب شود. صدای خوش و دلنشین قاری قرآن می‌تواند به جذابیت و حلاوت قرآن کمک کند.

۲. برافراشتن پرچم

گارد پرچم، پرچم را برافراشته می‌کنند، یعنی زمانی که دانش‌آموزان سرود جمهوری اسلامی را می‌خوانند، گارد پرچم هم جلو رفته و با تشریفات خاص مثل رفتارهایی که در پادگان‌های نظامی می‌بینیم، پرچم را آرام آرام برافراشته می‌کنند و باید تا انتهای سرود جمهوری اسلامی پرچم برافراشته شود.

۳. سوگند پرچم

اردو

سوگند پرچم متنی است که توسط یکی از دانش‌آموزان خوانده می‌شود و بقیه تمام یا بخشی از جملات آن را تکرار می‌کنند.

۴. نیایش

نیایش به درگاه حضرت باری تعالی که توسط یکی از دانش‌آموزان اجرا می‌شود و بقیه آمین می‌گویند. این برنامه در مدارس هم اجرا می‌شود و معمولاً دانش‌آموزان با این برنامه راحت ارتباط برقرار می‌کنند.

شاید برنامه صبحگاه صرفاً یک برنامه رسمی باشد، اما لازم است. همه کشورها و قومیت‌ها و زبان‌های مختلف این برنامه‌ها را رعایت می‌کنند. در جمهوری اسلامی هم خوب است که دانش‌آموز سرود جمهوری اسلامی و سوگند پرچم را حفظ کند و به اجرای نیایش دقت کند. این مفاهیم به مرور زمان می‌تواند تأثیر خاصی روی مخاطب بگذارد.

۵. اعلام برنامه روزانه - یکی از مربیان، برنامه روزانه را به صورت خلاصه بیان می‌کند.

۶. تذکرات ویژه

تذکرات ویژه، مواردی است که در آن روز لازم است به صورت کوتاه یادآوری شود. باید دقت کنیم زمان مراسم صبحگاه طولانی نباشد. بعد از برنامه صبحگاه برنامه نرمش است که متناسب با سن دانش‌آموزان زمانش متفاوت است. حدود ۱۰، ۲۰ یا ۳۰ دقیقه، متناسب با سن شرکت‌کنندگان اجرا می‌شود. تلاوت قرآن، برافراشتن پرچم، سوگند پرچم و نیایش به صورت چرخشی یا داوطلب توسط بعضی از جوخه‌ها اجرا می‌شود، در این صورت می‌توان شیوه اجرای هر جوخه را با جوخه دیگر مقایسه کرد.

در این قسمت بعضی از عناوین مراسم صبحگاه را بیش تر تشریح می‌کنیم.

۱. سرود جمهوری اسلامی یکی از برنامه‌هایی است که در مراسم صبحگاه اجرا می‌شود. دانش‌آموزان در مدارس این سرود را می‌خوانند و با سبک و آهنگ آن آشنا هستند. قداست و عظمت سرود جمهوری اسلامی به الفاظ و اعتقاداتی است که در ابیات آن وجود دارد. همان‌طور که می‌دانید روی شعر و آهنگ این سرود کار کارشناسی دقیقی شده است. خوب است توضیحاتی در رابطه با الفاظ این سرود برای دانش‌آموزان داده شود. مثلاً «بهمن فرایمان ماست» یعنی چه؟ ۲. نیایش - نیایش نوعی اظهار ارادت به خداوند و سپاس و تشکر از نعمت‌هایی است که خداوند به ما ارزانی کرده است. در این برنامه دانش‌آموزان ابتدا از خداوند تشکر می‌کنند. برخی از عبارات‌های این نیایش را از این قرار است؛ «خداوندا به جهت برقراری حکومت مقدس اسلامی و اعطای پیروزی‌های چشم‌گیر در عرصه‌های مختلف فرهنگی و اجتماعی به کشور عزیزمان ایران، تو را سپاس می‌گوییم» این جمله توسط یکی از دانش‌آموزان خوانده می‌شود و بقیه جواب می‌دهند، «سپاس» یعنی فقط کلمه سپاس را می‌گویند. «بارالها! لیاقتی که تو به ما عطا فرمودی باعث شکوفایی استعداد، فکر و اندیشه شده و به حضور ما در اردوی دانش‌آموزی انجامید، اکنون با دل و اندیشه‌مان تو را سپاس می‌گوییم»؛ «سپاس» «معبودا به خاطر مریبان دلسوز و زحمت‌کشی که دوشادوش ما و در جهت رشد و تعالی ما قدم برداشته و ما را به صراط مستقیم رهنمون می‌گرد تو را سپاس می‌گوییم»؛ «سپاس» این جملات تشکر و سپاس بود و حالا بخش دعا «پرودگارا همیشه و در همه حال ما را در خط سالار شهیدان و راه امام‌بت‌شکن ثابت قدم بدار» جواب دانش‌آموزان «آمین» است. «آفریدگارا رهبر ما را از خطرات مصون و

اردو

محفوظ بدار و در کلیه امور یاری فرما؛ «آمین» الهی شهیدانی که منادیان خون سرور و سالار شهیدان بوده و با نثار خون خود درخت انقلاب اسلامی را آبیاری نمودند را با شهدای کربلا محشور بگردان؛ «آمین». سپس متن سوگند نامه یا سوگند پرچم که قسم به پرچم و مقدساتی است که در پرچم جمهوری اسلامی ایران نهفته است، نمادهایی که از دین، حکومت و اعتقادات دینی و فرهنگ محبت و دوست داشتن وطن در آن است قرائت می‌شود.

سوگندنامه

این متن باید خیلی جدی‌تر و رسمی‌تر از سایر متن‌ها دقیقاً مثل پادگان‌های نظامی به صورت خشک، رسمی و جدی با صدایی پر طنین و قوی خوانده شود و دانش‌آموزان هم پاسخ دهند. «من به این پرچم مقدس» بچه‌ها تکرار می‌کنند «که مزین به نام الله» بچه‌ها تکرار می‌کنند «و مظهر استقلال میهن اسلامی من است - سوگند یاد می‌کنم - که به اندازه تواناییم - نسبت به تعالیم انسان ساز اسلام و قرآن و به کار بستن دستورات آن کوشا باشم» هرکدام از این بخش‌ها را دانش‌آموزان تکرار می‌کنند «همیشه - رسالت خون مظهر شهدای عزیز را - بر دوشم احساس نموده - و در تحقق اهداف بلند اسلامی - تا نثار خون خویش تلاش نمایم.» اگر دقت کرده باشید الفاظی در این سوگندنامه به کار رفته که شامل اعتقادات ملی و مذهبی است و این‌ها را در متن نیایش و سپاس به صورت غیرمستقیم قرار داده‌ایم، یعنی هر روز در اردو این متن‌ها تکرار می‌شود و به صورت غیرمستقیم به دانش‌آموز القا می‌شود. و این‌ها جزء بحث‌هایی است که در قالب یک برنامه رسمی اردو اجرا می‌شود هرچند شاید در گفتن بعضی از الفاظ شده است، اما چون در یک برنامه رسمی و نمایشی است این ضعف را پوشش می‌دهد. ادامه سوگندنامه «و تا

تحقق اهداف بلند اسلامی - و نثار خون خویش تلاش نمایم.» در این جا بحث فداکاری، جهاد در راه خدا و شهادت را به صورت غیرمستقیم به بچه‌ها القا می‌کنیم. «با اطاعت از فرامین قرآن کریم - و با پیروی از ولایت فقیه و رهنمود روحانیت راستین - مبشر اسلام عزیز - آزادی و برادری در جهان باشیم.» این متن سوگندنامه‌ای است که در بعضی جاها تکرار و تجربه شده است، اما ضرورتی ندارد که همین متن خوانده شود، می‌تواند عبارات بهتر و کلمات ساده‌تر و یا متن‌های دیگری باشد. بعضی از کلمات این سوگندنامه، نیایش یا سپاس‌نامه الفاظ خاصی است تا شکوه و عظمت کلمات حفظ شود. در بعضی از اردوگاه‌ها گروه موزیک برخی از کارها مثل سرود جمهوری یا برافراشتن پرچم را همراهی می‌کنند.

خواب و بیداری

بیدار کردن بچه‌ها نیازمند دقت است، ولی به دلیل این‌که جزء برنامه‌های روزانه اردو و اردوگاه است در بحث فعالیت‌های اجرایی ذکر می‌شود. خاموشی و بیداری معمولاً یکی از معضلات و مشکلات اردوهای دانش‌آموزی است، مربیان به ویژه در شب اول و شب آخر برای خواباندن بچه‌ها دچار دردسر می‌شوند، هرچند شب اول بچه‌ها خسته هستند، اما به دلیل جدا شدن از محیط خانواده و ورود به محیط جدید و احساس استقلال و آشنایی با دوستان جدید ممکن است به وجد بیایند و نتوانند به راحتی بخوابند. خاموشی شب آخر هم باز این مشکل وجود دارد، علتش این است که بچه‌ها چند روز پیش هم بودند و حالا می‌خواهند از هم جدا شوند و شب آخر شب شکستن مقررات است، چون فردایی نیست که بخواهند تنبیه یا از امتیازی محروم

اردو

شوند. مربی باید این شرایط را درک کند تا کار به خشونت نکشد و خاطره بدی از اردو در ذهن دانش‌آموزان نماند.

اهداف رفتاری «خاموشی و بیدار باش»:

۱. احترام به قانون و رعایت مقررات ۲. احترام به حقوق دیگران- وقتی قرار شد همه استراحت کنند پس کسی نمی‌تواند به بهانه این‌که خوابش نمی‌برد مزاحم دیگران شود و حقوق دیگران را زیر پا بگذارد. ۳. تجربه زندگی شبانه‌روزی در جمع دیگران- محیط اردوگاه محیط جدید و تجربه جدید است. باید یاد بگیرد که چه‌طور زندگی کند و حقوق دیگران را رعایت کند. ۴. کنار گذاشتن تنبلی و نوازش‌های خانوادگی- بچه‌هایی که در خانه از نوازش‌های مادر بهره‌مند بوده‌اند و گاهی تا ساعت ۹ صبح خوابیده‌اند، حالا باید ساعت ۵ یا ۶ صبح بیدار شوند و در مراسم رسمی اردو شرکت کنند. یکی از هدف‌های خاموشی و بیدار باش در اردو خارج کردن دانش‌آموزان از حالت تنبلی و کسالت است.

نکاتی که در بحث خاموشی باید رعایت شود:

۱. تناسب ساعت خاموشی و بیداری با سن شرکت‌کنندگان مراعات شود. در بعضی از اردوها زمان بیداری برای صبح دقیقاً اذان صبح است، توصیه نمی‌کنیم که دانش‌آموز ابتدایی لحظه‌ی اذان صبح بیدار شود و دستور مؤکدی هم از دین نداریم شاید مجوز هم نداشته باشیم. اگر دانش‌آموزان آمادگی داشته باشند خوب است، اما مجبورشان نکنیم، چون اگر در بیدار کردن دانش‌آموز برای نماز صبح یا برنامه‌های دیگر مذهبی بد عمل کنیم ذهنیتی از دین در ذهن دانش‌آموز ایجاد می‌شود که ممکن است تا پایان عمر همراهش باشد. ۲. آیا بیدار کردن دانش‌آموز او را به خدا و دین نزدیک‌تر می‌کند یا در همان اندازه

نگه می‌دارد و یا دور می‌کند، این نکته‌ای است که مریبان باید نسبت به آن دقیق باشند. ۳. از خشونت دوری کنیم و از نغمه‌های آرام‌بخش مثل نوارهای موسیقی و پیانو استفاده کنیم، حتی در ایام محرم و عزا هم می‌توان از موسیقی‌های مرتبط با این ایام استفاده کرد. شاید شب‌های اول سروصدای بچه‌ها بیش‌تر از صدای موسیقی باشد، اما کم‌کم عادت می‌کنند و می‌خوابند. به هر حال روح و بدن باید برای خواب آرام شود. ۴. برخورد موردی با کسانی که ساعت خاموشی را نادیده می‌گیرند. گاهی وقت بچه‌ها می‌خواهند مربی‌ها را دست می‌اندازند، یعنی ساعت خاموشی چراغ‌ها زده می‌شود و محوطه اردو و کلبه‌ها خاموش می‌شود و همه شروع می‌کنند به سوت زدن، فرقی هم نمی‌کند که دختر باشند یا پسر. این صداها باعث می‌شود که نظم اردوگاه و هدف خاموشی از بین برود. در این مواقع بهتر است که خاموشی با اطلاع قبلی باشد و مثلاً یک ربع قبل اعلام شود تا اگر دانش‌آموزی حواسش نبود.

۵. بتواند کارهای قبل از خواب مثل دستشویی رفتن و مسواک زدن و ... را انجام بدهد.

۶. پس از خاموشی مربی‌ها به کلبه‌ها سر بزنند تا از بروز سروصداها احتمالاً جلوگیری کنند. از تنبیه عمومی به شدت خودداری کنید که تأثیر بدی دارد.

۷. جلوگیری از مطرح شدن موضوعات ترسناک در شب مانند جن‌گیری، هیپنوتیزم، احضار ارواح و ... چون در ترساندن بچه‌ها تأثیر مخربی دارد.

۸. بیدار کردن بچه‌ها برای نماز صبح نیازمند مجوز شرعی است. ما اجازه نداریم دانش‌آموزان را به زور برای نماز صبح بیدار کنیم، در رساله‌های عملیه داریم که اگر دو نفر با هم جایی خوابیدند شرعاً اجازه ندارند یکدیگر را بیدار

اردو

کنند مگر این که قبلاً سفارش کرده باشند. ما باید فضایی ایجاد کنیم که دانش‌آموزان برای نماز صبح بیدار شوند. اول این که به آن‌ها شخصیت بدهیم و اعلام کنیم هرکس می‌خواهد برای نماز صبح بیدار شود به ما بگوید. دوم نقشه‌ای از محل خواب بچه‌ها تهیه کنیم و در اختیار آن‌ها بگذاریم تا اگر تمایل به بیدار شدن دارند آن محل را علامت بزنند این کار تأثیر خاصی دارد، یعنی ممکن است یک عده هم ناخواسته بیدار شوند یا ممکن است یک عده بگویند که ما را برای نماز صبح بیدار نکنید، اما آن‌هایی که بیدار می‌شوند با انگیزه هستند.

نمودار آسایشگاه

؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟

خاطره:

پیرمردی در یکی از محل‌های اقامتی مشهد بود که هر روز صبح بلندگو را روشن می‌کرد و اذان می‌گفت، من از او خواستم که اجازه بدهد امروز بچه‌ها را برای نماز بیدار کنم، قبول کرد. میکروفون را گرفتم و آرام آرام شعر «دوست دارم صدات کنم تو هم مرا صدا کنی...» را که بچه‌ها حفظ کرده بودند و در ماشین و هنگام وارد شدن به حرم با هم می‌خواندند، خواندم. صدا خیلی کم و شیوه خواندن آرام بود. آرام آرام بچه‌ها بلند شدند. چون با این شعر و امام رضا(ع) چند روزی زندگی کرده بودند، الفاظش باعث شد که از خواب بیدار شوند.

نکته مهم این است ما در اردو می‌خواهیم بچه‌ها را تربیت کنیم و تربیت پیامدهایی دارد، آزمون و خطا دارد. درست مثل بچه‌ای که می‌خواهد راه رفتن یاد بگیرد. به همین دلیل نباید از شکسته شدن قوانین و مقررات ناراحت شویم و برخورد خشن بکنیم. معمولاً پسرهای نوجوان به قول و قرارشان پایبند هستند. دخترهای نوجوان هم به دلیل رابطه عاطفی که با مربیان برقرار می‌کنند نسبت به اجرای قوانین و مقررات پای بند هستند. در احادیث داریم که هفت سال اول زندگی، پادشاهی است، هفت سال دوم سن مشاوره و وزیری است، هفت سال سوم سن بندگی است.^{۱۶} احادیثی داریم از ائمه معصومین به ویژه امام کاظم(ع) که می‌فرماید: «مستحب است در کودکی به (جست و خیز) پردازد و تا در بزرگسالی حکیم و صبور باشد و جز این سزاوا نیست»^{۱۷} بچه‌هایی که در دوران کودکی جنب و جوش بیش‌تری دارند در دوران

^{۱۶}- قال رسول اکرم(ص): الولد سید سبع سنین وزیر سبع سنیمی و عبد سبع سنین.

اردو

بزرگ‌سالی انسان‌هایی حلیم، صبور و با حوصله هستند»، چون پرخاشگری‌ها، جنب و جوش‌ها و حرکات‌ها و فعالیت‌هایشان را در دوران کودکی انجام داده‌اند نکته: پس باید مقررات طوری تنظیم شود که با نیاز و روحیه مخاطب متناسب باشد. نکته مهم دیگری که به ویژه در اردوهای پسرانه باید دقت شود مدل ساختمان و تأسیسات خوابگاهی اردوگاه است. معمولاً اتاق خواب کلبه‌ها طوری ساخته می‌شود که برای برخی رفتارهای ضد اخلاقی و ناهنجارهای اخلاقی ناامن باشد. یعنی کلبه، آلاچیق، خیمه و چادر و ... باید پنجره داشته باشد به شکلی که نوجوان درون کلبه احساس امنیت نکند. علاوه بر این در هر کلبه باید مربی حضور داشته باشد، حتی اگر نخواهد در آن‌ها بخوابد ولی تا زمان خواب دانش‌آموزان آن‌جا باشد. هر چند که اگر در همان کلبه بخوابد بهتر است. مربی باید دور کلبه‌ها قدم بزند تا هم از بروز رفتارهای ناهنجار و ضد اخلاقی جلوگیری کند و هم حرف‌های دانش‌آموزان را بشنود. در بسیاری از اردوها دیده شده که دانش‌آموزان درباره برنامه‌های اجرا شده یا مربیان و مسئولان صحبت می‌کنند. این خود نوعی ارزیابی از برنامه‌ها و شیوه رفتار مربیان و نگرش دانش‌آموزان است. گاهی وقت‌ها بچه‌ها با لهجه‌های محلی صحبت می‌کنند. اما از بین الفاظ و کلماتشان می‌توان فهمید که درباره چه موضوعی صحبت می‌کنند، به هر صورت اردوداری کار ساده‌ای نیست، به نوعی مربی هم پدر است و هم مادر. هم باید احساسات مادری و هم قدرت و قاطعیت پدری داشته باشد و دانش‌آموز را بین خوف و رجا تربیت کند تا بتواند فضای مناسبی را برای اردوی دانش‌آموزی برقرار کند و شرکت‌کنندگان از اردو لذت ببرند. ایجاد چنین فضایی لذت بخش است و از کارهایی است که خدا هم دوست دارد.

امانت داری

در یکی از مباحثی که در اردو داری مطرح است بحث امانت داری است، زمان‌های قدیم که حمام‌های عمومی، جمله‌ای بالای سر مرد حمامی نوشته بود؛ این جمله در اردو گاه هم کاربرد دارد.

هر که دارد امانتی موجود بسپارد به بنده وقت ورود

نفسپارد اگر شود مفقود بنده مسئول آن نخواهم بود

قدیم‌ها در حمام‌های عمومی کمد و قفل و بست نبود و اگر کسی وارد می‌شد و احتمالاً غریبه بود، اهل آن شهر نبود چیز قیمتی پیش خودش داشت به مرد حمامی تحویل می‌داد و بعد که لباسهایش را می‌پوشید بچه اش را می‌گرفت می‌خواست برود امانتی اش را تحویل می‌گرفت. در اردو گاه به لحاظ ساختمان‌های خاصی که قبلاً گفته شد، ممکن است قفل و بست وجود نداشته باشد و دسترسی به کیف و چمدان امکان‌پذیر و ساده باشد. گاهی شاهد مفقود شدن اشیا هستیم. برای این‌که چنین مشکلی پیش نیاید باید از قبل برنامه ریزی کنیم. گرچه این کار، اجرایی است، اما جنبه فرهنگی دارد. اگر دانش‌آموزی پولی با خودش آورده باشد که برای دوستش، برادر یا خواهر کوچکش سوغاتی و هدیه بخرد و بی‌توجهی به موضوع باعث شود که پولش را گم کند، یک ذهنیت و خاطره بد از اردو در ذهنش باقی خواهد ماند که شاید سال‌های سال از ذهنش پاک نشود به همین خاطر باید به بحث امانت‌داری توجه ویژه‌ای شود.

اهداف رفتاری و اسلاید امانت داری

اردو

۱- جلوگیری از گم شدن اشیای قیمتی مانند دوربین عکاسی، ساعت مچی، دوربین فیلم برداری، موبایل و پول و جلوگیری از بروز مشکلات احتمالی آینده

۲- کاستن از بدگمانی‌ها و درگیری‌ها که خودش سهل انگار بوده یا جایی گم کرده یا جایی گذاشته حواسش نیست اما نسبت به دوستان و هم اتاقی و هم کلبه ای یا هم جوخه ای هایش بدگمان می‌شود گاهی صرفاً یک گمان نیست درگیری و بحث های لفظی هم پیش می‌آید

۳- ایجاد فضای صمیمی و یکدلی در کلبه، جوخه و اردو

۴- حضور به موقع و بیش تر دانش آموزان در برنامه‌ها - ارتباط این موضوع با امانت‌داری چیست؟ گاهی عده‌ای در برنامه جُنْگ، مراسم افتتاحیه و بازدید حاضر نمی‌شوند. وقتی هم علت را می‌پرسیم، می‌گویند که مثلاً «من بازدید یا قایق سواری را دوست ندارم.» اگر مربی و مشاور به این موضوع دقت نکنند و یا بی تفاوت باشد دانش آموز را مجبور کند است ممکن پیامد منفی داشته باشد. یکی از دلایل عدم حضور دانش آموزان در برنامه‌های اردو این است که احتمال می‌دهند چیزی از آن‌ها گم شود. و مبادا کسی خدایی نکرده سراغ کیفشان برود به همین خاطر سعی می‌کنند که در برنامه شرکت نکنند یا دیرتر بیایند بعضی‌ها دیرتر از همه وارد کارگاه آموزشی می‌شوند و می‌خواهند مطمئن شوند که فلانی هم سوار ماشین شده چون نسبت به آن بدگمانند. این دقت‌هاست که کار تربیتی و اردویی را از برنامه‌های معمول آموزشی و مسافرت عادی متمایز می‌کند. در بحث امانت‌داری نکات دیگری هم هست که باید به آن دقت کرد، مانند روش تحویل گرفتن. چنان چه مربی همراه هر اردویی اشیای قیمتی دانش آموزان را تحویل بگیرد باعث اطمینان خاطر

دانش آموزان می شود و مطمئن می شوند به وسایلشان محفوظ است و آن‌ها دستبرد زده نمی شود. هروقت هم که لازم شد دسترسی به آن دارند. مربی هم مقداری از پول دانش آموزان همیشه همراهش است که در بازدید یا برای خرید می تواند به آن‌ها تحویل دهد یعنی یک عابر بانک اردویی همراه دانش آموزان است و می توانند هروقتی که خواستند از پولشان استفاده کنند. اگر تعداد دانش آموزان زیاد باشد و همه بخواهند اشیایشان را تحویل دهند باید در اردوگاه کمد و مکان نگهداری وجود داشته باشد. نکته دیگر این که در تحویل گرفتن وسایل دانش آموزان باید دقت کنیم که اشتباهی نشود و مشکلی پیش نیاید. دانش آموز فکر بد نکند، جلوی خود دانش آموز یادداشت شود که شما فلان مبلغ را تحویل دادید.

اردو داران نوجوان

اگر دقت کرده باشید گاهی دانش آموزان زیر یک درخت گاهی در کلبه و یا شب موقع خواب، گاهی کنار دریا روی شن‌های داغ و نرم لب دریا، با هم در رابطه با برنامه‌های اردو صحبت کنند. یک سری نقد و نظر و حرف‌هایی نسبت به برنامه‌های اردو داشته باشند. ما این فرصت را به آن‌ها می‌دهیم تا خود را محک بزنند. این طرح برگرفته از نام فیلم سینمایی «شهر در دست بچه‌ها» است. کارگردان فیلم، شهر را در دست یک عده دانش آموز و بچه قرار داده بود تا ببیند چه اتفاقاتی می‌افتد. در این طرح اردوگاه در اختیار دانش آموزان قرار داده می‌شود تا نحوه اداره اردو را تجربه کنند. آنان که به اردو داری مربیان برنامه‌هایی که برایشان تدارک دیده شده اعتراض دارند، فرصتی پیدا می‌کنند تا خود را محک بزنند. هدف از این طرح دستیابی به این موارد است:

۱. احساس شخصیت و دقت در عملکرد خود

این که احساس شخصیت کنند و به پیامدهای کاری که انجام می‌دهند و حرف‌هایی که می‌زنند دقت کنند. واقعاً فکر کنند اردو برای آن‌هاست. اگر دقت کرده باشید گاهی صدها میلیون تومان برای برگزاری یک اردو خرج می‌شود، همه مسائل و شرایط دقت می‌شود، حتی لباس بچه‌ها، میوه‌ای که قرار است بچه‌ها به عنوان پذیرایی بخورند، افرادی که یک سخنران یا یک مقام مملکتی را می‌خواهند تا جایگاه همراهی کنند، حتی به دستمال دور کردن بچه‌ها فکر می‌شود، اما در رابطه با خود بچه‌ها فکر نمی‌شود، یعنی روی دانش‌آموزی که اردو برایش برگزار می‌شود، کمتر دقت می‌شود. هدف این برنامه اعطای احساس شخصیت به آنان است و در معرض این پرسش قرار گرفتن که: «اگر مسئول اردو باشید یا بخشی از اردو در اختیار شما باشد چه می‌کنید؟»

۲. پذیرش مسئولیت برای جلوگیری از قانون‌گریزی است.

کسی که قانون هدف دوم گریز است، اگر مسئول برگزاری و اجرای قانون شود به ناخودآگاه از قانون کمتر فرار می‌کند.

۳. آشنایی با سختی‌ها و مشکلات و انتخاب روش برخورد مناسب

برای دانش‌آموز موقعیتی به صورت آزمایشگاهی فراهم آورده می‌شود تا نیازمندی ۲۰ سال دیگر را، امروز تجربه کند. در واقع واکسن مدیریت^{۱۸} به دانش‌آموز تزریق می‌شود تا میزان توانایی او در برابر مشکلات و سختی‌ها

^{۱۸} - واکسن، میکروب ضعیف شده یک بیماری است که وارد بدن می‌شود تا گلبول‌های سفید بدن، خودشان را برای مقابله با آن بیماری آماده کنند.

محک زده شود و انتخاب روش برخورد مناسب به مدیریت مطلوب برسد. مثل معلمی که از کلاس بیرون می‌رود و مبصر را به جای خودش می‌گذارد. نوع برخورد مبصر می‌تواند تعیین کننده عکس‌العمل‌های دانش‌آموزان و پیامد آن باشد. برخورد تند مبصر معمولاً رفتارهای خشن دانش‌آموزان را به همراه دارد، حتی اگر از مبصر بترسند در درونشان نسبت به او اعلام انزجار می‌کنند. در این برنامه سعی بر آن است که دانش‌آموزان با سختی و مشکلات رودرو شوند و در موقعیت عمل و تجربه مدیریتی قرار گیرند.

۴. ایجاد فرصت تمرین و خطا و تجربه‌آموزی

زمینه‌ای ایجاد می‌شود تا زندگی کردن را تمرین کنند و خطا و تجربه را بیاموزند تا بفهمند در صورت خطا چگونه از آن صرف نظر و چشم‌پوشی کنند و از تجربیات استفاده کنند.

۵. شناخت بیش‌تر مربیان از فرافکنی دانش‌آموزان

مربی باید در همه لحظات و برنامه‌های اردو مواظب فرافکنی دانش‌آموزان باشد. باید دقت کند که نسبت به رفتارها، برخوردها و برنامه‌های اردو چه رفتاری دارند، فرافکنی‌ها به صورت ناخودآگاه برای مربی قابل دقت و توجه است. چون این فرافکنی‌ها به صورت غیرمستقیم و ناخودآگاه بروز می‌کند و دانش‌آموزان مراقب رفتار خود نیستند. فرافکنی‌هایی است که از درونشان به صورت نهفته، ناخودآگاه آشکار می‌شود و در ارزش‌یابی و حرفهای مستقیم که رودرو می‌زنند و روی کاغذ می‌نویسند به آن رسیده نمی‌شود. گاهی حرف‌های مستقیم و تعریف و تمجیدها بی‌خود است و ممکن است انتقادهای زیادی داشته باشند.

تربیت مدیر و مردان آینده برای فردای بهتر

اردو

در برنامه اردو داران نوجوان تصمیم بر این است که مدیران و مردان آینده‌ای را برای فردای بهتر کشور تربیت کنیم.

مراحل اجرای اردو داران نوجوان

۱. مرحله انتخابات - مربیان و مسئولین اردوگاه یک روز را برای اجرای طرح اردو داران نوجوان اعلام می‌کنند و زمینه انتخابات را برای انتخاب مدیر اردو و معاونین فراهم می‌کنند. انتخابات صورت می‌گیرد و بعد برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری می‌کنند. ساعات اولیه روز صرف انتخابات می‌شود و سپس کار آغاز می‌شود. ۲. مرحله اجرای برنامه و مصوبات - ساعت اول انتخابات صورت می‌گیرد. ساعت دوم برنامه‌ریزی می‌کنند. ساعت سوم هم اجرای برنامه‌های مصوب را آغاز می‌کنند که ممکن است چند ساعت طول بکشد و در پایان روز هم ارزشیابی می‌کنند و نظرات را جمع می‌کنند تا خودشان را محک بزنند، و درصد مقبولیت، نقاط قوت و ضعف و ... را بررسی می‌کنند و به خود نمره می‌دهند.

یادآوری

۱. وظیفه مربیان در رابطه با این طرح فقط نظارت و تهیه امکانات و وسایلی است که لازم دارند. ۲. ایجاد آمادگی در مربیان - گاهی مربیان به راحتی زیر بار نمی‌روند، اگر به معلمی در مدرسه گفته شود شما بروید ته کلاس بنشینید و دانش‌آموزی نقش شما را بازی کند ممکن است ناراحت شود. برای بعضی از معلم‌ها سخت است که مبصر یا دانش‌آموزی ادایشان را در می‌آورد، اما اگر خوب دقت کند متوجه می‌شود که اتفاقاً در این رفتار به نوعی فرافکنی و حرف‌های زیادی وجود دارد که معلم دلسوز و زیرک از آن در شناخت بیش‌تر خود و مخاطبینش استفاده می‌کند. این‌که بداند اشکال کار کجاست یا

کدام رفتارش برای بچه‌ها جالب بوده که باعث شده چنین واکنشی از خودشان نشان دهند. ۳. نظارت و دقت در رفتار بچه‌ها - کار مربی فقط دقت و نظارت است و دخالت نمی‌کند. فقط نظارت روی عکس‌العمل‌ها دارد. توانمندی‌های دانش‌آموزان به لحاظ قدرت جسمی، مدیریتی یا به لحاظ فن بیان، بذله‌گویی و زبان شیرینی که دارند و ...؛ پس مربی باید دقت کند و بداند چرا دیگران دور آن دانش‌آموز جمع می‌شوند؟ چرا نسبت به فلان موضوع حساسیت به خرج می‌دهند؟ و ... این نکته‌ای است که اگر مربی دقت کند می‌تواند در برنامه‌های بعدی اردوها و روزهای بعد از آن استفاده کند. ۴. تدبیر برای جلوگیری از تنش - گاهی ممکن است این اردوداران نوجوان دست گلی به آب بدهند و جو اردوگاه را متشنج کنند. باید مواظب باشیم و تدبیری بیندیشیم تا از بروز آسیب‌های احتمالی جلوگیری کنیم. عدم دخالت به این معنا نیست که برویم داخل کلبه بخوابیم و دانش‌آموزان را برای اداره اردو به حال خودشان رها کنیم، منظور این است که اداره اردو را در اختیار آن‌ها قرار دهیم، اما مواظب باشیم در برنامه‌هایشان حاضر شویم تا احساس کنند مربیان هم نسبت به آن موضوعی که الان دارند اجرا می‌کنند احساس جدیت دارند. این طرح صرفاً سرکاری نیست و قرار نیست تکلیف و مسئولیت را از خود سلب کنیم و به آن‌ها محول کنیم. ۵. نهراسیدن از بیان مشکلات اردو فرصت و زمینه‌ای است برای ارتباط منطقی و صمیمیت و برقراری ارتباط عاطفی، پس اگر انتقادی از ما کردند نگران نباشیم و از آبروی خود اتفاقاً آن زمانی که انتقاد می‌کنند زمانی است که ما باید جشن بگیریم. مگر پیرو امام صادق(ع) نیستیم که فرمود: «بهترین دوستان نسبت به من کسانی هستند که عیب‌های مرا به من هدیه کنند» اگر دانش‌آموزان باعث شدند که بعضی از مشکلات اردوگاه مطرح شود

اردو

نترسیم و استقبال کنیم. ۶. پرهیز از طعن و کنایه - گاهی بزرگترها نمی‌توانند رفتارهای نوجوانان و جوانان را تحمل کنند و الفاظی به کار می‌برند که دارای طعن و کنایه است. اگر احساس موضع منفی کنند برایشان ناخوشایند است. ۷. ثبت و بررسی گزارش - از خودشان بخواهیم گزارش بنویسند. ما هم کمک کنیم تا گزارش تهیه شود و نسبت به گزارش اقدام و بررسی کنیم و ببینیم چه مشکلاتی در اجرای این برنامه بوده است.

صدا و سیمای اردو

در یکی از اردوها به این نتیجه رسیدیم که در اردوگاه رادیو اردو داشته باشیم، راضی کردن مسئولین اردو و تهیه تجهیزات و تمام امکاناتی که برای برنامه‌ها لازم داشتیم کار ساده‌ای نبود، اما به هرصورت آماده شد و یکی از دانش‌آموزان که قاری قرآن و تک‌خوان گروه سرود بود به عنوان مجری برنامه رادیو انتخاب شد. اتاقی زیر شیروانی و تقریباً متروکه بود که به عنوان استودیو انتخاب کردیم. در هر کلبه‌ای یک بلندگو با سیم وصل شد و همه این سیم‌ها به همان اتاق زیر شیروانی و استودیوی رادیو اردو ختم می‌شد. مجری نوجوان پشت میکروفون قرار گرفت و صدای رادیو اردو در اردوگاه پخش شد و مثل توپ سال تحویل، همه بچه‌ها را از جا پراند. البته بچه‌ها به خاطر این که از شر بلندگوهای شیپوری روابط عمومی اردوگاه راحت می‌شدند، خیلی خوشحال بودند. صداهای نخراشیده و نتراشیده‌ای که هرساعت در این بلندگوها دمیده می‌شد. گاهی صدای بلندگو آن قدر بلند بود که گوش را اذیت می‌کرد. هدف از صدا و سیمای اردو: ۱. بچه‌ها با نقش رسانه و روش برخورد و استفاده از آن آشنا شوند. ۲. زمینه‌ای برای بروز خلاقیت و هنرنمایی دانش‌آموزان فراهم شود. ۳. برنامه‌های اردو از زبان دانش‌آموزان در قالب و زبان هنر و رسانه نقد

و بررسی شود. آشنایی بچه‌ها با رسانه نکته بسیار مهمی است. عصر ارتباطات و رسانه‌ها عصر حضور دانش‌آموزان در صحنه‌های آینده است. برای دانش‌آموزی که پشت میکروفون قرار می‌گیرد و صدایش در تمام کلبه‌ها در اردوگاه می‌پیچد خیلی جالب است که برنامه‌ای اجرا کند، پیامی بدهد یا گفت‌وگویی بکند. مثلاً از رفتارهایشان به صورت دوربین مخفی فیلم تهیه و پخش شود یا از نظرات‌شان مصاحبه‌ای تهیه و پخش شود. ثانیاً روش برخورد با این رسانه و استفاده کردن از آن را فرا گیرند. گاهی در رسانه‌های ملی به لحاظ ملی بودنش امکان و اجازه طرح همه مسائل به شکل دلخواه وجود ندارد، اما در برنامه رادیو اردو این امکان وجود دارد که هر برنامه‌ای متناسب با نیاز اردو تهیه و پخش شود.

هدف دوم ایجاد زمینه‌ای برای بروز خلاقیت‌ها بود. رادیو اردو آن جایی است که اگر دانش‌آموز هنری دارد بیاید و هنرنمایی کند و به دیگران استعدادش را معرفی کند. هدف سوم هم نقد و بررسی حرف و حدیث‌های دانش‌آموزان در رابطه با مسائل اردو و از زبان خودشان بود. تولید یک برنامه رسانه‌ای در اردو این بخش‌ها را نیاز دارد.

الف- برنامه‌ها

۱. اخبار

معمولاً اخبار اردو به صورت طنز است. خبرهایی که در اردو اتفاق افتاده و گزارش آن به صورت طنز ارائه می‌شود که این طنز به نوعی تخلیه فشار روانی دانش‌آموزان و اطلاع‌رسانی برنامه‌های اجرا شده است. ۲. گفت‌وگو- با دانش‌آموزان هنگام اجرای برنامه‌های مختلف مصاحبه‌هایی تولید و پخش شود. مثلاً گفت‌وگو با دانش‌آموزی که در حال قایق‌سواری است و توصیفی

اردو

که از دریا دارد. ۳. گزارش از برنامه‌های مختلف توصیفی یا گزارش‌های اجمالی و نغمه‌ها، آهنگ‌ها، صداها و موسیقی‌های طبیعی و موسیقی‌های مصنوعی هماهنگ که در برنامه‌های تلویزیونی استفاده می‌شود و در برنامه‌های رادیویی نیست. ۴. میز گرد طنز که نقد و بررسی مسائل اردو یا مسائل روز است. گاهی مسائل سیاسی کشور و دنیا را می‌توان از زبان هنر نقد برای دانش‌آموزان مطرح کرد. این کار نیازمند افراد خبره است که در این موضوعات، متن‌هایی نوشته شود و با همکاری خود دانش‌آموزان اجرا شود.

ب- عوامل:

۱. تهیه‌کننده که مسئولیت تولید برنامه را بر عهده دارد ۲. کارگردان که مسئولیت هنری و اداره برنامه را با استفاده از زبان و نمادهای هنری بر عهده دارد. ۳. صدا بردار، مسئول ضبط و پخش صداست ۴. تصویربردار مسئول گرفتن تصویر و رعایت اصول فنی و هنری در ضبط تصاویر است ۵. مجری، گرداننده داخل صحنه است و هدایت گفتار، خواندن متن‌ها را بر عهده دارد. ۶. ادیتور یا تدوینگر، حذف اضافات یک برنامه و جز و عوامل لازم یک برنامه تولیدی است که ما در برنامه‌های اردویی می‌توانیم به جای عوامل حرفه‌ای از دانش‌آموزان با آموزش کوتاه و فشرده، استفاده کنیم. با یک آموزش مختصر ضمن کار بصورت کارورزی از میان علاقمندان به این گزارش می‌تواند باعث شود که در آینده تهیه‌کننده، کارگردان شوند یا تخصص‌های دیگر تلویزیون را یاد بگیرند و متخصص این کار شوند.

ج- تجهیزات:

تجهیزاتی که برای راه اندازی رادیو و تلویزیون اردو لازم است: ۱. دوربین تصویر برداری است برای ضبط برنامه تلویزیون اردو ۲. میکروفون بی سیم

اف ام که در برنامه‌های هیئت‌ها هم استفاده می‌شود. ۳. ضبط صوت (واکمن یا سی دی من). ۴. آمپلی فایر و بلندگو ۵- آرشیو صدا و تصویر، بایگانی از یک مجموعه موسیقی، صدا، افکت و تصاویری که در برنامه‌های مختلف قابل استفاده است ۶. ویدئو و رایانه جزو تجهیزاتی است که در برنامه صوتی و تصویری صدا و سیما مورد نیاز است. هیچ وقت یادم نمی‌رود دانش‌آموزی که هر بار در کلبه‌های بین بچه‌ها ... با میکروفون بی‌سیم با اتاق فرمان و یکی از بچه‌های دیگر که به عنوان مجری در استودیو ارتباط داشت در بین ۴۰ تا کلبه راه می‌رفت و هر بار وارد یک کلبه می‌شد با آن با اهالی کلبه مصاحبه می‌کرد و دانش‌آموزان دورش جمع می‌شدند. این کار کمک می‌کند تا دانش‌آموز احساس شخصیت کند، حرفهایش را بزند و بتواند نظراتش را جلوی دوربین تصویربرداری مطرح کند. برای بعضی از بچه‌های شهرستانی سخت است که دفعه اول با میکروفون و نظر بدهد. در برنامه‌های رادیو اردو این زمینه برای دانش‌آموزان فراهم می‌شود. نکته‌ای که در این بحث مورد نظر است و باید به آن دقت کرد این است که گاهی می‌توان از بعضی برنامه‌های عمومی اردو تصویری را تهیه کرد و در معرض دید دانش‌آموزان قرار داد. در یکی از برنامه‌های اردو دوربین یواشکی جایی مخفی شده بود و تصاویر بچه‌ها را ضبط می‌کرد. شب اعلام شد برنامه‌ای را می‌خواهیم برای شما پخش کنیم. تلویزیون‌ها روشن شد و تصاویر پخش شد. اما همان لحظه‌ای که تصاویر دوربین مخفی پخش می‌شد، دوربین دیگری مخفیانه عکس‌العمل‌های آنان را هم ضبط می‌کرد، پس از پایان برنامه اعلام شد: همین الان نوار دیگری به دست ما رسید که می‌خواهیم آن را هم برای شما پخش کنیم. وقتی برنامه پخش شد برایشان خیلی جالب بود و تعجب می‌کردند. دنبال دوربین

اردو

می‌گشتند که دوربین را پیدا کنند. با این کار خیلی ساده و طنزگونه می‌توانیم یک مفهوم دینی را برای دانش‌آموزان جا بیندازیم که ما هر جا برویم دوربین‌های فیلم‌برداری خداوند متعال مشغول تصویربرداری از رفتارهای ماست و هیچ وقت ما از دوربین مخفی خدا نمی‌توانیم دور باشیم، پس چه بهتر است که تصویرهای زیبایی از خودمان خلق کنیم. این کار خیلی ساده می‌توانیم مفهوم «در محضر خدا بودن» را جا بیندازیم. مهم این است که ما در اردو دل بسوزانیم. در برنامه‌های اردویی علاوه بر انجام وظیفه باید دقت کنیم و ببینیم تأثیر این برنامه چقدر است. اگر به تأثیر عکس‌العمل‌هایی که دانش‌آموزان نسبت به موضوع دارند دقت کنیم می‌توانیم اثرات مثبتی بر دانش‌آموزان بگذاریم و مفاهیم را به شکل صحیح انتقال دهیم. این‌که یک دانش‌آموز هم سن و سال خودشان با آنها مصاحبه می‌کند برایشان جالب است. شاید بعضی‌ها احساس حسادت کنند یا احساس کنند این هم‌سن خودمان است و جدی‌نگیرند، اما به مرور عادی می‌شود و گاهی وقت‌ها حرف‌هایشان را راحت‌تر می‌زنند، یعنی وقتی مربی از دانش‌آموز می‌خواهد که نظراتش را بگوید شاید همه حرفش را نزنند، اما با هم‌سن خود خیلی راحت ارتباط برقرار می‌کند و حرف‌هایش را می‌زند که این نظرات برای بزرگترها و مربیان اردو قابل استفاده است.

بانک امتیازات

بانک امتیازات محلی برای ثبت و ضبط و جمع‌آوری امتیازات دانش‌آموزان در اردو است. بانکدار هر جوخه مسئولیت بانکداری و ثبت امتیازات دانش‌آموزان جوخه خود را بر عهده دارد. قرار نیست در بانک امتیازات امتیاز دانش‌آموزی از بین برود و پایمال شود. اگر بتوانیم این بحث را خوب اجرا کنیم به یک مفهوم خوب دینی خواهیم رسید که کارهای ما در دنیا ثبت و ضبط خواهد شد و امتیازات مثبت و یا منفی در پرونده اعمال ثبت خواهد شد و در آخرت بازتاب رفتارهایمان را می‌بینیم. اگر اینگونه شد دیگر نگران نخواهیم بود، هم چرا که اگر رفتار نامناسبی داشته باشیم با توجه به ثبت و ضبطی که اتفاق افتاده و اطلاعاتی که از این موضوع داریم ناخودآگاه آمادگی پذیرش یک رفتار متناسب با آن رفتارمان را خواهیم داشت. سعی کنیم بانک امتیازات تمامی امتیازات دانش‌آموزان را ثبت کند، البته امتیازات دو گونه است. بعضی از امتیازات آشکار است که دانش‌آموز خبر دارد و بعضی امتیازات پنهان است که در پایان بحث توضیح داده می‌شود. برای دایر کردن بانک امتیازات امکانات ذیل مورد نیاز است: ۱. تهیه لوازم فروشگاه - بانک امتیازات فروشگاه‌های است که اجناس آن فقط با امتیاز به فروش می‌رسد. این طرح امروزه در خیلی از مدارس اجرا شده و دانش‌آموزان با آن آشنا هستند. در کشور های خارجی امتیاز را به عنوان ستاره می‌شناسند. به همین دلیل درجه هتل، بازیکن‌ها و هنرپیشه‌ها را با ستاره مشخص می‌کنند. به دلیل همسانی با امتیازات معنوی و الهی هر کار مثبت بچه‌ها امتیاز دارد. امتیازات در کارت امتیاز یا دفترچه امتیازاتشان ثبت و ضبط می‌شود. دانش‌آموزان باید برای رسیدن به جوایز و وسائلی که در بانک امتیازات وجود دارد، تلاش کنند و امتیازات لازم را به

اردو

دست آورند. امتیازات را مربی می‌دهد و هر شب در بانک، وارد پرونده یا دفترچه می‌شود. در پایان اردو امتیازات جمع می‌شود. هر کسی که امتیازات بیشتر می‌دارد، جایزه بهتری می‌خرد. تصور کنید که اگر اردویی ۳۰۰ نفر باشد برای حدود ۲۰۰ تا ۲۵۰ نفر جایزه تهیه می‌شود، اما این جوایزه صورت درجه بندی است. گاهی تلاش و زحمت بچه‌ها برای به دست آوردن جایزه‌ای مثل دوچرخه، دوربین عکاسی و ... مطلوب است و رقابت سالمی را بین دانش‌آموزان به وجود می‌آورد. در برنامه‌ها شرکت می‌کنند تا امتیازات خوبی را کسب کنند و نتیجه‌اش حضور به موقع، رعایت قانون و مقررات در اردو است. البته باید نگران شرطی شدن دانش‌آموزان هم باشیم،^{۱۹} ما نمی‌خواهیم دانش‌آموزان شرطی تربیت شوند به همین دلیل بعضی از برنامه‌های اردو را بدون امتیاز برگزار می‌کنیم تا دانش‌آموز تصور نکند که اگر مثلاً وارد نمازخانه شد و در نماز جماعت شرکت کرد امتیاز می‌گیرد. نباید تصور کند که اگر زودتر از دیگران وارد شد یا نمازخانه را جارو زد امتیاز می‌گیرد. البته مربیان باید دقت کنند، دانش‌آموزی که با اخلاص و داوطلبانه کار مثبتی انجام می‌دهد امتیازی برایش در نظر بگیرند، پس اولین مسئله در رابطه با بانک امتیازات تهیه لوازم فروشگاه است. ۲. دفترچه و کارت امتیاز ۳. ثبت روزانه امتیازات ۴. جمع بندی و تحویل جوایز - لوازم فروشگاه از روزهای ابتدایی اردو آماده است و در معرض دید دانش‌آموزان قرار می‌گیرد.

خاطره

^{۱۹} - پاولوف می‌گوید: انسان موجودی است مثل میمون یا بعضی حیوانات شرطی می‌شود و هر بار که کار خوبی را انجام داد ما به آن امتیاز دهیم به آن کار مورد نظر شرطی می‌شود اگر بعداً بدون تشویق از آن کار را بخواهیم انجام می‌دهد

در برنامه افتتاحیه، مسئول بانک امتیازات وسائل و جوایز را به خودش می‌بست. مثلاً توپ فوتبالی در دست می‌گرفت سوار دوچرخه می‌شد، دوربین عکاسی را به گردنش آویزان می‌کرد و روی سن افتتاحیه حضور پیدا می‌کرد و با یک نمایش طنز خودش را معرفی می‌کرد که چه کسی است و چه کاره است و قرار است چه اتفاقی صورت گیرد. نهایتاً معرفی خودش بود که اگر می‌خواهید مرا به دست آورید باید امتیاز بگیرید.

دفترچه یا کارت امتیاز وسیله‌ای است برای ثبت امتیازات هر دانش‌آموز، کارت و دفترچه امتیاز مثل دفترچه‌های پس‌انداز بانک‌ها طراحی و آماده می‌شود. گاهی هم کارت‌های امتیاز کوچکی چاپ می‌شود، مثلاً کارت ۵ امتیازی گاهی وقت‌ها جملاتی روی این کارت‌ها نوشته می‌شود مثلاً ۵ امتیاز یک شاخه گل، ۱۰ امتیاز یک دسته گل، ۲۰ امتیاز دو دسته گل. هر کاری را که انجام می‌دهند کارت امتیاز آن همان موقع یا پایان روز اهدا می‌شود. هر روز تعداد امتیازها ثبت می‌شود، اما تا شب آخر و روز اختتامیه اعلام نمی‌شود. البته این نوع برنامه مربوط به اردوهای چند روزه است. در اردوهای یک روزه امتیازات به صورت جوخه‌ای داده شود، یعنی هر فردی از جوخه که کاری را انجام داد برای جوخه‌اش امتیاز داده شود و در نهایت بررسی می‌شود و به همه اعضای جوخه‌ای که مقدار بیش‌تری امتیاز کسب کرده‌اند جایزه می‌دهند. ممکن است فردی در جوخه‌ای باشد و زحمتی هم نکشیده باشد، اما جایزه بگیرد. به این دلیل که هدف آموزش، تمرین، مشارکت و همکاری است.

جمع بندی در شب آخر و جوایز در روز آخر تحویل داده می‌شود. شاید برای ما خیلی ساده باشد، اما برای دانش‌آموزی که برای یک هفته تلاش کرده است شب سرنوشت سازی است.

خاطره

هیچ وقت یادم نمی‌رود دانش‌آموزی که برای به دست آوردن یک اسلحه بادی زحمت‌های زیادی کشید، اما متأسفانه امتیازش به آن حد نرسید و دانش‌آموز همشهری‌اش آن جایزه را برد و با یک پا در میانی و کلی روضه فداکاری خواندن و حدیث ایثار خواندن، برنده را راضی کردیم که آن جایزه را به دوستش هدیه کند. البته کلی وعده به او دادیم که یک جایزه دیگر به او بدهیم، دانش‌آموز اول خیلی حساس و عاطفی برخورد می‌کرد و می‌گفت: «اگر من این جایزه را نبرم هیچ وقت از اردوگاه نمی‌روم. به برادرم قول داده‌ام که این اسلحه بادی را برایش ببرم» به هر صورت این‌گونه حساسیت و مشکلات هم پیش می‌آید که باید مربیان دقت کنند و سعی کنند قضیه به خوبی و خوشی تمام شود.

نمونه فرم بانک

باید دقت شود سطح و سقف امتیاز هر مربی مشخص باشد، یعنی این‌طور نباشد که یک مربی ۱۰ امتیاز و دیگری ۱۰۰ امتیاز داده باشد.

امتیازات پنهان

امتیازات پنهان به دانش‌آموزانی ارائه می‌شود که کارهای خاصی را انجام می‌دهند که از چشم‌ها مخفی است. مربیان باید مواظب باشند که آن کارها را ثبت کنند و شب آخر محاسبه کنند. شاید این شبیه شفاعت در عالم آخرت باشد که پرونده بعضی از انسان‌ها را بررسی می‌کنند، چیزی در پرونده اعمال برای بهشت رفتن ندارند، اما یک وقت به او ندا می‌دهند که تو به خاطر

شفاعت بعضی از اولیای خاص خدا، بهشتی شدی، امامان معصوم و شهدا تو را شفاعت کرده‌اند.

خاطره

می‌گویند یکی از بزرگان مریض شده بود و حالت تشنج داشت. عرق از سر و رویش می‌ریخت و شرایط خاص روحی بر او حاکم شد. بعد از مدتی آرام آرام حالت تشنج از او دور شد و کم‌کم بهبود پیدا کرد. بعد از دوران نقاهت بیماری از ایشان پرسیدند: «آن صحنه تشنج و آن عرق ریزانی که شما در آن حالت بیماری داشتید چه بود؟» فرمود: «در عالم رویا یعنی همان حالت تشنج و مریضی مرا به سمت جهنم می‌بردند و من هرکاری را که در عمرم کرده بودم به مسئولین محکمه الهی اعلام می‌کردم، ولی از من قبول نمی‌کردند امیدم کمتر و کمتر می‌شد و هر لحظه خودم را به جهنم نزدیک‌تر می‌دیدم تا این‌که چیزی به یادم آمد. با حالت دو دلی که نمی‌دانستم آیا واقعا پذیرفته می‌شود یا نه، مطرح کردم و گفتم: «من محبت اهل بیت را در دل دارم» گفتند به خاطر همین برگردانید و ببریدش بهشت. آن لحظه‌ای بود که من بدنم آرام گرفته و از تشنج نجات پیدا کردم. اردو یک دنیاست و اگر این دقت‌های معنوی در اردو لحاظ شود، می‌توان اردویی معنوی و با برکت برای دانش‌آموزان برگزار کرد. با دقت و سلیقه می‌توان مفاهیم روزانه اردو را با مفاهیم اعتقادی و دینی پیوند داد.

اقدامات امنیتی و تربیتی

منظور از اقدامات امنیتی و تربیتی توجهات خاص مربیان در رابطه با امنیت و مسائل تربیتی در اردوگاه با موضوعات مختلف است.

۱. حفاظت

اردو

در اقدامات امنیتی سه اصل مهم حفاظت، حراست و مراقبت وجود دارد. شاید این سه کلمه به یک معنا و شبیه هم باشند، اما به لحاظ اهمیت از این سه کلمه استفاده می‌کنیم. حراست، حفاظت و مراقبت در شکل‌های مختلف اجرا می‌شود.

۱. حراست، حفاظت و مراقبت از اماکن

مکان‌هایی که اردو در آن برپا می‌شود یا دانش‌آموز در آن مکان‌ها حضور دارد مانند: بازار، کارخانه، حرم، کنار دریا و ... نباید برای دانش‌آموزان بدآموزی داشته باشد. فرض کنید شما یک اردوی دخترانه را به باغ وحش می‌برید. رفتار حیوانات می‌تواند بدآموزی داشته باشد. همین‌طور کنار دریا می‌تواند برای دانش‌آموزان بدآموزی داشته باشد. بهتر است دقت کنیم که کجا و چه ساعتی می‌خواهیم برویم؟ البته منکر واقعیت جامعه نیستیم و ممکن است همین موارد و اماکن را با خانواده‌اش دیده باشد، ولی اردو یک حرکت رسمی است و حضور آن در برخی موقعیت‌ها مهر تائید بر آن است.

۲. حفاظت حراست و مراقبت از ماشین

در ماشین هم به خاطر مسائل فیزیکی و هم حرف‌ها و حدیث‌هایی که گفته می‌شود و کارهایی که ممکن است انجام شود، باید مراقبت صورت گیرد.

۳. اردوگاه

اردوگاه مکانی که محل خواب، استراحت و حضور دانش‌آموزان است، چون دانش‌آموزان به صورت امانت در دست ما هستند، پس باید بیش‌تر از فرزندان خودمان مواظب آنان باشیم.

۴. حفاظت، حراست و مراقبت در بازدید

گاهی حضور دانش‌آموزان در یک مرکز صنعتی ممکن است دارای عوارض خطرناکی باشد. مثلاً دستگاه‌های خطرآفرین و گازهای شیمیایی خطرناکی وجود داشته باشد که اگر غفلت شود و دانش‌آموزی آسیب ببیند، اثرات زیانبار و غیر قابل جبرانی به بار می‌آورد. حتی ممکن است دانش‌آموزان حرف‌هایی بزنند که آبروی مجموعه برگزارکننده اردو را خدشه‌دار کند پس باید خوب دقت کرد. مربی موفق همیشه همراه دانش‌آموزان است. شاید برای کسب معنویت جایی بهتر از حرم نباشد، ولی وقتی مربی آنان را جلوی در ورودی رها می‌کند و برای بازگشت قرار می‌گذارد هر اتفاقی ممکن است بیفتد. شاید به جای حرم به بازار بروند، شاید برای گشت و گذار به خیابان بروند.

نظافت و بهداشت

۱. نظافت و بهداشت ظرف غذا

ظرف‌هایی که بچه‌ها در آن غذا می‌خورند، چه ظرف‌های شخصی و چه ظرف‌های آشپزخانه اردوگاه خوب شسته شود. ممکن است در آن، لکه‌هایی از چربی بماند و همین باعث مسمومیت دانش‌آموز شود. در دوران دفاع مقدس گاهی شب‌های عملیات، کوتاهی بعضی از افراد ستون پنجم دشمن باعث می‌شد که عملیات به همین دلایل شکست بخورد.

۲. نظافت و بهداشت در سبزی‌ها و میوه‌جات

تابستان فصل بروز بیماری‌های مختلف است. گاهی وقت‌ها ممکن است مسئول خرید اردوگاه برای پایین آوردن هزینه‌ها جنس نامرغوب بخرد و زمینه‌ای برای بروز بیماری پیش بیاورد. باید از غذاهایی مثل قورمه سبزی که نیاز به مقدار زیادی سبزی و در نتیجه شست‌وشو دارد پرهیز کرد.

۳. نظافت و بهداشت در آشپزخانه

اردو

شاید بگویید این وظیفه یک مربی نیست، اما مربی صرفاً مسئول کارهای فرهنگی نیست. کسی که در آشپزخانه کار می‌کند، کارش از نظر فرهنگی از کسی که با بچه‌ها قرآن کار می‌کند فرقی ندارد و کمتر از آن نیست.

۴. وسایل شخصی

تعویض لباس زیر، شستن لباس و نگهداری مواد خوراکی و غذایی رعایت نظافت و بهداشت شخصی دانش‌آموزان از نکات مهمی است که باید دقت کرد.

۵. خوابگاه دانش‌آموزی

کلبه‌ها، آلاچیق‌ها و استراحتگاه‌هایی که در اختیار بچه‌هاست باید از نظافت و بهداشت خوبی برخوردار باشد. همچنین تهیه پشه بند و آموزش روش استفاده از آن در مکان‌هایی که پشه دارد و شب‌ها تن خسته بچه‌ها را اذیت می‌کند، ضروری است. پشه بند را باید قبل از غروب نصب کرد نه هنگام خواب، چون نصب آن هنگام خواب هیچ فایده‌ای ندارد.

۶. زباله

گاهی به خاطر سهل‌انگاری، پشت آشپزخانه زباله‌دانی و محل تجمع مگس و در نتیجه بروز بیماری می‌شود.

۷. نظافت و بهداشت ماشین

نظافت و بهداشت در ماشین هم باید مورد توجه قرار گیرد. بهتر است یکی از تذکرات مهمی که در ابتدای اردو به دانش‌آموزان می‌دهیم این باشد که ماشین خانه دوم ما و خانه موقت اردوست، پلاستیک زباله برای جمع‌آوری زباله در ماشین تهیه کنیم یا از راننده کمک بگیریم. تا مشکلی پیش نیاید.

۸. نظافت و بهداشت سرویس‌های بهداشتی

ممکن است بعضی از مناطق کشور از نظر نوع نظافت و بهداشت در دستشویی طوری عمل کنند که اردوگاه را دچار مشکل کند. مثلاً دیده شده در بعضی از شهرها که کمبود آب دارند با سنگ و بعضی از وسایل دیگر خودشان را تمیز می‌کنند که گاهی باعث گرفتگی چاه‌های دستشویی می‌شود و مشکلات بزرگی به وجود می‌آورد.

۹. نظافت و بهداشت در حمام و استخر

در استخر چند نکته خیلی مهم است ۱. دوش گرفتن قبل از استخر. ۲. دستشویی رفتن قبل از استخر و شنا. ۳. دمای ملایم آب در استخر که نه زیاد گرم باشد و نه زیاد سرد. ۴. نظارت بر ضد عفونی شدن استخر. ۵. پوشیدن دمپایی برای رفتن به استخر ممکن است خطرناک باشد. ۶. اطراف استخر یا مکان شنا به آب آشامیدنی نیاز دارد. گاهی دیده شده بچه‌ها آب لوله را می‌خورند یا آب‌هایی را که شاید آشامیدنی نباشد

۷. نرمش و استراحت

بچه‌ها گاهی به خاطر این که دلی از عزا در بیاورند یک ساعت و نیم سانس استخر را در حال دست و پا زدن و شنا هستند و این برای سلامتی‌شان مناسب نیست. این‌ها مباحثی بود اندر باب استخر بود که باید رعایت شود تا سلامت در اردو حفظ شود. مسائلی که جدی است و نمی‌توان ساده از آن گذشت و دارای اهمیت بالاست. شاید بگوییم وظیفه یک مربی فرهنگی نیست اما کسانی که در اردو حضور دارند باید در رابطه با تمام مسائل احساس وظیفه و تکلیف کنند در اردو سلامت جسمی و سلامت روحی دانش آموز مهم‌تر از هر برنامه و هرکاری است. به فکر گزارش دادن نباشیم به فکر پر کردن وقت به صورت ظاهری و سرگرمی نباشیم سعی کنیم که یک برنامه مفید داشته باشیم. اگر این

اردو

برنامه مفید بتواند ذهن دانش آموز را نسبت به موضوعاتی که می‌خواهیم نزدیک کند و رشد و تعالی ببخشد کافی است خیلی لازم نیست از صبح تا غروب برای دانش‌آموزان برنامه داشته باشیم و شیک‌ترین برنامه‌ها را داشته باشیم، لازم نیست دانش‌آموزان به شیک‌ترین مکان‌ها بروند گاهی شیک‌ترین پارک بازی‌ها و شهر بازی‌ها و شیک‌ترین غذای رستوران ممکن است تهیه شود اما آن تربیت که هدف اصلی در اردوست فراموش می‌شود.

نکته

نکته مهمی که در اردوهای امروزی متأسفانه رعایت نمی‌شود این است که قرار است دانش‌آموزان در اردو با مشکلات و سختی‌ها دست و پنجه نرم کنند، اما متأسفانه اردوهای امروزی خیلی رفاهی و تحملات برگزار می‌شود. برای دانش‌آموز از خانه برای بهتر و راحت‌تر است و این اردو نیست وقت یک گروهی (کارمند بزرگسال) را می‌خواهیم در اردو به این‌ها آموزش بدهیم یک زمینه‌ای را کاملاً فراهم می‌کنیم که این‌ها فقط فرصت آموزش داشته باشند این قابل قبول است ولی برای دانش‌آموزی که به اردو رفته است باید بتواند شب دو ساعت در جنگل دوام بیاورد. این خیلی مهم‌تر از این است که ساعت‌ها در شیک‌ترین هتل‌ها اسکان پیدا کند. اصلاً اردو در هتل معنایی ندارد. مفهوم اردو تصویری از یک جنگل، باغ و فضای طبیعی است. در بعضی از اردوها دیده شده که دانش‌آموزان برای به دست آوردن غذا، برپا کردن خیمه، چادر و کلبه و برای پخت غذا زحمت زیادی می‌کشند و این باعث پخته شدن و ساخته شدن آنان می‌شود، اما غذای آماده هیچ لذتی ندارد. لذت تهیه نیمرو در طبیعت خیلی بیشتر از غذای آماده است، پس سعی کنیم زمینه‌ای را برای رویارویی و درگیر شدن دانش‌آموزان با مشکلات فراهم کنیم. مثلاً جارو کردن

کلبه و جمع‌آوری زباله‌های اطراف کلبه‌ها را بر عهده خودشان بگذاریم تا دانش‌آموزان در کارها مشارکت داشته باشند و آنان محور باشند، حتی اگر نصف دانش‌آموزان نسبت به این برنامه نظر خوبی نداشته باشند.

فعالیت‌های فرهنگی

یک مربی پس از شناخت کلیات اردو و فعالیت‌های اجرایی مهم‌ترین کاری را که باید انجام بدهد فعالیت فرهنگی و اجرای برنامه‌هایی است که بتواند بچه‌ها را با نشاط نگه دارد. بازی‌ها و مسابقه‌هایی را که بچه‌ها دوست دارند که در عین حال بتواند مفاهیم فرهنگی را به آن‌ها القا کند و پرورش دهد. در بحث فعالیت‌های فرهنگی ما این موضوعات را بررسی می‌کنیم: ۱. برنامه‌های داخل ماشین. فعالیت‌های فرهنگی بحث برنامه داخل ماشین اولین موضوع مهم است. در واقع اولین فعالیت رسمی اردو از داخل ماشین شروع می‌شود. برنامه‌های داخل ماشین، برنامه‌های داخل ماشین شامل این موارد است: ۱. دعای سفر- دعای سفر آغاز سفر است که این دعا می‌تواند متفاوت باشد. هر دعایی را می‌توانیم بخوانیم اما بهتر است با دعایی که به عنوان دعای سفر نقل شده آغاز کنیم ما با این کار به نوعی به بچه‌ها آموزش می‌دهیم که سفرهایشان را با دعا و نیایش و درخواست از خدا شروع کنیم. دعا این است: «اللهم اجعل مسیری عبرا؛ خدایا مسیر و محل عبور مرا عبرت قرار ده.» یعنی این رفت و آمدی که من می‌کنم مایه عبرت باشد و **سمتی تفکر**، سکوت را تفکر قرار بده، و **کلامی ذکر**، و حرفهایم ذکر و یاد خودت قرار بده. بعضی وقت‌ها در سفر حرف‌هایی زده می‌شود که یاد خدا در آن نیست. انسان از خدا غفلت می‌کند. همین‌طور سکوتی که تفکر نباشد، یعنی در واقع اگر حرف می‌زنم ذکر تو باشد، اگر حرف نمی‌زنم تفکر باشد که در منابع دینی ما ارزش بالایی دارد. و همین‌طور مسیرو را مسیر عبرت قرار بده یعنی اینکه این رفت و آمد من باعث شود که من به تونزدیک شوم من عبرت بگیرم از زندگی دیگران در قرآن

داریم «فانظروا كيف كان عاقبة المكذبين قل سيرو في الارض» این عبارت «سیرو فی الارض» که خدا در قرآن فرموده که بروید در سرزمین‌ها بگردید، در سرزمین‌ها نگاه کنید، نظر کنید، اندیشه کنید برای این است که ما عبرت بگیریم، برای این است که به عاقبت تکذیب کنندگانی که قبل از ما بودند و سرنوشت آن‌ها ببیندیشیم و روی آن مسائل تفکر کنیم، پس دعای سفر را در ماشین اجرا می‌کنیم، اولین برنامه بعد از بسم الله، سلام و صلوات فرستادن خواندن دعای سفر است. می‌توانیم خودمان بخوانیم و بچه‌ها جواب بدهند، می‌توانیم به صورت مکتوب به دانش‌آموزان بدهیم تا باهم بخوانند. مهم این است که دعای سفر را بخوانیم. این آغاز یک حرکت رسمی همراه با تبرک جستن از خداوند و نیایش به درگاه خداست. این کار حدود ۵ تا ۷ دقیقه بیش‌تر طول نکشد. می‌توانیم بعضی از سوره‌های کوچکی که ذکر شده مثل سوره توحید یا بعضی از سوره‌های دیگر یا **أبوالکرسى** یا آیه معروف «فالله خیر الحافظا و هو الرحم‌الرحمین» را هم به بچه‌ها آموزش دهیم یا این‌که پشت بلندگو بخوانیم.

۲. جمع‌آوری صدقه است - جمع‌آوری صدقه یک سنت حسنه است و روش پسندیده است. هدف ما آموزش این کار است. درعین حال که سفرمان را با صدقه آغاز می‌کنیم و خطراتی را که درکمین اردو است دفع می‌کنیم مطابق روایاتی که در رابطه با صدقه داریم به دانش‌آموزان آموزش می‌دهیم که هنگام سفر صدقه بدهند. در صندوق‌های کمیته امداد می‌اندازند اما به شکل‌های دیگر هم امکان پذیر است مهم این است که اصل این کار جا بیفتد و دانش‌آموزان یاد بگیرند که هر وقت خواستند بروند سفر از دادن صدقه غفلت نکنند که خیلی می‌تواند مؤثر باشد. نحوه جمع‌آوری صدقه به این صورت است که یکی

اردو

از دانش‌آموزان یا مربیان ظرفی را دست می‌گیرد که ابتدا خودش در آن صدقه انداخته است و هرکس به صورت داوطلب هر مقداری که توانایی مالی دارد، صدقه می‌دهد. اگر وضع مالی مربی خوب باشد می‌تواند به جای دیگران هم صدقه بدهد تا سفر اردو به خیر و خوشی تمام شود.

۳. پذیرایی - پذیرایی در ماشین دو گونه است. پذیرایی روانی و پذیرایی جسمی، پذیرایی جسمی؛ معمولاً با مواد غذایی خیلی ساده انجام می‌شود. اگر دقت کرده باشید در پروازهای داخلی و خارجی یک دانه شکلات می‌دهند که از جهت فیزیکی هم مؤثر است و قند خون را افزایش می‌دهد و یک فشار خون هم می‌گیرد. جلوی پایین آمدن پذیرایی ما هم می‌تواند یک دانه شکلات یا میوه و ... باشد. باید میوه‌هایی باشد که مشکلی برای پوست کردن آن‌ها نداشته باشیم. به عنوان مثال نارنگی یا خیار باشد، چون کندن پوست نارنگی خیلی راحت است، اما کندن پوست بعضی از پرتقال‌ها کلی دردسر دارد و دانش‌آموز ممکن است لباسش را کثیف کند. دقت کنیم که در بحث پذیرایی جسمی چیزی که به عنوان مواد غذایی تهیه می‌شود راحت خورده شود و زباله‌هایش را هم حتماً جمع‌آوری کنیم. به دانش‌آموز آموزش می‌دهیم که اشغال‌ها را بیرون نریزد. پذیرایی روانی - پذیرایی روانی خیرمقدم و خوش آمدگویی است که توسط مربی اجرا می‌شود و یک نکته است. یک نکته شیرین که می‌تواند حدیث یا یک آیه باشد، می‌تواند یک بیت شعر یا یک لطیفه مُجاز باشد. نوع برخورد اولیه ما با دانش‌آموزانی که به اردو آمدند می‌تواند معرف ما باشد. تا پایان اردو پس نکته ای را که انتخاب می‌کنیم مطلبی را که می‌خواهیم بگوییم خیلی دقیق باید باشیم اگر ده دقیقه سخنرانی کردیم این نشان می‌دهد که تا پایان می‌خواهیم روده درازی کنیم و دانش‌آموز موضع

می‌گیرد هربار که ما آمدیم گفتیم بچه‌ها یک صلواتی بفرستید تصورش این است که ما دوباره می‌خواهیم سخنرانی کنیم اگر یک لطیفه ای گفتیم که مثلاً یک ذهنیتی ایجاد کرد تا می‌آییم حرف بزیم دانش آموز همان تصور قبل را یادآوری می‌کند پس دقت کنید اولین نکته و جمله‌ای که می‌گوییم به نوعی سازنده یک ذهنیت است که این ذهنیت می‌تواند تا پایان اردو در ذهن مخاطب باشد.

۴. معارفه - آشنا شدن دانش‌آموزان با هم و با مربی. شیوه معارفه این است که دانش‌آموز میکروفن را می‌گیرد - اگر بلندگو وجود داشته باشد - رو به دانش‌آموزان می‌کند تا بیش‌تر دانش‌آموزان چهره‌اش را ببینند و خودش را معرفی می‌کند، هدف از معارفه این است که ۱- خودش را به طور معرفی کند، نام، و نام خانوادگی، و یک نکته بگوید. این نکته یک بخشی از اهداف معارفه را دنبال می‌کند، یعنی شاید دانش‌آموزان همدیگر را بشناسند و اهل یک محل باشند، ولی مربی همه را نشناسد. شاید بچه‌ها و مربی همدیگر را بشناسند، اما ما هدفمان شناخت است. مسائلی که بعدها به دردمان می‌خورد. اگر همه همدیگر را می‌شناسند می‌شود بحث معرفی را کوتاه‌تر کرد یعنی فقط به نام و نام خانوادگی بسنده کرد. حتی می‌توان آن را فانتزی کرد، یعنی هرکسی به جای یک شخصیتی حرف بزند، مثلاً بگوید: من رئیس جمهور آمریکا هستم و یک نکته بگوید. این معرفی برای ما مهم است، یعنی آن بحث فرافکنی که در جلسات و برنامه‌های قبل عرض کردیم: ما به دنبال شناخت و تأثیر هستیم. کاری که ما در اردو به دنبالش هستیم این دو کلمه است شناخت و تأثیر، شناسیم طرف مقابلمان را و تأثیر بگذاریم این مهم‌ترین مسئله ای است که ما در اردو به دنبالش هستیم، اگر همه همدیگر را می‌شناسند می‌تواند خودشان

اردو

را دوباره معرفی کنند چه بسا اسم همدیگر را یادشان رفته باشد مثلاً فقط می‌داند اسم این سعید است خانه شان هم فلان جاست کنار نانویی است اما فامیلش را نمی‌داند یا گاهی وقتها کلاس همدیگر را نمی‌دانند اما اگر همدیگر را می‌شناسند می‌توانیم آن را فانتزی کنیم یعنی یک کارابتکاری انجام دهیم بگوییم هرکس بلند شود به جای یک شخصیتی که همه او را می‌شناسند صحبت کند خوب اونی که بلند می‌شود و خودش را به عنوان رئیس جمهور آمریکا معرفی می‌کند خود این کار بحث تربیت سیاسی دانش آموز می‌شود یعنی ما می‌توانیم پیشنهاد بدهیم بگوییم که شما به جای این آدم‌ها و هر آدم دیگری که خودتان صلاح می‌دانید می‌توانید معرفی کنید. گاهی وقتها فردی از طرف پیامبر اعظم (ص) یک جمله می‌گوید. هیچ مانعی ندارد ولی حتماً باید حدیث باشد، اما در رابطه با افراد دیگر مثل رئیس جمهور و ... لزومی ندارد عین جملات گفته شود، فقط مواظب باشید که توهین نشود.

نکته دیگر اینکه ما در معارفه به دنبال شناخت هستیم. تلاوت قرآن، حدیث، گفت لطیفه، انجام کارهای نمایشی و حتی سکوت می‌تواند ما را از درون فرد آگاه کند و توانایی‌های او را برای ما اثبات کند تا در صورت لزوم بتوانیم از او استفاده کنیم. از نکته ای که انتخاب می‌کند نکته ای که دانش آموز انتخاب می‌کند و می‌گوید به نوعی فراقنی درونش است مثلاً یک دانش آموز بلند می‌شود می‌گوید من یک آیه قرآن می‌خواهم بخوانم یک دانش آموز می‌گوید یک حدیث می‌خوانم یک دانش آموز یک شعر محلی می‌خواند یک دانش آموز لطیفه تعریف می‌کند یکی می‌گوید من یک خاطره می‌گویم، دیگری می‌گوید من اصلاً نکته ندارم، یکی می‌گوید که من می‌خواهم یک شیرین کاری برایتان انجام دهم، یکی می‌گوید که مثلاً من صدایم خوب است

می‌خواهم یک آیه قرآن را برایتان تلاوت کنم یا آواز بخوانم، یکی می‌گوید که یک معلمی داشتیم بعد شروع می‌کند یک خاطره یا مطلبی از آن معلم می‌گوید. یکی مثلاً بلند می‌شود و نظرش را در رابطه با اردو می‌گوید، می‌گوید من فکر می‌کنم اردوی امروزمان مثلاً اینطوری است این نکات مختلفی را که می‌گویند، مربی می‌تواند شناخت پیدا کند و این را یواشکی یادداشت کند و یا اینکه در ذهنش مرور کند عدم استقبال بچه‌ها از بعضی برنامه‌ها نظیر نماز جماعت به این دلیل است که ما هنوز افراد را نشناخته‌ایم و نتوانسته‌ایم از توانایی آن‌ها استفاده کنیم. گاهی می‌توان از افرادی که دارای محبوبیت بیشتری هستند استفاده کرد. پس در معارفه بیشتر می‌خواهیم به شناخت برسیم اما به دانش‌آموزان نمی‌گوییم که می‌خواهیم شما را بشناسیم می‌خواهیم بیشتر با هم دیگر آشنا بشویم جمله‌ای که به بچه‌ها می‌گوییم این است می‌گوییم می‌خواهیم با هم آشنا شویم هرکسی بلند شود خودش را معرفی کند. گاهی وقت‌ها خاطره، قصه، لطیفه، حکایت حتی آیه و حدیثی را هم که دانش‌آموز می‌خواند ممکن است حکایت از درونش کند که افسرده، بازیگوش، مغرور ... است. گاهی به یک سری مسائل باریک‌تر از مو در معارفه می‌رسید که برای خودتان مهم است، یعنی در واقع یک حس ششم به ما می‌گوید که مثلاً این دانش‌آموز به نوعی با بقیه فرق می‌کند. به هر حال معارفه فرصت مناسبی برای شخصیت دادن به دانش‌آموزان است. دانش‌آموز اگر مشکلی مثل کم‌رویی داشته باشد در این معارفه برطرف می‌شود. در اردو هیچ برنامه خشک و رسمی نباید باشد. پس در معارفه علاوه بر شناخت باید نشاط برنامه را هم حفظ کنیم تا دانش‌آموز از اردو فاصله نگیرد. نکته مهم‌تر این که اگر احساس کردیم دانش‌آموز حرفی می‌زند که توهین به قومیت است سریع تشکر کنیم و

اردو

ذهنش را تغییر دهیم طوری که دانش‌آموزان دیگر هم متوجه نشوند، البته بهتر است میکروفن دست ما باشد تا از بروز مشکلات احتمالی جلوگیری کنیم. یکی دیگر از اهداف معارفه این است که دانش‌آموزان زمان حضور در ماشین را متوجه نشوند و به آن‌ها سخت نگذرد. نکته بعد این است که ذهنیت منفی بچه‌ها را نسبت به مربی از بین ببریم و به آن‌ها تقسیم کنیم که برای سخنرانی نیامده‌ایم بلکه آمده‌ایم با هم خوش باشیم و به هم کمک کنیم و مطلبی به هم یاد بدهیم. ۶. استراحت - باید زمان‌هایی را برای استراحت داخل ماشین قرار دهیم و تمام مسیر را با اجرای برنامه بر نکنیم. ۸. شیرین کاری نظیر سایه بازی یا مثل درآوردن دو تا میخ از داخل هم بدون فشار و یا جدا کردن نخ و چوبی که درهم تنیده شده بدون این‌که چیزی بشکند یا نخ پاره شود هم از برنامه‌هایی است که در طول مسیر می‌توانیم از آن‌ها استفاده کنیم. استفاده از نوارهای مجاز سرود هم به طور محدود قابل استفاده است.

۹. شعر و سرود - شعر و سرود جزء ارکان برنامه‌های اردوست، یعنی یکی از برنامه‌های پرطرفدار است و اگر ما شعر و سرود نداشته باشیم بچه‌ها شعر و سرودهایشان را رو می‌کنند که ممکن است صورت خوشی نداشته باشد، البته در بعضی فرهنگ‌ها هم بعضی شعرهای عاشقانه به آن مفهوم بدی که ما فکر می‌کنیم نیست. در بعضی از شهرها یک نوع اشعار محلی وجود دارد که احساسات و عاطفه و عشق پاک درون افراد است. ما نباید با هر چیزی مخالفت کنیم. زرنگی شما به عنوان مربی این است که دقت کنید و مواظب باشید شعری که می‌خواهد بخواند چطور شعری است. این‌ها نکات خیلی ریز و ظریفی است، ولی اگر دقت نکنیم می‌تواند اثرات مخربی داشته باشد و از کارآیی اردو بکاهد و آن تأثیری که ما در اردو به دنبالش هستیم، ایجاد نشود.

بحث شعر و سرود بحث مفصلی است. مهم این است که ما یک سری شعرها و سرودهای مناسب داشته باشیم تا بتوانیم پیامی را هم به دانش آموز منتقل کنیم.

اردو

یکی از برنامه‌های داخل ماشین شعر و سرود است که ویژگی های خاصی دارد. نشاط کودکان و نوجوانان در شعر و سرود خودنمایی می‌کند. در قالب شعر و سرود آموزش مفاهیم خاص اتفاق می‌افتد. در تعلیم و تربیت مدرسه‌ای به نام مدرسه نامرئی وجود دارد که در آن مدرسه نامرئی مدرسه‌ای که دانش‌آموزان چیزهایی را از همدیگر یاد می‌گیرند بدون معلم و شاگرد و تخته در آن مدرسه همه اتفاقات و آموزش به صورت نامرئی انجام می‌گیرد و از چشم والدین و اولیای مدرسه حتی در اردو هم نامرئی است اگر مربیان و مسئولین اردو حواسشان نباشد گاهی ممکن است مفاهیمی را که بچه‌ها از همدیگر یاد می‌گیرند مفاهیم منفی باشد. اگر شعرها و سرودها حساب شده باشد، مسلماً به اهداف دانش‌آموزان مثبت اردو نزدیک می‌شوند. ولی اگر شعرها حساب نشده باشد و بدون آمادگی به عنوان مربی وارد اردو شود و بعد بگوید بچه‌ها کی شعر بلد است آن موقع هر شعری ممکن است خوانده شود این‌که روی شعر و سرود تاکید می‌شود به خاطر این است که: ۱- شادترین فضای اردو است ۲- با توجه به علاقه دانش‌آموزان به ریتم و موسیقی، مفاهیمی به صورت ناخودآگاه انتقال پیدا می‌کند ۳- فضای اردو فضای شعر و سرود است یعنی رغبت دانش‌آموزان به آن بیشتر است پس مربی هم باید ز قبل به فکر باشد و شعرهایی را آماده داشته باشد و براساس این آمادگی وارد اردو شود.

اگر مربی بدون برنامه‌ریزی با اردو همراه شود در حالی که هیچ آمادگی ندارد مثلاً شعر و سرود یا نکته‌ها و مطالبی که می‌خواهد بگوید یا برنامه‌هایی که به صورت مسابقه و بازی می‌خواهد اجرا کند یقین بدانند که در اردو موفق نیست. خاطره یک سال تحصیلی را با کار می‌کردم حتی در مورد آن‌ها هم این تجربه را داشتم بعضی روزها بدون برنامه‌ریزی وارد کلاس می‌شدم و آموزش را

شروع می‌کردم و همین باعث می‌شد که هم خودم کلافه شوم و هم بچه‌ها خسته شوند و هم ساعت‌های کلاس سپری می‌شد اما هیچ چیزی آموزش داده نمی‌شد. اما در برنامه و روزهایی که آمادگی تدریس داشتم یعنی می‌دانستم امروز فلان شعر را می‌خواهم بخوانم یا فلان مفهوم ساده ریاضی را می‌خواهیم کار کنیم یا قرار است برویم آزمایشگاه و بچه‌ها با گل بازی کنند خیلی راحت می‌توانستم هم بچه‌ها را اداره کنم، و هم مفاهیم را خیلی راحت انتقال دهم. پس آمادگی و برنامه‌ریزی خیلی مؤثر است مخصوصاً در اردو. شما اگر در یک کلاس برنامه نداشته باشید نهایتاً ۲ تا ۳ ساعت است و می‌گذرد اما اردو حداقل یک روز است و یک روز کار راحتی نیست وقتی برگردیم هم خودمان خسته و کلافه‌ایم هم دانش‌آموزان ناراحتند. علتش هم این است که آمادگی برای برنامه نداشتیم یا مثلاً آمادگی برخورد با فلان مسئله و مشکل را نداشتیم مثلاً مکان اردو سرویس بهداشتی ندارد و خود این مسئله برای ما و دانش‌آموز یک معضل می‌شود مثلاً پذیرایی اول صبح باعث اسهال بچه‌ها می‌شود خوب در یک محیط جنگلی محیط بیرون از شهر اسهال گرفتن کار ساده‌ای نیست در دسری درست می‌شود که اردو تحت الشعاع این موضوع بیماری قرار می‌گیرد.

در رابطه با شعر و سرود، نمونه‌های مختلفی وجود دارد مثلاً شعر راننده که تقریباً شعر طنز است یا به نوعی جزو شعرهای شاد اردو است. گاهی وقت‌ها ممکن است راننده‌های ماشین می‌توانند برنامه‌های اردو را دلایل مختلف به هم بریزند شعر راننده برای خسته نباشی و خوش آمدگویی به راننده است: در رابطه با راننده یک کار دیگر هم می‌توانیم بکنیم در معارفه وقتی که دانش‌آموزان خودشان را معرفی می‌کنند اول مربی خودش را معرفی کند و

اردو

نکنه‌اش را می‌گوید بعد می‌رویم سراغ راننده می‌گوییم آقای راننده هم خودش را معرفی کند اگر راننده اهل حال و لوتی و خوش مشرب باشد همین‌جا خودش را نشان می‌دهد اگر راننده تذکر خاصی دارد آنجا می‌تواند به دانش‌آموزان بگوید. مثلاً: ما امروز در خدمت شما هستیم یا خوشحالیم از این‌که با شما هستیم اما انتظارمان از شما این است که پوست تخمه روی صندلی‌ها نریزید و مواظب صندلی‌ها باشید یا آشغال‌هایتان را در سطل آشغال بریزید این تذکر از زبان راننده تأثیر بیش‌تری دارد.

شعر راننده است در واقع یک جور سلام علیک یا خوش آمدی است به راننده و با راننده ارتباط برقرار کردن است این برای ارتباط صمیمی بین دانش‌آموزان، مربی و راننده استفاده می‌شود.

آقای راننده اخماتو واکن

از توی آینه ما را نگاه کن

های باریکلا مشتی ماشاالله

آقای راننده خسته نباشی

تو برای ما مثل داداشی

آقای راننده بزن تو دنده

ماشین جلویی به ما می‌خنده

آقای راننده خسته نباشی

اردوی امسال ما عالی درآمد

می‌توان راننده را هم وارد برنامه‌های اردو کرد و از او هم کمک گرفت.

شعر «اگر تو شاد و خوشحالی دست بزن» یا شعر اردوی شادی که مفاهیم خیلی خوبی در این شعر آورده شده است:

اردو، اردوی شادی اردوی تلاشه هرکسی زرنگتره دل ما باهاشه
که مفاهیم زیادی را در این شعر جمع کرده و برای شروع شعر مناسبی است.
تو یه خدای مهربونی داری تا اونو داری غصه‌ای نداری
از پدر و مادر مهربونتره تو رو به سوی سعادت می‌بره
حتماً خوندی تو قرآن این آیه رو لیس للانسان الا مسعی

یعنی هرچه تلاش کنی تودنیا جایز شو می‌گیری تو از خدا
این‌ها مفاهیمی است که در قالب شعر به مخاطبین انتقال داده می‌شود.
وظیفه تو می‌دونم که می‌دونی اینه که محکم درساتو بخونی
رفیق بشی با نماز و نیایش با قرآن و مطالعه و ورزش
یا شعرهای احکام و شعرهای صلوات این‌ها شعرهایی است که در بخش شعر
و سرود به آن‌ها می‌پردازیم پرداخته می‌شود به هر صورت در داخل ماشین از
شعر و سرود استفاده می‌کنیم مواظب باشید در شهر و مکان‌های مسکونی
حتی الامکان کم‌تر شعر خوانده شود. به خاطر این‌که افرادی که در خیابان
هستند و از اردو و اتفاقات داخل ماشین خبر ندارند ممکن است تعجب کنند.
هم‌چنین می‌توانیم با بچه‌ها این قرار را بگذاریم که هر وقت ماشین ترمز کرد
شما صدایتان را آرام کنید. اگر هنگام خواندن شعر احساس کردید که بچه‌ها
ریتم شعر را تند کردند، گاهی وقتها انقدر تند دست می‌زنند که مانع می‌شوند
مری شعرش را بخواند یا صدای دست زدن‌ها آنقدر سریع و بلند است که
شعر به گوش بچه‌ها نمی‌رسد و هدف القای مفهوم شعر ناقص می‌ماند می‌توان
ریتم را عوض کرد. ریتم را آرام و تند کنیم تا دانش‌آموزان مجبور شوند با ما

اردو

همراهی کنند. ریتم را آنقدر کند می‌کنیم تا دست زدن‌ها کند شود، دوباره تند کنیم البته طوری هم نباشد که دانش‌آموز احساس کند مربی در مقابلش موضع گرفته اگر می‌خواهیم کاری خلاف علاقه انجام دهیم باید با یک ترفندی باشد که احساس موضع‌گیری و لجبازی آنان نکنند و به اصطلاح خودشان مربی را دست می‌اندازند پس باید دقت کنیم در فضای شعرو سرود حریم‌ها و حرمت‌ها را نگه داشت تا خواندن شعر باعث نشود که به برنامه اردو لطمه‌ای وارد شود. در عین حالی که می‌خواهیم شاد باشند و نشاط داشته باشند ولی وضع بگونه‌ای نشود که برنامه اردو از تدبیر و مدیریت مربی خارج شود.

مسابقات و سرگرمی - مربی می‌تواند برای سرگرمی به تناسب سن مخاطبین از وسایل بازی‌های فکری استفاده کند آن‌ها را در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌دهد تا به صورت گروهی یا جوخه‌ای با آن‌ها بازی کنند. قصه و خاطره‌گویی هم یکی از برنامه‌های مناسب داخل ماشین است. بهتر است از قصه‌هایی که بچه‌ها دوست دارند غفلت نکنیم. همین‌طور از خاطره‌هایی که در خلال اردوها اتفاق افتاده نیز می‌توان استفاده کرد. اگر دوران دفاع مقدس را درک کرده‌اید می‌توانید خاطره‌های جنگ را برای دانش‌آموزان تعریف کنید، چون هم برای دختران و هم برای پسران جذاب است. می‌توانید از کتاب‌هایی که موضوع آن‌ها خاطرات جنگ و به زبان نوجوانان در قالب طنز نوشته شده است مثل «رفاقت به سبک تانک» استفاده کنید، این کتاب مجموعه‌ای از خاطرات واقعی و طنز نوشته شده است. اتفاقاً داستان خاطره‌ها هم مربوط به سن نوجوانان رزمنده‌ها است که باعث همذات‌پنداری بچه‌ها با آن می‌شود. برای زمان خستگی و خواب‌آلودگی بچه‌ها بهترین برنامه خاطره‌گویی است. مربی باید آخر ماشین مستقر شود. چون معمولاً دانش‌آموزانی که کمی شیطنت

دارند، آخر ماشین می‌نشینند تا مربی و بقیه را دست بیندازند. هنگام خاطره‌گویی می‌توانیم جلوی ماشین جایی بایستیم که صدا به همه برسد. اگر بلندگوی دستی داشته باشیم بهتر است. در این برنامه، خاطره خود بچه‌ها جالب‌تر از بقیه خاطره‌ها است. مثل خاطره اولین روز مدرسه یا اولین روزه و نماز یا اولین خرید از بازار یا خاطراتی که در صف نانوايي یا در اتوبوس یا تاکسی اتفاق افتاده است و امثال این‌ها. برای کمک به دانش‌آموزان می‌توانیم خاطره‌ها را موضوع بندی کنیم تا خاطره‌ها یادشان بیاید.

مربی باید مواظب باشد تا این خاطره‌ها از خط قرمز تجاوز نکند و از گفتن قصه‌های تربیتی و مذهبی هم غافل نشود.

استراحت

در طول مسیر زمانی را برای استراحت دانش‌آموزان قرار دهیم. نوار ماشین خاموش یا صدایش کم می‌شود، سکوت تامل اعلام می‌شود تا کسانی که می‌خواهند استراحت کنند، راحت باشند این کار باعث می‌شود وقتی دانش‌آموزان به اردوگاه رسیدند خسته نباشند.

مسابقات

می‌توانیم طرحی را مشابه شکل به بچه‌ها نشان دهیم و از آن‌ها بخواهیم برداشتشان را از این طرح بنویسند. ما هیچ توضیحی در مورد طرح نمی‌دهیم. در این طرح‌ها می‌توان مفاهیم سیاسی، اخلاقی و ... را ارائه کرد.

یک نمونه دیگر از مسابقات جدول است. بالای جدول کلماتی نوشته شده است و داخل آن حروفی نوشته شده است که باید دور آن‌ها را خط کشید و کلمات بالای جدول را پیدا کرد. یا باقی مانده حروف یک مصراع شعر را به دست می‌آوریم. البته برای یافتن کلمات می‌توان از سؤال هم استفاده کرد.

اردو

می‌توانیم با این کار احکام و معارف اسلامی را به دانش‌آموزان آموزش دهیم. یعنی پیام پایانی ما می‌تواند قسمتی از یک جمله، حدیث یا شعر باشد. ضمناً می‌توان برای هرکسی که زودتر برگه‌اش را تحویل می‌دهد جایزه یا امتیاز در نظر بگیریم. البته امتیاز را می‌توان به جوخه‌ها هم اختصاص داد.

۱۱. حضور و غیاب : بحث حضور و غیاب خیلی ضروری است. با توجه به سازمان‌دهی پیش از اردو و برگزاری جلسات توجیهی و گروه‌بندی دانش‌آموزان می‌توان حضور و غیاب را به صورت گروهی و جوخه‌ای انجام داد. از ابتدا بچه‌ها را توجیه می‌کنیم که بدون اطلاع و هماهنگی از ماشین پیاده نشوند. یکی از راه‌های حضور و غیاب به صورت جوخه‌ای است. مثلاً فرض کنید اتوبوسی ۴۰ نفر سرنشین دارد که شامل ۳ یا ۴ جوخه می‌شود. در این صورت مسئولیت حضور و غیاب به عهده ۳ یا ۴ نفر سرگروه است و مسئول اردو باید با آنان هماهنگ کند. بنابراین هنگام ایستادن در پمپ بنزین یا رفتن به سالن‌های غذاخوری و ... باید مواظب بود تا کسی جا نماند. چون در بعضی جاها مثل جاده چالوس امکان بازگشت اتوبوس به دلیل عریض بودن و شلوغی جاده نیست، پس بحث حضور و غیاب و توجیه بچه‌ها را جدی بگیرید.

یکی دیگر از راه‌های حضور و غیاب، شماره‌گذاری افراد است. به هر دانش‌آموزی یک کد می‌دهیم. البته باید مواظب بود و تذکر داد که کسی شماره دیگری را نگوید یا یک شماره را دوباره نگوید.

مراسم افتتاحیه

اهداف برگزاری افتتاحیه: الف. رفع خستگی سفر ب. آشنایی با قوانین و مرییان اردو. ج. آغاز رسمی برنامه‌ها د. احترام به مقدسات ملی و مذهبی مثل تلاوت قرآن، سرود ملی و ...

الف. برنامه‌های افتتاحیه

اردو

۱. تلاوت قرآن، سرود جمهوری اسلامی، خوش آمدگویی مسئول اردوگاه یا بالاترین مقام و برگزارکننده اردو، نمایش و میان پرده طنز از برنامه‌هایی است که در افتتاحیه‌ها اجرا و باعث رفع خستگی مسافران می‌شود. میان پرده یا نمایش طنز بیش‌تر به دنبال القای مفهوم اخلاقی یا مفاهیم مورد بحث و مقررات اردو است. مثل دانش‌آموزی که قانون‌گریز و دانش‌آموز مؤدب و مقرراتی یا ارائه موضوعات سیاسی مثل معرفی استکبار جهانی با طنز در قالب گفت‌وگو و ...

ب. آشنایی کوتاه با قوانین، برنامه‌ها و مریان

معرفی اردوگاه، زمان حضور در آن، امکانات اردوگاه و روش استفاده از امکانات نظیر استخر و زمین بازی، سپس اجرای مسابقه حضوری با حضور روحانی مجرب و متخصص کودک و نوجوان در غیر این صورت مجری برنامه افتتاحیه این برنامه را اجرا می‌کند که باعث شادی فضای اردوگاه می‌شود. اجرای برنامه به مناسبت روز، ماه یا سال هم جزو برنامه‌های افتتاحیه است. اهدای جوایز و سرود یا نمایش پایانی هم از دیگر برنامه‌ها است. گاهی وقت‌ها اجرای سرود جمهوری اسلامی و تلاوت قرآن با تشریفات خاص به با شکوه‌تر شدن آن برنامه کمک می‌کند. مثلاً قاری قرآن را دو نفر به عنوان محافظ تا جایگاه همراهی کنند و کلام‌الله را داخل سینی‌ای بگذارند که روی آن پارچه سبزی پهن شده و اطراف سینی گل‌هایی ریخته شده است. این سه نفر با هم خوانی، یا صلوات خاص قرآنی، قرآن را تا جایگاه می‌برند که این یک نوع احترام به قرآن است و صدا، موسیقی و نوایی که هم‌زمان با بردن قرآن نواخته یا خوانده می‌شود می‌تواند یک حس عاطفی ایجاد کند و عظمت و شکوه قرآن را برساند. در اجرای سرود جمهوری اسلامی هم حمل پرچم

جمهوری اسلامی به جایگاه و برافراشتن پرچم با نور و سایه می‌تواند بر شکوه مراسم بیفزاید. گاهی وقت‌ها افرادی با لباس خاص حرکات خاصی انجام می‌دهند و از انتهای سن تا جایگاه همراه پرچم رژه می‌روند. گاهی وقت‌ها مراسم افتتاحیه به جای سالن در زمین چمن برگزار می‌شود، در این صورت در اردوهای رسمی و کشوری معمولاً دانش‌آموزان از هر استان یا شهری رژه هم می‌روند، و این رژه یک برنامه رسمی است که نقش مجری جالب و مهم است. مجری می‌تواند هنگام رژه توصیفی از شهر یا مکان دانش‌آموزان رژه رونده انجام دهد. به جدیت و رسمیت بیش‌تر برنامه کمک می‌کند. حتی تشویق و توصیف به لهجه یا زبان هر شهری برنامه را جذاب‌تر و جالب‌تر می‌کند. به هر حال بهتر است قبل از حرکت برای افتتاحیه و اختتامیه برنامه داشته باشیم. می‌توان دعای عهد را از طریق موبایل یا نوار در ماشین، دعای عهد را آماده پخش کرد.

در بحث افتتاحیه برنامه‌ها و نکته‌های دیگری را هم باید رعایت کرد به عنوان نمونه معرفی مربیان اردو و مسئول بانک امتیازات و جوایز. این کار می‌تواند به صورت نمایش هم اجرا شود. یعنی مربی تئاتر از بین جمعیت برخیزد و با سروصدا خودش را معرفی می‌کند. مجری اجازه صحبت به او نمی‌دهد و کشمکش او و مجری باعث دخالت دانش‌آموزان می‌شود و در نهایت او به روی سن می‌آید و با اجرای نمایش کوتاهی خودش را معرفی کند. یا مربی سرود با خواندن شعر و سرود برنامه را قطع می‌کند و به روی سن می‌آید و خودش را معرفی می‌کند. یکی دیگر از برنامه‌های افتتاحیه میان پرده است.

گاهی وقت‌ها میان پرده‌ها، میان پرده‌های کلاسیک است، یعنی نمایش‌های کاملاً حساب شده، گاهی وقت‌ها نمایش فانتزی است، یعنی می‌خواهد مفهومی را

اردو

در قالب طنز آموزش بدهد؛ مثل نمایش شربت. این‌ها مسائل سلیقه‌ای است و قانون ثابتی ندارد. پذیرایی بعد از افتتاحیه هم در اردوگاه‌های مختلف، متفاوت است. گاهی وقت‌ها پذیرایی را در یک پلاستیک یا سینی قرار می‌دهیم و گاهی وقت‌ها در کلبه. بچه‌ها وقتی وارد کلبه شوند و می‌بینند به تعداد نفرات هر کلبه پذیرایی آماده است آرامش پیدا می‌کنند. زمانی را هم برای عکس برداری اختصاص می‌دهیم تا بچه‌ها عکس بگیرند. البته نباید طولانی باشد. سخنرانی امام جمعه، استاندار، مسئولین کشوری و لشکری برگزارکننده اردو نباید آن قدر طولانی شود که دانش‌آموز را از اردو و افتتاحیه بیزار کند. باید سخنرانان را توجیه کرد که اردو ویژه دانش‌آموزان است و از آن‌ها خواهش کنیم که ۱۰ الی ۱۵ دقیقه صحبت کنند. حتی مجری می‌تواند بازرنگی خاصی هنگام معرفی آن مقام مسئول وقت تعیین شده سخنرانی را هم به او یادآوری کند. مثلاً بگوید که ایشان قرار است ده دقیقه برای ما صحبت کند. در هر حال اگر یک نفر ناراحت بشود بهتر از این است از این که چند صد دانش‌آموز ناراحت شوند.

خاطره

زمان یکی از برنامه‌های افتتاحیه تا اذان مغرب ادامه پیدا کرد. اما مسئولان حاضر نشدند هنگام اذان برنامه را قطع کنند. برنامه‌هایی هم که قرار بود اجرا شود خیلی مهم نبود. من به عنوان روحانی اردوگاه خیلی ناراحت شدم. اجازه گرفتم و بیرون آمدم. حدود ۲ هزار دانش‌آموز دبیرستانی از تمام استان‌ها در این اردو حضور داشتند و این فرصت مناسبی بود که برنامه به مخاطران تعطیل شود و این خودش یک کار آموزشی بود، اما این کار صورت نگرفت و برنامه ادامه پیدا کرد. من خودم را به مسجد رساندم. ناگهان بارندگی شدیدی

صورت گرفت و چون برنامه روی چمن و در فضای باز اجرا می‌شد همه خیس شدند و برنامه به هم خورد. عده‌ای خودشان را به مسجد رساندند. امام جمعه، مسئولین شهر معاونان وزارت خانه و مسئولان برگزارکننده اردو به مسجد آمدند. دخترخانمی حدوداً ۱۵ ساله به من گفت: حاج آقا یک سؤال از شما دارم، چرا موقع اذان برنامه را تعطیل نکردید؟ من ماندم چه جوابی به این دانش‌آموز بدهم. او را نزد مسئول اردو بردم او هم گفت: حرف زیبا و درستی می‌زنی و من هیچ جوابی ندارم به شما بدهم، به هر حال خدا بارانش را فرستاد و همه را تنبیه کرد. بعد هر چه اسم دانش‌آموز را پرسیدند نگفت. در نهایت با وساطت من خودش را معرفی کرد و مسئول اردو هم یک کارت پانصد امتیازی به او داد. موقع رفتن گفت: من برای امتیاز این کار را نکردم. و با این کار درس بزرگی به مسئولین داد.

استقبال و بدرقه

در این متن هرکجا که صحبت از استقبال می‌شود، شامل بدرقه هم هست، چون این دو برنامه از لحاظ ساختاری شبیه به هم هستند.

۱. عبور از دروازه قرآن - تبرک جستن و حفظ سلامتی افراد هنگام ورود و خروج از اهداف این برنامه است. دروازه قرآن همان طوری که در تصاویر مشاهده خواهید کرد یک شکل هلالی یا محرابی است که از جنس چوب یا آهن ساخته می‌شود. گاهی وقت‌ها از برگ یا شاخه‌های درخت ساخته می‌شود. قرآنی در بالاترین قسمت این محراب قرار می‌گیرد و دانش‌آموزان به صورت ستونی از زیر این دروازه عبور می‌کنند.

۲. خوش‌آمدگویی - خوش‌آمدگویی و بدرقه با واژه‌های زیبا و شادی آفرین مثل خوش آمدید، به به چه دانش‌آموزان خوبی، یا بچه‌های خوزستان خیلی خون گرم هستند، بچه‌های رشید کرمانشاه و گاهی وقت‌ها مجری می‌تواند مخاطبان را به وجد بیاورد. دست نوازش کشیدن روی صورت دانش‌آموزان به وسیله مربیان جالب است و گاهی وقت‌ها برای بچه‌هایی مثل بچه‌های ایتام که نوعی نیاز عاطفی خاص دارند مؤثر و مفید است در صورت امکان و مناسب بودن فضا می‌توان از بوس کردن یا دست دادن و نوازش‌های این گونه استفاده کرد. دود کردن اسپند یا گل پر یا پاشیدن گل و گلاب بر سر و روی افراد و ریختن گل روی سر دانش‌آموزان هنگام ورود به اردوگاه یا خروج از آن پسندیده است. این کارها باعث می‌شود که دانش‌آموز یا کسی که وارد اردوی ما شده است یا خارج می‌شود احساس شخصیت و عزتمندی کند و خاطره شیرینی از ورود و خروج اردو در ذهنش بماند. پذیرایی با شربت، شکلات یا اهدای یادگاری هم می‌تواند جزو مراسم بدرقه باشد. بهتر است هدیه‌های

بدرقه به صورت جایزه یا سوغات داده شود. لازم نیست که هدایا گران قیمت یا نفیس باشند. در بعضی از برنامه‌ها ما عکس‌های برجسب امام و رهبری را به بچه‌ها هدیه می‌کنیم. یادم نمی‌رود دانش‌آموزانی که از کشور تاجیکستان آمده بودند این لوح‌ها و عکس‌هایی را که خیلی هم کوچک بود و قیمت زیادی نداشت به سینه‌هایشان می‌چسبانند. یا بچه‌هایی که از لبنان آمده بودند آن‌ها را می‌بوسیدند و روی سرشان می‌گذاشتند. توجه کنید که این مراسم فقط ویژه دانش‌آموزان نیست. در اردوهای دانشجویی هم قابل اجرا است، یعنی هر انسانی احساس عزت‌نفس برایش جالب است. در یکی از عملیات‌های دفاع مقدس بین غواصان خرما تقسیم می‌کردند. خرماها را یکی یکی در دهان یا دستشان می‌گذاشتند. یکی از غواص‌ها گفت: اجازه بدهید من خودم بردارم، پرسیدم چرا؟ گفت: برای این که وقتی در دست آدم می‌گذارند، آدم احساس می‌کند که سهمی به او می‌دهند، ولی وقتی خودم برمی‌دارم احساس می‌کنم حقم را برمی‌دارم.

اختتامیه

۱. تلاوت قرآن ۲. برگزاری سرود جمهوری اسلامی ۳. اهدای سوغات ۴. یکی از نکاتی که در مراسم اختتامیه باید رعایت شود تشکر و تمجید از دانش‌آموزان و مربیان است، مجری یا مسئول اردوگاه و هرکسی که این کار را انجام می‌دهد پشت تریبون قرار می‌گیرد و از دانش‌آموزان به دلیل همکاری آن‌ها تشکر می‌کند، حتی اگر همکاری کم باشد، از دانش‌آموزان شر هم نام ببریم. در صورت امکان از تک تک جوخه‌ها نام ببریم و به خاطر کار خوبشان در قسمتی از اردو تشویقشان کنیم. نام بردن از شهرها یا حتی بخش‌های کوچک نوعی احساس غرور و افتخار به شرکت‌کنندگان در اردو می‌دهد. حتی

اردو

نام بردن از دانش‌آموزی که مسخره بازی درمی‌آورد و مثلاً در ماشین بچه‌ها را می‌خنداند، جالب است، چون به هر حال بین بچه‌ها محبوب است.

۵. برگزاری نمایش

نمایش به همان سبکی که در بحث افتتاحیه عرض کردیم می‌تواند کلاسیک، طنز یا میان پرده باشد. می‌تواند یک سری از موضوعات مربوط به دانش‌آموزان باشد.

۶. برگزاری دعا و نیایش

دعا و نیایش می‌تواند به صورت انفرادی یا دسته جمعی باشد. هدف از برگزاری نیایش این است که دانش‌آموزان را متوجه نعمت‌های الهی کنیم و از خدا به خاطر این نعمت‌ها تشکر کنیم. انجام کارهای نمایشی مثل بستن چشم و دعا کردن در دل باعث ایجاد فضای معنوی می‌شود.

۷. برگزاری سرود خداحافظی

سرود خداحافظی هم مثل سرودهای دیگر اردو به صورت دسته جمعی اجرا می‌شود. مثل سرود معروف برگ پاییز که از رادیو و تلویزیون پخش می‌شود. یا شعر «عجب رسمیه رسم ز من» که بچه‌ها بعضی از کلماتش را عوض می‌کنند و اردویی‌اش می‌کنند و اگر همراه با موسیقی باشد اثرش بیش‌تر است. گاهی بچه‌ها اشک می‌ریزند و این می‌تواند یک لحظه خاطره‌انگیز باشد. یا سرود وداع بر اساس «آهنگ نوایی» نوایی خوانده می‌شود:

کنون وقت اردو به پایان رسیده زمان وداع عزیزان رسیده

یا شعر دوست من اردو تمام شد چه روزهای شیرینی بود سخت هم برای من هم برای تو روزهای جدایی بنویس آدرس خود را در صفحه دل ما اگرچه راهمان دور است قلب‌هایمان به هم نزدیک است کلبه‌ها دلشان تنگ آسمان

چرا کمرنگ بغض من چه گلوگیر دل من بی تو می گیره هر بدمی از ما دیدین
اصلاً به دل نگیرید ما رابینخشید همین حالا که داریم می ریم بیش تر از این
بدونین قدر مربی ها را اون ها که دوست دارند از دل وجون شما را سبک این
شعر همان آهنگ معروف است.

سرودهای خداحافظی و وداع را می توان لحظه ای که دانش آموزان سوار ماشین
می شوند هم پخش کرد تا خاطره ای خوش از لحظه خروجشان از اردوگاه
داشته باشند، چون معتقدیم لحظه ای که دانش آموزان وارد ماشین می شوند چه
در آغاز و چه در پایان اردو جزو لحظه های خاص اردو است، در یکی از
اردوگاه ها فقط یک درخت وجود داشت، یعنی فضای سبز اردوگاه فقط یک
درخت بود، اما رابطه مربی با دانش آموزان آن قدر قوی و عاطفی بود که هنگام
خروج از اردوگاه آنان را به زور بیرون می کردند. این همان فلسفه تعلیم و
تربیت است که رمزش ارتباط بین فرادهنده و فراگیرنده یا مربی و دانش آموز
است. شعرهای دیگری هم گاهی وقت ها هنگام خروج از اردوگاه می خوانند
که جنبه تیمن و تبرک دارد مثل این شعری که صلوات بر محمد و آل محمد
است. در بعضی از اردوگاه ها یا اردوها برنامه و رفتار ما برای دانش آموزانی که
در کانون اصلاح و تربیت زندانی یا مددجو هستند دقیقاً مثل دانش آموزان آزاد
بود و هیچ فرقی نداشت، یعنی همان حسی را که با دانش آموز آزاد داشتیم با
مددجویی داشتیم که جرمش قتل، سرقت یا حمل مواد مخدر بود. همین رابطه
گاهی وقت ها باعث می شد اعتراف هایی می کردند که اگر این اعتراف ها را پیش
قاضی جرم شان ثابت می شد و حکمشان تغییر می کرد. پس ما باید یک فضای
صمیمی به وجود بیاوریم تا بتوانیم تأثیر بگذاریم.

تشویق

یکی از اصولی که در برنامه‌های اردوداری خوب است رعایت شود، توجه به زبان و گویش قومیت‌ها و ملیت‌ها است. لهجه‌های مختلف برای خودشان واژه‌هایی دارند. مثلاً اصفهانی‌ها می‌گویند: «خوبس خوبس خیلی خوبس» یا یزدی‌ها می‌گویند: «خَشِ خَشِ خیلی خَش» یا کردها می‌گویند: «خاص خاص زوعر خاص» یا مازندرانی‌ها می‌گویند: «خاره خاره خل خاره» یا ترک‌های خوزستانی می‌گویند: «زین زین کلش زین» عرب‌های فصیح می‌گویند: «جدًا جید» این تشویق‌ها گاهی با دست زدن همراه است. دست زدن‌ها هم سبک‌های مختلفی دارد. دست زدن خوزستانی‌ها با دست زدن شهرهای دیگر فرق می‌کند. چون حال و هوای خوزستان و بندرعباس گرم است، دست زدن‌هایشان معمولاً گرم‌تر از شهرهای دیگر است. انگلیسی‌ها هم می‌گویند: «گود گود وری گود» پاکستانی‌ها می‌گویند: «اتچاء اتچاء بالا بالا اتچاء» تهرانی‌ها می‌گویند: «باری باریکلا چشم نخوری انشاءالله؛ یا یا ماشالله صد ماشالله زنده باشی انشاءالله؛ یا ماشالله ماشالله احسنت باریکلا» این تشویق به نوعی تشویق قرآنی است.

جُنْگ شب

بحث بعدی ما جشن عصرانه، جُنْگ شب، جُنْگ میهمان یا جُنْگ میزبان است. به جُنْگ میهمان و جنگ شب، جشن عصرانه هم گفته می‌شود. اگر شب برگزار شود به آن جُنْگ شب می‌گویند و اگر عصر برگزار شود به آن جشن عصرانه می‌گویند. جشن عصرانه در واقع با هدف ایجاد شادی و نشاط در اردو اجرا می‌شود؛ اما در متن این برنامه‌ها مفاهیمی را آموزش می‌دهیم.

چرا به این جُنْگ، جشن می‌گوییم؟

چون در آن پذیرایی، شادی، نشاط و خنده هست، جشن می‌گوییم. البته پذیرایی باید ساده و کم خرج باشد.

تعداد جشن‌ها

تعداد جشن عصرانه یا جنگ شب معمولاً به تعداد روزها یا افراد شرکت‌کننده بستگی دارد. گاهی وقت‌ها یک روز در میان، گاهی وقت‌ها یک روز در هفته و گاهی وقت‌ها ممکن است هر شب یا هرروز باشد؛ ولی بهتر است یک روز در میان باشد تا گروه‌های هنری بتوانند خودشان را آماده کنند. در یک اردوی یک هفته‌ای یا شش روزه می‌توانیم سه جشن عصرانه داشته باشیم.

زمان جشن

بهتر است زمان جشن، عصر باشد؛ یعنی حدود یک ساعت و نیم مانده به اذان مغرب. یک ساعت به خود جشن اختصاص دارد و نیم ساعت هم به امور مربوط به افتتاحیه و اختتامیه و فرصتی برای وضو گرفتن و آماده شدن برای نماز مغرب و عشا. اگر زمان جشن شب باشد معمولاً بعد از شام است. اگر شام مثل پادگان‌های نظامی سریع داده شود بهتر است، مثلاً بلافاصله بعد از نماز. چون دانش‌آموزان داوطلب، رغبت بیشتری برای حضور پیدا می‌کنند. البته روزهایی که برنامه‌های خسته‌کننده و نفس‌گیر داریم یا زمانی که دانش‌آموزان خسته هستند نباید اجرا شود.

مکان جنگ شب

گاهی در مکان‌هایی خیلی ساده مثل چمن و گاهی در مکان‌های خاصی مثل سالن‌های آمفی تئاتر، فضای باز بدون سقف یا مکان‌هایی شبیه استادیوم‌های ورزشی.

مجری برنامه

اردو

مجری برنامه باید فردی بدله‌گو، خوشرو، مهربان و تیز باشد. در بعضی از شرایط باید فی‌البداهه مطلبی را بگوید. گاهی ممکن است دانش‌آموزان مطالبی بگویند که نیازمند تصحیح مجری باشد. پس باید کسی باشد که اطلاعات عمومی‌اش خوب و اصطلاحاً سر و زبان داشته باشد. صدایش می‌تواند به جذاب کردن برنامه کمک کند. یک انسان همه فن‌حریف می‌تواند مجری خوبی برای برنامه باشد. مجری می‌تواند دانش‌آموز یا مربی باشد. البته اگر دانش‌آموز توانمندی وجود داشته باشد بهتر از مربی بزرگسال است. هدف این برنامه، نشاط و شادی درجنگ و فضای اردو است، اما بین این برنامه آیت‌هایی برای انتقال مفاهیم مورد نظر ما اجرا می‌شود.

برنامه‌ریزی

اگرچه برنامه جنگ ساده و خیلی معمولی اجرا می‌شود و خودمانی است، اما حتماً باید برنامه‌ریزی شده باشد؛ یعنی نمایشی که قرار است اجرا شود و برنامه‌هایی که در این جنگ اجرا می‌شود توسط مربیانی که در این زمینه آگاهی و سرشته و تخصص دارند قبلاً بازبینی و بررسی شده باشد.

برنامه‌های جنگ

۱. نمایش

برگزاری یک نمایش صامت یعنی بدون صدا یا یک نمایش ناطق یعنی با صدا. نمایش صامت مثل پانتومیم که ممکن است با صدای موزیک همراه باشد. ممکن است صدای خنده بچه‌ها (اگر جنبه طنز داشته باشد) و سکوت آن را همراهی کند. گاهی نمایش ناطق است، یعنی صدا و کلام دارد.

۲. سرود

سرود با کلام یا بی‌کلام.

سرود با کلام سرودی است که یا چند نفر آن را اجرا می‌کنند و با موسیقی یا بدون موسیقی اجرا می‌شود.

گاهی سرود بدون کلام است، یعنی بچه‌ها با شیرین‌کاری‌هایی که دارند با صدای گلویشان آهنگ یا سرودی را می‌خوانند. معمولاً سرود یا موسیقی فیلم‌هایی را اجرا می‌کنند که دانش‌آموزان می‌شناسند. بعضی برنامه‌ها برای بچه‌ها خیلی جذاب است. تقلید صدای حیوانات، شکستن شیشه، صدای موتور، ماشین و ... از برنامه‌های جذاب است.

۳. لطیفه و حکایت

لطیفه و حکایت‌هایی که بچه‌ها تعریف می‌کنند. یکی دیگر از برنامه‌های جذاب جنگ است. البته این لطیفه‌ها و حکایت‌ها باید قبلاً از نظر مربی‌ها و مسئولین برنامه‌ها گذشته باشد تا لطیفه‌های نامناسب تعریف نشود. می‌توانند حکایت یا لطیفه را از روی متن بخوانند. البته سبک ادبی یا رعایت یک سری مسائل در اجرای این برنامه مهم است؛ یعنی فقط روخوانی متنی نباشد.

۴. تک‌خوانی و لب‌خوانی

برنامه بعد تک‌خوانی و لب‌خوانی است. تک‌خوانی همان‌طوری که از اسمش پیدا است اجرای تک‌نفره است. گاهی تک‌خوانی به صورت آواها و مقام‌های سنتی است، مثل استاد شجریان، یک‌نفر می‌آید و شعری را اجرا می‌کند، اما در واقع لب‌خوانی می‌کند. تمام سرودهایی که از تلویزیون پخش می‌شود، خواننده‌های لب‌خوانی می‌کنند. صدا از روی CD یا نوار پخش می‌شود و خواننده فقط لب می‌زند.

۵. شیرینی کاری

اردو

شیرین کاری، کاری است که بچه‌ها با دست انجام می‌دهند. گاهی حرکاتِ رزمی است و گاهی حرکات مختلفی است که می‌تواند جذاب و نشاط‌آور باشد.

۶. معرفی دانش‌آموزان نمونه

معرفی دانش‌آموز نمونه به عنوان الگو همراه با زندگی‌نامه یکی دیگر از برنامه‌های جذاب اردو است. این برنامه می‌تواند به عنوان «مسابقه او کیست» یا «معرفی خود فرد» اجرا شود.

گاهی زندگی‌نامه یک دانشمند ایرانی یا مسلمان در قالب نمایش اجرا می‌شود. مثلاً فرض کنید فردی خودش را به عنوان پروفیسور حسابی معرفی می‌کند و زندگی سخت او را تا رسیدن به مراتب و افتخارات علمی و کاری معرفی می‌کند و در پایان از دانش‌آموزان می‌خواهد که نام او را بگویند. به عنوان نمونه: «من در درس خواندم. در زحمتهای فراوانی کشیدم و ...» در پایان سؤال کند که «من کیستم» در شرح حال زندگی پروفیسور حسابی آمده است که ایشان سختی‌های زیادی در لبنان کشیده بود. ایرج حسابی فرزند دکتر به نقل از پدرش می‌گوید: «پدر ما در دربار سمتی داشت. ما در سفارت ایران در لبنان با مادر و برادرم زندگی می‌کردیم. بعداً متوجه شدیم که پدرم عاشق یکی از زنان دربار شده است. آن خانم شرط ازدواج را جدایی از همسر اول یعنی مادر ما قرار داده است. پدرم این کار را کرد و ما را در لبنان رها کرد و به ایران برگشت. ما که تا به حال کلی نوکر و کلفت داشتیم، حالا در مخارج زندگی مان هم مانده بودیم. مادرم چند وقت یکبار به سراغ صندوقچه‌اش می‌رفت و بخشی از جواهرات و طلاهایی را که داشت از صندوقچه بیرون می‌آورد و می‌فروخت و خرج ما را می‌داد. کم کم ما را از خانه سفارت بیرون انداختند و

نوکر ما که روزی خدمتگزار ما بود، ارباب ما شد و ما را به خانه‌اش برد و اتاقی به ما داد که من، برادر و مادرم در آن اتاق زندگی می‌کردیم. یک روز که مادرم سر جیغی کشید و غش کرد و از دنیا رفت. چون طلاهایش تمام شده بود تمام تلاشش را کرده بود تا در آن کشور غریب درس بخوانیم و به جایی برسیم، پس از مرگ مادر سختی‌های ما شروع شد. من شب‌ها با برادرم در کوچه‌های بیروت می‌گشتیم و از داخل سطل‌های آشغال و سطل‌های زباله نان‌های خشک را جمع می‌کردیم و به آن‌ها آب می‌زدیم و به عنوان غذا برای چند روز استفاده می‌کردیم. کم‌کم درس خواندم و در یکی از شرکت‌های خارجی انگلیسی مشغول به کار شدم. در یکی از بیابان‌های اطراف بیروت جاده‌ای می‌ساختند. در آن‌جا به عنوان نگهبان تأسیسات شرکت در یک چادر زندگی می‌کردم. شب‌ها نگهبانی می‌دادم و روزها پیش مهندس‌های انگلیسی کار می‌کردم. آن‌ها کم‌کم متوجه شدند که من ذهن و استعداد خاصی دارم. شب‌ها نگهبان وسائل شرکت راه‌سازی بودم. تک و تنها در کوهستان. آن‌هم جوانی که سن و سال زیادی نداشت. شب‌ها از ترس حمله حیوانات وحشی مثل گرگ‌ها آرامش نداشتم. بعدها مردم بومی محل گفتند: اگر آتش روشن کنید گرگ‌ها می‌ترسند. بالاخره با تمام این سختی‌ها موفق شدم در چند رشته مدرک دکترا بگیرم.» تعریف این ماجراها برای دانش‌آموزان امروز که درناز و نعمت زندگی می‌کنند - هر چند در خانواده‌های فقیر باشند - جالب است. در همین برنامه می‌توانیم با افراد خاصی مصاحبه کنیم. یعنی می‌توانیم زندگی‌نامه یک شخصیت خاصی را مطرح کنیم و با بعضی از دانش‌آموزان یا مربیان مصاحبه کنیم. مصاحبه شونداگان باید این ویژگی‌ها را داشته باشند: مهربانی، خوشرویی، شجاعت و همکاری اجتماعی در گروه‌هایی که در اردوگاه هستند

اردو

و با هم همکاری دارند و انسان‌های موفق هستند. یک تجربه مفید یا نکته‌ای بگویند که برای دانش‌آموزان قابل استفاده باشد. این برنامه هم برای دانشجویان و هم برای دبیرستانی‌ها قابل استفاده است. محتوای مصاحبه می‌تواند تحصیلات، خاطراتی از دوران کودکی و نوجوانی، گرایش‌های مذهبی مثل: نماز خواندن، روزه گرفتن، آشنا شدن با خدا، نکات اخلاقی و اجتماعی و خانوادگی، شیوه برخورد خانواده با او و نیز ویژگی‌های دوست باشد. اگر مصاحبه شونده مربی است از انقلاب یا دفاع مقدس خاطره یا مطلبی را تعریف کند. مصاحبه شونده می‌تواند جانباز، فرزند شهید یا از ایثارگران هشت سال دفاع مقدس باشد. جانباز می‌تواند با زبان خودش دانش‌آموزان را هنگام غروب - که فضای معنوی بهتری دارد- به فضای جنگ ببرد و خاطرات جنگ را برایشان تعریف کند و از مشکلات روحی و سختی‌هایی که در طول زندگی داشتند و موفقیت‌هایشان تعریف کند.

این بخشی از برنامه‌های جشن عصرانه، جُنْگ شب یا جُنْگ میهمان است. برنامه‌های دیگر مثل نمایش و ... هم هست که لابه‌لای برنامه‌ها توسط دانش‌آموزان اجرا می‌شود.

مزایا و محاسن جُنْگ شب

۱. ایجاد فضای شاد و رفع خستگی برنامه‌های روزانه که معمولاً برنامه‌های رسمی است. جمع‌های دانشجویی و طلاب بحث‌های آموزشی دارند. در مقطع دبیرستان، هم اندیشی و کارهای علمی است. در دوران راهنمایی بازی‌ها و مسابقات است و این‌ها به نوعی برنامه رسمی اردوگاه است، اما شب و عصر برنامه‌های غیر رسمی داریم و در این برنامه‌های غیر رسمی ما فضایی شاد ایجاد می‌کنیم که خستگی روزانه را از بین ببرد.

۲. می‌خواهیم خاطره خوش برای بچه‌ها باقی بگذاریم. روانشناسان می‌گویند: «اگر می‌خواهید در تربیت افراد مؤثر باشید سعی کنید با خاطره خوش حرف‌های خوب بزنید.» هیچ‌وقت حرف‌های خوبی را که از انسان‌های خوب شنیده‌اید یا خاطرات خوشی را که همراه با آن حرف‌های خوب داشتید از یاد نمی‌برید.

۳. ایجاد صمیمیت و همدلی هم از مزایای این برنامه است. دوستان کنار هم جمع می‌شوند و هر کس هر هنری دارد برای دوستانش اجرا می‌کند. یا بعضی از افراد یک اردو می‌آیند و برنامه‌هایی اجرا می‌کنند و این باعث می‌شود افراد یکدیگر را بشناسند و با هم بهتر ارتباط برقرار کنند.

۴. فعالیت گروهی یکی دیگر از مزایای جنگ شب است. گروه‌هایی که می‌خواهند سرود یا نمایشی اجرا کنند، گاهی با هم رقابت می‌کنند. این رقابت باعث جذابیت و شور و شوق بین بچه‌ها می‌شود. این رقابت می‌تواند بین میهمان و میزبان یا چند استان انجام شود. به عنوان نمونه فرض کنید سه استان در یک اردو جمع شده و قرار است سه جشن عصرانه اجرا شود. به هر استانی یک شب یا یک بعدازظهر نوبت داده می‌شود و هر استانی سعی می‌کند برنامه‌ای اجرا کند که نسبت به برنامه‌های قبل یا بعد جذاب‌تر باشد، پس یک فعالیت گروهی را می‌طلبد.

۵. برنامه بعدی معرفی الگو است، الگوهایی را به دانش‌آموزان معرفی می‌کنیم که از این افراد بتوانند درس بگیرند و استفاده کنند.

۶. ما به دانش‌آموزان شخصیت می‌دهیم و اردوگاه را در اختیارشان می‌گذاریم. برنامه اصلی اردوگاه در آن لحظه این برنامه است. میکروفون و بلندگوهای سالن یا محوطه را در اختیارشان می‌گذاریم و به آن‌ها اجازه اجرای برنامه

اردو

می‌دهیم. این فرصت باعث می‌شود تا نوجوان، جوان و دانشجو احساس شخصیت کنند.

۷. آزادی و تخلیه روحی یکی دیگر از مزایای این برنامه است. نباید مخاطبان فقط شنونده باشند. باید از تجربیات و یا نظرات آن‌ها استفاده شود. هرکسی ممکن است احساس حقارت کند یا حرف‌هایی در دلش باشد و نتواند بگوید و این خود به خود ممکن است انگیزه‌اش را نسبت به استفاده از این برنامه یا حضور در آن کم کند.

۸. یافتن پاسخی برای کنجکاوی و تقویت ارتباط یکی دیگر از مزایای جنگ شب است. گاهی مسئولان اردو از کسانی که در اردو شرکت می‌کنند، می‌خواهند کنجکاوی کنند. با استفاده از جنگ شب یا جشن عصرانه می‌توانیم پاسخ‌های مناسبی به مخاطبانمان بدهیم.

چند نکته:

۱. در عین این که مطالب بچه‌ها را کنترل می‌کنید مواظب باشید آزادی آن‌ها را محدود نکنید.

۲. امکاناتی که برای جنگ شب نیاز داریم خیلی ساده است. گاهی به بهانه بالا بودن هزینه‌ها و مشکلات، جنگ شب تعطیل می‌شود، ولی به هر قیمتی باید برنامه را برگزار کرد، حتی اگر سالنی نباشد که بچه‌ها دورهم حلقه بزنند و برنامه‌هایشان را اجرا کنند.

مناسبت‌های خاص

یکی از مباحث فعالیت‌های فرهنگی در اردو بحث مناسبت‌های خاص است. گاهی زمان برگزاری اردو با بعضی از مناسبت‌هایی که جنبه مذهبی یا ملی دارد هم‌زمان می‌شود.

در مناسبت‌های شاد، برنامه‌های شاد و در مناسبت‌های محزون، برنامه‌های متناسب با آن برگزار می‌شود. یعنی ما به عنوان مربیان فرهنگی در اردو وظیفه داریم که حال و هوای اردو را هم‌زمان با مناسبت‌ها طراحی کنیم. به هر حال مناسبت‌های خاص یکی از بحث‌های مهمی است که به راحتی نمی‌توان از آن گذشت، چون بی‌توجهی نسبت به ارزش‌ها و شعائر دینی است. ما باید برنامه‌هایمان را طوری قرار دهیم که بتوانیم هم به مناسبت اشاره کنیم و هم برنامه‌های معمول اردوگاه به هم نخورد.

هدف از برگزاری مناسبت‌ها:

۱. احترام و بزرگداشت زمان‌ها و مکان‌های خاص

گاهی وقت‌ها حتی مکان‌های خاص هم درون بحث اردو قرار می‌گیرد، یعنی ما از مسیری که مکان خاصی در آن قرار دارد، می‌گذریم یا در مکان‌های بازدیدی قرار می‌گیریم که برنامه‌های خاص آن مکان را باید اجرا کنیم، پس یکی از هدف‌های ما در این برنامه این است که بتوانیم به زمان و مکان خاص احترام بگذاریم و به دانش‌آموزان یاد بدهیم که بعضی از مکان‌ها در زمین و بعضی از زمان‌ها در ایام زندگی خاص است و احترام ویژه‌ای دارد و این در تمام ادیان، اقوام و ملیت‌ها و کشورهای مختلف وجود دارد.

۲. ایجاد باور برای بروز خلاقیت‌ها و استعداد‌های دانش‌آموزان

اردو

در مناسبت‌های خاص، زمینه‌ای پیش می‌آوریم که دانش‌آموزان نسبت به باورها و اعتقادهایی که دارند خلاق شوند و استعداد‌های خودشان را بروز دهند، به عنوان مثال اگر نیمه شعبان با ایام اردو هم‌زمان بود باید حال و هوای اردو متفاوت شود و زمینه‌ای پیش بیاوریم که دانش‌آموزان برنامه‌های خلاق اجرا کنند، چون در این صورت جشن جذاب‌تر و متفاوت‌تر خواهد شد.

۳. انتقال مفاهیم اسلامی

به مناسبت زمان یا مکان با زبان هنر و نمادهای ملموس می‌توانیم این مفاهیم را به مخاطبانمان انتقال دهیم.

۴. آشنایی با فلسفه مناسبت‌های خاص

چرا ما عید غدیر را جشن می‌گیریم؟ چرا نیمه شعبان را جشن می‌گیریم؟ این‌ها سؤالاتی است که ممکن است مطرح شود. هر مناسبت اهداف و فلسفه‌های خاص خودش را دارد. ما می‌خواهیم دانش‌آموزان با آن اهداف و فلسفه‌ها آشنا شوند و مهم‌تر این‌که در مناسبت‌های مذهبی محبت اهل بیت را در دل دانش‌آموزان تقویت کنیم. در واقع سیره معصومین را به آن‌ها نشان دهیم. اگر زیبایی‌های رفتار معصومین را به نسل امروز نشان دهیم خیلی خوب می‌توانند به ما در رسیدن به آن هدف تربیتی کمک کنند. تصاویری که می‌بینید مربوط به یکی از صحنه‌هایی است که ایام اردو با یکی از مناسبت‌های عزا مثل عاشورا یا اربعین مصادف شده است.

۵. تأثیرپذیری و تأثیرگذاری

یکی دیگر از هدف‌های رفتاری تأثیرپذیری و تأثیرگذاری است. باید زمینه‌ای که در مناسبت‌ها دانش‌آموزان از فعالیت‌های هنری دوستانشان تأثیر بگیرند و تأثیر بگذارند. ۲۸ صفر چند سال پیش به این نتیجه رسیدیم که نمایش خیابانی

توسط دانش‌آموزان اردوگاه اجرا کنیم و صحنه‌ای از تاریخ را به نمایش بگذاریم. گروهی از دانش‌آموزان جنازه امام حسن مجتبیٰ ♦ را همراه با یک تشت که روی تابوت بود و نمادی در شهادت امام حسن ♦ است، حمل می‌کردند. جلوتر از این تابوت، تابوت مبارک پیامبر قرار داشت که عمامه‌ای سبز رنگ روی آن گذاشتند. گروه دیگری هم که لباس قرمز پوشیده بودند و در دستشان تیرو کمان‌های ساده و ابتکاری بود اطراف جنازه امام را گرفته بودند و گاهگاهی در خیابان به صورت نمادین تیراندازی می‌کردند. جمعیتی که در خیابان منتظر دیدن چنین صحنه‌ای نبودند و همین‌طور دسته‌های عزاداری با دیدن آن تعجب می‌کردند و همه همراه این هیئت به امامزاده می‌آمدند. گردشگران هم فیلم و عکس تهیه می‌کردند. همه این‌ها به خاطر این بود که ما از هنر استفاده می‌کردیم. وقتی هم به امامزاده رسیدند گروه قرمزپوش جنازه را به صورت نمادین تیر باران و سنگ باران کردند و آن‌جا روضه شهادت امام حسن مجتبیٰ ♦ خوانده شد و بعد هم همان بحث تاریخی دفن جنازه امام حسن ♦ پیش آمد که به صورت نمایشی اجرا کردند. یا در ایام اربعین امام حسین ♦ کاروانی از اسرای عاشورا همراه با بچه‌هایی که صورت‌شان گریم شده بود و دست‌هایشان به زنجیر بسته شده بود در خیابان راه افتادند و یکی دو نفر به عنوان ساربان یا نگهبان، اسرا را با خودشان به شام بردند و در حال همراهی، با شلاق بچه‌ها را کتک می‌زدند. این‌ها هم ناله و حسینا، و محمدا سر می‌دادند، پاهای برهنه و صورت‌های سیلی خورده که با گریم درست شده بود احساسات هر بیننده‌ای را تحریک می‌کرد. بقیه دانش‌آموزان اردو هم به دنبال گروه نمایشی حرکت و عزاداری می‌کردند و

اردو

اردوگاه توانست در آن شهر توریستی تأثیر خاصی در آن روز بگذارد، چون در بعضی از شهرها مراعات بعضی از مناسبت‌ها نمی‌شود.

۶. تعطیلی برنامه‌های معمول

بعضی وقت‌ها ممکن است برنامه‌های معمول اردوگاه را تعطیل کنیم، مثلاً همین صحنه‌ای که به صورت کوتاه در شهر نمایش داده می‌شود، نیاز به تمرین دارد؛ پس ما گاهی وقت‌ها ممکن است نصف روز را به تمرین همین حرکات نمایشی اختصاص دهیم. هنگام تمرین هم بچه‌ها به کارگاه‌ها می‌روند و بعضی از کارها را تجربه می‌کنند.

۷. آمادگی برای تغییرات ناگهانی

بعضی وقت‌ها اتفاقاتی می‌افتد که ممکن است کل برنامه‌ها را تغییر دهد. به عنوان نمونه در یکی از اردوگاه‌ها هم‌زمان برای سه یا چهارتا از مربی‌های کارگاه‌ها مشکلی پیش آمد و نتوانستند به اردوگاه بیایند و دانش‌آموزان سرگردان شدند. اطراف یکی از اردوگاه‌ها، شالیزارهای برنج بود. آب از زیر دیوار وارد اردوگاه شده بود و تمام اردوگاه را گرفته بود. بخشی از اردوگاه گِل شده بود. زمین چمن را هم آب گرفته و قابل استفاده نبود. من پیشنهاد کردم دانش‌آموزان به یاد دوران کودکی گِل بازی کنند. این حرف برای خیلی از مسئولین قابل باور نبود و تعجب کردند. دانش‌آموزان هم با اشتیاق دست‌ها و پاهایشان را بالا زدند و گِل بازی کردند و ماکت‌هایی ساختند که توانستیم از آن‌ها استفاده کنیم. دانش‌آموزانی که اهل مناطق سنی‌نشین بودند مسجدهایی با سقف‌های اهل سنت ساختند. بچه‌های مرزنشین؛ سنگر، توپ، تانک و ... ساختند. هرکدام از استان‌ها با توجه به ذهنیت‌های خاصی که داشتند چیزهایی را با گِل ساختند که جالب بود. بعد از دو سه ساعت آن‌جا تبدیل به یک

نمایشگاه ماکت شد که همه از آن بازدید کردند. با این کار به دو هدف رسیدیم، یکی انس با طبیعت و دوم فرانکنی و تخلیه روحی و ذهنی دانش‌آموزان که برایشان خیلی لذت بخش بود. البته رعایت بهداشت نباید فراموش شود. یا در مسیری در جنگل یکی از ماشین‌ها مشکل پیدا کرد. دانش‌آموزان باید تا زمان آمدن ماشین‌ها صبر می‌کردند. یکی از مربی‌های با ذوق چوب‌های ریز جنگل را جمع کرد و یک کلبه و آلاچیق محلی ساخت. و بعد از بچه‌ها خواست که مثل او آلاچیق بسازند. بچه‌ها هم مشغول ساختن آلاچیق شدند این کار حدود یک ساعت و نیم طول کشید. بعضی از حوادث قابل پیش‌بینی نیست ما باید برنامه‌های مفیدی داشته باشیم که بتوانیم وقت بچه‌ها را با آن پر کنیم تا دانش‌آموزان از جذابیت‌های اردو بهره‌مند شوند و لذت ببرند.

صندوق پیک نور

صندوق پیک نور صندوقی محرمانه برای مطالب محرمانه و پرسش‌های دانش‌آموزان است. همان‌طور که می‌دانید ذهن نوجوانان و جوانان ذهنی پرسشگر، جستجوگر و کنجکاو است و نوجوان‌ها به دنبال کسی می‌گردند که بتوانند حرف‌ها و اسرار مگویشان را به او بگویند. نوجوان‌ها خیلی دیر اعتماد می‌کنند، اما اگر اعتماد کردند محرمانه‌ترین حرفشان را به فرد مورد اعتمادشان می‌گویند. اگر پرسش‌ها در ذهن نوجوان بماند و جواب مناسبی به آن داده نشود معمولاً زمینه‌هایی برای انحراف و مشکلات روحی و اخلاقی پیش می‌آورد که قابل پیش‌بینی نیست و ممکن است صدمات زیادی به زندگی نوجوان که جوان آینده و بزرگسال فرداست بزند که بعدها قابل جبران نباشد و اردو فرصتی صمیمی و عاطفی برای برقرار کردن ارتباط و پاسخ به این پرسش‌ها است. نسل امروز متفاوت از نسل دیروز است. نسل امروز به نصیحت و موعظه می‌گوید «گیر دادن» پس باید زبانش را بشناسیم، یعنی همان نکته‌ای که در صفات و شرایط مربی بود که باید زبان همراهان را بشناسد. ابوذر خدمت پیامبر می‌آمد و عرض می‌کرد که نصیحت کنید. در دوران ائمه معصومین هم داریم، در زمان بزرگان دین و اولیای دین هم این سنت حسنه بوده که بعضی‌ها خدمت ائمه می‌رفتند و از آن‌ها درخواست می‌کردند که ما را نصیحت کنید. اما نسل امروز نسلی است که نه تنها نمی‌گوید مرا نصیحت کن، بلکه اگر هم زمینه نصیحت کردن پیش آمد احساس بدی پیدا می‌کند، در حالی که اگر فرصتش پیش بیاید تمام حرفش‌ها را به ما می‌زند و منتظر است که ما بهترین حرف‌ها را به او بزنیم و این فضا و شرایط حاصل نمی‌شود مگر از طریق ارتباط و در مکان‌های آموزشی. در برنامه‌های آموزشی این فرصت

خیلی به مربی و معلم دست نمی‌دهد، اما در اردو خیلی راحت می‌توانیم این زمان و این فرصت را پیدا کنیم. صندوق پیک نور برای همین منظور طراحی شده است.

اهداف صندوق پیک نور:

۱. ارائه پاسخ روشن و صریح برای پرسش‌های ذهنی و تردیدی در جمع‌های دانش‌آموزی یا محافل دانشجویی گاهی سؤالاتی می‌پرسند که در جمع نمی‌شود جواب داد. مثل سؤالاتی که جواب صریح می‌خواهد، چون سؤال صریح است جواب هم باید صریح باشد. اما شاید پاسخ به آن در جمع صلاح نباشد. برای این‌که پرسش‌های ذهنی و تردیدی، اعتقادی، اخلاقی و گاهی وقت‌ها اجتماعی و سیاسی جوان‌ها و نوجوان‌ها را پاسخ دهیم، این صندوق را طراحی می‌کنیم.

۲. صمیمی و مأنوس شدن با همدل و همراز خود دانش‌آموزان از طریق این صندوق می‌توانند یک ارتباط صمیمی با پاسخ دهنده (مربی، معلم و...) پیدا کنند.

۳. ایجاد فضای مناسب برای طرح پرسش و انتقاد با امنیت کامل در اجتماع گروهی و جمع‌های عمومی اردوگاه کسی جرأت نمی‌کند حرف بزند یا انتقاد کند. اگر انتقاد یا سؤالی از اردوگاه، اردو یا مربی دارد و نمی‌تواند آن را مطرح کند صندوق پیک نور فضای مناسب را در اختیارش می‌گذارد تا آن را مطرح کند. البته باید امنیت کامل هم برایش تضمین شود.

شیوه استفاده از صندوق

صندوقی دارای قفل است. هرکس هر سؤال، انتقاد یا حرفی دارد روی کاغذ می‌نویسد و برای خودش رمزی انتخاب می‌کند و پایین آن سؤال اسم رمزش

اردو

را می‌نویسد، یعنی اسم واقعی‌اش را نمی‌نویسد. فرق این صندوق با بقیه جلسات پرسش و پاسخ این است که سؤال و جواب مخفیانه است، سؤال‌کننده و پاسخ‌دهنده نامعلوم هستند. رمزهایی که معمولاً بچه‌ها انتخاب می‌کنند متفاوت است. «درخت همیشه سبز»، «درخت تناور»، «بید لرزان»، «اف ۱۶»، «گل همیشه سبز»، «گل اقاقی یا گل شقایق» و ... اسم‌های مختلفی هستند که بچه‌ها برای خودشان انتخاب می‌کنند. در بخش‌های قبل گفتیم که اردو برای شناخت و تأثیر است و مربی زرنگ می‌تواند از سؤالاتی که دانش‌آموزان مطرح می‌کنند به شناخت کامل‌تر برسد، یعنی فرافکنی، به عبارت دیگر ذهنیت‌های خودشان را از طریق سؤالات مطرح می‌کنند. گاهی وقت‌ها همه بچه‌های اردو یا یک استان از غذا انتقاد می‌کنند، گاهی وقت‌ها همه می‌آیند و از احکام نماز جماعت می‌پرسند، گاهی وقت‌ها همه می‌آیند و از یک سری مسائل اخلاقی می‌پرسند، گاهی وقت‌ها اردویی می‌آیند که همه سؤالاتشان درباره رابطه با جنس مخالف است، سؤالات پسر و دختر همه از عشق و عاشق شدن، دوست داشتن، چت، اینترنت و چیزهایی از این دست است. گاهی وقت‌ها گروهی در اردو سؤالاتی درباره شیعه و سنی مطرح می‌کنند. شما با نوع سؤالات افراد شرکت‌کننده به ذهنیتشان پی می‌برید. پس شما یک شناخت ضمنی و اجمالی از آن گروه به دست می‌آید و می‌دانید چه افکار و سؤالاتی دارند. این صندوق در معرض دید دانش‌آموزان و میان کلبه‌ها و نزدیک محل استراحتشان نصب می‌شود. کار دوم ارائه پاسخ صحیح به پرسش‌ها و بسته‌بندی آن‌ها با حفظ امنیت سؤال‌هایی است که بچه‌ها نوشته‌اند. اگر انتقاد است باید به بخش خودش ارائه شود و در جلسات مختلف، در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها لحاظ شود، اما اگر پرسش است و نیاز به جواب دارد باید فرد یا افرادی با

فرصت کافی و در کمال آرامش بنشینند و فقط جواب این سؤالات را بدهند. بهتر است که یک نسخه از این جواب‌ها هم نگهداری شود. اگر آرشویی از سؤالات و جواب‌ها هم تهیه شود بهتر است، چون ممکن است این فرد سؤال دیگری را هم مطرح کند که برای پاسخش نیاز به سؤال قبلی باشد. حفظ امنیت یعنی این که ما جواب را آماده می‌کنیم و همان رمزی را که خودش انتخاب کرده بود مثلاً نوشته بود «درخت همیشه سبز» روی پاکت می‌نویسیم و جواب فرد را داخل پاکت می‌گذاریم، منگنه یا چسب می‌زنیم و در جایی مثل روابط عمومی می‌گذاریم یا روی تابلوی اعلانات نصب می‌کنیم تا هرکسی بیاید و جواب خودش را بردارد. البته ممکن است اشکال شود که این کار باعث شناخته شدن شخصیت سؤال کننده می‌شود. جواب می‌دهیم که محل توزیع پاکت‌ها و پاسخ‌ها باید خلوت باشد. هرکسی به تناسب زمان‌های مختلف برود و جواب خودش را بردارد. می‌توان دانش‌آموزی را هم مسئول توزیع این پاکت‌ها کرد. اشکال دیگری که ممکن است به وجود بیاید این است که ممکن است کسی بیاید پاکت را عمدی یا اشتباهی ببرد. پاسخ این است که ما جواب را طوری می‌نویسیم که حتی در این صورت هم کسی متوجه شخصیت سؤال کننده نشود. ممکن است جواب به دستش نرسد که دوباره سؤال را می‌نویسد و دوباره جواب می‌گیرد که البته بروز چنین مواردی بسیار نادر است.

راهنمایی و مشاوره حضوری

بهتر است مشاوره حضوری کم‌تر داشته باشیم، چون گاهی وقت‌ها سؤالاتی که بچه‌ها مطرح می‌کنند مربوط به بعضی از کارهای خاص است که ممکن است گناه باشد و دانش‌آموز در مشاوره مکتوبش به آن اعتراف کرده باشد، بنابراین

اردو

صحیح نیست که او را رو در رو ببینیم، اما اگر خودش اصرار داشت یا پاسخ‌های مکتوب برایش قانع کننده نبود از مشاوره حضوری بهره می‌بریم.

چند نکته در رابطه با صندوق

پاسخ‌هایی که می‌دهیم باید برای مخاطب کافی، کوتاه و قانع کننده باشد، بهتر است بخشی از جواب را که شامل کلیات است مطرح کنیم و به او اطلاع دهیم که در صورت نیاز می‌توان در پاسخ‌های بعدی یا مشاوره حضوری آن را مطرح کرد.

چند خاطره از صندوق پیک نور

تجربه نشان داده که دانش‌آموزان معمولاً سؤالات اساسی‌شان را می‌پرسند. گروهی ممکن است سؤالات ساده، احکام یا بحث‌های روزمره را بپرسند. تجربه ثابت کرده است که بخشی از سؤالات دانش‌آموزان در این صندوق سؤالات اخلاقی است. اگر به این نوع سؤالات درست جواب داده شود هم ارتباط خوبی بین مربی و دانش‌آموز برقرار می‌شود و هم زمینه فساد و مشکلات آینده این نوجوان بسته و جلوی انحراف بیش‌تر او گرفته می‌شود. در یکی از برنامه‌های تابستان که این صندوق را برای اولین بار نصب کردیم، سؤالات زیادی به دست ما رسید. دانش‌آموزان پسر بودند و بیش‌تر سؤالات مربوط به موضوعات عشق و عاشقی و گناه‌های خاص بود؛ مثل عمل شنیع لواط یا استمنا و ... ما تردید داشتیم که آیا به این سؤالات جواب کامل بدهیم یا نه. در نهایت به این نتیجه رسیدیم که با توجه به نیاز مخاطب می‌توانیم در بعضی از بخش‌ها کتاب معرفی کنیم که این‌ها را راهنمایی کند، اما گاهی وقت‌ها بعضی از سؤالات را با کتاب هم نمی‌شد پاسخ داد و باید بیش‌تر توضیح می‌دادیم. این مسئله باعث شد که دانش‌آموز به صورت حضوری بیاید

و مشکلتش را مطرح کند. وقتی حضوری آمد و حرف‌هایش را بیش‌تر توضیح داد، دیدیم بیش‌تر از آن چیزی که در کاغذ نوشته مشکل دارد و اگر جواب داده نشود، ممکن است در آینده مشکلات دیگری برایش ایجاد شود. ارتباط با این نوجوان تا بازگشت او از سربازی به روش‌های مختلف (تلفن، پست الکترونیکی و نامه) ادامه داشت. یکی از دانش‌آموزان در نامه‌ای که بعد از ایام اردو فرستاده بود، نوشته بود که «من با توجه به گناهایی که انجام داده‌ام تصمیم گرفته‌ام خودسوزی کنم. فقط یک سؤال دارم. می‌خواهم بدانم اگر خودم را آتش بزنم و بسوزانم آیا از عذابم کم می‌شود؟» توجه کنید دانش‌آموزی که با ما یک ارتباط کاملاً عادی داشته حالا محرمانه‌ترین حرف‌هایش را مطرح می‌کند. یا دانش‌آموز دیگری در دوران جوانی افسرده شده بود. خانواده‌اش خیلی نگران و ناراحت بودند، چندین بار به روان‌شناس مراجعه کرده بودند، اما نتیجه‌ای نداشت. تا این‌که متوجه شدیم عاشق شده و این عاشقی باعث افسردگی و افت تحصیلی او شده است. پرخاشگری دارد و مشکلات خاصی در خانواده ایجاد کرده است. این بخشی از فواید صندوق پیک نور است که در آن زمان توانست یک ارتباط منطقی بینی مربی و دانش‌آموز ایجاد کند.

پیام اردو

پیام اردو یک برنامه ابتکاری یا گاهی وقت‌ها تنوعی، تفریحی یا فانزنی برای توجه دادن دانش‌آموزان حاضر در اردو به موضوعات خاص است. اهداف این برنامه یا پیام عبارتند از: ۱. القای مفاهیم اخلاقی در قالب‌های غیر مستقیم مخصوصاً در مقطع ابتدائی و راهنمایی ۲. بالا بردن قدرت تشخیص و تیزهوشی ۳. ایجاد تنوع در اردوگاه

اردو

برنامه پیام اردو به این صورت است که از بلندگوی اردوگاه یا مکانی که دانش‌آموزان در آنجا حضور دارند اعلام می‌شود: «پیام اردو، پیام اردو» گوش‌ها تیز و حواس‌ها جمع می‌شود تا بفهمند پیام اردو چیست. معمولاً پیام اردو را یک نفر اجرا می‌کند. به دلیل این‌که بچه‌ها به این صدا عادت کنند و فقط این صدا را بشناسند. گاهی وقت‌ها پیام اردو می‌تواند پیام یا جمله مستقیم نباشد، یک نماد باشد که آن نماد همیشه تکرار شود. مثلاً در بعضی از اردوهای پسرانه مربی صدا می‌زد «آقا» و پسرها جواب می‌دادند «جونم»؛ این جوابی بود که بچه‌ها می‌دادند؛ یعنی این‌که ما با شما کار داریم. «آقا- جونم» رمزی بود بین مربی و دانش‌آموز، یعنی ما در این لحظه می‌خواهیم با شما حرفی بزنیم یا مطلبی بگوییم. گاهی وقت‌ها پیام‌ها مفاهیم اخلاقی است. یا می‌گوییم هرکجا که هستید دست به دست هم بدهید و این شعر را با هم بخوانید: «مؤمنین با هم دیگر برادرند» «مؤمنین با هم دیگر برابرند»

در واقع ما یک پیام اخلاقی را که پیام برادری و برابری است به دانش‌آموزان در این قالب به صورت غیرمستقیم می‌گوییم. گاهی می‌خواهیم توجه‌شان را نسبت به یک موضوع جلب کنیم، مثلاً گوشه‌ای از اردوگاه یا جنگل حادثه‌ای پیش آمده که می‌خواهیم توجه‌شان را به آن اتفاق یا حادثه جلب کنیم، صدا می‌زنیم: «آقا!» و بچه‌ها جواب می‌دهند: «جونم!» می‌گوییم: «دور فلان درخت نروید که مار دارد و آن مارها ممکن است سمی باشند» گاهی فضای اردوگاه ساکت و آرام است و هرکس مشغول کار خودش است، برای تنوع می‌گوییم: «آقا!» و همه توجه می‌کنند، می‌گوییم: «خیلی ممنون از این‌که توجه کردید می‌خواستیم ببینیم حواستان جمع است یا نه». گاهی پیام‌ها رفتاری است یعنی از آن‌ها می‌خواهیم که یک رفتاری را انجام دهند. گاهی از آن‌ها می‌خواهیم که

یک پیام معنوی را بشنوند. گاهی یک پیام دیدنی یا شنیدنی است. مثلاً: «به فلان قسمت اردوگاه توجه کنید یا به این جمله توجه کنید، گاهی پیام، پیام سرکاری است، می‌گوییم: «پیام اردو، پیام اردو» همه که دقت کردند می‌گوییم: «متشکریم که دقت کردید پیام تمام». ممکن است سرکاری باشد، اما چون تنوع ایجاد می‌کند خیلی مشکل ندارد. گاهی پیام متفرقه است، یعنی هیچ کدام از این‌ها نیست. مثل اطلاعیه‌های خیلی مهم «برنامه دریا که لغو شده بود برقرار است» این برای بچه‌ها خیلی جالب است، چون هوا بارانی یا طوفانی بوده و برنامه دریا لغو شده بوده، اما حالا برنامه دریا برقرار است و مشکلی ندارد.

نکته بعد در رابطه با زمان پیام است. گاهی زمان‌های عمومی است، یعنی زمان‌های عمومی اردو پیام منتشر می‌شود و گاهی زمان‌های خاص مثل بین دو نماز جماعت، پس پیامی که بین دو نمازبخش می‌شود پیام معنوی است یا پیامی در ارتباط با نماز و عبادات است و گاهی زمان، زمان ویژه‌ای است. زمان ویژه ممکن است زمانی باشد که بچه‌ها سوار قایق هستند و می‌خواهند قایق سواری کنند. در آن‌جا از بلندگوی ساحل استفاده می‌کنیم. گاهی وقت‌ها زمان خواب بچه‌هاست، یعنی آغاز زمان خاموشی است و ما با یک پیام توجه بچه‌ها را به پیام جلب می‌کنیم. با استفاده از این پیام می‌توانیم نگرش بچه‌ها را نسبت به بعضی از موضوعات عوض کنیم؛ تیزهوشی‌هایشان را زیاد کنیم و دقتشان را بالا ببریم تا به پیام‌هایی که می‌شنوند توجه کنند. گاهی در پیام‌های رفتاری می‌گوییم: «روبه قبله بایستید و دعای فرج را با هم بخوانید»، این هم یک پیام رفتاری است، اما به نوعی معنوی هم می‌تواند باشد؛ مثلاً می‌گوییم: «به آسمان نگاه کنید، سه تا پرنده می‌بینید، به دوستانان هم نشان دهید.» گاهی وقت‌ها شب است می‌گوییم: «به آسمان نگاه کنید فلان ستاره را پیدا کنید، این ستاره

اردو

رو به قبله است» در واقع قبله نمایی و پیدا کردن قبله را به آن‌ها یاد می‌دهیم. یا گاهی وقت‌ها وسط برنامه افتتاحیه یا مثلاً سخنرانی که یک برنامه خسته کننده است برای رفع خستگی پیام پخش می‌کنیم. یا از طریق همان «آقا- جونم» یا «خانم» و جواب مناسبی که برای دخترها باید در نظر بگیریم توجه‌شان را جلب می‌کنیم و از آن‌ها می‌خواهیم تا بلند شوند، بایستند و دست‌ها را به آسمان بکشند، خستگی‌شان را رفع کنند و دوباره بنشینند یا مثلاً نام نامی مبارک امام زمان برده می‌شود و به احترام او می‌ایستند. کارهای مختلفی در پیام اردو اتفاق می‌افتد که می‌تواند به تنوع در اردو کمک کند و دقت بچه‌ها را بالا ببرد. ما از این پیام می‌توانیم حرف‌ها و پیام‌ها را به اطلاع دانش‌آموزان برسانیم.

اذان

اذان اولین پیام معنوی مسلمان‌ها است که در گوش نوزاد خوانده می‌شود. اذان نوعی فرهنگ و سنت است. پرچم و نمادی از دین ما و نماد اصلی و اولیه نماز است. روی اذان به عنوان یک برنامه مستقل تأکید داریم، به دلیل این‌که اذان اعلام آماده باش خدا برای دست کشیدن از کارهای روزانه است. اذان وسیله‌ای برای بیدار شدن است. معمولاً در اردو و اردوگاه اذان از بلندگو به وسیله رادیو یا یک مؤذن پخش می‌شود.

اذان در سریال‌ها و داستان‌ها نماد دین اسلام است. دقت کنید که برای نشان دادن عظمت نماز در اردو و اردوگاه می‌توانیم برنامه‌های متفاوتی داشته باشیم. یکی از این برنامه‌ها اذان گروهی است. در اردوی چند روزه بهتر است یک روز را ما به عنوان اذان گروهی انتخاب کنیم و برنامه اذان گروهی اجرا کنیم. اذان گروهی به این منظور اجرا می‌شود که همه دانش‌آموزان هنگام اذان هر کجا که هستند کنار کلبه‌ها، محل استراحت، محل برگزاری برنامه‌های آموزشی یا پرورشی بایستند و همراه با مؤذنی که از بلندگوی اردوگاه اذان می‌گوید رو به قبله اذان بگویند. این کار برای معنویت بخشیدن به فضای اردوگاه انجام می‌شود. وقتی صدای اذان بلند می‌شود انگار ندایی از درون ما مسلمان‌ها خبر می‌دهد که وقت نماز است.

اهداف رفتاری این برنامه عبارتند از: ۱. آگاهی دادن به اهمیت و فلسفه اذان- برنامه اذان در اردو به این منظور برگزار می‌شود که بدانیم هنگام نماز است و باید از کارهای روزمره دست بکشیم. ۲. احساس طراوت و نشاط معنوی در برپایی نماز- گاهی نماز آن قدر ساکت و آرام در مدارس و یا اردوگاه‌ها برگزار می‌شود که عده‌ای متوجه برگزاری آن نمی‌شوند. پس هدفمان ایجاد نشاط

اردو

معنوی است و می‌خواهیم همه از مربی و دانش‌آموز برای خواندن نماز حرکت کنند.

چند نکته درباره اذان گروهی

۱. وقت اذان همه در هر کجا که هستند با مؤذن همراهی کنند. ۲. صدایی که از بلندگو پخش می‌شود باید خوش‌ترین صدا باشد، چون این صدا بر سایر صداها غلبه دارد. ۳. از این اذان دسته‌جمعی عکس و فیلم تهیه شود تا به عنوان خاطره و یادگاری برای بچه‌ها باقی بماند، چون ما در زندگی مان نسبت به خوبی‌هایی که داشتیم نیازمند یک فلاش بک (برگشت به عقب) هستیم و عکس و فیلم می‌توانند این خاطره‌ها را زنده نگه دارند، مثل رزمنده‌ای که مرور خاطرات به او کمک می‌کند، امیدوارش می‌کند و به او انگیزه و انرژی می‌دهد که خوب بماند و از فضایی که در زمان دفاع مقدس بود، فاصله نگیرد و جدا نشود. برای دانش‌آموز چون تجربه‌های حسی این شکلی مثل دفاع مقدس نداریم، تجربه‌های شیرین معنوی را برایش فراهم می‌کنیم که در بحث نماز، نیایش و تدبیر در قرآن خدمت شما عرض خواهیم کرد. برای انتقال حس دینی به انسان‌ها و معنوی شدن آن‌ها نیازمند نقطه‌هایی هستیم که در زندگی این آدم‌ها به عنوان نقاط عطف یعنی محل رجوع است که هر زمان خواست برگردد و مرور کند ببیند چه جور آدمی است. به این نقاط، نقاط عطف معنوی می‌گوییم. نقاطی که از جهت عاطفی و دینی محلی است که ما به آن‌ها برگردیم. اذان، اولین صدا و اولین ندای دینی و معنوی است که در گوش راست و چپ نوزاد گفته می‌شود. هر صدایی حس بازگشت به نقاط عطف معنوی را منتقل می‌کند و اختصاصی به اذان ندارد. در کتابی خواندم که یک خانم فرانسوی ۵۰ ساله را در بیمارستان عمل می‌کردند. پزشکان احساس

کردند که هر وقت پنس به یکی از رگ‌های عصب این خانم برخورد می‌کند، در حالت بیهوشی یک سرود آلمانی می‌خواند و زمانی که پنس را برمی‌داشتند قطع می‌شد. این قضیه خیلی برای پزشکان جالب بود، چون معمولاً کسی که بیهوش می‌شود هیچ حرکتی از خودش نشان نمی‌دهد، ایشان را به هوش آوردند و از او پرسیدند: این سرودی که می‌خواندید چه بود؟ گفت: من سرودی بلد نیستم. گفتند: آلمانی بود. گفت: من اصلاً بلد نیستم آلمانی حرف بزنم تا چه رسد به این که سرود بخوانم. بعد از مدت‌ها تحقیق به این نتیجه رسیدند زمانی که سربازهای نازی آلمان وارد فرانسه شدند و فرانسه را اشغال کردند این خانم یک کودک ۴/۵ ساله بوده، روی بالکن خانه‌شان می‌ایستاده و به سربازان آلمانی که سرود می‌خواندند نگاه می‌کرده، این سرودی هم که در حالت بیهوشی می‌خوانده از سرودهایی است که سربازان آلمانی در آن زمان می‌خواندند، یعنی چهل سال پیش. این صدا در ناخودآگاه این خانم ذخیره شده و حالا بعد از گذشت بیش از چهل سال با تحریک عصبی آن را می‌خواند. نتیجه می‌گیریم صدایی که کودکان، نوجوانان و جوانان در برنامه‌های اردویی می‌شنوند می‌تواند تأثیرگذار و ماندنی باشد. بنابراین اذان گفتن در عین حال که شاید جنبه ظاهر و تشریفات داشته باشد، اما تأثیرات عمیق معنوی دارد. چیزی که در حافظه و ضمیر ما می‌رود ماندنی است و قابل پاک شدن نیست؛ یعنی به راحتی پاک نمی‌شود. به همین دلیل تأکید کردم که به مستحبات مقید باشید و از مکروهات فاصله بگیرید، چون کسی که مستحبات را زیاد انجام دهد، واجب هم برایش عظمت خاصی پیدا می‌کند و کسی که مکروهات را بیش‌تر انجام دهد گناه و حرام هم ممکن است برایش عادی شود، پس ما اگر اذان گروهی را برگزار می‌کنیم به نوعی می‌خواهیم

اردو

دانش آموزان را متوجه اهمیت و فلسفه اذان کنیم و یک تجربه دینی و معنوی برایشان وجود آوریم. پس از اتمام اذان همه مؤذنین به نمازخانه می‌روند و نماز را هم به شیوه‌های متفاوتی که بعد خواهیم گفت برگزار می‌کنند. برنامه اذان گروهی یکی از برنامه‌های دینی و معنوی است که روحانی اردوگاه یا خواهر طلبه‌ای که در اردو حضور دارد یا مربی می‌تواند آن را اجرا کند. این کار در عین حالی که یک کار کاملاً فرهنگی است، اما برای بچه‌ها هم جالب است، یعنی خود بچه‌ها وقتی می‌ایستند و اذان می‌گویند، حتی کسی که فکر می‌کند صدایش خوب نیست این برنامه برایش جالب است چون همه دارند یک کار انجام می‌دهند و فرقی بین افراد نیست. با گرفتن عکس و فیلم می‌توانیم این خاطره را زنده نگه داریم و به آن‌ها نشان دهیم که یک کار خوب و مثبت انجام داده‌اند.

نماز جماعت

نماز جماعت در اردو و اردوگاه به گونه‌ای متفاوت اجرا می‌شود. زمان نماز، شکل نماز، شیوه برگزاری، روحانی و تمام برنامه‌هایی که در نماز جماعت است تا حدودی با نمازهای جماعت معمول و مرسوم ممکن است تفاوت داشته باشد. به عنوان مثال نماز جماعت در شهر، در محل کار یا مدرسه دقیقاً سر وقت برگزار می‌شود، اما در اردو به دلایل مختلف مثل برنامه‌های فشرده و خسته‌کننده قبل از نماز، بهتر است زمان مناسبی را برای نماز جماعت در نظر بگیریم. همین‌طور روحانی نماز جماعت اردوگاه باید روحانی خاصی باشد. بهتر است روی این موضوع بیش‌تر دقت کنیم، برنامه‌هایی که بین دو نماز مخصوصاً نماز ظهر و عصر اجرا می‌شود نباید خسته‌کننده باشد و در عین حال باید جذاب باشد.

اهداف رفتاری نماز جماعت

۱. ایجاد انگیزه و رغبت به مفاهیم دینی

ایجاد موقعیت تجربه دینی برای دانش آموز یکی از اهداف اردو است. ما در اردو و اردوگاه قصد نداریم که بچه‌ها را متحول کنیم. همان لحظه، همان چند روز، ما می‌خواهیم یک نقاط عطف و یک خاطره شیرین از دین، تربیت، انسانیت و از دوستی و اخلاق اسلامی برایشان بوجود بیاوریم تا وقتی به شهرشان برگشتند این خاطرات بتواند این‌ها را راهنمایی کند. کار تربیت یک کار دفعی نیست، کار تدریجی است پس درکار تدریجی ما باید حوصله به خرج دهیم و این زمان ممکن است ۲۰ سال طول بکشد تا یک بچه تربیت شود.

۲. آشنایی بیش‌تر با احکام و مسائل شرعی

بین دو نماز یک سری مسابقه و برنامه‌هایی است که احکام و مسائل شرعی را به دانش‌آموزان آموزش می‌دهند. البته در قالب‌هایی که برای دانش‌آموزان جذاب و جالب باشد.

۳. تجربه لذت معنوی و مناجات

یک نماز با معرفت در بعضی از برنامه‌ها می‌تواند تا ماه‌ها و بلکه سال‌ها لذت بخش باشد. وقتی کار خوبی انجام می‌دهیم تا مدت‌ها در ذهنمان می‌ماند، به همین دلیل توصیه کرده‌اند به کارهای خوبتان زیاد فکر نکنید، چون ممکن است مغرور شوید، اما برای ایجاد معنویت و لذت با خدا بودن باید یک سری نقاط عطفی را در زندگی‌مان ایجاد کنیم و ما به عنوان مربیان و متولیان امور اردو و تعلیم و تربیت موظفیم زمینه تجربه‌های حسی و معنوی را آماده کنیم تا دانش‌آموزان بتوانند از این نقاط استفاده کنند.

آماده سازی برای نماز

۱. مکبر

مکبر باید خوش صدا باشد و به صورت داوطلبانه انتخاب شود. بحث امتیاز که در بانک امتیازات عرض کردیم می تواند در انتخاب مکبر به ما کمک کند. اگر تعداد افراد داوطلب زیاد باشد، می توان بدون این که خودشان متوجه شوند به آن ها امتیاز دارد.

۲. خادمان نماز

وظیفه خادمان نماز این است که فرش ها و سجاده ها را پهن کنند، مهر بچینند و به نمازگزاران خیرمقدم بگویند. نحوه انتخاب آن ها هم بدین صورت است که از هر جوخه ای عده ای داوطلب می شوند تا این وظایف را انجام دهند. این برنامه در اردوهای دخترانه بهتر و باسلیقه تر برگزار می شود. خانم ها با لباس های سفید و گاهی وقت ها شبیه فرشته ها با بال هایی که از پشت سرشان آویزان می کنند و از یونولیت، پارچه، سیم و ... ساخته اند جلوی در ورودی می ایستند و روی کسانی که وارد نمازخانه می شوند، گلاب می پاشند. گاهی وقت ها شاخه گلی هم به آن ها هدیه می دهند، گاهی وقت ها شاخه های گل را در صف های نماز جماعت تقسیم می کنند. گاهی وقت ها هم با شیرینی و هدیه های خوراکی از آن ها پذیرایی می کنند یا هدیه های فرهنگی مثل سجاده، مهر، تسبیح، عطر، عکس یا چیزهای از این قبیل هدیه می دهند. کفش ها را جفت می کنند. در بعضی از کشورهای عربی در ورودی مسجدشان روی میز عسلی کوچکی عطر و ادکلن گذاشته اند تا کسانی که وارد مسجد می شوند

خودشان را معطر کنند و این سنت پسندیده و حسنه‌ای است و خوب است در محافل مسلمان‌ها به ویژه شیعه‌ها این برنامه‌ها بیش‌تر اجرا شود. یکی دیگر از وظایف خادمان نماز این است که فضای نمازخانه را با عود معطر کنند. اگر نماز در جنگل برگزار می‌شود فرش و موکت باریکی پهن کنند یا ستونی تشکیل دهند تا نمازگزاران از مسیر تعیین شده وارد شوند، و خادمان چوب‌های عود در دستشان باشد تا در فضای جنگل هم بوی عطر پخش شود. این‌ها به ایجاد فضای تجربه دینی و لذت معنوی کمک می‌کند. این تشریفات باعث می‌شود شکوه و عظمت نماز بیش‌تر شود. شاید مقدمات نماز در اردوگاه از خود نماز بیشتر باشد؛ یعنی نیم ساعت این برنامه‌ها اجرا شود و حدود ۱۰ دقیقه نماز خوانده شود، ولی همین ۱۰ دقیقه باید تأثیرگذار باشد.

تزیین نمازخانه، پاشیدن عطر و گلاب، جفت کردن کفش نمازگزاران، برگزاری مسابقه کتبی، خوش‌آمدگویی، اهدای شاخه گل از وظایف خادمان نماز است. گاهی وقت‌ها بین صفوف نماز می‌توان مسابقه کتبی برگزار کرد، مسئول برگزاری مسابقه و تأمین جایزه هم خادمان هستند.

۳. دعا

استفاده از دعاهای کوتاه فارسی و ساده مانند صلوات پس از نماز، دعای فرج، تسبیحات حضرت زهرا (س)، دعا برای رهبر و رزمندگان یکی دیگر از برنامه‌های نماز است. دعاهای کوتاه فارسی هم ترجیح دارد.

۴. برگزاری مسابقه

نکته بعد برگزاری مسابقه است. این مسابقه با مسابقه مکتوب فرق می‌کند، بیان احکام در قالب مسابقه نمایشی و مسابقات چاق و لاغر یکی دیگر از برنامه‌های برگزاری نماز است. در برنامه‌های اردویی و بین نماز ظهر و عصر

اردو

می توان با استفاده از دو بازیگر چاق و لاغر نمایش پانتومیم اجرا کرد. یک نمایش کوتاه و ساده که گاهی وقتها لباس هایشان همان لباس های معمولی خودشان است. نیاز به تعویض لباس، گریم، دکور و ... ندارد. پانتومیم یک نمایش ساده بدون صداست. معمولاً فرد لاغر کارهای اشتباه و آدم چاق کارهای درست انجام می دهد. مثلاً «لاغر وارد صحنه می شود و یک وضوی پر از اشتباه و غلط می گیرد، بعد بازیگر چاق وارد صحنه می شود و با اشاره می گوید که این چه وضویی است که تو می گیری؟ لاغر هم با همان زبان اشاره می گوید مهم نیست می خواهم نماز بخوانم. چاق می گوید این وضویی که تو می گیری به درد نمی خورد. این اصلاً به درد نماز نمی خورد، تا بالاخره لاغر قبول می کند. از این پس بازیگر چاق یک وضوی صحیح می گیرد، اما لابلائی آن یک اشتباه وجود دارد که دانش آموزان باید آن اشتباه را حدس بزنند.» پس هم نمایش است و هم مسابقه. اشکالات بازیگر لاغر را همه می دانستند، اما اشکالات بازیگر چاق معمولاً یک اشتباه پنهان بود. به عنوان مثال: تکان دادن سر هنگام مسح، بالا بردن دست و برگشت آب که وضو را باطل می کند، جدا شدن دست، تکان خوردن پا هنگام مسح و ... که بازیگر چاق این مسائل را تذکر می دهد. در این نمایش هر روز موضوع جدیدی مطرح می شود، یک روز وضو، یک روز نماز مثلاً جویدن آدامس یا صحبت یا بغل دستی و ... البته در نماز هم بازیگر چاق یک اشتباه عمدی می کند تا بچه ها حدس بزنند و توضیح بدهند، برای کسانی که جواب صحیح می دهند امتیاز یا جایزه ای در نظر گرفته می شود. روحانی اردو هم توضیح کوتاهی درباره احکام نماز می دهد. این برنامه شاید حدود ۱۰، ۷، و حتی گاهی ۵ دقیقه طول بکشد. ولی بخشی از احکام نماز، وضو و مسائل شرعی مورد نیاز

بچه‌ها در قالب مسابقه بیان می‌شود. بچه‌هایی هم که اهل نماز نیستند به خاطر مسابقه و حرکات نمایشی چاق و لاغر که خیلی هم خنده‌دار و جالب است در نماز شرکت می‌کنند. من بارها دیده‌ام بعضی از دانش‌آموزان - که تعدادشان هم کم بود- دم در نمازخانه می‌ایستادند و این نمایش را می‌دیدند و می‌رفتند. یعنی نمایش این قدر برایشان جالب است.

۵. اقامه نماز

در اقامه نماز باید رعایت حال مأمومینی بشود. بچه‌ها کم حوصله هستند، پس باید نماز را برایشان خیلی نظامی و سریع خواند تا از نماز زده نشوند. بعضی وقت‌ها می‌توانیم دعاها را به صورت فارسی یا عربی که در کتاب‌های روایی ما هست بخوانیم و به بچه‌ها آموزش دهیم. قبل از اقامه یا قبل از نیت، دعا کنیم. آن دعا می‌تواند دعا‌های اصلی ما باشد، دعا‌های زیادی داریم مثل «یا محسن قد اتاک» این عربی است، اما می‌توانیم فارسی آن را به بچه‌ها بگوییم. بگوییم بچه‌ها ما داریم به خدا این را می‌گوییم. می‌گوییم «ای خدا، ای نیکو، تو نیک هستی و ما بدیم، یا من بد هستم و تو گفتی که نیکوکار باید از آدم‌های بد درگذرد و گذشت کند، پس تو هم از بدی‌های ما درگذر و گذشت کن.» شاید متن عربی را نتوانند حفظ کنند، اما به مرور زمان با این مفاهیم فارسی می‌توانند حرف‌هایشان را به خدا بزنند.

۶. فرصت

به دانش‌آموزان فرصت دهیم تا برای خودشان دعا کنند. می‌توانیم بین دو نماز ۲ دقیقه سکوت کنیم تا هر که هر حاجتی دارد، با خدا مطرح کند، شاید همه دعا نکنند، اما آن‌هایی که دعا می‌کنند، دعا‌های اساسی می‌کنند. معمولاً طراوت

اردو

معنوی جمع کمک می‌کند تا کسانی هم که اهل این برنامه نیستند به نوعی همراه شوند.

نکاتی درباره نماز

۱. بچه‌ها برای شرکت در نماز حتماً داوطلب باشند، از اجباری کردن نماز جماعت بپرهیزیم، گاهی وقت‌ها دیده شده در کلبه‌ها را می‌بندند، از بلندگو اعلام می‌کنند که همه باید به نماز جماعت بیایند. برگزار نکردن این نماز از برگزاری اش بهتر است، چون اجبار در دین خدا نیست. وقتی خدا این قدر در تکلیف کردنش وسیع نگاه کرده است، ما نباید کاری کنیم تا احکام دین این قدر تنگ و آزار دهنده باشد و دانش‌آموز نوجوان و جوان از دین و نماز فراری شود. ۲. به زمان برگزاری نماز به ویژه نماز صبح و تناسب سنی دانش‌آموزان دقت کنیم. اگر می‌خواهیم نماز را موقع اذان صبح برگزار کنیم قبل از آن باید دانش‌آموزان را آماده کنیم، یعنی این درخواست را از آن‌ها داشته باشیم یا حداقل با آنها هماهنگ کرده باشیم و آن‌ها قبول کرده باشند که هنگام اذان صبح نماز بخوانیم. وگرنه می‌توانیم نیم تا یک ساعت بعد از اذان و قبل از طلوع آفتاب نماز را برگزار کنیم. به ویژه نماز صبح را نمی‌توان به جماعت برگزار کرد، چون بچه‌ها را هم‌زمان نمی‌شود بیدار کرد و گاهی وقت‌ها کار سختی است، بخصوص در بخش ابتدایی و راهنمایی؛ در مقطع دبیرستان و اردوهای دانشجویی و طلبگی این کار ممکن بلکه لازم و ضروری است. ۳. مواردی که باعث می‌شود دانش‌آموزان نسبت به نماز کاهل شوند و تنبلی کنند از بین برود. فروشگاه و رستوران تعطیل باشد و بقیه قسمت‌های دیگر اردوگاه نباید برنامه فعالی داشته باشند تا دانش‌آموزان رغبت حضور در نماز به دست آورند. ۴. امام جماعت باید زیبا، شاد، خوشرو، محبوب و

صمیمی باشد تا بتواند ارتباط مناسبی با دانش‌آموزان برقرار کند. پیامبران خدا یا ائمه معصومین زشت و اخمو نبودند. لباسش مرتب و تمیز باشد و نکته آخر این‌که عالم و آگاه باشد. یعنی به مسائل مورد نیاز دانش‌آموزان و سلیقه آنان توجه داشته باشد. ۵. برای نماز پنج‌گانه اهل سنت باید تدبیری بیندیشید. بعضی از اردوها مشترک بین اهل سنت و شیعه است. اهل سنت با توجه به احکامی که دارند نماز را پنج‌گانه و به جماعت می‌خوانند. حتی اگر ۳-۴ نفر باشند کنار هم جمع می‌شوند و یک نفر به عنوان امام می‌ایستد. گاهی وقت‌ها بعضی از نمازهایشان با نمازهای ما فرق می‌کند. باید مواظب باشیم زور و اجبار و اختلاط در کار نباشد. و در یک نمازخانه هم هم‌زمان دو تا نماز جماعت برگزار نشود.

اهداف رفتاری نیایش، نماز جماعت و اذان

۱. احساس لذت معنوی و نشاط روحی. ۲. ایجاد تجربه شیرین ارتباط با خدا و عشق و محبت ۳. آشنایی بیشتر با خالق و برانگیختن احساس نیاز.

برای نیایش ما نیازمند فضا سازی هستیم که باید به وسیله کسانی که اطلاعات دینی خوب و زبان شیرینی دارند مثل روحانی اردوگاه، مربیان و ... انجام شود. این فضا سازی را می توان بین نمازها هم انجام داد و می تواند جزو برنامه های کارگاه های پرورشی یا برنامه تدبر هم باشد. برای برقراری ارتباط با خدا نیازمند یک شناخت هستیم؛ برای رسیدن به شناخت نیازمند اطلاعاتی هستیم تا به صورت یک تجربه علمی و ملموس در ذهن دانش آموز جاری شود. آن وقت می توانیم یک تجربه و یک خاطره شیرین را ایجاد کنیم. ما باید زمینه های ایجاد عشق و محبت به خدا را قبلاً ایجاد کرده باشیم. احادیث و روایاتی داریم که در آنها محبت خدا نسبت به انسان مطرح شده است. حتی حکایت هایی هم در این زمینه داریم. مثل تقاضای بنی اسرائیل از حضرت موسی برای دعای باران. وقتی حضرت موسی از خدا درخواست باران کرد، خداوند فرمود: بنی اسرائیل در بیابان جمع شوند و دعا کنند تا باران بفرستم، همه از کوچک و بزرگ جمع شدند و دست به دعا برداشتند. در این هنگام خدا وحی فرستاد که ای موسی انسانی بین این بنده ها است که اگر او از این جمع برود بارانم را می فرستم. حضرت موسی این پیام را از طرف خدا به مردم ابلاغ کرد. هنوز جملاتش تمام نشده بود که خداوند باران فرستاد. مردم تعجب کردند، حضرت موسی هم تعجب کرد و به خدا عرض کرد: «خدایا من هنوز جملاتم تمام نشده کسی هم از این جمع بیرون نرفته چه شد که باران فرستادی؟» خداوند فرمود: «ای موسی فرد گناهکار در همین لحظه پشیمان شد و توبه کرد. من هم

توبه او را قبول کردم و بخشیدمش. موسی از خداوند خواست تا این بنده محبوب را به او معرفی کند. اما خداوند فرمود: ای موسی من او را هنگامی که بد بود به تو معرفی نکردم تا آبرویش نرود حالا که توبه کرده و آدم خوبی شده آبرویش را ببرم؟ این نهایت عشق و محبتی است که خداوند به بنده‌اش دارد. در حدیث قدسی می‌فرماید: من محبت را صد قسمت کرده‌ام. یک قسمت آن را بین مادر و فرزند و ۹۹ قسمت دیگر آن را بین خود و بنده‌ام تقسیم کرده‌ام؛ یعنی ۹۹ یا ۱۰۰ برابر محبتی که مادر به فرزندش دارد. این در واقع یک مثال است برای این‌که ما بتوانیم درصد یا درجه محبت خدا به انسان را حدس بزنیم یا هضم کنیم در حدیث دیگر داریم که خداوند می‌فرماید: «اگر بنده‌های من می‌دانستند که من چقدر دوستشان دارم بندبند وجودشان از شوق محبت از هم متلاشی می‌شد. این موارد را وقتی ما به دانش‌آموزان یا شرکت‌کنندگان در اردو آن هم در آن فضای خاص عاطفی و معنوی بگوییم زمینه عشق و محبت به خدا را فراهم کرده‌ایم. حالا اگر آن تشریفات ظاهری مثل عطر و گلاب و ... هم به کمک این فضا بیاید می‌تواند حسی را ایجاد کند که در آن فضا تجربه دینی، معنوی و مناجات با خدا ایجاد شود. شاید دلتنگی بچه‌ها برای خانواده‌هایشان یک زمینه‌ای برای ایجاد ارتباط با خدا باشد. چون انسان دلشکسته راحت‌تر با خدا ارتباط برقرار می‌کند. ما می‌توانیم از این بستر و بسترهایی مثل این برای ایجاد ارتباط با خدا صحبت کنیم. در بحث فسادهای اخلاقی و اجتماعی هم همین‌طور است. به پدر و مادرها می‌گویند با فرزندان‌تان رابطه عاطفی صحیحی داشته باشید تا فرزندان از خانه فرار نکنند. علت فرار فرزند از خانه کمبود عاطفه است. وقتی شما این عاطفه را نسبت به فرزند داشته باشید ناخودآگاه فرزند در خانه احساس امنیت می‌کند. فرار

اردو

نمی‌کند، معتاد نمی‌شود و با افراد ناباب دوستی نمی‌کند. در اردوگاه هم همین‌طور است. اگر بتوانیم از بسترهای مناسب مثل دلتنگی استفاده کنیم ممکن است بچه‌ها جذب افراد ناباب شوند. نکته سومی هم که عرض کردیم آشنایی بیش‌تر با خدا و احساس نیاز است. انسان وقتی به حج مشرف می‌شود و در مکه معظمه در کنار کعبه قرار می‌گیرد از دنیا و چیزهایی که در دنیا دارد تقریباً بریده می‌شود و دلبستگی‌هایش کم می‌شود. در آن فضا احساس معنویتش خیلی بیش‌تر است. ای کاش تمام جوان‌های ما می‌توانستند یک لحظه حضور در مکه را - حتی اگر نتوانند تمام مناسک را انجام دهند لمس کنند - و این احساس را تجربه کنند. در واقع فلسفه حج همین است که ما به نوعی قیامتی مصنوعی در دنیا برگزار کنیم. انسان در فضایی قرار می‌گیرد که مادیات و اهل خانواده از او فاصله دارند. آن‌جا خودش است و یک لباس سفید احرام. در واقع انسان دارد خودش را در قیامت می‌بیند، یعنی خداوند یک ترسیمی از قیامت انجام می‌دهد که «ای انسان یک روزی تو می‌آیی و خودت هستی و اعمال». پس ما داریم یک فضایی ایجاد می‌کنیم که انسان بتواند با زمان‌هایی ارتباط برقرار کند که شاید در دوران غیر اردو این فرصت برایش وجود نداشته باشد. معمولاً افراد در اردو یک مقداری از تعلقات کنده می‌شوند. وارد فضایی می‌شوند که آن فضا دست ماست، پس ما هر زمینه و بستری را فراهم کنیم آن بستر جواب می‌دهد و می‌تواند مثبت یا منفی باشد. اما منظور از نیایش چیست؟ ما سه نوع نیایش داریم. ۱. نیایش روزانه شامل نیایش صبحگاهی میان دو نماز، فرازهایی از دعای صبح، مناجات حضرت علی و مشابه این‌ها. لازم نیست ما این دعاها را کامل بخوانیم. فرازهایی از آن‌ها هم کافی است. به نظر من اصلاً صلاح نیست که ما دعای کمیل را از

ابتدا تا انتها برای دانش‌آموزان سنین ابتدایی یا حتی راهنمایی بخوانیم. یک صفحه از دعای کمیل را هم که بخوانیم جواب می‌دهد یعنی آن ارتباطی که ما می‌خواهیم برقرار می‌شود. ۲. نیایش‌های شبانگاهی که شامل تعقیبات نماز مغرب و عشا، فرازهایی از دعای کمیل و عرفه است. بخشی از تعقیب نماز مغرب و روش اجرای نیایش را خدمت شما توضیح می‌دهم. ۳. نیایش‌های عمومی مثل دعا‌های هنگام غذا خوردن، می‌توانیم برنامه غذاخوری را طوری قرار دهیم که همه باهم شروع کنند، می‌توانیم نوشته‌هایی از دعاها را به در و دیوار محل غذاخوری یا مکان‌هایی که غذا یا آب در آن‌ها خورده می‌شود مثل کلبه یا جاهای این شکلی نصب کنیم تا هنگام نوشیدن آب، یا گرفتن وضو بچه‌ها آن‌ها را بخوانند. بهتر است دعا‌های وضو را به فارسی بنویسیم، چون زبان ما فارسی است و بچه‌ها راحت‌تر با آن ارتباط برقرار می‌کنند.

روش اجرای نیایش

نیایش را معمولاً با آن مقدماتی که عرض کردم بین دو نماز مغرب و عشا یا نماز ظهر و عصر می‌توانیم با فضاسازی خاصی برگزار کنیم. یک بخش آن ترجمه و توضیح بخش‌هایی از دعاست. به عنوان مثال در نیایش‌های صبحگاهی می‌گوییم: «اللهم صل علی محمد و آل محمد» یا در تعقیبات:

«علیک صل علی محمد و آل محمد»

اگر حساب کنیم شاید این دعا ۱۰ جمله نشود، ۱۰ جمله‌ای که می‌تواند ساده باشد. به عنوان مثال ما می‌توانیم هر روز یکی از این جملات را در یک کاغذ بنویسیم و روی سجاده بچه‌ها بگذاریم. اگر آن را کامل هم ننوشتیم اشکالی ندارد. اصلاً خود این را می‌توانیم به عنوان یک مسابقه قرار دهیم و بگوییم کسانی که در نماز صبح شرکت کنند می‌توانند این برگه را دریافت کنند.

اردو

تعدادی از برگه‌ها را تکثیر و آماده می‌کنیم و زیر سجاده‌ها می‌گذاریم و به آن‌ها اطلاع می‌دهیم که زیر مهر شما یک تکه کاغذ است. یک بار بعد از نماز یا قبل از نماز می‌خوانیم و این بخش اول این دعا است. از آن‌ها می‌خواهیم تا این برگه را حفظ کنند تا در روزهای دیگر هم بخش‌های دیگری از دعا را به آن‌ها بدهیم که بتوانند تا پایان اردو یک دعا را به طور کامل حفظ کنند. جملات دیگر دعا هم در روزهای بعدی داده می‌شود و با حفظ روزی یک یا دو جمله می‌توانند فرازی از دعا را حفظ کنند. ترجمه آن را هم در نماز مغرب و عشا می‌گوییم چون ممکن است بعضی از دانش‌آموزان در نماز صبح شرکت نکرده باشند، بنابراین مناسب با سن دانش‌آموز می‌توانیم ایجاد رغبت کنیم و بگوییم ما مسابقه‌ای داریم که صبح بخشی از آن را برگزار کرده‌ایم؛ کسانی که در این مسابقه شرکت نکردند می‌توانند فردا غفلت نکنند و صبح زود بیدار شوند. این می‌شود ایجاد رغبت داوطلبانه برای شرکت در نماز جماعت صبح. فرصت می‌توانیم توضیح دهیم که ما عمری در زندگی مان خوردیم و خواهیم خوردیم، حالا این هفته که به اردو آمده‌ایم سعی کنیم از فرصت‌ها استفاده کنیم. حضرت عیسی ♦ یک وقتی با دوستانشان از بیابانی عبور می‌کردند. به دوستانشان فرمودند که از شن و ماسه‌های این بیابان بردارید، کسانی که از این ریگ‌ها بردارند پشیمان می‌شوند، کسانی هم که بردارند پشیمان می‌شوند. یک عده برداشتند، یک عده هم برداشتند. وقتی از آن بیابان گذشتند حضرت عیسی ♦ فرمود: حالا به ریگ‌ها نگاه کنید. با کمال تعجب دیدند دستانشان پر از گوهر، طلا و جواهر است. کسانی که برداشته بودند پشیمان شدند که چرا بیش‌تر برداشتند کسانی هم که برداشته بودند پشیمان شدند که چرا برداشتند. فرصت اردو چنین فرصتی است، یعنی این زمان برای استراحت،

خوردن و جوک گفتن و سایر بطلت‌هایی که ما در زندگی مان داریم زیاد است. گاهی وقت‌ها حفظ کردن دعا هم می‌تواند مسابقه باشد و جایزه داشته باشد. می‌توانیم بگوییم ترجمه آن را حفظ کنند. می‌توانیم به بچه‌ها بگوییم که این برگه را نگه دارند و در پایان آن‌ها را جمع کنند و به هم بچسبانند. گاهی وقت‌ها می‌توانیم با همین برگه‌ها پازل درست کنیم. کارهای مختلفی می‌شود انجام داد. این‌ها فقط یک مثال است. هدف ما در برنامه‌های دینی اردویی ایجاد جرعه است تا وقتی این افراد به وطنشان برگشتند با مرور خاطرات بتوانند راه را بهتر و بیش‌تر پیدا کنند. دعای کمیل قسمت‌های مختلفی دارد مثل: «لا اجد مفرّاً مما كان منى ...» محل فرار یا زمان فرار یا راه فراری پیدا نمی‌کنم تا از آن چیزی که در آن هستم بتوانم فرار کنم. یا قسمت ابتدایی دعا که می‌فرماید: اللهم انى اسئلك به رحمت تو که این‌طوری است، به قهر تو، به عظمت تو، به جبروت تو، به سلطنت و پادشاهی تو، به مالک بودن تو، به علم تو» بعد می‌فرماید: «اللهم اغفرلى الذنوب التى تهتك العصم»، همین یک جمله (تهتك العصم) را یک هفته برای دانش‌آموزان تفسیر کنیم، البته خیلی ساده و روان. برای دانش‌آموز بیان کنیم که چه چیزهایی پرده عصمت را پاره می‌کند. موارد و مصادیقی را توضیح دهیم که برای دانش‌آموز ملموس باشد. سراغ مفاهیم سنگین نرویم. یا جاهایی که نهایت شوق و اشتیاق حضرت علی **♦** به خداوند است. می‌فرماید: اللهم فاقبل عذرى يا لا اجد لذنوبى غافراً در قسمت‌های آخر دعا شیوه ارتباط و گویش متفاوت می‌شود و می‌فرماید: «لای الامور الیک اشکو؛ من به خاطر چه کاری به تو شکایت و گلایه کنم؟» «و لما منها اضج و ابکی؛ برای چه کاری ضجه بزنم و گریه کنم؟» «لالیم العذاب و شدته؛ به خاطر سختی و دردناک بودن عذاب و شدتش؟» «ام لطول

اردو

البلاء و مدته؛ یا به خاطر طولانی شدن زمان بلا که قابل حدس نیست.» «فلئن صیرتنی للعقوبات مع اعدائک و جمعت بینی و بین اهل بلائک و فرقت بینی و بینی احبائک؛ من اگر بخواهم به عذاب تو صبر کنم تو مرا با دشمنان خودت جمع می کنی، بین من و «اهل بلا» فاصله نینداختی و بین من و دوستانت فاصله انداختی.» این نهایت عشق و محبت در این کلمات است و اینها نیاز به تفسیر دارد «الهی و سیدی و مولای» اینها حرفهایی است که در واقع برای عشق بازی زمینه‌های زیبایی دارد. اینها نیاز به فضا سازی دارد که زمان نماز مغرب و عشا زمان مناسبی برای آن است. از کار روزانه خسته هستیم و در شب تاریک تمرکز حواس بیشتر است. در بحث نیایش ما به دنبال یک ارتباط هستیم، نمی‌خواهیم کسی را منقلب کنیم. می‌خواهیم بگوییم که این تجربه را حس کن و یک نماز با معرفت بخوان، این نماز می‌تواند روی تو و زندگی‌ات تأثیر بگذارد. حدیث قدسی داریم که «آدمی را روز قیامت وارد صحرای محشر می‌کنند و می‌خواهند به سمت جهنم ببرند، چیزی در نامه عملش نیست، از روزهایی است که به زبان، دست و اعضایش قفل زده می‌شود و قدرت نطق از او گرفته می‌شود، اما این بنده برمی‌گردد و یک نگاه خاصی به محضر و محکمه خداوند می‌کند، ندا می‌آید این بنده را برگردانید، آن‌گاه خطاب می‌رسد: چرا نگاه کردی؟ مگر در نامه عملت چیزی هست؟ می‌گوید: نه. می‌پرسند: پس چرا نگاه کردی؟ می‌گوید: من می‌دانم آدم بدی بودم ولی فکر نمی‌کردم مرا به جهنم بیندازید. خطاب می‌رسد به خاطر همین حسن ظنی که به خدا داشت او را به بهشت ببرید.» ما با چنین خدایی طرفیم، آن وقت گاهی ما آن قدر سخت می‌گیریم که اگر کسی نماز جماعت نخواند فکر می‌کنیم کافر یا مرتد است. اگر ما خودمان را جای بندگان خاص خدا مثل پیامبران قرار

دهیم که وظیفه هدایت و پرورش انسان‌ها را بر عهده داشتند آن وقت نوع برخوردمان با دانش‌آموزانی که به اردو می‌آیند فرق خواهد کرد. اگر ما دانش‌آموز را درک کردیم، اگر قبولش کردیم، اگر او را پذیرفتیم و اجازه دادیم که - اگر بد هم هست در جمع ما حضور داشته باشد، این رفتار تأثیرگذار است. و شما در مکان‌های خاص مثل جمکران، حرم امام رضا ♦ و ... افرادی را می‌بینید که شاید به ظاهر انتظار آمدنشان را به این مکان نداشته باشید، ولی می‌آیند و نماز می‌خوانند و عبادت می‌کنند. من خودم یک نماز دو رکعتی خواندم که تمام عمرم یک طرف، و این دو رکعت نماز یک طرف. وقتی نماز تمام شد به خودم گفتم: «خاک بر سرت با این نماز خواندنت.» چون این نماز خیلی نافرمان بود. من در زمان جنگ در شرایطی قرار گرفته بودم که نه می‌توانستم وضو بگیرم، نه می‌توانستم تیمم کنم. جهت قبله را هم نمی‌دانستم. نمی‌توانستم به رکوع و سجده بروم. وسط این نماز دو رکعتی حدود ۷ بار هم خواب رفتم. جالب این بود که عملیات بود و هرآن امکان داشت خمپاره‌ای بر سرمان بخورد. داخل کشتی و مجروح بودم. هیچ حرکتی هم نمی‌توانستم انجام دهم. شب تا صبح هم بیدار بودم. موقع خواندن نماز هفت بار نیت کردم و حمد و سوره خواندم، اما وسط حمد همه‌اش خوابم می‌برد. آن قدر خسته بودم که نمی‌توانستم خودم را نگه دارم. وقتی نماز تمام شد گفتم: «خاک تو سرت با این نماز خواندنت» می‌خواهم بگویم که خیلی دلخوش به بعضی از ظواهر نباشیم، دانش‌آموزانی که اطراف ما هستند می‌توانند انسان‌های وارسته‌ای باشند هرچند ظاهرشان نامناسب باشد. دختری که حجابش را رعایت نمی‌کند دلیل بر این نیست که همه کارهایش خراب است، شاید بتوانیم در بعضی از شرایط ظاهر را دلیل بر باطن بگیریم، اما در بعضی از شرایط نمی‌توانیم

اردو

قضاوت کنیم، یعنی ما قاضی نیستیم، حاکم نیستیم؛ ما مربی هستیم؛ ما کسانی هستیم که می‌خواهیم دانش‌آموز را تربیت کنیم و برای تربیت کردن نیازمند درک متقابل، شناخت و تأثیرگذاری هستیم. اگر نمی‌توانیم تأثیر بگذاریم کسی را از دین زده نکنیم.

لازم می‌دانم درباره استفاده از صدای خوب و زیبا در نیایش و نماز جماعت توضیح بدهم. صدای خوب و زیبا در ایجاد فضا سازی خیلی به ما کمک می‌کند.

تدبّر در قرآن

در بحث تدبّر در قرآن و تفسیر مفاهیم خاص قرآنی و مطالب اخلاقی هم به صدای زیبا و خوب نیازمندیم. اگر صدای خودمان هم خوب نیست می‌توانیم از دیگران کمک بگیریم، یا از نوار، CD، تکنولوژی و تجهیزاتی که امروز در اختیار ماست استفاده کنیم.

حال به بحث اصلی یعنی تدبّر در قرآن می‌پردازیم. تدبّر در قرآن با اهداف ذیل برگزار می‌شود:

۱. درک مفاهیم ناب قرآنی - ایجاد زمینه‌ای برای درک مفاهیم ناب قرآنی و آشنایی و شناخت بهتر از قرآن

۲. ایجاد بینش جدید نسبت به کتاب انسان‌ساز قرآن - کتاب قرآن و دینی در مدارس ما متأسفانه کتاب محبوبی نیست، به دلیل این که یا در روش آموزشی آن خیلی کار کارشناسی نشده است یا این که موفق نشده‌ایم دستورات قرآن را در تعلیم و تربیت روش آموزشی‌مان به کار ببندیم. شاید قرار گرفتن کتاب یا موضوعات دینی در مدارس ما به عنوان درس باعث شده که دانش‌آموز نه تنها نسبت به این کتاب بلکه حتی نسبت به کتاب عربی هم که زبان قرآن است

بی‌رغبت شود. فلسفه تدریس کتاب عربی در میان کتب درسی آشنایی دانش‌آموزان با زبان وحی بوده است. پیامبر در روز قیامت به پروردگار به خاطر مهجور ماندن قرآن به وسیله امتش شکایت می‌کند.^{۲۰} برای رفع این مهجوریت وظیفه داریم زحمت بکشیم و برنامه‌های مختلفی را به صورت ابتکاری-تنوعی خلق کنیم. یکی از این برنامه‌ها تدبیر در قرآن است که هدفش تقویت ایمان و باورهای دینی است. قرار دادن دانش‌آموزان در فضای مفاهیم ناب قرآنی به آن‌ها کمک می‌کند که ایمانشان به خدا و قرآن بیش‌تر شود و در نتیجه باورهای دینی‌شان زیاد شود.

شیوه اجرای این برنامه این است که ابتدا بخشی از یک سوره را انتخاب می‌کنیم و از یک قاری خوش صدا می‌خواهیم تا آن را تلاوت کند^{۲۱}، بعد ترجمه ساده، گویا و صمیمی آن را برای دانش‌آموزان می‌گوییم. دوباره از قاری می‌خواهیم تا با آرامش و تأنی بیش‌تری آیه بعد را بخواند. گاهی وقت‌ها آیات خاص را با صداهای خاصی باید خواند و گوش داد. مثلاً آیات معاد و قیامت را با صداهای محزون و آیات بهشت را با صداهای شاد باید گوش کرد؛ صداهایی که خیلی پر است و طنین شادی دارد. انتخاب سوره و آیه هم مهم است. سوره قاف یکی از سوره‌هایی است که می‌توانیم در بحث تدبیر در قرآن مخصوصاً برای سن دبیرستان از آن استفاده کنیم. در این سوره خداوند گفتگویی عبرت‌انگیز را نقل می‌کند. این گفتگو از آیه ۱۶ این سوره شروع می‌شود که خداوند می‌فرماید: «ما انسان را خلق کردیم و می‌دانیم که در

^{۲۰} - سوره فرقان

^{۲۱} - در صورت عدم وجود قاری خوش صدا می‌توان از ضبط صوت و ... استفاده کرد.

اردو

نفسش چه می‌گذرد و ما از رگ گردن به او نزدیک‌تریم» بعد می‌فرماید: «هنگامی که دو فرشته راست و چپ که ملازم انسانند اعمال او را دریافت می‌کنند، انسان هیچ سخنی بر زبان نمی‌آورد مگر این که همان لحظه فرشته‌ای مراقب و آماده برای انجام مأموریت (وضبط) است» و بعد دربارهٔ سكرات مرگ و نفخهٔ صور، مجادله شیطان و انسان و پاسخ خداوند صحبت می‌کند. ما برای این که این فضا و این بخش از گفتگو را برای دانش‌آموزان بیان کنیم نیازمند فضا سازی هستیم که با صدای خوش و زمان مناسب ایجاد می‌شود. بهترین زمان برای اجرای این برنامه شب است.

برای رسیدن به هدف این برنامه که تدبر در آیات معاد و قیامت است بهتر است قبلاً بعضی از تفاسیر را هم مطالعه کنیم و روی آن‌ها فکر کنیم و ببینیم چگونه می‌توانیم از آن‌ها استفاده کنیم.

با انتقال مفاهیم معاد و قیامت به مخاطبان، آن‌ها را با مفهوم محکمه الهی و حسرت انسان‌های گنهکار آشنا می‌کنیم. حسرت و نگرانی انسان از حرفی که شیطان به او زده است. بدترین حالت برای انسان این است که عمری پیرو شیطان بوده، روز قیامت شیطان حاضر شود و بگوید ... ربنا ما اطغیته و لکن کان فی ضلال بعید؛ و همنشینش (از شیاطین) می‌گوید: پروردگارا! من او را به طغیان و انداشتم لکن او خود در گمراهی دور و درازی بود^{۲۲} « پاسخ شیطان باعث حسرت انسان می‌شود و این حسرت همراه با آتش به انسان منتقل می‌شود که سوزاننده‌تر است.

^{۲۲} - سوره ق آیه ۲۷.

برخی از این مفاهیم که جنبه قصه، گفت و گو و می‌توانیم در برنامه‌های تدبیر مطرح کنیم. البته همه‌اش آیات عذاب و معاد نیست، یعنی قرار نیست ما در این بحث فقط معاد را مطرح کنیم، آیات مختلفی درباره بشارت بهشتیان در سوره انسان است که در بخش‌های بعدی توضیح خواهم داد. در سوره مدثر آیه ۴۰ یک قصه دیگر و یک ماجرای دیگر را خدا نقل می‌کند که مربوط به انسان‌های گناهکار است. در این سوره خداوند می‌فرماید: «در طبقات مختلف بهشت، بهشتیان بر مجرمینی که در کنار بهشت قرار دارند اشراف دارند. اهل بهشت از مسائلی که برای جهنمیان اتفاق می‌افتد سؤال می‌کنند که چه چیزی باعث شد که شما در «سَقَر» بیفتید.»^{۲۳}

می‌گویند: ۱. به خاطر این که اهل نماز نبودیم.

نمازگزار نبودیم به این معنا نیست که اصلاً نماز نمی‌خواندیم شاید برای ما که در واقع مسلمان و نمازخوان هستیم، گاهی وقت‌ها نماز نخواندندان بهتر از نماز خواندن است. منظور این است که گاهی وقت‌ها نمازهایی که می‌خوانیم بی‌ارزش یا خیلی کم ارزش است. ۲. پاسخ دومشان هم این است که «ما به مسکین و کسانی که نیاز به کمک داشتند کمک نمی‌کردیم». ۳. ما با انسان‌های بیهوده نشست و برخاست می‌کردیم و وقتمان را به بطالت می‌گذراندیم. ۴. ما با کسانی که روز قیامت و یوم‌الدین را تکذیب می‌کردند نشست و برخاست می‌کردیم. یا این که خودمان جزو کسانی بودیم که روز قیامت را تکذیب می‌کردیم. حالا به یقین رسیده‌ایم. حضرت علی **♦** می‌فرماید: «عمر انسان مانند نخ‌نی است که انسان به آن آویزان است و موش‌هایی هم دارند این نخ را

^{۲۳} - سفر یکی از درجات یا چاله‌های جهنم است.

اردو

می‌چوند، هر آن ممکن است این نخ پاره شود. یک لحظه آن نخ پاره می‌شود و انسان از آن بالا رها می‌شود ته چاه. در واقع کسی دارد ما را تعقیب می‌کند و آن مرگ است، اما ما متوجه تعقیب مرگ نمی‌شویم. یقین در بعضی از تفسیرها به مرگ تعبیر شده است، چون وقتی می‌میرد به یقین می‌رسد. در بعضی از احادیث از امامان معصوم پرسیده‌اند که شما نسبت به گناه چه حسی دارید؟ جواب داده‌اند که حس خیلی بدی داریم؛ ولی ما انسان‌های معمولی ممکن است نسبت به بعضی گناهان حس بدی نداشته باشیم. مرگ را به خواب خرگوشی تعبیر می‌کنند. خرگوش در حال حرکت گاهی وقت‌ها می‌ایستد، سرش را روی دستش می‌گذارد. معلوم نیست که واقعاً می‌خوابد یا نه، یعنی در حالت فرار می‌خوابد. مرگ به دنبال انسان است، اجل به دنبالش است، اما یک جاهایی غفلت می‌کند که این غفلت در واقع خواب است. بعضی از آیات قرآن این تعبیر را دارد که بعضی از انسان‌ها وقتی سوار کشتی می‌شوند و دچار طوفان می‌شوند خدا را خیلی خوب می‌خوانند «مخلصین له الدین» می‌شوند. اما پس از سختی دوباره خدا را فراموش می‌کنند. بعد از این که قرائت، تفسیر و توضیح کوتاه انجام شد یک بار دیگر همان آیات را تلاوت می‌کنیم تا مطالبی را که از آیات یاد گرفته‌ایم یادآوری کنیم. در قرآن انبوهی از این مفاهیم وجود دارد. حتی یک آیه یا یک کلمه می‌تواند حرف‌های زیادی داشته باشد که نیازمند مطالعه و سلیقه مربی در بیان و دقت در مصادیق و معانی‌ای است که برای رساندن مفهوم به کار می‌گیرد. بحث تدبر در قرآن جزو مباحث تأثیرگذار است به شرط این که ما شرایطش را رعایت کنیم، یعنی در زمان و مکان مناسبی برگزار کنیم. فضایی که هوایش معتدل باشد، سروصدا در آن نباشد و ... گاهی وقت‌ها حتی غذایی که بچه‌ها می‌خورند در اجرای برنامه تأثیر

می‌گذارد. مثلاً حالت سیری شاید زمان مناسبی برای تدبر در قرآن نباشد. حالت و آمادگی درونی مخاطبان هم شرط است.

نکته آخر این که ما از زبان بچه‌ها هم می‌توانیم یک سری حرف‌ها را بگیریم، گاهی وقت‌ها تفسیر یک نیایش از زبان بچه‌ها فرق زیادی با تفسیر بزرگترها دارد. در یکی از اردوها برنامه «با خدا و امام زمان (عج) حرف بزنید» داشتیم. مطالبی که بچه‌ها می‌نوشتند خیلی جالب بود و نشان می‌داد که دیدگاه بچه‌ها نسبت به خدا، نسبت به امام زمان و ... چگونه است. در یکی از برنامه‌ها از دانش‌آموزان خواسته بودیم که نامه‌ای به امام زمان (عج) بنویسند. ۳۰۰ نامه جمع شده بود. نامه‌ای بود که توجه همه را به خودش جلب کرد. آن نامه مربوط به یک دانش‌آموز ۱۵ ساله خوزستانی بود که خطاب به امام زمان ♦ نوشته بود: «امام زمان الان می‌دونی تابستان است و هوا گرم و ما در اهواز زندگی می‌کنیم و در خوزستان نداشتن یخچال خیلی سخت است، موتور یخچال ما سوخته و مادرم مجبور است هر روز از این خانه به آن خانه برود و یخ جمع کند یا مواد غذایی‌مان را ببرد در یخچال همسایه بگذارد و برای من سخت است، پدر هم ندارم و امکان این که موتور یخچال بخریم ندارم، کمک کن تا ما یک موتور یخچال بخریم.» خوب این نامه وقتی به دست ما رسید خیلی غافلگیر شدیم.

معمولاً مفاهیم نامه‌های دیگر این‌طور نبود. اما این نامه از آن ۳۰۰ نامه متمایز بود. مانده بودیم که با این نامه چه کار کنیم. به این نتیجه رسیدیم که به خود امام زمان متوسل شویم. دو سه روز گذشت و هیچ فکری به ذهنمان خطور نکرد تا این که یکی از مسئولین ارشد برگزارکننده اردو از تهران به اردوگاه ما در مازندران آمد. نامه را به ایشان نشان دادم. نامه را خواند. خیلی برایش

اردو

جالب بود، یک قطره اشک ریخت و گفت مسئله‌ای نیست، ان‌شاءالله حل می‌شود. زنگ زدند و هماهنگ کردند از طریق کمیته امداد اهواز و یک یخچال نو تحویل خانه این دانش‌آموز دادند. ارتباط منطقی و عاطفی یک دانش‌آموز که بسترش در اردوگاه فراهم شده گاهی وقت‌ها می‌تواند تأثیراتی در زندگی جسمی و مادی یک دانش‌آموز بگذارد. البته ما هدفمان این نبود که بچه‌ها این حرف‌ها را بنویسند، اما خود این نشان می‌دهد و ما را به این شناخت می‌رساند که بچه‌ها ارتباطشان با ائمه معصومین و با خدا چگونه است. چه قدر می‌توانند راحت ارتباط برقرار کنند. در آن موقع کارهایی انجام می‌شود که ما خودمان حتی فکرش را هم نمی‌کنیم. این است که آیه قرآن می‌فرماید: «اگر یک نفر به دست شما هدایت شود مثل این است که شما نسلی را هدایت یا زنده کردید و اگر یک نفر کسی را بکشد مثل این است که نسلی را کشته است.» در واقع افتخار پیامبران و مربیان این است که افرادی به دست آن‌ها تربیت و هدایت شوند. و ما در اردو این وظیفه را به عهده داریم که زمینه‌ای پیش بیاوریم تا مخاطبان و شرکت‌کنندگان در اردو بتوانند به این مفاهیم ناب و مقدس فکر کنند.

طبیعت نوردی

تعریف طبیعت نوردی

طبیعت نوردی شامل گشت و گذار در جنگل، کوه، بیابان، کنار دریا و جاهای مختلف زمین و طبیعت خدادای است.

اهداف طبیعت نوردی

۱- توجه به طبیعت و نعمت‌های خداوند - ساده‌ترین راه برای خداشناسی در مقطع ابتدایی و یکی دو سال اولیه پایه راهنمایی است.

هرچند برای سن بالاتر هم دقت روی نعمت‌ها جواب می‌دهد و می‌تواند راه مناسبی برای شناخت خدا باشد، اما در سنین ابتدایی، راهنمایی و حتی اول دبیرستان گاهی وقت‌ها چیزهایی در طبیعت یافت می‌شود که اگر ما به عنوان مربی دانش‌آموزان را به آن‌ها توجه دهیم می‌توانیم کمک خوبی برای شناخت راحت‌تر، مناسب‌تر و دقیق‌تر نسبت به خداوند متعال به آن‌ها بکنیم.

۲. نیرومندی جسم و تن و آمادگی برای رویارویی با مشکلات زندگی - هنگام کوه‌نوردی ناخودآگاه فشاری به بدن می‌آید یا هنگام نشستن کنار دریا و دیدن موج‌ها ناخودآگاه وحشت از موج دریا از بین می‌رود. پس گشتن در طبیعت می‌تواند جسم را آماده و روح را جهت مبارزه با مشکلات در زندگی مقاوم کند.

۳. احساس عزت، کمال‌طلبی، سربلندی و پیروزی بر سختی و ترس - وقتی احسان بالای کوه روی قله قرار می‌گیرد ناخودآگاه احساس افتخار به او دست می‌دهد. وقتی شما از یک قله صد متری صعود می‌کنید این احساس بالا رفتن حتی اگر صد متر هم باشد برای شما جالب است و یک احساس افتخار و پیروزی به شما دست می‌دهد. شما اگر از خلبان‌های هواپیما پرسید خدا را

اردو

چه طور می بینید، می گویند: «وقتی ما به آسمان‌ها می‌رویم، زمین را خیلی کوچک می بینیم و این کوچک دیدن زمین باعث می‌شود که ما خدا را بزرگ‌تر ببینیم.» کسی که روی ابرها سوار برهواپیما حرکت می‌کند تصور درستی از زمین و هستی به دست می‌آورد، اما تا موقعی که روی زمین هستیم و مشغول زندگی خودمان هستیم شاید خیلی نتوانیم این مقایسه و این تفاوت را پیدا کنیم.

۴. ایجاد رغبت به پژوهش برای موضوعات هم‌اندیشی - یکی از برنامه‌های فرهنگی در اردو هم اندیشی، هم‌فکری کردن یا جلسات مناظره است. ایجاد رغبت برای موضوعات پژوهشی می‌تواند به بحث طبیعت نوردی کمک کند تا مخاطبان به موضوعات مسلط شوند و استفاده کنند.

۵. ارضای حس کنجکاوی - کودکان، نوجوانان و حتی جوانان یک حس کنجکاوی دارند و برنامه طبیعت‌نوردی می‌تواند به این حس کنجکاویشان پاسخ مناسبی بدهد. دانش‌آموزان می‌توانند با چستی، هستی و زمینی که روی آن زندگی می‌کنیم و محیطی که اطرافمان است بیش‌تر آشنا شوند و پاسخ بعضی از سؤالاتشان را پیدا کنند.

چند نکته دربارهٔ طبیعت‌نوردی

۱. حفظ جان دانش‌آموزان و همراه داشتن وسایل امدادی در بعضی برنامه‌های اردویی مشاهده شده برای مقاوم کردن دانش‌آموزان آن‌ها را از محیط‌های خطرناکی عبور می‌دهند و موانعی جلوی راهشان قرار می‌دهند تا با سختی‌ها بتوانند دست و پنجه نرم کنند، اما این کار ممکن است جان دانش‌آموزان را به خطر بیندازد. در تمام شرایط باید مواظب جان دانش‌آموز باشیم. مهم‌تر این‌که وسایل امدادی همراه داشته باشیم. وسایل امدادی شامل کمک‌های اولیه و یک

سری وسایل و لوازم ضروری است به ویژه در جنگل کوهستان و مناطقی که دور از محیط اردوگاه است و امکانات بهداشتی کم است یا اصلاً وجود ندارد. مثلاً برای شکستگی‌ها و آسیب‌دیدگی‌ها بعضی وقت‌ها باید از برانکارد استفاده کنیم.

۲. رعایت مقررات ویژه هر برنامه، هر برنامه‌ای دارای مقررات ویژه‌ای است که باید رعایت شود. به عنوان مثال کوهنوردی دارای مقررات و لوازم خاصی مثل کفش مخصوص است. یا حرکت کردن در یک ستون که از مهم‌ترین مقررات کوه نوردی است. هنگام رفتن به دریا باید دقت کنیم که از کدام قسمت ساحل بچه‌ها را سوار قایق کنیم. حتماً جلیقه نجات برای خطرهای احتمالی تن دانش‌آموزان باشد، حتی آن‌هایی که شنا بلد هستند.

۳. داشتن راهنما در مکان‌های ناشناخته

در مکان‌ها و مناطق ناشناخته مثل جنگل حتماً باید از راهنما استفاده کنیم. در بعضی از برنامه‌های جنگل‌نوردی برای پنهان کردن گنج که یکی از برنامه‌های جنگل است دچار مشکل شدیم. چون از مناطقی عبور می‌کردیم که شناخت نداشتیم و راهنما همراه ما نبود. البته این قضیه و پیش‌برنامه بدون حضور دانش‌آموزان بود. استفاده از گروه‌بندی و جوخه هم نکته مهمی است. مهم‌تر این‌که گروه بندی‌ها و جوخه‌بندی‌ها می‌تواند به ما در اجرای بهتر برنامه‌ها کمک کند. باید قرار بگذاریم هر گروهی که به جنگل یا کوه می‌روند حتماً کنار هم باشند تا اعضای هر گروه بهتر یکدیگر را بشناسند و بتوانند با اسم یکدیگر را صدا کنند و مواظب هم باشند. حرکت بچه‌ها به صورت گروه‌های چند نفره چند مزیت دارد: اول این‌که اگر کسی جا بماند بلافاصله معلوم می‌شود و بچه‌ها می‌توانند را پیدا کنند. دوم این‌که اگر شب در جایی مثل

اردو

جنگل راه برویم چنانچه اعضای جوخه کنار هم باشند احساس اطمینان و اعتماد به نفس بهتری دارند. در دوران دفاع مقدس وقتی قرار بود غواص‌ها به منطقه‌ای حمله کنند بین آب‌های مرزی حتماً گروه‌های دو یا سه نفره تشکیل می‌دادند، وقتی دو تا غواص دستشان را در دست هم می‌گذاشتند - هرچند با وسایل ارتباطی مثل طناب یا کمربندهای خاص به هم متصل بودند - ولی اعتماد به نفس بیش‌تری داشتند.

۴. فراهم کردن زمان مناسب برای تبادل تجربیات و نظریات

وقتی ما وارد غار علی صدر همدان می‌شویم، می‌توانیم در زمانی مناسب دانش‌آموزان را دور هم جمع کنیم و آن‌جا برنامه داشته باشیم یا وقتی بالای کوه می‌رویم زمانی را اختصاص بدهیم تا دانش‌آموزان، مربیان و کسانی که همراه ما هستند خاطرات و تجربیاتی را که از کوه دارند تعریف کنند. بخشی از اهداف اردو در این برنامه اجرا می‌شود و بچه‌ها می‌توانند از تجربیات و نظریات دیگران استفاده کنند. در بعضی برنامه‌ها پیش آمده که دانش‌آموزی به دلایل مختلف نسبت به کوهنوردی بی‌علاقه‌اس. شما به عنوان یک مربی باید این علاقه را در دانش‌آموز ایجاد کنید.

۵. استفاده از قبله‌نما یا قطب‌نما شب هنگام و همراه بردن چراغ قوه، کبریت و سایر وسایل مورد نیاز ۶. انتخاب مکان مناسب نشستن برای جلوگیری از خطر مارگزیدگی و عقرب‌گزیدگی. ۷. تلفن همراه یا بی‌سیم داشته باشید.

خاطره

ما می‌خواهیم از طبیعت درس بگیریم و این درس‌ها گاهی وقت‌ها خیلی ساکت و آرام است، اما حرف‌های جالبی برای ما دارد، خاطره اول - در یکی از اردوگاه‌ها زیر درختی نشسته بودم. یک صفحه کاغذی در دستم بود و داشتم

مطلبی را می‌نوشتیم. یک دفعه احساس کردم روی صفحه کاغذ موجود ریزی حرکت می‌کند، فکر کردم یک شن‌ریزه است خوب که دقت کردم، دیدم دارد راه می‌رود. با خودکار دور این موجود ریز یک دایره کوچک کامل کشیدم تا بینم چه‌طوری از این دایره بیرون می‌آید. بیش‌تر حس کنجکاوی و بازیگوشی بود، اما نکته جالبی که برای من داشت این بود که این حشره تا لب خط آمد، اما برگشت. دوباره رفت آن طرف دایره باز برگشت. دور زد و نتوانست از خط دایره بیرون بیاید. تکانی به کاغذ دادم، از دایره بیرون افتاد. این بار یک نیم‌دایره کشیدم. حشره آن قدر ریز بود که به سختی دیده می‌شد؛ دور زد و از همان جایی که خط دایره به هم وصل نشده بود بیرون آمد. پیش خودم گفتم خدایا موجودی که به سختی دیده می‌شود آیا چشم دارد و خط خودکار یا پستی و بلندی‌ای که به وسیله فشار خودکار روی کاغذ ایجاد شده می‌بیند یا بینی دارد و مثلاً بوی خودکار را استشمام می‌کند؟ این‌طور چیزها در طبیعت زیاد است و کافی است که ما زمینه‌ای را پیش بیاوریم تا دانش‌آموزان و کسانی که در اردو شرکت کرده‌اند به این مفهوم دقت کنند.

خاطره دوم

در یکی از برنامه‌های جنگل‌نوردی زیاد به تار عنکبوت وسط جنگل برخورد می‌کردیم، تارهایی که عنکبوت‌ها شب تا صبح می‌تیندند تا اول صبح که هوا تاریک- روشن بود بتوانند حشرات را شکار کنند. زندگی عنکبوت هم صحنه‌های زیبایی دارد، به عنوان مثال آبی که از دهان عنکبوت بیرون می‌آید چسبنده است و در مجاورت هوا تبدیل به نخ می‌شود. بعضی از عنکبوت‌ها عمودی‌کار هستند، یعنی از سقف یا شاخه درختی آویزان می‌شوند و با آب دهانشان پایین می‌آیند. یک سری عنکبوت‌ها معمولی هستند که خانه‌های افقی

اردو

می سازند، یعنی دایره‌ها یا هشت ضلعی‌ها را داخل هم قرار می‌دهند که به چهار نخ اصلی و شش نخ فرعی متصل می‌کنند و خودشان بین شاخه‌های درخت و دقیقاً در نقطه وسط خانه‌شان قرار می‌گیرند. به محض این‌که حشره‌ای از این مسیر رد شود با توجه به این‌که این نخ نامرئی است، حشره با آن برخورد می‌کند و موهای ریز دست و پایش به این تارها گیر می‌کند. جالب‌تر این‌که خود عنکبوت هم روی دست و پاهایش مو دارد، اما آن موها از نوعی است که به نخ خودش گیر نمی‌کند، یعنی زندانی تارهای خودش نمی‌شود. وقتی حشره به تار عنکبوت برخورد می‌کند، تار تکان می‌خورد و عنکبوت متوجه وجود آن می‌شود. گاهی وقت‌ها برای این‌که حشره عنکبوت را نبیند گوشه‌ای قایم می‌شود یعنی در زاویه پنهان آن تار خودش را مخفی می‌کند و پس از به دام افتادن طعمه به سمت آن می‌رود. در همان جنگل عنکبوتی عجیب و غریب و بزرگ دیدم چوبی توی دستم بود تا تارها را از جلوی سرو صورتم پاک کنم. دیدم سنجاقک خیلی بزرگی شبیه هلی‌کوپترهای شنود دو موتوره در تار عنکبوت گیر کرد. سنجاقک‌ها معمولاً دو بال دارند، ولی این یکی چهار باله بود، خیلی دست و پا می‌زد. عنکبوت وقتی دید سنجاقک خیلی بزرگ است آرام‌آرام عقب رفت و از پشت سر سنجاقک و از روی دمش بالا رفت تا به سر سنجاقک که به بدنش متصل بود رسید، این نقطه خیلی نرم است. عنکبوت با زدن نیشی سنجاقک را بیهوش کرد.

چنین صحنه‌هایی در طبیعت زیاد است، کنار درختان مختلف می‌توانیم این صحنه‌ها را ببینیم. یا کنار دریا میگوهای خیلی ریزی دارد که خوراک اردک است، احساس می‌کنید روی ماسه‌ها یک چیزهایی تکان می‌خورد، اما وقتی نگاه می‌کنید چیزی نمی‌بینید. این‌ها میگوهای خیلی ریزی است که لابلای

ماسه‌ها مخفی‌اند. حباب‌های هوایی را بیرون می‌دهند. این حباب‌ها لابلای ماسه‌ها بالا می‌آیند. کافی است شما این ماسه‌های نرم را که هنوز خیس است کنار بزنید و میگوها را ببینید. نوع زندگیشان عجیب و غریب است. خود میگو هم زندگی عجیب و غریبی دارد.

نمایشگاهی در منطقه جنوب در استان بوشهر از ماهی‌ها و موجودات دریایی تشکیل شده بود. ماهی‌ها رنگ‌های عجیب و غریبی داشتند که هیچ نقاشی در دنیا نمی‌تواند این رنگ‌ها را خلق کند. بعضی از تصاویر رایانه‌ای بیش از ۱۵ میلیون رنگ دارند. در تلویزیونی‌های پیشرفته یک میلیارد رنگ وجود دارد، اما هیچ کدام به زیبایی رنگ این ماهی‌ها نیستند. با قرار دادن این برنامه‌ها در فواصل اردو می‌توانیم توجه بچه‌ها را به این زیبایی‌ها جلب کنیم و درجه شناخت آن‌ها را بالاتر ببریم و به شناخت خداوند متعال و نعمت‌هایی که در طبیعت است کمک کنیم. زندگی موربانه‌ها و مورچه‌ها هم همین طور است. بعضی وقت‌ها بچه‌ها می‌نشینند و با مورچه‌ها صحبت می‌کنند و صحنه‌های زیبایی خلق می‌کنند. اگر مسیر رفت و آمد مورچه را با دست خط بکشید مسیر رفت و آمدشان پاک می‌شود. مورچه‌ها تا این خط می‌آیند و برمی‌گردند. تصور کنید در اتوبانی همه اتومبیل‌ها با سرعت حرکت می‌کنند و پل وسط این اتوبان هم خراب شده است. اتومبیل‌ها در این مکان متوقف می‌شوند. مورچه‌ها هم دقیقاً همین حالت را پیدا می‌کنند. علتش این است که مورچه‌های راهنما مایع شیرین یا بوداری را در مسیر می‌ریزند که با دست کشیدن این مایع پاک می‌شود. اما بعد از مدتی دوباره مورچه‌ای که ظاهراً ملکه یا راهنماست می‌آید و دوباره این اتصال را برقرار می‌کند، احتمالاً حس و بویایی‌اش قوی‌تر است و جاده را پیدا می‌کند. زندگی زنبور عسل هم پر از رمز و راز است. اگر دقت

اردو

کنید همیشه جلوی کندوی عسل زنبورهای هستند که سرشان جدا شده و افتاده‌اند. علت این است که اگر زنبوری روی گل بدبویی نشست، سربازهای نگهبان که وظیفه حراست و حفاظت از کندو را به عهده دارند سر از بدنش جدا می‌کنند و جلوی در ورودی کندو می‌اندازند تا درس عبرتی برای زنبورهای دیگر باشد. این با حیوانات نیست و درباره گل‌های گوشتخوار هم صدق می‌کند. یا مارهایی وجود دارند که بی‌خطر هستند و حتی برای بچه‌ها حکم اسباب بازی دارند و این برای بچه‌هایی که خیلی ترسو و نازنازی هستند خوب است. در یکی از اردوها به بچه‌ها گفتیم که اینجا مارهای خطرناک نیست، نیم‌ساعت نگذشته بود که دیدیم اکثر بچه‌ها یکی یک دانه مار در دستشان است و دارند در جنگل راه می‌روند. یا مارهای آبی خیلی‌هایشان سم یا نیش ندارند، بعضی از آن‌ها فقط نیش دارند. یکی از موجوداتی که خودکشی می‌کند عقرب است. اگر دور تا دور عقرب آتش روشن شود و نتواند از آن فضای آتش خودش را نجات دهد، دمش را روی گردنش می‌گذارد و خودش را نیش می‌زند و خودکشی می‌کند. خط‌های روی بند انگشت هیچ انسانی در دنیا مساوی نیست، حتی بند انگشت‌ها هم مساوی نیست، خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿...﴾

بله

ما قادریم سر انگشتان او را هم درست گردانیم»^{۲۴} در یکی از آزمایشگاه‌های پیشرفته دنیا قلب یک کبوتر را بیرون از بدنش گذاشتند و مواد غذایی، آب و هر چیزی را که لازم داشت به آن تزریق کردند تا ببینند این قلب زنده می‌ماند

یا نه. دیدند این قلب دارد بزرگ می شود. محاسبه کردند اگر حدود یک سال به این قلب مواد لازم را تغذیه کنند وسعتش به اندازه قاره آمریکا می شود. این نشان دهنده قدرت خداوند است. اینها نعمت های خدا است که با دقت در این عجایب می توانیم زمینه های بیش تر خداشناسی را برای دانش آموزان فراهم کنیم.

بازی‌های جنگل

به این بازی‌ها بازی‌های جنگلی می‌گوییم چون بهترین مکان برای اجرای آن‌ها جنگل است، اما در مناطق دیگر هم قابل اجراست.

راز میوه

راز میوه برنامه‌ای است که موضوع آن توحید و خداشناسی است و فضای آن جنگل، باغ یا کوه است. اجرای این برنامه در جنگل ترجیح دارد اما در باغ و در کوه هم قابل اجرا است، حتی در بیابان هم این برنامه را می‌توان اجرا کرد. این برنامه برای گروه سنی ابتدایی و راهنمایی یعنی کلاس‌های چهارم، پنجم و مقطع راهنمایی اجرا می‌شود. البته به تناسب منطقه و فرهنگ دانش‌آموزان هم ممکن است متفاوت باشد. در بعضی از شهرها یا اردوهای دبیرستانی هم اجرا شده است و برای سال‌های اول دبیرستان هم جواب داده است. زمان این برنامه حدود ۲۰ دقیقه است. وسیله لازم برای اجرای این برنامه میوه به تعداد دانش‌آموزان است. میوه‌ها را معمولاً از میوه‌هایی انتخاب می‌کنیم که هسته داشته یا چیزی به عنوان باقی مانده داشته باشد که بتوانیم در برنامه از آن استفاده کنیم.

این برنامه در قالب یک مسابقه اجرا می‌شود زمان اجرای مسابقه به عنوان یک بازی محسوب می‌شود. وقتی می‌گوییم بازی یعنی اجرای یک برنامه ولی وقتی می‌گوییم مسابقه یعنی جایزه هم وجود دارد، پس ما در مرحله اول با عنوان یک بازی این برنامه را مطرح می‌کنیم، اما بعد جنبه مسابقه هم پیدا می‌کند.

اهداف این برنامه: ۱. احساس در محضر خدا بودن و ثبت و ضبط تمامی کارها- می‌خواهیم این احساس را به دانش‌آموز منتقل کنیم که ما در محضر هستیم و کارهای ما ثبت و ضبط می‌شود و بعد در مورد این‌ها تصمیم‌گیری

می‌شود. ۲. ترغیب به کارهای خوب و دقت در انتخاب- یعنی فرصتی به دانش‌آموزان می‌دهیم تا انتخاب کنند و در این برنامه می‌خواهیم این نکته را به آن‌ها یادآوری و تفهیم کنیم تا در انتخاب دقت کنند و به کارهای خوب گرایش پیدا کنند. ۳. پرهیز از غفلت و حواس‌پرتی- دقت در شنیدن یکی دیگر از اهداف این بازی است. در این بازی با یک جمله، سرنوشت هر فردی مشخص می‌شود که اگر آن جمله را دقیق نشنوند ممکن است بازنده باشند، پس دقت در شنیدن مهم است.

روش اجرای این برنامه

در مرحله اول دانش‌آموزان به گروه‌های مختلفی تقسیم می‌شوند. اگر گروه‌بندی نباشد میوه‌ها بین دانش‌آموزان تقسیم می‌شود، یعنی به هر دانش‌آموزی یک میوه داده می‌شود. در مرحله دوم مربی توضیحاتی می‌دهد و سوت زده می‌شود و با صدای سوت مربی بچه‌ها به اطراف می‌دوند و پراکنده می‌شوند و پشت درخت‌های جنگل پنهان می‌شوند و در مرحله سوم با سوت برمی‌گردند و برنده‌ها و بازنده‌ها مشخص می‌شوند و پاسخ صحیح اعلام می‌شود. در پایان آیه‌ای از قرآن با صوتی دلنشین خوانده می‌شود که در رابطه با این بازی است. هدف اصلی این بازی رسیدن به مفهوم این آیه از قرآن است. اما در مرحله اول از دانش‌آموزان می‌خواهیم در یک ستون به طور منظم بایستند. میوه‌ها تقسیم می‌شوند. دلیل هسته‌دار بودن میوه‌ها این است که دانش‌آموزان بعد از خوردن، هسته‌هایش را برگردانند. میوه‌ها باید از جهت بهداشتی کاملاً تمیز باشند و خیلی کال یا خیلی رسیده نباشند. بعد از تقسیم میوه‌ها مربی توضیحاتی می‌دهد. ابتدا از دانش‌آموزان می‌خواهد که فعلاً آن‌ها را نخورند، سپس می‌پرسد که چه کسانی بلد هستند خوب بدونند؟ بچه‌ها به

اردو

ویژه پسرها قدرت دویدنشان خوب است و آمادگی برای دویدن دارند، پس همه اعلام آمادگی می کنند و می گویند ما آماده دویدن هستیم. بعد می پرسد چه کسانی بلدند خوب بخورند؟ باز هم همه اعلام آمادگی می کنند. این برنامه را برای دخترها هم می شود اجرا کرد که البته بهتر و بلکه لازم است مربی خواهر باشد. بعد مربی می گوید آنهایی که بلدند خوب بخورند دستهایشان بالا، همه دستها بالا می رود. آنهایی که بلدند خوب بدون دستهایشان بالا. باز دستها بالا می رود. بعد مربی می گوید: این بازی خیلی ساده و آسان است، شما باید میوه هایتان را با صدای سوت بخورید و با صدای سوت برگردید، یعنی با سوت اول بدوید و میوه تان را یک جایی پنهانی بخورید و بعد با صدای سوت دوم برگردید. قبل از این که بچه ها حرکت کنند، مربی می گوید: بازی ما یک شرط دارد، شما باید میوه تان را جایی بخورید که هیچ کس و هیچ موجودی شما را نبیند. این در واقع رمز بازی است و این جمله، جمله کلیدی است و اگر به همین صورت گفته شود می توان روی آن قضاوت کرد. اگر مربی بگوید هیچ کسی شما را نبیند دانش آموز می تواند ادعا کند که شما گفتمی هیچ کسی نبیند و جواب مسابقه چیز دیگری است و شامل آن کس نمی شود، پس من درست خوردم. مربی باید روی لفظی که به کار می برد دقت کند؛ هیچ کس و هیچ موجودی شما را نبیند. موجود در واقع شامل چیزهای دیگر هم می شود که منظور ما از آن خداوند است.

نکته دیگر این که گاهی قبل از سوت زدن، دانش آموزان می دوند و پراکنده می شوند و این کار ممکن است باعث لو رفتن پیام و بی توجهی به جمله شود و بازی و مسابقه به هم بخورد. اگر ما کسی را به عنوان برنده معرفی کردیم، حتماً باید دلیل منطقی برایش داشته باشیم، اگر دلیل منطقی نداشته باشیم

دانش‌آموزان در عدالت ما شک می‌کنند. مربی اگر در ذهن دانش‌آموز خراب شد، عملاً نمی‌تواند کار فرهنگی انجام دهد. پس روی جملات و واژه‌هایی که به کار می‌برید دقت کنید و مطالب را طوری مطرح کنید که قابل دفاع باشد. قبل از این که سوت می‌زند. مربی توجه دانش‌آموزان را جلب می‌کند، اما این جمله را خیلی سریع می‌گوید و بعد از آن بلافاصله سوت زده می‌شود. در آن لحظه نباید جوابی داده شود و اگر داده شده نباید شنیده شود. بازی ما یک رمز دارد، اگر آن رمز لو رفت دیگر اجرای بازی بی‌مفهوم است. مربی ابتدا بچه‌ها را آماده می‌کند و این آمادگی هیجان ایجاد می‌کند و این هیجان به نشاط و جذابیت برنامه کمک می‌کند و به نوعی حواس دانش‌آموزان را نسبت به جمله‌ای که خواهد بگوید پرت می‌کند. اما مربی می‌گوید: «دقت کنید بازی ما یک شرط دارد و شرطش این است که میوه را جایی بخورید که هیچ کس و هیچ موجودی شما را نبیند» بلافاصله سوت زده می‌شود و از دانش‌آموزان خواسته می‌شود که پنهان شوند و میوه‌شان را بخورند. ممکن است بعضی از دانش‌آموزان جواب را سریع بگویند. باید حواسمان جمع باشد که دیگران متوجه نشوند. بعد از زدن سوت همه باید پراکنده شوند و به اطراف بروند. صحنه‌های این بازی دیدنی است، مثلاً کسی که لباس ورزشی دارد سرش را داخل لباس ورزشی پنهان می‌کند، گاهی پشت درخت، پشت خار، پشت بوته، پایش گیر می‌کند و زمین می‌خورد. صحنه‌هایی که بچه‌ها با آن تصور کودکانه و نوجوانانه‌شان خلق می‌کنند به نوعی نشان دهنده این است که ما انسان‌ها خیلی غافلیم. سعی می‌کنند جوری میوه را بخورند که کسی آن‌ها را نمی‌بیند. با سوت دوم بچه‌ها برمی‌گردند، هسته‌های میوه را به عنوان نشانه خوردن میوه با خودشان برمی‌گردانند، چون ممکن است دانش‌آموز میوه‌اش را

اردو

پشت درختی بیندازد و برگردد. هسته‌ها را نشان می‌دهند و خودشان هم احساسشان این است که برنده هستند. این دانش‌آموزان را تشویق می‌کنیم. بعضی وقت‌ها بچه‌ها به ویژه در اردوهای پرجمعیت هجوم می‌آورند تا ثابت کنند برنده هستند. ما باید آن‌ها را آرام کنیم و به آن‌ها اطمینان بدهیم که متوجه زود آمدن آن‌ها شده‌ایم تا فضا آرام شود. می‌توانیم همان صف منظمی را که در ابتدای برنامه داشتیم برقرار کنیم. در این بازی می‌خواهیم در یک موقعیت عملی به یک تجربه دینی برسیم. می‌خواهیم این فرصت را به آن‌ها بدهیم که خودشان را امتحان کنند و ببینند که آیا حاضرند به خاطر بعضی مسایلی معنوی از خیر مسایل مادی مثل شکم بگذرند.

در مرحله بعد می‌گوییم آن‌هایی که میوه‌هایشان را خوردند تشویق کنید. سپس به مرحله اصلی برنامه می‌رسیم و می‌گوییم: «شاید بعضی‌ها میوه‌هایشان را نخورده باشند از آن‌ها خواهش می‌کنیم که بیرون بیایند. بعد از تک تک آن‌ها می‌پرسیم که چرا میوه‌تان را نخوردید؟ علت این که تک تک می‌پرسیم این است که جواب‌ها را بشنویم تا جواب‌های اشتباه از پاسخ‌های صحیح جدا شود. به عنوان مثال زیاد دیده شده که دانش‌آموزی در پاسخ این سؤال گفته من میوه‌ام روی زمین افتاد و کثیف شد و دیگر نتوانستم بخورم یا دانش‌آموزی گفته مربی به ما گفت نخورید، چون اسم برنامه را قبلاً در جزوه دیده و فقط احساس کرده که نباید بخورد. دانش‌آموزی گفته من از این میوه خوشم نیامد یا میوه من گندیده و له شده بود. البته این دانش‌آموزان در یک ستون قرار می‌گیرند و تک تک جلو می‌آیند و پرسش و پاسخ مخفیانه صورت می‌گیرد. اگر پاسخ صحیح بود که یک طرف صف می‌بندند و اگر اشتباه بود از آن‌ها تشکر می‌کنیم و از آن‌ها می‌خواهیم به سایر دانش‌آموزان ملحق شوند. در

نهایت می‌گوییم از جمع شما دانش‌آموزان تعدادی زرنگ بودند و میوه را خوردند، اما زرنگ‌تر کسانی بودند که نخوردند و جواب صحیح به ما دادند و الان خودشان به شما می‌گویند که چرا نخوردند. قبل از اعلام اسامی، یکی از دانش‌آموزان جواب صحیح را با صدای بلند می‌گوید که من هر جا رفتم خدا را دیدم و شما به ما گفتید که جایی بخورید که هیچ موجودی یا هیچ کسی شما را نبیند. از این دانش‌آموزان تشکر می‌کنیم و با جایزه یا امتیازی تشویقشان می‌کنیم. چون بحث، بحث معنوی و دینی است، جایزه‌هایش هم باید خیلی خوب باشد یا اگر امتیاز می‌دهیم باید بالاترین امتیاز را به برنده‌های این بازی بدهیم. در عالم آخرت هم این را داریم. بعضی از کارها این قدر ثوابش زیاد است که آدم تعجب می‌کند و بعضی کارهای واجب ثوابش با یک کار مستحب متفاوت است. به عنوان مثال کسی که سلام می‌کند ۶۹ ثواب و کسی که جواب می‌دهد یک ثواب می‌برد، چون به وظیفه‌اش عمل می‌کند. اما سلام کننده به خاطر رعایت یک عمل مستحبی پاداش بیش‌تری می‌گیرد. علتش هم این است که ما به مستحبات توجه کنیم و اخلاق اسلامی رواج پیدا کند. بعد از اهدای جوایز یا امتیازات، آیه‌ای از سوره علق به وسیله قاری تلاوت می‌شود که مرتبط با مفهوم همین بازی است. توضیحی هم به دانش‌آموزان می‌دهیم و می‌گوییم بچه‌ها دقت کنید هر جا که باشید، هر کجا که بروید، چیزی که در دل یا فکر شما می‌گذرد، چیزی که بر زبان شما جاری می‌شود یا از جلوی چشمان شما می‌گذرد، صداهایی که می‌شنوید، همه این‌ها ثبت و ضبط می‌شود. خدا از انسان می‌پرسد که آیا انسان نمی‌داند که خدا می‌بیند؟ در واقع این سؤال نیست، می‌خواهد به انسان بفهماند که خداوند همه کارهای شما را زیر نظر دارد. حضرت امام رضوان الله علیه می‌فرماید: «عالم محضر خداست

اردو

در محضر خدا گناه نکنید» ما می‌خواهیم این حس را به دانش‌آموز در قالب بازی منتقل کنیم. گاهی این حس و این خاطره‌ها ماندنی می‌شود. بعضی از دانش‌آموزان حتی پس از ۱۰ سال با دیدن مربی از آن یاد می‌کنند.

چند نکته درباره این بازی: ۱. گاهی ممکن است بازی به دلایل گوناگون برود و هیچ کدام از بچه میوه را نخورند. ۲. گاهی ممکن است دانش‌آموزان - مثلاً دانش‌آموزان قرآنی باشند - و حواسشان جمع باشد. اگر امکان داشت همه را تشویق می‌کنیم و اگر امکان نداشت به صورت شفاهی یا از راه‌های دیگر آن‌ها را تشویق می‌کنیم. ۳. نباید کسانی را که میوه خوردند، سرزنش کنیم. ۴. بعضی وقت‌ها خود مربی‌ها هم مشتاق شرکت در این مسابقه هستند. به هر حال کسانی که در موقعیت‌های خاص دینی قرار می‌گیرند تجربه‌ها دینی‌شان بیشتر می‌شود و این تجربه‌های دینی کمک می‌کند تا انسان‌های دینی‌تر شوند، اما هرچه دین را به صورت یک بسته کاملاً مخفی یا بسته‌بندی شده به آن‌ها نشان دهیم و بگوییم این دین است، چیزی از دین نمی‌فهمند، اما اگر در موقعیت قرارش دهیم و بگوییم «بیا تجربه کن» حتی اگر این تجربه، منفی هم باشد مثل کودکی است که زمین می‌خورد، اما یاد می‌گیرد که دوباره بلند شود، یاد می‌گیرد که چطور بلند شود تا زمین نخورد. مثل گره‌هایی که در زمان جنگ می‌دادند. وقتی به جایی می‌خورد که هدف نبود، ثبت نمی‌شد، ولی اگر به هدف می‌خورد ثبت می‌شد. این گره‌هایی است که در ذهن انسان ایجاد می‌شود. به هر صورت برنامه راز میوه به دنبال این است که در فرصتی کوتاه - حدود ۲۰ دقیقه - این مفهوم را در ذهن دانش‌آموزان نهادینه کند.

جست و جوی گنج

برنامه جست و جوی گنج یک بازی و مسابقه است. موضوع این برنامه امامت است. ما در این برنامه کمک می‌کنیم تا دانش‌آموزان به اهمیت و نقش امامت در جامعه و نیاز انسان‌ها به داشتن امام، الگو و راهنما برسند. فضای این برنامه جنگل، باغ یا کوه است. انتخاب جنگل به خاطر بکر بودن و دست نخورده بودن آن است. گاهی وقت‌ها در این بازی‌ها می‌خواهیم بچه‌ها را به عالم تخیل، رویا یا به دور از واقعیت‌های معمول زندگی که غفلت می‌آورد، ببریم. به همین دلیل از یک فضای رویایی و شاعرانه مثل جنگل استفاده می‌کنیم تا سخن دینی‌مان نهادینه‌تر و اثر بخش‌تر منتقل شود. گروه سنی این برنامه راهنمایی است، یعنی از مقطع راهنمایی به بالا امکان اجرای این برنامه بیش‌تر است. زمان اجرای این برنامه حدود ۳۰ دقیقه است. البته مقدماتی دارد که مربی باید قبلاً آماده کند و این زمان جزء زمان بازی نیست.

چند نکته

۱. ابتدا دانش‌آموزان را به دو گروه تقسیم می‌کنیم، یعنی جوخه‌ها و گروه‌بندی‌های سازمان یافته دانش‌آموزی به دو گروه تقسیم می‌شوند، تعدادی از جوخه‌ها در یک گروه و تعدادی دیگر در گروه دیگر قرار می‌گیرند. قالب این برنامه بازی است، اما در پایان به مسابقه تبدیل می‌شود، در مرحله اول ما به دانش‌آموزان اعلام نمی‌کنیم که داریم مسابقه اجرا می‌کنیم، اما بعدها تبدیل به یک مسابقه خواهد شد.

اهداف این برنامه عبارتند از: ۱. تلاش و کوشش برای رسیدن به کمال و قله پیشرفت در این برنامه دانش‌آموزان را از موانع و مشکلات عبور می‌دهیم. گاهی آن‌ها را مجبور می‌کنیم از مسیرهای خاص و به صورت

اردو

کانالیزه شده حرکت کنند و این ممکن است برای انسانی که خودش را آزاد می‌بیند و آمده در جنگل تفریح کند کمی سخت باشد و این سختی، محدودیت می‌آورد و باعث می‌شود که برای رسیدن به قله کمال و پیشرفت تلاش و کوشش کند. ۲. هدف دوم این برنامه پرهیز از رفتن در راه‌های انحرافی و گمراه کننده است. ۳. توجه به اصول پیشرفت هم سومین هدف این بازی است. می‌خواهیم این مفهوم را منتقل کنیم که برای رسیدن به پیشرفت و کمال نیازمند راهنما و الگو هستیم و باید از او به طور کامل پیروی کنیم. پس کسی که «نؤمن به بعض و نکفر به بعضی» باشد خیلی موفق نمی‌شود و ممکن است به کمال نرسد. اجرای این برنامه سه مرحله دارد: الف- مقدمات بازی که شامل شناسایی، پنهان کردن، تهیه نقشه و معرفی دو راهنماست. ما در این بازی دانش‌آموزان را از مسیرهای تعیین شده عبور می‌دهیم تا به گنج برسند. چیزی که ما به عنوان گنج برای بچه‌ها پنهان می‌کنیم، چیزی است که حضرت محمد (ص) به عنوان دو گوهر گران‌بها به عنوان گنج زندگی به ما معرفی کرده است آن قدر کوچک است که قابل مخفی کردن باشد. یک قرآن کوچک به عنوان نقشه زندگی یا کامل‌ترین نقشه‌ای که در زندگی می‌توانیم به آن اعتماد و از آن پیروی کنیم در زمین مخفی می‌کنیم. اما در کنار قرآن چیزهای ساده‌تر مثل یک بسته شکلات، امتیازات و جوایزی که برای دانش‌آموزان هم شیرین و گنج زود بازده باشد و بتوانند زود به آن برسند، قرار می‌دهیم. به هر حال شکلات فقط برای شیرین کردن برنامه است، اما هدف اصلی ما پیدا کردن قرآن است، برای این‌که برنامه خسته‌کننده و خشک نباشد بخشی را به عنوان شیرینی کاری قرار می‌دهیم. شناسایی

منطقه‌ای که می‌خواهیم گنج را در آن پنهان کنیم مهم است، مناطقی باید باشد که عبور از آن راحت نباشد و دارای پیچ و خم باشد. اگر برنامه در جنگل باشد درخت دارد، درخت‌های تنومند را به عنوان اعجاز یا اعجاب آفرینش در مسیر قرار می‌دهیم تا دانش‌آموزان بیش‌تر تفکر و تأمل در آفرینش کنند. یا مثلاً تارهای عنکبوت را در معرض دید دانش‌آموزان قرار می‌دهیم. در مسیر نقشه می‌توانیم از این مسائل هم بحث کنیم، یعنی به دانش‌آموزان می‌گوییم که شما در مسیر به یک تار عنکبوت می‌رسید که فلان ویژگی را دارد. روی آن دقت کنید، ممکن است بعدها در مورد آن سؤال شود. هدف این است که از کنار این چیزهایی که در اطراف انسان است ساده نگذرند. به هر صورت این مسیر را باید قبلاً خودمان برویم و یادداشت برداری کنیم. نقشه‌ها را دقیق و کامل طراحی کنیم. این‌که گوشه‌ای بنشینیم و بنویسیم فایده‌ای ندارد. باید راه بیفتیم و قدم‌ها را واقعاً بشماریم. قدم را متوسط باید در نظر بگیریم که وقتی نقشه را دست یک گروه و راهنمای آن‌ها دادیم بتواند طبق آن جلو برود. به بعضی از جهت‌ها باید دقت کنیم. باید مواظب باشیم تا علائم و نشانه‌های ما با نمادهای طبیعی مخلوط نشود. مثلاً می‌گوییم بگردید فلان علامت را با فلان رنگ بین درخت‌ها پیدا کنید. مثلاً یک فلش قرمز یا نارنجی دارد. پس اگر فلش زرد بود نباید به آن مسیر بروند، آن مسیر برای این گروه مسیر انحرافی خواهد بود، این زحمت را باید بکشیم و نقشه را آماده کنیم. مسیر ممکن است رفت و برگشتی یا ضربدری باشد. در یک محیط محدود مثل کلبه می‌توانیم از ستون یک شروع کنیم تا ستون دو، این خیلی فشرده است. باید برای هر گروه یک مسیر مشخص کنیم تا با هم تلاقی نکنند. باید

اردو

حواسمان باشد جایی را برای مخفی کردن گنج انتخاب کنیم که کسی قبلاً وارد آن مکان نشده باشد، پس در تهیه مقدمات باید دقت کنیم و این موارد را رعایت کنیم. ب- پنهان کردن گنج که در انتهای مسیر نقشه قرار دارد. ج. تهیه نقشه و معرفی دو راهنما ۲. جست و جو- جست و جو توجه و کمک گرفتن از نمادهای کمکی در نقشه است. رموز شنیداری و تقسیم یافته‌ها که توسط دانش‌آموزان صورت می‌گیرد، یعنی لابلاهای جست و جوی گنج رمزهایی گذاشته‌ایم که باید با صدای بلند گفته شود. مثلاً ما زیر درخت انجیرنوشته‌ایم که وقتی به آن جا رسیدید یک «یا مهدی» با صدای بلند بگویید. وقتی این رمز را می‌گویند متوجه می‌شویم که در مسیر نقشه هستند و دارند به گنج می‌رسند، اما اگر این صدا نیامد و زمان طولانی شد، متوجه می‌شویم که دارند از مسیر منحرف می‌شوند پس باید سریع به کمکشان برویم و هدایتشان کنیم.

۳. مرحله سوم روش اجرا مربوط به توضیحات مربی است که کوتاه، ساده و احساسی است و به نوعی کمک می‌کند تا ما به اهدافمان برسیم. ابتدا دانش‌آموزان به دو گروه مساوی تقسیم می‌شوند، یعنی طوری نباشد که پنج جوخه یک‌جا باشند و یک جوخه در جای دیگر و نتوانیم عدالت را رعایت کنیم. از آن‌ها خواسته می‌شود که نماینده‌ای از گروه خودشان انتخاب و معرفی کنند. وظیفه نماینده تحویل گرفتن نقشه و بیان به موقع راهنمایی‌هایی است که برای اعضای گروهش در نظر گرفته شده است. ممکن است دانش‌آموزان نماینده‌ای انتخاب کنند که صلاحیت راهنما بودن را ندارد، می‌توانیم از این کار طوری که راهنمای منتخب ناراحت نشود، جلوگیری کنیم. می‌توانیم اجازه دهیم که همین راهنما را انتخاب

کنند و به نتیجه نرسند و بعد ما به آن هدفی که پشت برنامه است ودقت در انتخاب راهنما در زندگی است، برسیم و آن را برایشان باز کنیم و بگوییم که انسان‌ها در زندگی باید دقت کنند که پیرو چه کسی هستند. در قیامت یکی از سؤالات این است که بالاخره امام تو چه کسی بود و از چه کسی پیروی می‌کردی؟ یا بعضی‌ها حسرت می‌خورند و می‌گویند که ای کاش ما فلانی را وکیل، خلیل و دوست انتخاب نمی‌کردیم.^{۲۵} این دوست، دوستی است که تأثیرگذار است، یعنی به نوعی راهنمای زندگی انسان است. بچه‌ها در انتخاب راهنما آزادند. می‌توانند یکی از دانش‌آموزان یا مربیان را انتخاب کنند. اگر انتخاب به عهده ما گذاشته شد باید انتخابمان دقیق باشد تا مشکل پیش نیاید. به راهنماها هم باید توضیح بدهیم که طبق نقشه حرکت کنند، چون اصل بازی این است که طبق نقشه حرکت کنند تا به گنج برسند. فقط باید به رمزها و پیام‌ها دقت کنند. اگر به آن نکات مهم و ظریف دقت نکنند ممکن است گمراه شوند.

پس از ارائه نقشه، بازی آغاز می‌شود. بهتر است که این نقشه‌ها در دو برگ دو رنگ تهیه شود. ادامه نقشه را در طبیعت یا زیر درختان در جنگل پنهان می‌کنیم، البته بهتر است هم‌رنگ همان نقشه اول باشد. هنگامی که نقشه تحویل راهنما شد و گروه‌ها حرکت کردند، مربی و مسئولان برگزاری این برنامه باید خودشان را گنج برسانند یا نزدیک گروهی که به دنبال نقشه یا حوالی گنج هستند حرکت کنند و مواظب باشند گنج لو نرود یا دانش‌آموزان از مسیر خارج نشوند. این هم کمکی برای دانش‌آموزان است تا به محل پنهان شده

^{۲۵} .سوره فرقان آیه ۲۸.

اردو

گنج نزدیک شوند. برای گروه برنده ما معمولاً امتیاز در نظر می‌گیریم و این امتیاز از امتیازهای ویژه است که می‌تواند به ارتقا آن گروه در جمع کمک کند. می‌توانیم امتیاز و جایزه را به فرد هم بدهیم، یعنی به کسی که گنج را لحظه اول پیدا می‌کند. می‌توانیم خود گنج را هم هدیه کنیم یا یک امتیاز ویژه برای آن فرد بگذاریم و به گروه یا جوخه هم یک امتیاز بدهیم.

نکته بعد این است که در هر گروهی می‌توانیم نقشه‌خوان و قدم‌شمار در نظر بگیریم، همان‌طوری که در گشت‌های نظامی مرسوم است یک نفر قطب نما در دست دارد و گره‌ها را ثبت می‌کند و یک نفر قدم می‌شمارد و این قدم‌ها باعث دقت در شمارش قدم‌ها می‌شود. می‌توانیم یک نفر از مربیان یا دانش‌آموزانی را که سن بالاتر یا جثه قوی‌تری دارند انتهای مسیر قرار دهیم تا اگر کسی از ستون جا ماند به او کمک کند.

بخش‌هایی از نمونه نقشه: ۱. در اطراف خود بگردید و نقشه گروه خود را زیر تخته سنگی که پنهان شده بیابید و به آن عمل کنید، ادامه نقشه در کاغذ شماره دو ۲. این تکه کاغذ شماره ۱ را به گروه داده‌ایم، حالا باید بگردند طبق این مسیر تخته سنگی را که نشان خاصی دارد پیدا کنند. گاهی وقت‌ها تخته سنگ بزرگ است و بچه‌ها باید با مشارکت هم آن را بلند کنند و نقشه شماره ۲ را زیر آن پیدا کنند. روبروی جنوب بایستید. روی نقشه شماره ۲ نوشته «خسته نباشید»، خود پیدا کردن جنوب هم باید در برنامه اردویی آموزش داده شود. ۳. در نقشه نوشته شده که «حدوداً ۲۵ درجه به سمت جنوب غربی متمایل شوید الان رو به قبله هستید» این هم یک روش آموزش پیدا کردن

قبله در بیابان و طبیعت است. «در این جهت ۵۰ قدم بشمارید و جلو بروید تا به درخت انجیر برسید، ادامه نقشه شما با رمز پنهان شده است» ۴. روی درخت انجیر پرائتزی است و کلمات و حروفی روی آن نوشته شده که درنگاه اول بی معنا است. مثل: دیو، رب شیپ، هب، م، د، ق ۷ ورام و کچوک هداچ، رد. خوب این قابل کشف نیست، یعنی فعلاً چیزی از آن پیدا نمی شود. فلشی به این سمت زده شده که جمله را از چپ به راست بخوانید. جمله این شکلی می شود. «در جاده کوچک و مالرو ۷ قدم به پیش بروید» وقتی آن جا می روند یک فلش می بینند، یک علامت روی درخت می بینند و آن جا نقشه بعدی را پیدا می کنند. ادامه نقشه به این صورت است که روی درخت نوشته شده «این جمله را به ترتیب از سمت چپ به راست بخوانید» وقتی رمز را پیدا کردید با صدای بلند بگویید «یا مهدی» ۵. حالا به کمک راهنمای خود به مسیر ادامه دهید و توجه داشته باشید از سختی راه نترسید و مطمئن باشید تلاش و کوششتان بی نتیجه نخواهد ماند. اگر در مسیر خود به پل چوبی برخورد کردید، بعد از آن در یک جاده باریک به یک سه راهی می رسید. به سمت راست و چپ نروید و راه میانه را انتخاب کنید. همان تعبیری که در نهج البلاغه داریم، «الیحین والشحال مصله والطریق الوسطی هی الجاده»^{۲۶} ما اشاره ای به نهج البلاغه نمی کنیم، می گوئیم اگر در سه راهی قرار گرفتید به سمت راست و چپ منحرف نشوید و مسیر مستقیم را بروید. این

اردو

مفاهیمی است که در نقشه تعبیه کرده‌ایم و می‌تواند دانش‌آموز را با این مفاهیم آشنا کند. شاید به طور مستقیم دانش‌آموز متوجه این مفهوم نشود ولی در لابلای برنامه متوجه این موضوع خواهد شد. «در مسیر به جایی می‌رسید که بوته‌های خار راه را بر شما بسته‌اند، از آن بگذرید» گذشتن از این مانع هم چند نوع است. یک موقع خارها را دور می‌زنند، گاهی وقت‌ها خارها را جدا می‌کنند، گاهی وقت‌ها یک گروهی خودشان رد می‌شوند و به پشت سری‌هایشان کار ندارند. بعدها می‌توانیم روی این نوع رفتارها و عکس‌العمل‌ها تحلیل کنیم و حرف بزنیم. مثلاً گروهی خودشان ایستاده بودند و خارها را با چوب بلند کرده بودند تا دوستانشان از زیر خار عبور کنند. این یک کار قابل تشویق است. «پس از آن بوته‌های خار را در مسیر خود خواهید دید با صدای بلند بگویید: یا علی» این رمز دوم ماست که نشان می‌دهد این‌ها به کجای مسیر رسیده‌اند. «در جهت مسیر نشانه به حرکت خود ادامه دهید، همان فلش مورد نظر ماست. ۵۰ قدم دیگر در این مسیر پیش بروید به نشانه بعدی خواهید رسید که روی آن این جمله نوشته شده است، شما در نزدیکی گنج قرار دارید در شعاع ۱۲ متری این نوشته بگردید، گنج را روی درختان بیابید و صلوات بفرستید» پس از یافتن گنج آن را میان اعضای گروه خود تقسیم می‌کنند. این هم انتهای جمله آخر نقشه گنج است. اگر ما نقشه را قبلاً تنظیم کرده باشیم و کروی‌مان کامل باشد دانش‌آموزان به راحتی می‌توانند گنج را پیدا کنند و ما می‌توانیم حدس بزنیم که این‌ها در چه زمانی به گنج می‌رسند. برای هر دو گروه باید یک زمان مشخص

در نظر گرفته شود. عدالت در نقشه هم باید رعایت شود. نقشه باید خیلی گویا و خواندنش راحت باشد. در پایان وقتی گنج پیدا شد و دانش آموزان امتیازاتشان مشخص شد، مربی از دانش آموزان تشکر و از گروه برنده تقدیر می‌کند و توضیحاتی می‌دهد و می‌گوید: «همان‌طور که دقت کردید راه‌های انحرافی و علائم اشتباهی هم در مسیر شما بود، اما شما مسیر را درست رفتید و به گنج رسیدید، پس اگر می‌خواهید در زندگی هم به گنج برسید حتماً باید طبق نقشه عمل کنید، نقشه‌ای که ما را به کمال و گنج می‌رساند، همان نقشه‌ای که خدا برای ما انتخاب کرده، البته بعضی‌ها ترجیح می‌دهند که با نقشه‌های غیر الهی حرکت کنند، اما این افراد به هدف نمی‌رسند شاید به نتایجی هم برسند، اما این نتیجه‌ها ماندنی نیست. در پایان آیاتی از قرآن که امامت یا در رابطه با راهنما و انتخاب الگو است انتخاب و تلاوت شود. توضیحات آخر مربی نباید بیش از ۵ دقیقه طول بکشد، چون تمام لذت و شیرینی بازی از بین می‌رود. نکته دیگر این‌که کسانی که گنج را پیدا نکردند، نکوهش نشوند، به آن‌ها بگویید که اگر دقت می‌کردند گنج را پیدا می‌کردند. اگر اعتراض کردند که نقشه درست نبوده یا گنجی وجود نداشته، آن‌ها را به مسیر می‌بریم، علائم و نشانه‌ها و در نهایت گنج را نشان می‌دهیم. این بازی در ۳۰ دقیقه قابل اجرا است. نکته پایانی: باید به بچه‌ها تفهیم کمی که اگر بخواهیم به گنج برسیم سختی‌ها، تلاش و کوشش را نباید نادیده بگیریم، سختی‌هایی که ما در مسیر پیدا کردن گنج

اردو

می کشیم، باعث شیرینی آن می شود. در درس خواندن، نمره آوردن و موفقیت های تحصیلی هم همین مطلب صادق است.

تصمیم مشکل

تصمیم مشکل یکی از موقعیت‌های تجربه عملی و دینی دانش‌آموزان است. ما دانش‌آموزان را در موقعیتی قرار می‌دهیم که تصمیم بگیرند و این تصمیم، تصمیم مشکلی است، یعنی باید از بین دو راه، یک راه را انتخاب کنند. در حالی که آزاد و مختارند. انتخاب هر کدام از این راه‌ها می‌تواند پیامدهای خوب یا بدی داشته باشد. برای رسیدن دانش‌آموزان به شناخت و انتقال مفاهیم دینی باید به جای آموزش مستقیم آن‌ها را در موقعیت قرار دهیم تا تصمیم بگیرند. نوع تصمیمی که می‌گیرند در سرنوشت امتیاز یا جایزه‌ای که برایشان در نظر گرفته شده مؤثر است. تصمیم مشکل موضوعش معاد و بحث شیطان ستیزی است. نکته بعدی فضای این برنامه است، به طور کلی جنگل بهتر از باغ و کوه است. گروه سنی این برنامه هم مقطع راهنمایی است، اما گاهی در مورد دبیرستان و مقطع چهارم و پنجم ابتدایی هم جواب داده است، زمان این برنامه حدود ۳۰ دقیقه است. یعنی ۳۰ دقیقه از وقت اردو را در جنگل به خودش اختصاص می‌دهد. وسایل لازم برای اجرای این برنامه لباس گروه نمایش، یکی دو نفر بازیگر و جایزه یا امتیاز برای برندگان مسابقه است. قالب این برنامه برخلاف برنامه‌های قبلی مسابقه است.

اهداف این برنامه: ۱. می‌خواهیم دانش‌آموزان بعد از این برنامه و برنامه‌های مشابه به این نتیجه برسند که وسوسه‌های شیطانی را نادیده بگیرند و به خواسته‌های دلشان توجه نکنند. ۲. رسیدن به بینش کافی برای انتخاب راه درست و نادرست؛ ۳. ملموس کردن مفاهیم قرآنی - نهادینه کردن برخی از آیات و مفاهیمی که جنبه انتزاعی دارد یا هنوز اتفاق نیفتاده برای دانش‌آموزان کار ساده‌ای نیست. موضوع این بحث آیات سوره قاف است که در بخش قبلی

اردو

مطرح شد. گفت وگویی انسان، شیطان و خدا که ما این را به صورت یک اتفاق و حادثه در اردو ایجاد می‌کنیم تا شیوه تصمیم‌گیری دانش‌آ‌وزان را مشاهده کنیم.

مکان اجرای این برنامه جنگل است. بچه‌ها وقتی وارد جنگل می‌شوند به دنبال این هستند که راه بروند، درخت‌ها را بررسی کنند و قارچ میوه‌های درختی را پیدا کنند. اگر ما به محض این‌که وارد جنگل شدیم، بچه‌ها را مجبور کنیم یک جا بنشینند یا برنامه‌ای را اجرا کنیم که نیازمند تمرکز شدید است کاری از پیش نمی‌بریم. پس راز میوه اولین برنامه‌ای است که در جنگل اجرا می‌کنیم. بعد از آن تصمیم مشکل یا جست و جوی گنج را اجرا می‌کنیم. برنامه تصمیم مشکل به این صورت است که ما به دانش‌آموزان می‌گوییم: «دانش‌آموزان عزیز، ما در این ساعت یا در این زمان کاری داریم که مجبوریم جدا از شما جایی بنشینیم و با مربی‌های شما صحبت کنیم» و با دلیلی قانع‌کننده مربی‌ها را از جمع دانش‌آموزان جدا می‌کنیم. مربی‌ها را به دو دلیل از بچه‌ها جدا می‌کنیم. اول این‌که ممکن است حضورشان باعث خرابی کار شود و دوم این‌که بچه‌ها را آزاد بگذاریم. چون وجود مربی ممکن است باعث محدودیت بچه‌ها شود. بعد از جدا کردن مربی‌ها یا آن‌ها را سرگرم می‌کنیم یا اصل قضیه را به آن‌ها می‌گوییم. در هر صورت یکی دو تا از مربی‌ها باید در جریان کار باشند تا در کارها به ما کمک کنند. بعد به دانش‌آموزان می‌گوییم که الان مربی‌ها همراه شما نیستند، کاری برایشان پیش آمده و شما هم اختیار دارید که هر کاری را انجام دهید، منتها مواظب خودتان باشید، اگر از درخت بالا می‌روید مواظب باشید، آزاد هستید، اما دقت کنید که به خودتان آسیبی نرسد. به نظر ما اگر این جا بمانید برایتان بهتر است، ولی اگر خواستید بروید هم اشکالی

ندارد. این نکته، رمز این برنامه است که برگرفته از آیه قرآن است. «... عسی ان تکرهوا شیئاً و هو خیر لکم و عسی ان تحبوا شیئاً و هو شر لکم؛ چه بسا چیزی را خوش نداشته باشید، حال آن که خیر شما در آن و یا چیزی را دوست داشته باشید حالا آن که شر شما در آن است»^{۲۷} می‌خواهیم این دو مفهوم را در این آیه به دانش‌آموز منتقل کنیم. خدا دارد به انسان می‌گوید که شما بعضی چیزها را دوست دارید، اما برایتان بد است و بعضی چیزها را دوست ندارید و تحملش سخت است، ولی برایتان خوب است مثل نماز که «انها لکبیره الا علی الخاشعین؛ نماز با این که حرکات ساده ای است، اما سنگین است مگر بر کسانی که خاشع باشند»^{۲۸} یا مثلاً روزه گرفتن کار سختی است، ولی در دنیا و آخرت خوبی‌هایی دارد. بعد از رها کردن دانش‌آموزان، یکی دو تا از مربی‌ها را با فاصله متناسب مسئول مواظبت از دانش‌آموزان می‌کنیم، تا اتفاق خطرناکی نیفتد یا بچه‌ها دعوا نکنند. سپس گروه نمایش لباس‌هایشان را می‌پوشند و وارد صحنه می‌شود گاهی وقت‌ها لباس گروه نمایش گاهی سراپا شکل حیوان است مثل ببر و شیر و گاهی لباس‌های نمایشی بلند با رنگ‌های مختلف مثل قرمز یا سیاه است، که می‌تواند مفاهیم منفی را منتقل کند. ماسک‌های شیطانی یا ماسک حیوانات وحشتناک می‌زنند. بعد آرام آرام به سمت بچه‌ها می‌روند. بعضی وقت‌ها چیزهایی هم در دست‌شان می‌گیرند که برای بچه‌ها جذابیت دارد. به عنوان مثال وسط تابستان در جنگل یک دانه هندوانه بزرگ در دست می‌گیرند و با چاقو به سمت بچه‌ها می‌روند. تصور کنید دانش‌آموزانی که حدود ۱۰ دقیقه معطل شده‌اند، شاید احساس بلا تکلیفی کنند و بعد وسوسه

۲۷ . سوره بقره آیه ۲۱۶.

اردو

شوند که از درخت بالا بروند. با این قیافه خنده‌دار یا وحشتناک به سمت بچه‌ها می‌آیند. پسرها معمولاً خیلی زود جذب می‌شوند و به سمت آن‌ها می‌روند. در اردوی دختران باید دقت کنیم و از قبل پیش زمینه‌هایی ایجاد کنیم تا این ماسک وحشتناک باعث ترس، دلهره یا غش کردن دانش‌آموزان نشود. به هر حال این‌ها پیش بچه‌ها می‌آیند و آن‌ها را دعوت به خوردن هندوانه می‌کنند. از این جا به بعد، آن بازیگر میدان‌دار صحنه است. گاهی وقت‌ها بچه‌ها همکاری نمی‌کنند یا بعضی‌ها می‌نشینند و بعضی‌ها نمی‌نشینند. با ترفندهایی بچه‌ها را می‌نشانند تا هندوانه‌ها را بخورند، اما به دلیل این‌که خداوند می‌فرماید «وسوسه‌های شیطانی هیچ وقت اجرا نمی‌شود یا گاهی وقت‌ها به تحقق نمی‌پیوندد آن کسی که فریب شیطان را می‌خورد معمولاً به هدف و آرزویش نمی‌رسد» شیطان به بچه‌ها می‌گوید که این جا خوب نیست مثلاً سایه‌اش به درد نمی‌خورد یا درخت‌هایش سرو صدا دارد یا گرم است و ... به جای دیگری برویم. بالاخره با وسوسه‌های شیطانی و آرام آرام بچه‌ها را از آن محل دور می‌کند. گاهی وقت‌ها بچه‌ها همراه شیطان نمی‌روند. بعضی‌ها بعد ملحق می‌شوند. بعضی از کسانی که همراه شیطان می‌روند بازیگران نقش شیطان هستند، این‌ها همراه شیطان می‌روند و دوباره برمی‌گردند و به جمع بچه‌هایی که مانده‌اند می‌پیوندند. شیطان بچه‌ها را دور می‌کند و به نقطه مورد نظری که تعیین کرده‌ایم می‌برد و آن‌ها را با کارهایی مثل خواندن شعر و ترانه‌های مجاز و کارهایی که حال و هوای اردو دارد مشغول می‌کند. مربی یا روحانی اردوگاه از دانش‌آموزانی که مانده‌اند به صورت تک‌تک یا گروهی می‌پرسد که چرا همراه بقیه بچه‌ها نرفته‌اند. معمولاً بیش‌تر کسانی که مانده‌اند جوابشان این است که این شیطان بود و شما به ما گفتید که این جا بمانید بهتر

است. معمولاً تعداد کسانی که می‌مانند بیش‌تر است، سپس بهتر است این سؤال به صورت گروهی پرسیده شود. به بچه‌های باقی مانده امتیاز می‌دهیم. یعنی یا کارت امتیاز به آن‌ها می‌دهیم یا این که کارت‌های امتیازشان را سریع پر می‌کنیم یا یک نشانه یا برجسب به آن‌ها بدهیم. بعد پرچم برافراشته می‌شود و سرودهای مذهبی اجرا می‌شود و با صلوات به جایی که شیطان و گروهش رفته‌اند می‌رویم. سرودهایی که خوانده می‌شوند معمولاً سرودهای صلوات است. این سرود را یک نفر می‌خواند و بقیه هم جواب می‌دهند. محل قرار معمولاً جایی است که بین دو گروه فاصله می‌اندازد مثل کانال آب. یک گروه سمت چپ قرار می‌گیرند که به تعبیر قرآن اصحاب شمال هستند و یک گروه سمت راست قرار می‌گیرند که اصحاب یمین هستند. گروه شیطان مشغول شعرخوانی و دست زدن هستند. گروه مقابل هم صدای صلواتشان را بلندتر می‌کنند. یک مبارزه لفظی هم در این جا شکل می‌گیرد. گروه شیطان می‌گویند «ما بردیم و ما بردیم» گروه مقابل هم جواب می‌دهند که «گول خوردید و گول خوردید» بعد مربی توضیح می‌دهد که ما به شما گفتیم که اگر این جا بمانید برایتان بهتر است. بعضی‌ها ماندند و امتیاز گرفتند. تازه آن‌ها متوجه می‌شوند که چه کلاهی سرشان رفته و چه اشتباهی کرده‌اند. بعد از این ماجرا صحنه‌های جالبی پیش می‌آید. بعضی از بچه‌هایی که گول خورده‌اند شروع می‌کنند به معذرت خواهی که نمی‌دانستند و گول شیطان را خورده‌اند. بعضی‌ها هم با شیطان دعوا می‌کنند که چرا ما را از امتیاز محروم کردی. بعد شیطان می‌گوید: «من نگفتم حتماً بیایید. خوب این‌ها ماندند شما هم می‌توانستید بمانید و نیایید.» این حرف حسرت این‌ها را بیش‌تر می‌کند. باز به شیطان می‌گویند: «تو گفتی بیایید برویم هندوانه بخوریم» در جواب می‌پرسد،

اردو

«آیا هنداونه خوردید یا نه؟» باز داغ دل این‌ها تازه‌تر می‌شود. چون قرار گذاشته‌اند که هندوانه را بعد بخورند. این نکته را در کتاب‌های دینی داریم که شیطان در لحظه احتضار بعضی از افراد حاضر می‌شود و هنگام گفتن شهادتین یک لیوان یا کوزه آبی به آن‌ها نشان می‌دهد و می‌گوید: «شهادتین نگو تا من به تو آب بدهم» بالاخره او شهادتین نمی‌گوید و از دنیا می‌رود و شیطان هم کوزه را پرت می‌کند و آن فرد تشنه می‌میرد. این به عنوان مثال در احادیث نقل شده، ولی واقعیت دارد. گاهی وقت‌ها ما فکر می‌کنیم که شیطان ما را به مسیری که وسوسه می‌کند می‌رساند، اما معمولاً هرگناهی، هر کار اشتباهی پشت سرش هم حسرت است و هم پشیمانی، گاهی وقت‌ها آبروریزی و ... هم است. بعد به بچه‌ها می‌گوییم که این قصه و بازی دقیقاً در قرآن آمده است. خدا هم این پیش‌بینی را انجام داده است منتها نه برای اردو، و نه برای امروز، بلکه برای روزی به نام روز قیامت که انسان‌ها را می‌آورند و می‌خواهند مؤاخذه‌شان کنند در پایان هم می‌توان آیات سوره قاف را با ترجمه و توضیح کوتاهی خواند و برنامه را تمام کرد. اما یادآوری چند نکته ضروری است: ۱. چون قرار است مفاهیم قرآنی را به دانش‌آموزان منتقل کنیم باید یک فضای واقعی ایجاد کنیم و در گفتن جملات هم دقت کنیم. باید به آن‌ها بگوییم: «از این لحظه شما آزاد هستید و اختیار با خودتان است. می‌توانید بروید یا بمانید، ولی به نظر من اگر بمانید بهتر است» در غیر این صورت ممکن است دانش‌آموزان بعدها شاکی شوند و روی جملات ما قضاوت کنند و از ما طلبکار شوند. ۲. انتخاب جنگل هم به این دلیل است که فضای جنگل یک فضای رویایی است و با فضای داستانی سازگاری دارد. ۳. لازم نیست مربی‌های همراه اردو از موضوع شیطان و شیطانک‌هایی که ممکن است بیابند

و نقش بازی کنند اطلاع داشته باشند، چون ممکن است مفهوم را لو بدهند. حتی بعضی وقت‌ها اگر ندانند به جذابیت کار افزوده می‌شود. مثل بازی میوه که مربی‌ها هم در آن شرکت می‌کنند. ۴. لحظه‌ای که دانش‌آموزان را رها می‌کنید یادتان باشد که حتماً یکی دو نفر از مریبان بافاصله مناسب مواظب بچه‌ها باشند. ۵. مفاهیم مربوط به این مربوط به برنامه آیه ۲۸ سوره قاف است. لازم است قبل از اجرا آیه، ترجمه و تفسیر آن را مرور کنیم تا در بیان توضیح آن دچار مشکل نشویم. در پایان برنامه ضمن معرفی شیطان که معمولاً جزو محبوب‌ترین نیروهای اردوگاه است از او تشکر می‌کنیم و به بچه‌ها توضیح می‌دهیم که این یک بازی و اتفاق بود. مبدا احساس گناه کنید یا دوستانی را که در گروه شیطان قرار دارند با اسامی زشت صدا کنید. در پایان هم حرف اساسی مان را می‌زنیم که دقت کنیم در زندگی حرف شیطان را گوش ندهیم. تصمیم مشکل برنامه‌ای است که نیازمند دقت و ظرافت ویژه‌ای است و اگر این دقت‌ها و ظرافت‌ها رعایت شود تأثیرگذار است. دانش‌آموزان گول‌خورده عذر خواهی می‌کنند و حسرت می‌خورند. در قرآن هم داریم «وا حسرتا علی ما فرطنا...»^{۲۹} یعنی انسان‌های جهنمی از آن افراط‌هایی که کردند، از چیزهایی که ترک کردند، از کارهای خوبی که انجام ندادند و از کارهای بدی که انجام دادند. حسرت می‌خورند. در مسابقه تصمیم مشکل اگر دانش‌آموزان تصمیم خوب گرفتند برنده هستند و احساس افتخار می‌کنند و اگر تصمیم نادرستی گرفتند یادشان می‌ماند که در برنامه‌های دیگر زندگی تصمیم درستی بگیرند.

هشدار

هشدار هم یک برنامه عملی و یک تجربه حسی است. در این برنامه دانش‌آموزان در یک موقعیت قرار می‌گیرند و شناختی نسبت به خودشان پیدا می‌کنند و هر کسی با خودش بیشتر آشنا می‌شود. موضوع این برنامه، هم‌دلی و هم‌دردی نسبت به همراهان و همسفران است. این برنامه را در هر زمان و مکانی می‌توان اجرا کرد. در خود اردوگاه، در جنگل و هنگام غذا خوردن. گروه سنی این برنامه هر سه مقطع است. به تناسب هر مقطعی با توجه به ویژگی‌ها و شناختی که از سنشان داریم می‌توانیم یک حادثه یا هشدار برایشان ایجاد کنیم. زمان مناسب این برنامه هم حدود ۲۰ دقیقه است. بیش‌تر از ۲۰ دقیقه صلاح نیست مگر این‌که حساسیت موضوع و نیاز آن اردو ایجاب کند. وسایل لازم این برنامه امدادی است، در صورتی که هشدارمان مربوط به حادثه‌ای باشد که نیازمند لوازم امدادی باشد. در غیر این صورت می‌تواند متفاوت باشد که توضیحش خواهد آمد. قالب این برنامه یک نمایش حادثه‌ای است، یعنی حادثه‌ای مصنوعی پیش می‌آوریم تا عکس‌العمل دانش‌آموزان را ببینیم. در برنامه هشدار برخلاف تصمیم مشکل، نمایش ما از قبل طراحی نشده است. فقط شروعش با ما است، ادامه و پایانش با دانش‌آموزان و شرکت‌کنندگان در اردو است. ما به طور دقیق نمی‌دانیم که در طول برنامه چه اتفاقی می‌افتد.

گاهی ممکن است اصل برنامه هم لو برود، یعنی به هدف اصلی برنامه نرسیم. اهداف این برنامه عبارتند از: ۱. جلوگیری از احساس بی‌تفاوتی - گاهی مشاهده می‌شود که احساس بی‌تفاوتی و بی‌توجهی نسبت به مشکلات دیگران زیاد است. در اردوهایی که این مشکل بیش‌تر وجود دارد ما می‌توانیم هشدار

یا برنامه حادثه را پررنگ تر جلوه دهیم. ۲. رعایت مقررات و تذکرات مسئولان
۳. حفظ خونسردی هنگام خطر- یکی از معضلات جامعه یا این است که
وقتی حادثه‌ای اتفاق می‌افتد، خیلی زود دست و پایشان را گم می‌کنند. به ویژه
کسانی که صحنه تصادف یا مجروحی را می‌بینند خیلی زود اعصابشان به هم
می‌ریزد و به وضعیتی دچار می‌شوند که نمی‌توانند کار مفیدی انجام دهند. در
زمان جنگ زیاد از این صحنه‌ها دیده شده است. وقتی مجروحی می‌آوردند
عده‌ای دستپاچه می‌شدند و خودشان را گم می‌کردند، اما بعضی‌ها با حوصله و
ظرافت می‌نشستند و همان زخم را می‌بستند یا به مجروح کمک می‌کردند و
تصمیم درستی می‌گرفتند.

در یکی از صحنه‌های عملیات وقتی مین منور روشن شد، نوجوان بسیجی
کلاه‌خودش را روی مین گذاشت. این مین آن قدر گرمایش شدید بود که کلاه
را آب کرد. بعد نوجوان بسیجی خودش را روی مین انداخت. و بدنش
سوخت و نگذاشت که نور این مین در اطراف پخش شود. این صحنه را وقتی
برای نوجوان امروز مطرح می‌کنید شاید باور نکند، ممکن است بگوید این‌ها
خالی بندی است، اما وقتی خودش را با صحنه‌ای درگیر کنید می‌بیند کاری که
شما کردید با کار آن نوجوان تفاوت زیادی ندارد. در واقع یکی از اهدافمان
تقویت ارزش‌ها و ایجاد حس دلسوزی و هم‌دردی در افراد است. در هر برنامه
متناسب با همان برنامه، پیش‌بینی‌های لازم صورت می‌گیرد. در یکی از برنامه‌ها
به یک نوجوان گفته شد که نقش یک آدم مارگزیده را اجرا کند. مقدمات این
برنامه تهیه وسایل امدادی جهت نقل و انتقال مثل آمبولانس است.
نقش مربی نظارت و کنترل است و در واقع امر و نهی نمی‌کند. در یکی از
برنامه‌ها به دانش‌آموزان تذکر دادیم که ممکن است لایه‌های مارهای جنگلی

اردو

مارهای سمی هم پیدا شود. ضمناً قرار نیست که ما به خاطر یک اردوی چند روزه نظم طبیعت را به هم بزنینم. علاوه براین که دست زدن بچه‌ها به مارهای غیرسمی هم از نظر روانی تأثیر منفی روی سایر دانش‌آموزان و خانواده‌ها می‌گذارد. بنابراین با یکی از دانش‌آموزان که کار بازیگری کرده بود صحبت کردیم و از او خواستیم که نقش مارگزیده را بازی کند. فقط چند نکته را به او تذکر دادیم: ۱. در حال اجرای برنامه نخندد و نقشش را خوب اجرا کند ۲. نقشی را که داده شده خوب و کامل اجرا کند ۳. روی رفتار بچه‌ها دقت کند و در صورت لزوم بتواند توضیحاتی را که می‌خواهیم بدهد.

دانش‌آموز آماده شد و هنگام استراحت بچه‌ها و بعد از ناهار که عده‌ای دراز کشیده بودند و عده‌ای بازی می‌کردند و عده‌ای دور هم صحبت می‌کردند، یک دفعه دادو هوارش بلند شد و «آخ» بلندی گفت. عده‌ای از بچه‌ها دورش جمع شدند و معلوم شد این شخص را مارگزیده است. چون زیر درختی بود که پر از مار بود. عکس‌العمل بچه‌ها متفاوت بود. عده‌ای بی‌تفاوت بودند. عده‌ای مسخره می‌کردند و مزه می‌پراندند. نقش مربی در این جا این است که صحنه را جدی‌تر جلوه دهد. قصد ما دروغ گفتن نیست، آموزش دروغ‌گویی هم نیست، ما می‌خواهیم به این‌ها بگوییم که اگر چنین صحنه‌ای در زندگی برای شما اتفاق افتاد شما به عنوان یک انسان و یک هم‌نوع در مقابل سایر انسان‌ها مسئول هستید. یکی می‌گفت: برویم فلان علف را بیاوریم به پایش بزنینم، می‌گفت «جای زهر را بگیر و فشار بده»، نفر بعدی می‌گفت «یک ذره آبلیمو بزن». نوع برخورد‌ها جالب است. در نهایت مربی این‌ها را پراکنده می‌کند. مربی باید بسیار خونسرد و بی‌تفاوت باشد تا عکس‌العمل بچه‌ها را نسبت به خودش مشاهده کند. گاهی وقت‌ها این رفتار مربی باعث ناراحتی و عصبانیت

دانش آموزان می شود. یعنی آن‌ها هم تعجب می کنند که چرا مربی در این لحظه بی خیال و بی تفاوت است. به هر صورت کار مربی نظارت و ارزیابی رفتار بچه‌ها و کنترل اوضاع است. مرحله بعدی تحلیل رفتارها است. وقتی این صحنه به مرحله مورد دلخواه ما رسید، بحث را جمع می کنیم، به مصدوم رسیدگی می کنیم و حالش را جا می آوریم. یا از قبل با دانش آموز قرار می گذاریم که شما به فلان مرحله که رسیدی تمام کن. یا اصلاً از صحنه خارجش می کنیم تا فضا و ذهنیت‌ها را آماده کنیم. پیامدها و رفتارهایی را که افراد انجام دادند تحلیل می کنیم و بحث صداقت و دروغگویی را برای دانش آموزان توضیح می دهیم و به آن‌ها می گوییم: «حالا اگر این اتفاق واقعاً افتاده بود، شما واقعاً همین کار را انجام می دادید؟ این یک نمایش بود و نمایش دروغ نیست.» در بعضی از اردوها خاطرات عجیبی از این کار داریم. یک سال مربی‌های تحت آموزش را برای دوره کارآموزی به همدان اطراف مقبره بابا طاهر عریان برده بودیم. از یک مربی که کار تئاتر کرده بود تقاضا کردیم که یک صحنه به وجود آورد. به پیشنهاد خودش قرار شد آپاندیسش عود کند. ایشان یک باره روی چمن‌های وسط فلکه افتاد. بچه‌ها و تصویربردار اردو هم دورش جمع شدند. کم کم مردم عادی هم دور او جمع شدند. مسئول اردو به دنبال ما فرستاد که حال یکی از بچه‌ها خراب است. جالب است که مسئول اردو هم از این قضیه بی اطلاع بود. من گفتم: «شما بروید، من می آیم» بعضی بچه‌ها اعتراض داشتند که آقا چرا نمی آید، این مربی حالش خراب شده است و باید سریع به بیمارستان منتقل شود. دیدم یک نفر که لباس فرم آتش‌نشانی بر تن دارد احساس هم دردی کرده و دارد تنفس مصنوعی می دهد. از او تشکر کردم و به او گفتم: «طوری نیست مشکل حل می شود»، اما او گیر

اردو

داد که اگر دست به مریض بزنید آپاندیسش می‌ترکد. حالا ما مانده‌ایم قضیه‌ای را که خودمان شروع کرده‌ایم چگونه جمعش کنیم. بعد فهمیدم که با اورژانس هم تماس گرفته‌اند. مدت کوتاهی حدود ۲ الی ۳ دقیقه که گذشت با این بهانه که معلوم نیست اورژانس چه زمانی برسد، مأمور آتش‌نشانی را راضی کردیم تا او را با احتیاط به اتوبوس منتقل کنیم و به بیمارستان برسانیم. به هر حال عکس‌العمل افراد مختلف بود. بعضی‌ها سعی می‌کردند کمک کنند، بعضی‌ها بی‌خیال ایستاده بودند، بعضی‌ها هم شروع کردند به دعا کردن و خواندن سوره حمد. کم‌کم از مریض خواستیم که چشمانش را ببندد و تکیه بدهد تا حالش بهتر شود. مدتی بعد لیوان آبی به او دادیم و به اصطلاح حالش بهتر شد. وقتی به بیمارستان رسیدیم از او پرسیدیم که نیازی دارد که به بیمارستان برود. او هم گفت که مشکلی ندارد و کم‌کم دارد حالش بهتر می‌شود. اعلام کردیم که حال ایشان دارد خوب می‌شود و مشکلی ندارد، صلوات بفرستید. همه خوشحال شدند و صلوات فرستادند. بچه‌ها را به رستوران فرستادیم. بعد از او پرسیدیم: «چرا این قدر وضعیت حاد شد؟» گفت: «اولش فیلم بود، اما بعد احساس کردم قلبم درد می‌کند.» در واقع تنفس مأمور آتش‌نشانی و کارهای ما حالش را بهتر کرده بود و گرنه ممکن بود از دست برود. این‌ها هم جزو تجربه است که باید به آن دقت کنیم. بعد هم بین دوستان تحلیل کردیم که خوب اگر این ماجرا به مشکل جدی‌تری می‌رسید، واقعاً بعضی‌ها چنین رفتاری می‌کردند؟ بالاخره به شکلی بحث را تمام کردیم. باز در یک صحنه دیگر به دانش‌آموزان اعلام کردیم که بچه‌ها ممکن است مثل اوایل انقلاب منافقین به این منطقه حمله کنند. بعد هم حادثه‌ای ایجاد کردیم. صدای انفجاری صورت گرفت و دانش‌آموزان پرسیدند «چه اتفاقی افتاد؟» گفتیم: «نمی‌دانیم شاید

منافقین حمله کرده‌اند.» عکس‌العمل دانش‌آموزان جالب بود، یکی چوب برداشته بود برود با منافقین بجنگد، یکی فرار می‌کرد، یکی گریه می‌کرد، یکی نمی‌توانست بند کفشش را ببندد، یکی کفش اشتباهی پوشیده بود و ... این‌ها هم صحنه‌های جالبی بود. یا در یک برنامه کوه نوردی به دانش‌آموزان گفته بودیم که به تنهایی جایی نروند و پراکنده نشوند. کوه تقریباً حالت صخره‌ای داشت. در آن جا هم یکی از دانش‌آموزان نقش مصدوم را بازی کرد و مثلاً از جایی پرت شده بود و پایش شکسته بود. دانش‌آموزان کمک کردند و آتل صحرائی بستند و روی یک بلانکارد صحرائی او را سوار کردند و تا مسیری بردند. هماهنگ شد که آن جا بمانند تا گروه بعدی اردو به آن‌ها ملحق شود. در برنامه فیش‌های غذایی را که از اردوگاه تحویل گرفته بودیم، گم کردیم و چون بدون فیش غذا نمی‌دادند، طبق مقررات باید از بیرون غذا تهیه می‌کردیم. در این جا هم عکس‌العمل‌ها جالب بود. بعضی‌ها رفتارشان کاملاً منطقی بود و می‌گفتند: «آقا اشکال ندارد، خوب اتفاق است خودتان را ناراحت نکنید. بعضی‌ها بر سر مربی‌ها داد می‌زدند که آقا این چه وضعی است؟ شما یک فیش را نمی‌توانید نگه دارید، ما را آوردید این‌جا آموزش اردو بدهید و ... البته نمی‌خواهم بگویم تمام این کارهایی که عنوان شد یا انجام دادیم کاملاً درست و استاندارد بوده، اما تجربه ثابت کرده است که اگر یک صحنه یا حادثه‌ای پیش بیاوریم و بتوانیم جنبه واقعی بودنشان را هم درست کنیم. رفتارهای عجیب و غریبی از مخاطبان دریافت می‌کنیم و در موقعیت عملی می‌توانیم حرف‌های زیادی به آن‌ها بگوییم. عکس‌العمل ما ممکن است باعث حسرت و پشیمانی یا خوشحالی و شادمانی شود. نوع جمع‌بندی مربی هم

اردو

اهمیت زیادی دارد، اگر مربی نتواند بحث را خوب جمع کند بهتر است در اجرای این برنامه‌ها احتیاط کند و آن‌ها را اجرا نکند.

نکته بعدی درباره تغذیه است. بحث تخصصی غذا را باید یک کارشناس تغذیه تشریح کند. این‌که مثلاً در کوهنوردی باید از خرما استفاده شود، غذا باید این ویژگی‌ها را داشته باشد و ... ولی در مجموع اگر بچه‌ها در اردوگاه هستند و یک روز به جنگل و یک روز به کوه می‌روند خیلی مشکل ندارد، اما اگر اردو به صورت تخصصی در کوه برگزار می‌شود. باید با آن به صورت تخصصی برخورد شود. مثل اردوهای نظامی که جیره‌های مخصوص دارند، مثل قرص ذغال فشرده یا الکل فشرده برای گرم کردن غذا، خرما و انجیر فشرده، قرص نمک، قرص ضد میکروب و ...

به ص قبل منتقل شود به این نکته توجه کنید که گاهی حادثه‌ای مشابه مارگزیدگی اتفاق می‌افتد. به عنوان مثال گیاهی به نام گزنک یا گزنده وجود دارد که وقتی به بدن اصابت می‌کند، جای برخورد می‌سوزد و سریع قرمز می‌شود. دانش‌آموز فکر می‌کند که مار او را نیش زده است. می‌توانیم روی این ماجرا مانور بدهیم و بعد هم بحث را جمع کنیم و بگوییم که ایشان فکر می‌کرده که محل سرخ شده جای نیش است. علف دیگری هم در همان محل هست که اگر جای زخم بگذاریم خیلی سریع خوب می‌شود در این جا یک مطلب علمی هم به دانش‌آموزان آموزش داده‌ایم. در واقع کل نمایش با کمی اغراق واقعی می‌شود که آن هم در عرف دینی ما پذیرفته است. مثل قصه که ممکن است اتفاق نیفتاده باشد، اما منطقی است. ممکن است اتفاقش هم منطقی نباشد، ولی پذیرفته شده که قصه، دروغ نیست. در اجرای این برنامه‌ها باید دقت کنیم که اگر صحنه‌ای برایمان پیش آمد دست و پایمان را گم

نکنیم. چون این برنامه‌ها یک صحنه سازی برای متوجه کردن مخاطبان به موضوعات مختلفی است که ممکن است در اردو پیش بیاید.

راز چوب

راز چوب برگرفته از یک حکایت تاریخی در زمان امام حسن عسکری (ع) است. به دلیل شرایط خفقانی که در زمان آن حضرت بود، دشمن سعی می‌کرد امام را از شیعیان جدا نگه دارد. امام بعضی از پیام‌ها و برخی از فرمایشات خود را درون کاغذ، چرم یا پوست چرم و ... می‌نوشتند و درون شکاف چوبی که در واقع چهارپاداران از آن برای کنترل حیوانات اسنفاده می‌کردند، قرار می‌دادند و از آن طریق پیام را به دوستان و وکلای خود می‌رساندند. در صحنه‌ای هم یکی از پیام‌ها به دلیل شکستن عصای چوبی لو می‌رود. ما براساس این حکایت یک بازی به نام راز چوب طراحی کردیم. موضوع این برنامه رازداری است که یکی از ارزش‌های اخلاقی است. فضای اجرای این برنامه مکانی است که برای دویدن مناسب است، مثل زمین چمن تا دانش‌آموزان بتوانند در قالب گروه و جوخه به دویدن ادامه دهند و پیام را برسانند. گروه سنی این بازی مقطع دبیرستان است که البته در مقطع راهنمایی هم قابل اجرا است. در صورتی که تعداد دانش‌آموزان ۱۰۰ نفر باشد زمان این برنامه حدود یک ساعت است و به تناسب تعداد دانش‌آموزان زمان برنامه کم‌تر یا بیش‌تر می‌شود. وسایل لازم این برنامه چوب، نی، لوله پولیکا، لوله پلاستیک یا لوله آب است که برای مخفی کردن پیام از آن استفاده می‌شود. این بازی می‌تواند مسابقه باشد و جایزه هم داشته باشد. اهداف این برنامه عبارتند از: ۱. بالا بردن قدرت، سرعت و دقت. ۲. القای پیام مفید و آموزنده - پیام‌های مختلفی را در این چوب به عنوان راز و رمز پنهان می‌کنیم که بعدها کشف می‌شود و می‌تواند به صورت غیرمستقیم القا شود. ۳. آشنایی با سیره

معصومین(ع) - انتقال بخشی از شرایط سخت دوران زندگی امام حسن عسکری(ع).

روش اجرای این برنامه ۱. ابتدا زمان و مکان مناسبی را برای اجرای این برنامه انتخاب می‌کنیم، پیام‌های مختلفی را آماده می‌کنیم و در کاغذهای کوچکی می‌نویسیم. اندازه کاغذ باید طوری باشد که بتوان آن را جمع کرد و داخل لوله گذاشت. این پیام‌ها اگر رمز دارای هم باشد بهتر است؛ یعنی به جای نوشتن، جمله رمزی را بین حروف این جمله یا کلمات قرار دهیم بعد که توضیح می‌دهم. ۲. تعیین گروه‌های شرکت‌کننده و توجیه نحوه بازی - هر جوخه‌ای باید بتواند با جوخه دیگر رقابت کند. می‌توان از هر جوخه یک نماینده تعیین کرد تا در برنامه شرکت کند. در بعضی از برنامه‌ها توضیح دادیم که امتیازات را می‌توان به صورت جوخه‌ای در نظر گرفت، پس با توجه به مسئولیت‌هایی که در جوخه‌ها تقسیم می‌شود، در هر برنامه و هر بازی عضوی از اعضای یک جوخه می‌تواند شرکت کند و امتیاز بگیرد. مثلاً یک نفر از آن‌ها در طناب‌کشی، یکی در راز چوب و ... روش دیگر این است که هر جوخه‌ای را جداگانه در بازی شرکت دهیم، مثلاً جوخه شماره یک با جوخه دو این بازی یا مسابقه را انجام دهند و در نهایت برنده‌های هر جوخه را جدا کنیم تا در مرحله نیمه‌نهایی و نهایی با هم رقابت کنند تا برنده نهایی مشخص شود. البته در مسابقه طناب‌کشی حتماً باید این کار صورت گیرد، یعنی به صورت جوخه‌ای طناب‌کشی شود، اما در بعضی برنامه‌ها حضور نماینده کافی است مثل بازی دایره یا مجسمه‌بازی که می‌توان یک، دو یا سه نماینده در آن انتخاب کرد. این کار زمان کم‌تری می‌گیرد و باعث جذابیت بیشتر می‌شود. ۳. در این مرحله پس از مشخص کردن گروه‌ها، آن‌ها را توجیه می‌کنیم. مثلاً اگر یک

اردو

گروه پنج نفره در مسابقه شرکت می‌کنند نفر اول لوله یا چوبی را که رمز درون آن قرار داده شده با خودش ببرد و جایی بگذارد، نفر دوم برود و آن را بیاورد، نفر سوم دوباره ببرد و ... همین طور تا نفر پنجم، وقتی نفر پنجم برگشت اعضای جوخه دورهم جمع می‌شوند، رمز را بیرون می‌آورند و کشف می‌کنند.

۴. نظارت دقیق کنیم تا پیام کشف شود. گاهی تمام مراحل مسابقه درست انجام می‌شود، ولی موقع خواندن پیام، به دلیل سختی آن ممکن است دچار مشکل شوند. در این جا باید آن‌ها را راهنمایی کرد. همین‌طور بعد از کشف پیام توضیحاتی راجع به آن پیام می‌دهیم، چون ممکن است نیازمند توضیح و تفسیر باشد. پیدا کردن رمز، زمان مشخصی دارد. پیامی که برای دانش‌آموزان نوشته می‌شود باید ساده باشد و اگر رمز دارد رمزش قابل تشخیص باشد، یعنی دانش‌آموزان با اندک فرصتی که در اختیار دارند بتوانند پیام را کشف کنند. ابتدای جمله با علامت یا پیکان مشخص می‌شود. جملات هر دو گروه تقریباً حروفش به اندازه هم است، تا عدالت رعایت شود. مثلاً «بهشت زیر پای مادران است» هنگامی که اعضای گروه می‌دوند، تشویق دانش‌آموزان به هیجان مسابقه کمک می‌کند. گاهی وقت‌ها فردی که سرعت بیشتری در دویدن دارد می‌تواند کمک بیشتری به گروه کند. برای کشف رمز هم اعضای جوخه باید با هم مشورت و همکاری کنند. در این مسابقه ما فقط می‌توانیم به یک جوخه امتیاز بدهیم. بنابراین گروهی که زودتر پیام را کشف کند برنده است. این بحث راز چوب بود که بارها اجرا شده و جواب می‌دهد، هم در مقطع دبیرستان و هم در مقطع راهنمایی. این بازی انرژی زیادی از دانش‌آموزان می‌گیرد و در اردوهای پسران که نیازمند فعالیت‌های حرکتی است، خیلی خوب است. در عین حال یک مسابقه دو هم هست. در کنار این مسابقه

می‌توانیم مفاهیم فرهنگی و دینی‌مان را هم منتقل کنیم. پیام‌های این مسابقه سلیقه مربی است، اما بیش‌تر سعی شود از پیام‌های ارزشی و معنوی استفاده شود.

مناظره

مناظره، بحث و گفت‌وگو بین دو یا چند نفر از مربیان یا دانش‌آموزان با هم است. موضوع مناظره، ارزش‌ها و ضد ارزش‌هاست، یعنی رفتارهای مثبت و منفی یا اعتقادهای درست و نادرست، باورهای صحیح و ناصحیح. این برنامه در هر مکانی می‌تواند اتفاق بیفتد، فقط باید گروه اردو حضور داشته باشند. گروه سنی این برنامه متوسطه است که هم برای پسرها و هم برای دخترها قابل استفاده است. زمان این برنامه تا دو ساعت هم می‌تواند ادامه پیدا کند و دو یا سه جلسه را به خودش اختصاص دهد.

اهداف این برنامه: ۱. ایجاد غیرت دینی و روحیه حمایت از دین - ما یک ارزش دینی را مطرح می‌کنیم و علیه آن صحبت می‌کنیم، یعنی یک یا دو نفر از مربیانی که اهل مطالعه هستند و آمادگی دارند؛ نقش کسانی را بازی می‌کنند که با این ارزش مخالفند. دانش‌آموزان باید با دلایل متقن، محکم، منطقی و قانع کننده با آن دو مربی بحث کنند و به آن‌ها ثابت کنند که این ارزش واقعاً ارزش است و باید به آن احترام گذاشت. در واقع یکی از علل شیوع فساد و فحشا در جامعه این است که روحیه امر به معروف و نهی از منکر از بین رفته و کم شده است. ما در این برنامه به دنبال این هستیم که مقداری غیرت دینی افراد را تحریک کنیم.

۲. پرورش اعتماد به نفس - نسل امروز به دلیل عدم اطلاع از مسایل دینی جرأت و پافشاری بر عقاید خود را ندارد و خیلی زود از بحث کردن فرار

اردو

می‌کند. ما می‌خواهیم جرأت و پافشاری بر نظرات خودش را در ذهن او نهادینه کنیم تا توانایی بحث و ارائه پاسخ را داشته باشد. ۳. ایجاد موقعیت جدی برای دفاع از دین و آشنا شدن با نحوه استدلال منطقی - گاهی هنگام بحث ما قدرت استنباط و استدلال کامل و منطقی نداریم. خیلی سریع ناراحت می‌شویم و به طرف مقابل انگ می‌چسبانیم و او را مرتد اعلام می‌کنیم. ولی دین ما دین منطقی است، دین استدلال است و مبنای دین ما این است که شما هیچ وقت اجازه توهین ندارید، اخلاق اسلامی حکم می‌کند که اگر کسی مخالف نظرات شما بود با او بحث کنید تا بالاخره به نتیجه برسید. ۴. ایجاد جذابیت در موضوعات دینی - بعضی از موضوعات دینی برای جوان‌های امروز جذابیت ندارد. مثلاً تا اسم نماز یا پوشش می‌آید سریع یک احساس خاصی پیدا می‌کند. شاید یکی از دلایلی این است که این موضوعات بد مطرح شده یا درست به گوش آن‌ها نرسیده است.

روش اجرای این برنامه

مرحله اول انتخاب موضوع است. مثلاً موضوعاتی پیرامون خداوند، مسائل اجتماعی یا انحراف‌های اخلاقی که بین نوجوان‌ها بیشتر دیده می‌شود. دلیل انتخاب سن نوجوانی این است که سن تردید و شکاکیت است و گاهی وقت‌ها فرد در مورد خلقت خودش، چگونگی خدا، عذاب و پاداش الهی ابهام دارد.

حتی بحث جنگ و دفاع مقدس هم می‌تواند یکی از مباحث مورد نظر باشد. در یکی از کشورهای خارجی با جوان‌های ایرانی درباره جنگ صحبت می‌کردم. اصرار داشتند که جنگ ما یک جنگ خانمان‌سوز بود که ما را عقب انداخت. وقتی با آن‌ها صحبت کردم، متوجه شدم اطلاعاتی که از جنگ دارند

کاملاً اشتباه است. به آن‌ها گفتم بگذارید جنگ را برایتان توضیح بدهم، اگر قبول کردید که هیچ و اگر نپذیرفتید بعد روی جنگ با هم صحبت می‌کنیم. از خاطرات معنوی، عینی و واقعی از مبارزات و افتخاراتی که به آن در دفاع مقدس احترام می‌گذاشتیم، برایشان حرف زدم. گفتم جنگ ما این بود، دشمن ما هم این بود، آیا این جنگ را قبول ندارید؟ اولاً جنگ به ما تحمیل شد. ما جنگ را شروع نکردیم، ثانیاً در جنگ مبارزین و رزمندگان ما صرفاً به کشتن فکر نمی‌کردند، ارزش‌های انسانی هم حضور داشت و اصلاً ما برای ارزش‌های انسانی می‌جنگیدیم. این صحنه‌هایی بود که در جنگ خلق می‌شد. وقتی آن‌ها این مطالب را شنیدند گفتند: «ما اصلاً جنگ را این‌طوری نمی‌دیدیم، به ما جور دیگری گفته بودند.» و اصلاً نظرشان عوض شد.

همین‌طور بحث نماز، مسائل سیاسی، ولایت فقیه و موضوعات از این قبیل نیازمند این است که بیش‌تر روی آن‌ها بحث و حلاجی شود.

مرحله دوم این بحث مناظره تصنعی است. یک دو یا سه نفر از مربیان نقش مخالفان موضوع را بازی می‌کنند، یعنی در واقع خیلی جدی بحث می‌کنند تا برای مناظره آماده شوند.

این جلسه اولیه است، ممکن است حدود یک ساعت حرف بزنند. بعد جوان‌ها باید جواب بدهند. چون بالاخره نسل انقلاب هستند و در زمان انقلاب بزرگ شده و زندگی کرده‌اند. اگر اطلاعات ندارند باید یاد بگیرند. چنانچه جواب‌های دانش‌آموزان قانع‌کننده نبود مربیان به آن‌ها فرصت مطالعه می‌دهند تا در جلسه بعد با هم بحث کنند. جلسه دوم مناظره جلسه‌ای است که دانش‌آموزان به صورت هم‌فکری و گروه‌های هم‌اندیشی دور هم می‌نشینند و درباره موضوعات مطرح شده بحث و تبادل نظر می‌کنند. می‌توان فرمی هم

اردو

برای آن طراحی کرد تا در آن نظراتشان را بنویسند. در جلسه سوم و نهمی نظرات جمع‌بندی شده هر گروه ارائه می‌شود. اگر قانع‌کننده بود که برنامه تمام می‌شود و اگر قانع‌کننده نبود، مربی‌ها توضیحات لازم و پاسخ‌های صحیح را ارائه و اشتباهات دانش‌آموزان را تذکر می‌کنند. مرحله آخر شکل کنترل و اداره جلسه در رقابت گروهی است. مشارکت و حضور فعال همه مربی‌ها و دانش‌آموزان در بحث نیازمند مدیریت صحیح است. یعنی طوری نباشد که دانش‌آموزان یک طرف و مربی‌ها هم در طرف مقابل قرار گیرند و بحث آغاز شود و به نتیجه هم نرسد یا با حالت مسخره و شوخی تمام شود. بحث کاملاً جدی است. تمام اعضای گروه باید همکاری و مشارکت کنند تا بتوانند به نتیجه مطلوب برسند که البته اطلاعات علمی مربی شرط اصلی این مناظره است. بحث مناظره تقریباً در تمام مقاطع تحصیلی به جز دوره ابتدایی قابل اجرا است. در یک اردوی عمومی باید گروهی را به عنوان طرف مقابل انتخاب کنیم، و بقیه اعضای اردو به عنوان تماشاگر باشند و از بحث استفاده کنند. در بعضی از کشورها، شیعه‌ها و سنی‌ها را روبروی هم قرار می‌دهند و از این مناظره سوء استفاده می‌کنند و چون معمولاً هیچ کس نمی‌تواند دیگری را محکوم کند کار به خشونت و زد و خورد می‌کشد و افراد پلیس هم اولین کسانی هستند که فرار می‌کنند.

اما اخلاق اسلامی حکم می‌کند که حرف منطقی بزنید. ممکن است طرف مقابل قبول کند یا قبول کند. درانتخاب موضوع باید دقت کنیم. موضوعات مورد بحث، مورد نیاز، مورد علاقه و جذاب برای انتخاب موضوع هم دو راهکار وجود دارد: ۱. موضوعات را مریبان انتخاب کنند ۲. با دانش‌آموزان مشورت کنند که حالت دوم بهتر است.

شب نشینی در جنگل

شب نشینی در جنگل یک برنامه معمولی و عادی است. موضوعش تقویت معنویت است، البته موضوعات دیگری هم دارد، ولی موضوع مهمش این است. فضای این برنامه جنگل، کوه، دشت یا تپه است. اما جنگل به دلیل تاریکی و دروایع انبوه بودن درخت‌هایش جالب‌تر است. گروه سنی این برنامه متوسطه است، ولی شاید با مقطع سوم راهنمایی هم قابل اجرا باشد. زمان برنامه حدود ۲ ساعت است چون بیش از ۲ ساعت شاید خسته‌کننده باشد. مگر این که خود مخاطبان بخواهند. وسایل لازم این برنامه چای با مشعل یا هیزمی است که بالاخره به صورت طبیعی روشن شود. البته باید مواظب باشید جنگل آتش نگیرد. قالب این برنامه گفت‌وگو است. اهداف این برنامه ۱. ایجاد و القای حالت معنوی و بهره‌مندی از آرامش روحانی شب - خداوند شب را در بعضی آیات برای آرامش معرفی کرده است. شب فواید زیادی دارد. یکی از فوایدش این است که ماجراها، خاطرات و حادثه‌هایی را که در طول روز بر ایمان اتفاق افتاده است به نوعی فراموش می‌کنیم و با روحیه بهتری برای روز بعد آماده می‌شویم. ۲. ایجاد زمینه برای اندیشیدن و تعمق در گذشته‌های دیگران یا دنیای درون خودمان یا دنیای درون افرادی که در آن جلسه صحبت می‌کنند. در این جلسه زمینه‌ای فراهم می‌کنیم که بیش‌تر فکر کنند، بیش‌تر دقت کنند. سکوت و آرامش شب صمیمیت ایجاد می‌کند. ۳. ایجاد احساس پیوند و تقویت عواطف مربی و دانش‌آموز - سختی و فشار تاریکی شب ناخودآگاه کمک می‌کند که دل‌ها به هم نزدیک شود. ۴. انتقال ارزش‌های دینی در یادها موضوعاتی که در این بحث مطرح می‌شود به نوعی مرتبط با به موضوعات دینی است و یاد و خاطره حرف‌هایی که مطرح می‌شود، می‌تواند تا

اردو

مدت‌ها در ذهن بماند. ۵. ایجاد فرصتی مناسب برای انتقال تذکرات مریبان و اظهارنظر دانش‌آموزان یک جمع کاملاً دوستانه و صمیمی برای حرف‌هایی که تا کنون یا گفته نشده یا اگر گفته شده تأثیر چندانی نداشته است و حالا در این جمع بهتر می‌تواند تأثیر بگذارد.

روش اجرای این برنامه: ۱. تهیه مقدمات، یعنی شناسایی منطقه و پیدا کردن یک جای مناسب، آرام و مطمئن. ۲. ارائه موضوع به دانش‌آموزان قبل از اجرای برنامه. ۳. تهیه هیزم یا مشعل برای سوخت و چای که بهتر است صحرائی باشد، یعنی از فلاکس و لیوان یک بار مصرف استفاده نکنیم. بلکه یک قوری و یک کتری از جنس روی تهیه و گل مالی کنیم تا سیاه نشود. شیوه اجرای برنامه هم به این صورت است که ابتدا، شعری در رابطه با موضوع مورد بحث انتخاب می‌کنیم یا اگر دانش‌آموزی شاعر است شعری از خودش در رابطه با موضوع بخواند. موضوع این برنامه شیرین‌ترین یا تلخ‌ترین خاطرات زندگی هر فردی است. همچنین پیام‌های اخلاقی یا صفتی از یک دوست می‌تواند موضوع این برنامه باشد. حالت و فضای برنامه باید کاملاً جدی باشد. شیوه نشستن و سخن گفتن هم اختیاری است. اگر دانش‌آموزان حرفی برای گفتن نداشته باشند یا وارد بحث نشوند مربی باید خودش شروع کند. در ابتدای بحث معمولاً دانش‌آموزان احساس کمروبی می‌کنند یا ممکن است بحث برایشان جذابیت نداشته باشد، اما اگر مربی یک مقدار بحث را ادامه دهد و خاطره‌ای تعریف کند و از دوستان بخواهد که در مورد بحث نظر بدهند. معمولاً افراد وارد بحث می‌شوند و جالب این است که وقتی دانش‌آموزان به ویژه دانش‌آموزان دبیرستانی و دانشجو وارد بحث می‌شوند، بحث‌های خیلی جالبی مطرح می‌کنند، چون فکر جوان جولان دارد و می‌تواند

درباره موضوعات مختلف، حرف‌های زیبایی بزند که البته بعضی از آن‌ها نیاز به هدایت و ترمیم دارد. البته از طرح بعضی موضوعات که ممکن است باعث ترس و وحشت شود مثل جن، خودداری کنید. نکته آخر، زمان و مکان اجرای برنامه است. روزهای آخر اردو بهترین زمان برای برگزاری این برنامه است، چون افراد یکدیگر را بهتر می‌شناسند و با روحيات و خلییات هم آشنا شده‌اند. برای اجرای این برنامه از نور مصنوعی مثل برق، چراغ، پرژکتور و ... بهتر است اصلاً استفاده نشود و نور آن جمع با همان آتشی که در حال سوختن است تأمین شود. شب‌نشینی در زمین چمن اردوگاه هم خوب است.

هم اندیشی

هم اندیشی یکی از برنامه‌های فرهنگی است که در اردوها با حضور دانش‌آموزان اجرا می‌شود. موضوع این برنامه مطالعات علمی و دقت روی بعضی از موضوعات خاص است. هر نقطه‌ای از اردوگاه برای این برنامه مناسب است و فضای خاصی را نمی‌طلبد. مکانی ساکت و آرام که دانش‌آموزان بتوانند دور هم بنشینند و حلقه‌های علمی تشکیل دهند.

گروه سنی این برنامه مقطع راهنمایی و دبیرستان است. زمان این برنامه حدود یک ساعت است. وسایل لازم برای این برنامه: ۱. فرم مخصوصی است که برای این موضوع طراحی می‌شود، البته بدون فرم هم قابل اجرا است، ولی اگر فرم داشته باشد به جمع بندی بحث‌ها کمک می‌کند. ۲. منابعی که احتمالاً نیاز به مراجعه دانش‌آموزان دارد. البته منظور یک کتابخانه بزرگ پر از کتاب‌های علمی نیست، بلکه منابع قابل دسترس که ممکن است چیزی غیر از کتاب باشد.

قالب این برنامه کمیسیون است. کمیته‌های علمی که دور هم بنشینند و هم‌فکری کنند. هم اندیشی به نوعی همان هم‌فکری است. دانش‌آموزان یافته‌های خودشان را در رابطه با هر موضوعی که قرار است در مورد آن بحث شود در کمیسیون‌ها مطرح می‌کنند. تا به نتیجه مطلوب برسند و بتوانند گزارش آن را در یک جلسه به گوش دیگران برسانند.

اهداف این برنامه: ۱. تقویت قدرت تفکر دانش‌آموز ۲. این برنامه زمینه را برای اظهار نظر، اندیشیدن، حرف زدن و پذیرفته شدن در جمع فراهم می‌کند. توجه دادن به کار گروهی گاهی بعضی از افراد در کار انفرادی خیلی موفقند،

ولی در کار گروهی موفقیتی کسب نمی‌کنند. هدفمان این است که دانش آموزان کار مشارکتی و گروهی را تمرین کنند.

روش اجرای برنامه: ۱. موضوعات پیشنهادی کمیسیون و هم‌اندیشی به تعداد گروه‌ها و جوخه‌ها مطرح می‌شود. البته این موضوعات می‌تواند بیش از تعداد جوخه‌ها باشد. مثلاً اگر ما ۱۰ جوخه ۱۰ نفره داریم، می‌توانیم ۲۰ موضوع پیشنهاد بدسیم و از آن‌ها بخواهیم خودشان موضوعی را انتخاب کنند. البته با هم‌فکری مربی و مسئولان برگزارکننده اردو دانش‌آموزان هم می‌توانند موضوعاتی خارج از موضوعات مطرح شده ارائه کنند. فرم مخصوص نظرات را هم می‌توانیم در یک یا نیم صفحه A4 توزیع کنیم. محدودیت صفحه به این دلیل است که دانش‌آموزان تمرین خلاصه گفتن و خلاصه نوشتن کنند. ۲. ثبت موضوعات انتخابی گروه‌ها هرگروهی موضوع مورد نظرش را نزد مربی ثبت می‌کند. اگر تعداد جوخه‌ها زیاد است می‌توانیم از دو یا چند مربی کمک بگیریم و این کار را اجرا کنیم. ۳. تفکر و مرور ذهنی - به دانش‌آموزان فرصتی داده می‌شود تا موضوعات منتخب را مرور و پس از هم‌فکری و مشورت نظرشان را اعلام کنند. از هر گروهی یک نفر به عنوان منشی، یک نفر به عنوان رئیس، یک نفر به عنوان معاون و دیگران را به عنوان اعضای هیئت علمی انتخاب می‌کنیم. این کار علاوه بر این که به دانش‌آموزان تشخیص می‌دهد باعث اعتراض هم نمی‌شود، چون هر کسی نقش خودش را اجرا می‌کند. ۴. ارائه گزارش به وسیله نماینده هر گروه - برای ارائه گزارش هر جوخه یا کمیسیون حدود ۲۰ دقیقه فرصت می‌دهیم. نماینده هر گروه گزارشش را در جمع دیگران ارائه می‌کند. ۵. تهیه و تنظیم و انعکاس خلاصه نظرات در رسانه‌های اردو - رسانه‌های اردو می‌تواند مکتوب باشد مثل روزنامه‌های دیواری و

اردو

نشریه‌ها یا غیر مکتوب باشد مثل رادیو و تلویزیون اردو و یا شفاهی و در جمع باشد و هر کس به مدت یک دقیقه نظرش را درباره موضوع بیان کند. ارائه گزارش اولاً تشخیص دادن به کار است و به اعضایی که زحمت کشیدند و ثانیاً تکرار دوباره این حرف‌ها باعث تأثیر غیرمستقیم بر مخاطبان می‌شود.

کتاب خوانی

موضوع این برنامه ترویج فرهنگ کتاب‌خوانی در اردو و اردوگاه است. به دلیل این‌که کتاب و کتاب‌خوانی در حوزه تعلیم و تربیت جایگاه خاصی دارد. فضای این برنامه کلبه کتاب است. اگر اردوگاه کتابخانه نداشت، می‌توان از فضای نمازخانه استفاده کرد.

هر فضایی که مناسب مطالعه باشد، برای این کار مناسب است. گروه سنی این برنامه هر سه مقطع هستند، منتها به تناسب هر مقطعی ما یک نوع کتاب و یک نوع برنامه داریم. زمان اجرای این برنامه حدود ۲ ساعت است که با مقدمه و بحث بعدی حدود ۲ ساعت طول می‌کشد.

وسایل لازم برای این برنامه کتاب و احتمالاً وسایل نمایش است، البته در صورتی که بخواهیم نمایش اجرا کنیم. قالب این برنامه قصه است. قصه‌گویی یا قصه‌خوانی و همین‌طور نمایش، نقد و بررسی

اهداف این برنامه: ۱. ایجاد میل و رغبت به خواندن کتاب ۲. تقویت روحیه نقد و بررسی و تحلیل محتوای کتاب

در مقطع راهنمایی و دبیرستان هر چیزی را که می‌شنوند، می‌بینند یا می‌خوانند به راحتی نمی‌پذیرند و روحیه نقادی دارند. به فرمایش قرآن مؤمنان کسانی هستند که حرف‌ها را می‌شنوند و بهترینش را انتخاب می‌کنند. این در واقع یکی از ویژگی‌های انسان‌های مؤمن است.

روش اجرا به تناسب مقطع متفاوت است. در بخش ابتدایی می‌توانیم بعضی از قصه‌ها را برای بچه‌ها تعریف کنیم یا از روی کتاب بخوانیم و بعد از بچه‌ها بخوانیم بیایند نمایش همان کار را اجرا کنند. مثلاً نمایش داستان معروفی مثل «بز زنگوله پا» یا قصه‌های مشابه این را که بارها دیده یا شنیده‌اند می‌توانیم از روی کتاب برای آن‌ها بخوانیم و از آن‌ها بخوانیم نمایش آن را بازی کنند، اما در مقطع راهنمایی این نمایش مقداری پیشرفته‌تر است، یعنی دقت بیشتری می‌خواهد و قصه‌ها هم ممکن است قصه‌های معروفی نباشد، پس اجرای نمایشی آن سخت‌تر می‌شود. گاهی وقت‌ها دانش‌آموزان می‌توانند جملاتی را به این نمایش اضافه یا کم کنند. مثلاً فرض کنید کاری که شخصیت داستان انجام داده را قبول ندارند، می‌توانند شخصیتی را به عنوان راوی داستان اضافه کنند و آن‌جا حرف خودشان را بزنند.

نقد و بررسی کتاب ویژه مقطع راهنمایی و متوسطه است پس از مطالعه کتاب، مربی از دانش‌آموزان می‌خواهد درباره مطالب نظرشان را کتاب بگویند. گاهی وقت‌ها می‌توانند راجع به نویسنده و طرح داستان هم بحث کنند. مثلاً بگویند که اگر جای نویسنده داستان بودند انتهای داستان را چگونه تمام می‌کردند. گاهی وقت‌ها داستان ناقص را در بحث تست‌های روانشناسی دست دانش‌آموز می‌دهیم و می‌گوییم این داستان را کامل کن.

در بحث نقد و بررسی، نظرات دانش‌آموزان را در این زمینه می‌خواهیم تا به جای نویسنده کتاب، به جای شخصیت‌های کتاب حرف بزنند. گاهی وقت‌ها دانش‌آموز می‌تواند به جای شخصیت‌های داستان صحبت کند و در مورد شخصیت نظر دهد.

اردو

مقطع متوسطه ارائه گزارش، تحلیل محتوا و اجرای کنفرانس است. دانش‌آموزان گزارشی از کتابی که خوانده‌اند ارائه و کتاب را معرفی می‌کنند. از موضوع، نویسنده، ناشر و مطالب کتاب گزارش می‌دهند و در پایان نظر خودشان را هم درباره کتاب اعلام می‌کنند.

گاهی در قالب مسابقه‌های کتاب‌خوانی می‌توان مسابقه مکتوب اجرا کرد. به عنوان نمونه این موضوع «انتظار حضرت زهرا با - ارزش‌ترین بانوی جهان - از دختر مسلمان چگونه است» می‌تواند به صورت هم‌اندیشی یا کتاب‌خوانی اجرا شود. در این زمینه در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌دهیم و نظراتشان را جمع‌بندی می‌کنیم تا کتاب‌هایی را مطالعه کنند و در یک جلسه گزارش بدهند.

کارگاه‌های علمی و پرورشی

کارگاه‌های علمی و پرورشی همان نقش کلاس‌های آموزشی را در مدارس بازی می‌کنند، با این تفاوت که در کلاس از ابزارهای محدود استفاده می‌کنیم و کلاس معلم محور است. ابزارهای ما تخته سیاه و گچ و... است، اما در کارگاه‌ها که جایگاه کلاس در اردوگاه‌ها را دارند، دانش‌آموزان یک سری تجربیات را به صورت عملی یاد می‌گیرند. مثلاً یکی از این کارگاه‌ها فیزیک است. در کارگاه فیزیک دانش‌آموزان برخی از فرمول‌ها و وسایل فیزیک را تجربه می‌کنند و به صورت عملی با بعضی از محصولات که با استفاده از قوانین و فرمول‌های فیزیک طراحی شده آشنا می‌شوند و بعضی از کارها را یاد می‌گیرند. مثلاً در کارگاه زیست با تشریح، در کارگاه نجوم با ستاره‌شناسی، در کارگاه پرواز با وسایل پرواز و پرش از ارتفاع آشنا می‌شوند. یا در کارگاه الکترونیک، دانش‌آموزان دور هم جمع می‌شوند و با حضور یک استاد

الکترونیک قطعات را به هم وصل می‌کنند و کیت‌های آموزشی می‌سازند. صدای آژیر، رقص نور، فرستنده FM، رادیو و ... تولید می‌کنند. یا در بحث غواصی و شنا یک سری فرمول‌ها و وسایل علمی دارد که برای دانش‌آموزان جذابیت دارد که جزو برنامه‌های آبی است و می‌توان به صورت شفاهی هم اجرا کرد. همین‌طور کارگاه رایانه که از لوازم مورد نیاز روز است. یا کارگاه برق، برق‌های صنعتی و برق‌های خانگی. از کارگاه نقاشی برای نقاشی و طراحی استفاده می‌شود. در کارگاه سفالگری هم دانش‌آموزان می‌توانند وسایل خیلی زیبایی را خلق کنند. در کارگاه ماکت سازی می‌توانند از مواد دورریز، وسیله بسازند. در کارگاه نجاری می‌توانند وسایل چوبی ساده و کوچک مانند قاشق یا چنگال درست کنند و به عنوان سوغات با خود به خانه بیاورند. کارگاه خیاطی هم برای دخترها خیلی جالب است. گل سازی هم از رشته‌های مورد علاقه دخترها است. گل چینی، گل‌های بلند و ... که با کاغذ و اشیای دیگر ساخته می‌شود. کارگاه آشپزی می‌تواند محل مسابقه پخت غذا و تهیه سالاد و ... باشد. در کارگاه شعر و قصه می‌توانند دور هم قصه بگویند و شعر بخوانند و نقد کنند. کارگاه موسیقی و سرود برای تمرین سرود و آهنگسازی فضای مناسبی است. کارگاه نمایش و تئاتر می‌تواند از دیگر کارگاه‌های اردو باشد که در مراسم اختتامیه می‌توانند یکی از آثارشان را به نمایش بگذارند. در کارگاه عکاسی می‌توانند خیلی فشرده و مختصر آموزش ببینند و عکس یک حرکت یا کاری را که در اردوگاه اجرا می‌شود، تهیه و در مسابقه شرکت کنند. در کارگاه تصویربرداری با استفاده از دوربین‌هایی خانگی می‌توانند تصویربرداری را تجربه کنند. کارگاه امداد و مجسمه‌سازی هم از دیگر کارگاه‌هایی است که می‌تواند مورد توجه قرار گیرد.

اردو

هدف از تشکیل این کارگاه‌ها این است که: ۱. در اردوگاه کلاس نداشته باشیم.
۲. دانش‌آموزان کارهای عملی و تجربی را بیاموزند و خیلی سریع به نتیجه برسند. ۳. استعداد و میزان علاقه دانش‌آموزان برای انتخاب شغل آینده کشف شود.

یک نمونه از کارهایی که بچه‌ها می‌توانند با دست آماده کنند، کار بُرش مقواست که در تصویر می‌بینید.

بازدید

بازدید از اماکن صنعتی و علمی - بازدید از اماکن تاریخی و باستانی، بازدید از اماکن تفریحی و سیاحتی و سایر مکان‌هایی که معمولاً در اردوها جزو برنامه‌های ثابت است.

هدف از بازدید: ۱. آشنایی با تاریخ گذشته یا توانمندی‌های حال و آینده کشور -

تاریخ گذشته مربوط به آثار باستانی است. مکان‌های خاصی که به نوعی به تاریخ و تمدن ایران بستگی دارد. توانمندی‌های صنعتی که امروز صنعتگران کشور به آن رسیده‌اند و یا ایجاد زمینه‌هایی برای رسیدن به تکنولوژی آینده و ... که نسل فردا یعنی دانش‌آموزان امروز با بازدید از این مراکز الهام می‌گیرند و در زندگی‌شان برنامه‌ریزی می‌کنند. ۲. دقت و مطالعه در رفتار گذشتگان سرانجام نیکوکاران و بدکاران به آثار باستانی مربوط می‌شود. بعضی از مکان‌های خاص حرف‌هایی برای گفتن دارند. همین‌طور درس گرفتن از زندگی دیگران، تصمیم و اراده بر تلاش و کوشش برای آینده‌ای بهتر، از هدف‌های مهم برنامه بازدید است.

نکاتی که در بازدید باید مورد توجه قرار گیرد:

۱. بازدید محل پیش از عزیمت و تهیه بروشور و جزوه از محل مورد بازدید - لازم است یکی دو روز قبل از بازدید یک نفر از مربیان یا مسئولان به آن محل مراجعه و آن جا را ببیند و مسائل و مشکلات را بررسی کند. مثل سرویس بهداشتی و مسائل دیگری که ممکن است اردو را به هم بریزد. گاهی وقت‌ها حاشیه این مکان‌های بازدیدی مسائل و مشکلاتی را به ویژه در اردوهای خواهران ایجاد می‌کند که اگر مربی به آن دقت نکند می‌تواند پیامدهای منفی

اردو

داشته باشد. به هر حال بهتر است که این باز دیده‌ها بار فرهنگی و علمی داشته باشد. به عنوان نمونه در بازدید از آرامگاه ابن سینا خوب است با شخصیت او آشنا شوند. در جمکران یک نفر دنبال قبر امام زمان می‌گشت، چون با شناخت کافی و کامل وارد مسجد نشده بود، یعنی نمی‌دانست که جمکران چگونه مکانی است. ۲. اجرای مسابقه از یافته‌های محل مورد بازدید- قبل از حرکت بهتر است به دانش‌آموزان تذکر بدهیم که پس از بازدید سئوالاتی مطرح می‌شود که باید به آن‌ها پاسخ دهند. این یادآوری کمک می‌کند که دانش‌آموزان به دقت روی موضوعاتی که آن‌جا مطرح می‌شود توجه و تفکر کنند و بازدید هدفمند شود. آمارگیری پیش و پس از بازدید به صورت تشکیلاتی و گروه‌بندی ضروری است. گم شدن بچه‌ها و جدا شدن آن‌ها از جمع به دلایل مختلف مثل خرید یا گرفتن عکس و ... یکی از معضلاتی که ممکن است با آن روبرو شوید. همین‌طور مراقبت‌های ویژه امدادی و اخلاقی، رعایت بهداشت و نظافت فردی و عمومی در بازدیدها الزامی است. به عنوان نمونه مواظب باشیم که دانش‌آموزان زباله‌هایشان را روی زمین نریزند و حتی آن محل را نظافت کنیم. در هر صورت می‌توان پس از هر بازدید مسابقه‌ای برگزار کرد. نمونه‌ای از این مسابقه مثلاً در مورد تخت جمشید است که می‌توان این سؤال را مطرح کرد که «چرا در زمین گشت و گذار نمی‌کنید تا سرانجام تکذیب‌کنندگان را ببینید؟» که ترجمه یک آیه است. سئوال‌ها را مربی به صورت شفاهی مطرح می‌کند و پاسخ‌های چهار جوابی را دانش‌آموزان در فرم‌های مخصوصی می‌نویسند. یا می‌توان پرسید: «فلان تالار در تخت جمشید مخصوص چه کاری بود؟ یا تعداد پله‌های تخت جمشید چند تا بود؟» این‌ها سئوال‌ات ساده‌ای است، اما می‌توان سئوال‌ات مفهومی هم مطرح کرد مثلاً «نظر

قرآن در رابطه با مکان‌های تاریخی چیست؟ یا چرا قرآن فرموده در زمین گشت و گذار کنید؟» هدف از گشت و گذار در سرزمین‌های مختلف چیست؟ و ...

چند نکته در رابطه با بازدید ۱. برای پیش‌گیری از حوادث و جلوگیری از خسارت قبلاً محل را بازدید کنید و نسبت به قوانین و مقررات آگاه شوید و در صورت لزوم دانش‌آموزان را بیمه کنید. برای بازدید از مراکز مختلف باید هماهنگی‌هایی با نهادها و ادارات صورت گیرد. تصویربرداری و عکس‌برداری هم ممنوع است. در رابطه با نوع پوشش دختران در بعضی از مکان‌های مقدس که نیازمند چادر هستند، دقت کنیم. وجود کمک‌های اولیه و حتی آمبولانس در مکان‌های بازدیدی ضروری است. زمان‌هایی را که برای رفت و برگشت سرویس‌ها یا مسایل دیگر تلف و باعث معطلی بچه‌ها می‌شود در نظر بگیریم. در بعضی از مکان‌ها به ویژه در فصل تابستان، آب نوشیدنی فراهم نشده است. تهیه عکس و خاطرات و حتی چاپ آن‌ها به صورت کتاب هم می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. گاهی وقت‌ها در بعضی از اردوها افرادی ایجاد مزاحمت می‌کنند، باید مواظب افراد شرور یا دست فروش‌هایی که اطراف اردوگاه یا مکان‌های بازدیدی هستند باشیم. برنامه‌های بازدیدی نباید پشت سر هم انجام گیرد و بهتر است در روزهای مختلف انجام شود. مثلاً صبح تا ظهر بچه‌ها داخل اردوگاه برنامه‌های فرهنگی، ورزشی و داشته باشند، بعد از ظهرها به بازدید بروند. اگر تعداد دانش‌آموزان زیاد است به دو گروه تقسیم شوند، یک گروه صبح بازدید و یک گروه بعد از ظهر بروند. پلاکارد و تابلویی که نشان‌دهنده هویت اردو باشد تهیه کنیم و در اردوها همراه داشته باشیم. خود همراه داشتن این تابلو هم معرف دانش‌آموزان خواهد بود و هم گاهی باعث

اردو

جلوگیری از حرکات ناهنجار بعضی از دانش‌آموزان خواهد شد. مثل تیزهوشان، فرزندان یا فرزندان شاهد. همراه داشتن وسایل اضافی و غیرضروری یا پول زیاد ممکن است مشکلاتی را پیش بیاورد.

حتماً نشانی و شماره تلفن اردوگاه را به دانش‌آموزان بدهیم تا اگر گم شدند یا جا ماندند بتوانند خودشان را به اردوگاه یا اردو برسانند. حتماً تلفن همراه مسئول اردو یا کسانی را که مسئولیت دارند در اختیار دانش‌آموزان قرار دهیم. امکان‌های وجود باشد که اگر جا ماندند بتوانند خودشان را به اردو برسانند.

هنگام بازدید از مکان‌های مختلف باید مواظب باشیم نماز قضا نشود و اگر مسیر مکان مورد بازدید تا اردوگاه زیاد است، بین راه در مکان مناسبی مثل مسجد، امامزاده یا نمازخانه نماز بخوانیم.

بازی‌های نیرو و نشاط

فرق بازی‌های نیرو و نشاط با بازی‌های جنگل این است که جنبه ورزشی و پرورشی این بازی بیش‌تر از جنبه فرهنگی است و برای ایجاد نشاط و هیجان و جذابیت در اردو به کار می‌رود.

اهداف بازی‌های نیرو و نشاط:

۱. تقویت روح و جسم.
۲. ترویج مهارت‌های فردی، صفات روحی تجربه عملی اخلاق.
۳. ایجاد نشاط و شادی.
۴. ایجاد ارتباط بیش‌تر میان مربی و متربی.

پنالتی چشم بسته

یکی از بازی‌ها پنالتی چشم بسته یا گل زدن با چشم بسته است. هدف از این بازی تقویت حواس و پی بردن به نعمت چشم است. گروه سنی این برنامه راهنمایی و متوسطه است.

وسایل لازم: توپ و دستمال برای بستن چشم دو طرف؛ یعنی کسی که شوت می‌زند و دروازه‌بان. بازیکن کنار توپ قرار می‌گیرد، یک چرخ دور خودش می‌زند، توپ را پیدا می‌کند و در حالی که چشمش بسته است، توپ را شوت می‌کند. دروازه‌بان هم با چشمان بسته باید توپ را بگیرد. این صحنه هم طنز است، هم ورزشی و برای دانش‌آموزان جالب است و برای پسرها خیلی جذابیت دارد. همین بازی را به صورت توپ وسطی برای دخترها هم می‌توان اجرا کرد.

مجسمه باشی

هدف بازی مجسمه باشی تمرین تعادل و مقابله با وسوسه‌ها، حرف‌ها، صداها و بعضی از حرکاتی است که انسان می‌بیند. گروه سنی این برنامه ابتدایی و راهنمایی است و وسایل لازم آن سوت و گچ یا طناب است. روی زمین دایره‌ای رسم می‌شود. دانش‌آموزان روی این دایره می‌ایستند و یکی از مربیان یا دانش‌آموزان که کار ورزشی کرده است داخل دایره قرار می‌گیرد و با صدای سوت نرمش می‌کند. دانش‌آموزان هم همراه مربی نرمش می‌کنند. وقتی سوت دوم زده می‌شود افراد به هر حالتی که هستند باید ثابت و بدون حرکت بمانند و به صورت مجسمه درآیند. زمانی در حدود ۳۰ ثانیه یا یک دقیقه در این حالت می‌مانند. در این وضعیت نباید دست یا پایشان تکان بخورد، حرفی بزنند، بخندند یا حرکات اضافه انجام دهند، یعنی دقیقاً مثل یک مجسمه باشند. در سنین بالاتر حتی می‌توانیم پلک زدن را هم به عنوان عامل بیرون رفتن از بازی قرار دهیم.

در مرحله دوم بچه‌هایی که از بازی خارج شده‌اند نقش شیطان را بازی می‌کنند، یعنی سعی می‌کنند دوستانشان را با حرکات نمایشی و شکلک‌هایی

اردو

که در می آورند بخنداند تا بسوزند. چون یکی از هدف‌های این برنامه بحث مقابله با وسوسه است.

این برنامه هم برای پسرها و هم برای دخترها قابل استفاده است و در سن ابتدایی و راهنمایی تجربه شده است.

سیب خوری

هدف این بازی تقویت حس شنوایی و برانگیختن حس همکاری و دوستی است.

این بازی به دو صورت برگزار می شود: روش اول این است که سیب‌هایی به نخ آویزان می شود که این نخ‌ها به یک طناب و این طناب بین دو تا درخت نصب می شود. دانش آموزان کنار سیمی که به نخ آویزان شده می ایستند، و با صدای سوت در حالی که دست‌هایشان را به پشت گرفته‌اند، بدون استفاده از دست سیب می خورند. در این بازی می خواهیم نعمت داشتن دست را یادآوری کنیم و بفهمانیم که اگر دست نداشته باشیم چه اتفاقی می افتد. در اجرای بازی باید دقت کنیم که کسی تقلب نکند و مثلاً از دستش استفاده نکند.

گروه سنی این برنامه راهنمایی است، اما در مقطع ابتدایی هم قابل اجراست. وسایل لازم: سیب، دستمال و سوت است. اگر به تعداد دانش آموزان دستمال برای بستن دست‌هایشان نداشتیم از آن‌ها می خواهیم دست‌هایشان را پشت سرشان نگهدارند. با صدای سوت خوردن سیب آغاز می شود. برنده بازی کسی است که یک سیب را به طور کامل بخورد.

در بازی‌های نیرو و نشاط معمولاً جایزه نیست، یعنی جنبه مسابقه ندارد و یک بازی است. اگر دانش‌آموزان درخواست جایزه کردند، می‌گوییم جایزه شما همان سیبی بود که خوردید.

ما اگر در برنامه اردویمان سیستم بانک امتیازات یا جمع کردن امتیازات داشته باشیم بهتر است. چون در این صورت می‌توانیم در پایان کار با جمع امتیازها یک جایزه خوب و ارزنده به دانش‌آموز بدهیم.

اما روش دوم بازی سیب‌خوری به این صورت است که دانش‌آموزان را به دو گروه تقسیم می‌کنیم. از هر جوخه‌ای دو نفر انتخاب می‌شوند که هر یک در گروه مقابل قرار می‌گیرند. افراد را شماره‌گذاری می‌کنیم. هر دو گروه با فاصله حدود ۱۰ متر مقابل هم قرار می‌گیرند، اما عکس یکدیگر. یعنی نفر شماره ۱ روبروی نفر شماره ۱۰ و نفر شماره ۹ روبروی نفر شماره ۲ تا آخر. نفر شماره ۵ دقیقاً روبروی نفر شماره ۵ قرار می‌گیرد. سیب در دست گروه یک قرار می‌گیرد، یعنی هر نفر از اعضای گروه ۱ یک دانه سیب دارند، این‌ها نماینده جوخه هستند. اعضای گروه یک باید دوستانشان را در گروه دو پیدا کنند و سیب را در دهان او بگذارند. مثلاً شماره ۱ از گروه یک باید شماره ۱۰ از گروه دو را پیدا کند. البته چشمان گروه یک و دست‌های گروه دو بسته است. افراد گروه یک سیب را توی دستشان می‌گیرند و شماره خود یا دوستشان یا اسم او را می‌گویند تا او را با صدا پیدا کنند و سیب را در دهان او بگذارند و کمک کنند تا سیب خورده شود. در این مسابقه بحث مشارکت و همکاری را مطرح کرده‌ایم.

پس اعضای گروه یک باید به صورت ضربدری بروند و دوست خودشان را پیدا کنند. گاهی وقت‌ها این حرکات ضربدری باعث انحراف می‌شود و

اردو

بچه‌های آن جوخه می‌توانند با داد و فریاد این‌ها را راهنمایی کنند. هر گروهی زودتر تمام کردند می‌توانند برنده باشند. این برنامه را می‌توان به صورت بازی یا مسابقه اجرا کرد.

برش و کاغذ

یکی از کارهایی که می‌توانیم در اردو انجام دهیم برنامه کاغذ و قیچی است. به وسیله این کار می‌توان بعضی از مفاهیم دینی و فرهنگی را همراه با شعر و داستان به مخاطبان پیش دبستانی و دبستانی القا کرد. با این روش می‌توان شکل‌های مختلفی مثل پرنده‌ها یا مکان‌های مقدس یا اسامی مقدس را طراحی کرد و مفاهیم مورد نظر را آموزش داد. این کار معمولاً به صورت مسابقه انجام می‌شود.

بازی دایره

در ادامه بازی‌های نیرو و نشاط بازی دایره را توضیح می‌دهیم. هدف از این بازی افزایش سرعت و دقت است. این بازی همان بازی صندلی است، اما در اردو ممکن است ما صندلی در اختیار نداشته باشیم در جایی مثل جنگل می‌توانیم با ریختن گچ روی زمین دایره‌های کوچک‌تری را درون یک دایره بزرگ‌تر طراحی کنیم. دایره‌ها باید کم‌تر از تعداد دانش‌آموزان باشد. هر دانش‌آموزی درون یک دایره می‌ایستد. گروه سنی این بازی ابتدایی و راهنمایی است. وسایل لازم برای این بازی طناب یا گچ است. با طناب و گچ روی زمین دایره می‌کشیم. زمانی که سوت اول زده می‌شود، دانش‌آموزان شروع به دویدن می‌کنند و با سوت دوم درون دایره‌ها می‌ایستند. کسی که خارج از دایره باشد، از بازی خارج می‌شود. مرحله دوم بازی این است که دانش‌آموزان در یکی از دایره‌ها بنشینند - همین کار را با صندلی هم می‌شود انجام داد- دایره‌هایی که پر شده از دور بازی خارج می‌شوند و با سوت دوم مربی دوباره دایره‌ها پر می‌شود و دانش‌آموزانی که بیرون از دایره بمانند از بازی خارج می‌شوند. این کار را می‌توانیم آن قدر ادامه دهیم تا تعداد محدودی از

اردو

دانش‌آموزان بدون دایره بسوزند و حدود چهار، پنج نفر پایان بازی بمانند. گاهی وقت‌ها دو تا از دانش‌آموزان، هم‌زمان به یک دایره می‌رسند. در این‌جا باید مربی طوری قضاوت کند که باعث ناراحتی هیچ‌یک نشود. از قبل هم می‌تواند قرار بگذارد و بگوید: «هر دانش‌آموزی که پایش زودتر به دایره رسید مقدم است».

پیام‌رسانی

پیام‌رسانی بر اساس یک ایده و فکر است. گفتار ائمه معصومین مرهون زحمت کسانی است که این مفاهیم را حفظ کردند و به ما رساندند. هدف پیام‌رسانی بالا بردن سرعت و دقت و نیز یادآور تلاش افرادی است که این روایات را به دست ما رسانده‌اند. این بازی با دو جوخه یا گروه انجام می‌شود. یک جوخه در سمت راست و یک جوخه در سمت چپ قرار می‌گیرند. به نفر اول هر گروهی یک پیام داده می‌شود. نفر اول آن پیام را به گوش نفر دوم و او نیز به نفر سوم و ... تا پیام به نفر آخر برسد. نفر آخر هم پیام را به مربی منتقل می‌کند.

مربی قبل از شروع بازی از نفر اول می‌خواهد تا پیام را آهسته طوری که دیگران نشوند به او بگوید تا مطمئن شود که او پیام را درست فهمیده است. در زمان جنگ هم از این کار برای انتقال یک مفهوم استفاده می‌شد و نفر اول ستون، پیام را از فرمانده می‌گرفت و به نفر آخر می‌رساند.

گروه سنی این بازی ابتدایی و راهنمایی است. تنها وسیله این بازی یک پیام مکتوب است. جمله‌ای که ما روی کاغذ می‌نویسیم و به نفر اول نشان می‌دهیم. این پیام‌ها حاوی یک سری مفاهیم اخلاقی هستند. جملاتی مثل «توب دلت را به هرکسی پاس نده» یک جمله فارسی کوتاه، اما دارای مفهوم «بعضی وقت‌ها

مزرعه دلتان را وجین کنید» می‌تواند یک آیه قرآن باشد، ولی ترجیحاً با الفاظ و واژه‌های فارسی. مثل «دل آرام گیرد به یاد خدای»

هفت سنگ

بازی هفت سنگ یک بازی قدیمی ایرانی است که در خیلی از شهرهای ایران اجرا می‌شود. هدف این بازی بالا بردن سرعت، دقت، حس تعاون و همکاری است. گروه سنی این برنامه راهنمایی و دبیرستان است. در پایه های چهارم و پنجم ابتدایی هم قابل اجرا است. هم برای پسرها و هم دخترها قابل استفاده است. بازی‌های محلی در شهرهای مختلف ایران وجود دارد، ولی متأسفانه رو به فراموشی است و ما می‌توانیم با زنده کردن این بازی‌ها در اردو، هم فضای شاد و با نشاط ایجاد کنیم و هم به حفظ این بازی‌ها کمک کنیم.

وسایل لازم برای این بازی توپ ماموت یا همان توپ کوچک پارچه‌ای و هفت سنگ صاف مثل سنگ مرمر است.

نحوه اجرای بازی: یک گروه پشت سنگ قرار می‌گیرند و یک گروه در توپ در دست و طرف دیگر سنگ‌ها را روی هم می‌چینند. نفر اول گروهی که توپ را در دست دارند از فاصله‌ای مناسب توپ را به طرف سنگ‌ها قِل می‌دهد یا پرت می‌کند. اگر سنگ‌ها روی زمین ریخت گروه مقابل توپ را بر می‌دارد و به آن‌ها حمله می‌کند. توپ به هر کس بخورد از بازی خارج می‌شود. اگر در این فاصله گروه اول بتواند سنگ‌ها را دوباره بچیند، برنده است در غیر این صورت گروه دوم برنده می‌شوند. به هر حال در هر منطقه یا شهری ممکن است بازی‌های محلی وجود داشته باشد که دارای مفهوم است و حس تعاون و همکاری را منتقل کند. با شناسایی این بازی‌ها می‌توانیم آن‌ها را جایگزین بازی‌های خشن و غیر استاندارد امروزی کنیم.

اردو

شعر و سرودهای اردویی

مربی و مجری برنامه‌های فرهنگی لازم است یک سری شعرها و سرودهایی را جمع‌آوری کند^{۳۰} و در فواصل مختلف برنامه استفاده کند. به عنوان مثال گاهی وقت‌ها مربی برای افتتاحیه یا اختتامیه، آغاز جنگ میهمان یا میزبان، جشن عصرانه، جمع‌های عمومی مثل صبحگاه نیازمند یک سری اطلاعات به صورت شعر است تا مطالبش را در قالب غیر مستقیم به دانش‌آموزان منتقل کند. در بعضی از مواقع مثل کوهنوردی، پیاده‌روی، جنگل‌نوردی هم این شعرها قابل اجرا است به شرطی که دانش‌آموزان آن‌ها را حفظ کرده باشند.

شعرها و سرودها معمولاً با سه قالب و هدف طراحی و اجرا می‌شود. یکی بحث در وصف طبیعت، فصل‌ها و زیبایی‌های آن است که بیش‌تر در تابستان اجرا می‌شود. یک بخش و یک گروه از شعرها و سرودها مربوط به اعتقادات ملی، مذهبی و دینی است و بخشی از شعرها مربوط به خود اردو است که گاهی اشکالات و ایرادات اردو و گاهی عشق ورزیدن به مربی و گاهی شیرینی‌های اردو است. یکی از شعرها «دیگه نمی‌یام به اردو» است، که با موسیقی یکی از شعرها «دیگه نمی‌رم ولایت» و در روزهای پایانی اردو اجرا می‌شود. این شعر و شعرهای شبیه به این برای انتقال مشکلات اردو و نیز تخلیه روحی بچه‌ها است که تنوع و طنز هم دارد.

این‌ها، همه نمونه است، یعنی در اردوهای مختلف ممکن است شعرهای مختلف با سلیقه‌های مختلف اجرا شود. مربی باید برای تمام مراحل اردو برنامه داشته باشد. در غیر این صورت بچه‌ها برنامه‌های خودشان را اجرا

^{۳۰} - فریادهای شادی، محمود جویباری، چگونه اردو برگزار کنیم محمود اکبری

اردو

می‌کنند. شعر و سرود هم جزو همین برنامه‌ها است که اگر جایش خالی باشد، دانش‌آموزان آن را با اشعار خودشان پر می‌کنند که شاید خیلی مناسب نباشد. نکته بعدی این است که زمان‌های مرده را با برنامه‌های مفید پر می‌کنیم. شعر و سرود باعث ایجاد نشاط و شادی می‌شود.

بعضی از شعرها ممکن است مخصوص اردو نباشد، اما ویژگی‌هایی دارد که می‌تواند در اردو استفاده شود. همه کلمات این شعر معمولاً با یک حرف شروع می‌شود. یا یک حرف در تمام کلمات تکرار شده است (شین شاد و شعله و شهر و کتاب). گاهی وقت‌ها همین را به صورت مسابقه می‌توان اجرا کرد. مثلاً همین مصرع‌ها را روی یک کارت بنویسیم و چاپ کنیم و به دانش‌آموزان بدهیم و بگوییم این را با آواز بخوان یا یک آهنگ روی آن بگذار و بخوان. این کار هم طنز است و هم هنرنمایی. می‌توان هر بیت را روی یک کارت به دانش‌آموزان مختلف داد تا هر کدام بهتر خواندند مورد تشویق قرار گیرند یا جایزه و امتیازی برایشان در نظر گرفته شود. می‌توانیم بعضی از نقطه‌های اشعار را لاک بگیریم و از دانش‌آموزان بخواهیم که نقطه‌گذاری کنند. بعضی از شعرها و سرودها، شعرها و سرودهایی است که جنبه تک‌خوانی دارد یا به صورت گروهی اجرا می‌شود که در جنگ‌های شادی در برنامه‌های مختلف قابل استفاده است.

برای صلوات هم جملاتی وجود دارد مثل «دم به دم بر همه دم بر گل رخسار محمد آخرین برج رسالت منجی و هادی رهبر صلوات؛ دم به دم بر همه دم به علی شیر خدا ساقی کوثر اولین برج امامت صلوات؛ دم به دم بر همه دم بر گل گلزار نجابت گوهر پاک طهارت طاهره هم فاطمه هم راضیه هم مرضیه دخت نبی یار علی پشت ولایت صلوات.» این‌ها صفات و ویژگی‌های هر معصومی است که در این متن‌های ادبی یا شعرگونه آورده شده است. «دم به دم بر همه دم جان کلام در سخن بر رخ بیتای حسن ابن علی سبط نبی نور ولایت با کیاست با سخاوت با کرامت صلوات؛ دم به دم بر همه دم بر گل گلگون حسین قائم غیرت مرد میدان شهادت با شهامت با سیادت با شجاعت صلوات؛ دم به دم بر همه دم بر رخ زیبای علی زینت عباد زمانه به همان ساجد و سجاد و صحیفه صلوات؛ دم به دم بر همه دم بر گل خوشبوی علی باقر گلزار علوم نبوی کاشف اسرار مکرر صلوات؛ دم به دم بر همه دم عزت دم حق کرم رهبر مذهب شیعه به امام جعفر صادق، صادق آل محمد صلوات؛ دم به دم بر همه دم باب حوائج نهمین گوهر عصمت هفتمین ماه ولایت به امام موسی کاظم صلوات؛ دم به دم بر همه دم شمس دلارای علی رضوی لاملک ملک رضا را به خراسان صلوات؛ دم به دم بر همه دم چهره و سیمای جواد آن مه زیبای رضا صاحب جود و کرم و حب و لا را صلوات؛ دم به دم بر همه دم نام فرح بخش علی پور جواد را صلوات؛ دم به دم بر همه دم حسن حسن بن علی عسکری را صلوات؛ دم به دم بر همه دم صاحب دم قائم دین مهدی منتظر، منتقم حجت حق را صلوات.»

و یا این شعری که باز به یاد امام زمان است

گریه عاشقان بی اثر نیست مهدی از حال ما بی خیر نیست

اردو

بی تجلای خورشید رویش روشنی در نگاه بشر نیست
برای بعضی از زمان‌های اردو مثل عصر جمعه این شعر خیلی با آن آهنگ
دلسوز، زیباست.

او به جز شیعه یاری ندارد شیعه را غیر خون جگر نیست
ای بسا شب که رفت و سحر شد شام هجران ما را سحر نیست
بی چراغ است و دلگیر و تاریک آسمانی که در آن قمر نیست
شیعه باشد جدا از امامش مثل طفلی که او را پدر نیست
در دل تنگ چشم انتظاران جز غم مهدی منتظر نیست
یابن زهرا کجایی که بی توروژی از روز ما تیره‌تر نیست
تربت مادرت را نشان ده قبر مادر نهان از پسر نیست
اگر این‌ها تایپ و تکثیر شود و در دست دانش‌آموزان قرار گیرد می‌توانند
همکاری و مشارکت کنند.

مسابقات مکتوب

یکی از کارهایی که در برنامه‌های اردویی می‌توانیم استفاده کنیم، مسابقات
مکتوب است. بالای صفحه نام و نام خانوادگی و به طور کلی مشخصات
موردنیاز دانش‌آموز و در پایین، متن مسابقه را قرار می‌دهیم. مثل مسابقه
نقطه‌گذاری ذیل که نامش «دوبرادر» است.

«جبرئیل و میکائیل از فرشتگان خوب خدا بودند خداوند به آنان فرمود: شما
دو فرشته با هم برادر هستید، کدام یک از شما می‌توانید عمر خود را به برادر
دیگر بدهید و زودتر بمیرید آن دو سر به زیر انداختند و حرفی نزدند، چون
هر دو دوست داشتند زنده بمانند، خداوند فرمود: به زمین نگاه کنید آن‌ها از بالا
به خانه کوچکی در شهر مکه نگاه کردند. حضرت علی(ع) را دیدند که در

رختخواب پیامبر خوابیده تا اگر کافران تصمیم گرفتند پیامبر را بکشند او به جای پیامبر کشته شود. خداوند فرمود: آیا می‌توانید مانند حضرت علی(ع) باشید که حاضر شد برای زنده ماندن برادرش محمد، جان خود را فدا کند جبرئیل و میکائیل حرفی نزدند چون خودشان بهتر می‌دانستند که نمی‌توانند مانند حضرت علی باشند.» این یکی از ویژگی‌ها و خصلت‌های حضرت علی است که ما در قالب نقطه‌گذاری ارائه کردیم. یا متن بعدی که برای مقطع ابتدایی با عنوان «مورچه» نوشته شده است. در مقدمه این متن می‌نویسیم. دوست عزیز سلام در جملات زیر، برخی کلمات حرف اول و آخر خود را از دست داده‌اند. آیا می‌توانید آن حرف‌ها را حدس بزنید؟ «به مورچه و اندام کوچکش نگاه کنید و به ظرافت اعضای بدنش که به راحتی با چشم دیده نمی‌شود. به سادگی نمی‌توان این زیبایی‌ها را درک کرد. ببینید چگونه روی زمین راه می‌رود و برای به دست آوردن غذای خودش کوشش می‌کند! دانه را به لانه خود می‌کشانند و در جای مخصوصی انبار می‌کند! این‌ها را در تابستان برای روزهای سخت زمستان ذخیره می‌کند. این متن ترجمه خطبه ۱۸۵ نهج البلاغه است، یعنی ما مورچه را از زبان حضرت علی(ع) برای دانش‌آموزان معرفی کردیم. یا متن بعدی که برای دانش‌آموزان مقطع راهنمایی به نام «یار قرن» است. تعدادی سؤال بالای برگه است و پایین برگه هم جدولی به نام والدین است که باید به سؤالات جواب بدهند و جدول را کامل کنند و در نهایت ترجمه یک آیه را که در پایین صفحه است باید کامل کنند.

سؤالات:

۱. میوه دو حرفی برای مربا که جوابش به است. ۲. زشت و کثیف که یک کلمه چهار حرفی است که جوابش پلید است. ۳. نه دست دارد و نه پا از همه

اردو

جا خبر دارد، که جوابش می‌تواند رادیو یا نامه باشد. وقتی پاسخ‌ها کامل شد، آن‌ها را درون دایره‌ها مطابق شماره می‌نویسیم و در پایان به پیام راز دایره‌ها می‌رسیم که مثلاً این آیه است: «پروردگارت دستور داد که جز او را پرستش نکنید و به پدر و مادر نیکی کنید» که جمله «به پدر و مادر نیکی کنید» پیام این صفحه است که با کلمه «والدین» کامل می‌شود. یا متن بعدی که کدام به کدام مربوط است. یک سری اطلاعات درباره احکام شرعی است که با شماره‌گذاری سؤالات، کلمات درون بیضی را به توضیحات داده شده ارتباط می‌دهیم. ۱. ناآگاهی که امکان یادگیری احکام و مسائل الهی را داشته، ولی کوتاهی کرده است. به این آدم می‌گوییم جاهل مقصر. یا مثلاً با صدای بلند حمد و سوره خواندن که به آن جهر می‌گویند. یا نماز مستحبی که جوابش نافله است؛ یعنی نافله را که درون بیضی‌ها است باید با خط وصل کند به این سؤالی که الان مطرح شده است. یا برگه‌ای که برای مقطع دبیرستان طراحی شده است. «دایره در دایره» دایره‌های مختلفی که حروف مختلفی در آن‌ها نوشته شده است. بعضی از حروف مشترک بین دو دایره است که ممکن است دایره کناری، بالایی، یا پایینی، باشد. مثلاً ذکر مستحبی که در تشهد واجب می‌شود که پاسخش صلوات است. صلوات در دایره ۱ نوشته می‌شود، اما لام آن با دایره ۲ مشترک است. ۲. پیروی از مجتهد پاسخش تقلید است، لامش با لام صلوات مشترک است و ... این مسابقه پیام خاصی ندارد، فقط این جدول را به صورت چهار طرف حل می‌کنند تا احکام را یاد بگیرند.

پرواز در آسمان خیال هم مسابقه دیگری است که به دانش‌آموزان فرصت می‌دهد در رابطه با موضوعی خاص فکر کنند، خیال کنند و تخیلاتشان را بنویسند، مثلاً «اگر من جای مسئول اردوگاه بودم ...» یا «ای کاش من یک تکه

ابر بودم» یا «اگر من در آسمان‌ها بودم...» یا «نامه‌ای به خدا»، «نامه‌ای به امام زمان(ع)» و ... به عنوان نمونه دانش‌آموزی نوشته «سلام بر تو ای خدایی که این همه نعمت به ما هدیه کردی، خدای خوب و مهربانم! اگر جویای حال من باشی که هستی، حالم خوب است و هیچ نگرانی ندارم. دوست دارم که شما هم مثل من همیشه سلامت باشی. چند خواسته داشتم. ان‌شالله که بعد از رسیدن این نامه به شما آن‌ها را برآورده فرمایی. دوست دارم اشک‌های بچه‌های یتیم و فلسطینی پاک گردند و دیگر ناله‌ای از درد بی‌پدری و بی‌مادری در این جهان شنیده نشود، دوست دارم دیگر کسی فقیر نباشد، در گرما نسوزد و در سرما یخ نزند، لباس گرم و سرد داشته باشد تا بپوشد و وسایل گرم‌کننده و سردکننده داشته باشد تا بتواند چای داغ در زمستان و آب خنک در تابستان بنوشد، دوست دارم دیگر وصله‌ای بر پیراهن و شلوار کسی نبینم، دوست دارم همه بچه‌ها دفتر و کتاب داشته باشند و دیگر کسی نباشد که با دیدن لباس نو دیگری حسرت بخورد، دلم می‌خواهد معلم و همکلاسی‌هایم همیشه در زیر سایه خدایت با یکدیگر مهربان باشند.» یا دانش‌آموز دیگری نوشته بود. «به نام خودت به نام تو که بی‌همتایی به نام تو که قادری، آیا به راستی می‌توانم بنده شایسته‌ای برای تو باشم؟ آخر چگونه، چطور، به چه وسیله‌ای؟ ای خدایی که برای بندگان شایسته‌ات قرآن را به وسیله بزرگ پیامبر اسلام به ارمغان آوردی و کلام گوهر بارت را از زبان مقدس آن بزرگوار تبلیغ کردی!» یا دانش‌آموز دیگر در نامه‌اش خطاب به خدا مطلب خیلی جالبی می‌نویسد که باز می‌خواهیم برداشت دانش‌آموزان را از خدا بگوییم. می‌گوید: «خوب خدا! مثل اینکه خیلی حرف زدم. امیدوارم که حرف‌های من کفر و بد نباشد دیگر دیروقت است باید بروم بخوابم، چون فردا صبح باید به مدرسه بروم خدای

اردو

خوب و مهربان، پدر و مادر و معلم و همه بزرگان می‌گویند که قدرت تو خیلی زیاد است و هر کاری را که بخواهی می‌توانی انجام دهی، پس به تقاضای من گوش کن. نمی‌دانم در پایان نامه‌ام بنویسم خدا نگهدار باشد یا نه، اما این که اشتباه است، چون خودت خدا هستی و نگهدار همه‌ای، پس این‌طور می‌گویم، خدایا! اگر اشتباهی در نامه یا در زندگی از من سر زده به بزرگواری خودت ببخش و همه ما انسان‌ها را در جهان آخرت به بهشت خویش ببر آمین»

این نمونه‌ای از مسابقات مکتوب و کارهایی است که می‌توانیم در اردوگاه و برنامه‌های اردویی بگنجانیم.